

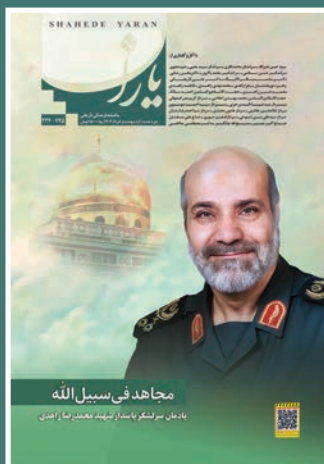
نشانی: تهران، خیابان آیت الله طالقانی - کوچه غفارزاده - جنب ساختمان  
 جهاد کشاورزی - طبقه ششم - اداره کل اسناد و انتشارات  
 صندوق پستی: ۱۵۹۳۶۴۷۷۱۱  
 امور مشترکین: زهرا خسروی  
 تلفن: ۸۳۲۳۲۶۵۰



Email: Yaran@NavideShahed.com  
 www.NavideShahed.com  
 WWW.NAVIDESHAHED.IR



- شاهد یاران از پژوهش‌های محققان درباره موضوعات نشریه استقبال می‌کند.
- شاهد یاران در تلخیص و اصلاح آثار ارسال آزاد است.
- آثار ارسال مسترد نمی‌شود.
- نقل مطالب شاهد یاران با ذکر مأخذ بلامانع است.
- نظرات مصاحبه شوندگان الزاماً موضع مجله نیست.



صاحب امتیاز: بنیاد شهید و امور ایثارگران  
 مدیر مسئول و سردبیر: سعید گنجی کردقشلاقی  
 مدیر اجرایی: سیده فاطمه رضایی  
 ناظر محتوا: نادر دقیقسی  
 دبیر تحریریه: مهدی حسین‌زاده  
 امور فنی: پرستو سلیمانی  
 طراح و صفحه‌آرا: سارا حسین‌زاده  
 مجری: داده‌پردازان آل‌طه  
 چاپ: چاپخانه سازمان فرهنگی - سیاحتی کوثر

- ۲ سخن سردبیر
- ۴ پیام مقام معظم رهبری در پی شهادت سرلشکر محمدرضا زاهدی
- ۵ سخنان شهیدسیدحسن نصرالله در وصف شهید محمدرضا زاهدی
- ۶ مجاهد فی سبیل الله / زندگی سرلشکر شهید محمدرضا زاهدی در یک نگاه
- ۱۳ باتقوا و مهربان / زهره نوربخشان
- ۱۷ گوهر گرانمایه برای انقلاب و اسلام / زهرا زاهدی
- ۱۹ قهرمان مقاومت / محمد مهدی زاهدی
- ۲۶ دلآوری که در سکوت مبارزه کرد / فاطمه زاهدی
- ۲۸ جهادگر فی سبیل الله / محمد حسین زاهدی
- ۳۱ مجاهدی نستوه / حجت الاسلام والمسلمین محمد مهدی اخلاصی
- ۳۶ شهید محمدرضا زاهدی در توصیف فرماندهان و مسئولین
- ۴۴ شهیدالقدس / حجت الاسلام والمسلمین احمد سالک
- ۴۸ فرماندهی مقتدر و سربازی دلآور / سردار سیدضیاءالدین حزنی
- ۵۱ هم‌چون مالک اشتر در میدان‌های نبرد / سردار کریم نصر اصفهانی
- ۵۵ نابغه در مسائل نظامی / سردار هامون محمدی
- ۶۰ مهاجر الی الله / سردار غلامحسین هاشمی
- ۶۵ سپر مستحکم در محور مقاومت / سردار سیداحمدرضا رضیان
- ۶۹ با ولایت تا شهادت / حاج علی مسجدیان
- ۷۱ یاور مظلومان در جهان / دکتر مصطفی صالحی
- ۷۵ رفیق مهربان / مسیح الله توانگر
- ۷۹ سرشار از معنویت و اخلاص / سردار سید احمد موسوی
- ۸۳ یاور حاج قاسم سلیمانی / سردار اصغر صبوری
- ۸۵ فرماندهی شجاع و زاهد / حاج اکبر نصر
- ۸۸ واکنش‌های بین‌المللی به حمله تروریستی رژیم صهیونیستی به ساختمان کنسولگری ایران در سوریه
- ۹۰ مروری بر آخرین سخنان شهید محمدرضا زاهدی در جمع تعدادی از بستگان
- ۹۲ اهداف و دستاوردهای عملیات «وعده صادق» علیه جنایات رژیم صهیونیستی
- ۹۶ شعری در وصف شهید محمدرضا زاهدی / محمد مهدی عبداللهی

## دیباچه

در طول عمر ۴۷ ساله انقلاب اسلامی؛ صهیونیست‌ها، ماجراجویی‌های مختلفی را برای ضربه به نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران در ذهن داشته و مسیرهای مختلفی را طی کرده‌اند. ترور دانشمندان هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و خرابکاری در تاسیسات هسته‌ای در سال‌های نه‌چندان دور، تنها جلوه کوچکی از جنایت‌های این رژیم جعلی است. البته هر بار نیز به طرق مختلف، پاسخ جنایت‌های خود را دریافت کرده و طعم سیلی از ملت ایران را چشیده است. علی‌رغم دست و پایی که این رژیم جعلی در طول این سال‌ها برای ادامه بقای خود زده، روز به روز بیشتر در باتلاق نابودی فرو رفته است. رژیم کودک‌کش و غاصب صهیونیستی، با اعمال خشونت‌های افراطی، ماهیت پلید خود را بیش از گذشته به منصف‌ظهور گذاشته است. این رژیم غاصب، امروز در تاریک‌ترین نقطه تاریخ خود قرار گرفته و بیش از هر زمان دیگری با انزوای بین‌المللی روبرو شده است. امروزه؛ چهره واقعی و شیطانی این رژیم جنایتکار برای کشورهای جهان و نظام بین‌الملل آشکار شده است. رژیم اشغالگر صهیونیستی با نقض مقررات و قوانین بین‌المللی و تداوم تقویت تروریسم در منطقه، سعی در ایجاد تفرقه در بین مسلمانان را دارد. دژخیمان صهیونیستی به نقطه‌ای از ضعف و استیصال رسیده که هر روز بیشتر از قبل، رو به اضمحلال می‌رود. رژیم صهیونیستی؛ کارنامه‌ای سراسر آلوده به خون مردم بی‌دفاع داشته و همه مردم در اقصی نقاط جهان، جنایات این رژیم نامشروع را شاهد بوده و هیچ ملتی به ویژه مسلمانان و کشورهای منطقه، از جنایت این رژیم غاصب در امان نبوده‌اند. عملیات طوفان الاقصی که به دست دلاورمردان حماس و جوانان فلسطینی به وقوع پیوست، ضربه‌ای کوبنده به پیکر پوسیده رژیم صهیونیستی بود. عملیات طوفان الاقصی، هیمنه خیالی که رژیم صهیونیستی از خود در پیش چشم جهانیان ساخته بود را از هم فروپاشید؛ اما صهیونیست‌ها برای برخوردن از زیر آوارهای فروریخته بر سر خود، از هیچ جنایتی کوتاهی نکرده و دیوانه‌وار؛ حمله به مراکز درمانی، مدارس و محل اسکان مردم بی‌پناه را در پیش گرفتند، غافل از اینکه نه تنها، دیگر رویای گنبد آهنین آنان نزد جهانیان اعتبار نداشته، بلکه خوی وحشی‌گری آنان نیز بیش از گذشته در چشم همگان، آشکار شد. اما یکی از خطاهای استراتژیکی که این رژیم جعلی در طول تمام جنایت‌های خود تا آن مقطع زمانی انجام داد، حمله به کنسولگری ایران در دمشق بود. در روز دوشنبه ۱۳ فروردین ماه ۱۴۰۳، خبر حمله موشکی به دمشق منتشر شد، حمله‌ای که در آن، کنسولگری ایران مورد هدف قرار گرفت. در نتیجه این حمله، سردار سرتیپ پاسدار محمدرضا (علی) زاهدی از فرماندهان ارشد نیروی قدس سپاه پاسداران، معاون و دیگر همراهان او به شهادت رسیدند. این جنایت رژیم نامشروع و غاصب صهیونیستی که در سالروز شهادت امیرالمومنین علی (ع) اتفاق افتاد، خشم و انزجار ایرانیان را برانگیخت و مسئولان، روحانیون و مردم ایران اسلامی این جنایات را محکوم کردند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی مهم تأکید

کردند: «سردار زاهدی از دهه شصت در میدان‌های خطر و مجاهدت، چشم انتظار شهادت بود. آنها چیزی را از دست نداده و پاداش خود را دریافت کرده‌اند، ولی غم فقدان آنان برای ملت ایران به‌ویژه هر که آنان را می‌شناخت، سنگین است. رژیم خبیث به دست دلاورمردان ما مجازات خواهد شد. آنها را از این جنایت و امثال آن پشیمان خواهیم کرد به حول و قوه‌ی الهی.»

رژیم صهیونیستی با این اقدام جنایتکارانه، پای خود را فراتر از خط قرمز نظام جمهوری اسلامی ایران گذاشت و پاسخ به این تجاوز، مطالبه‌ای عمومی شد. صهیونیست‌ها خود نیز به حماقت خود پی برده و از لحظه وقوع این جنایت، از پاسخ ایران وحشت داشتند. اما در نهایت لحظه موعود فرا رسید و طولی نکشید که رژیم غاصب صهیونیستی، پاسخ این حماقت خود را از دست توانای نیروهای نظامی ملت ایران دریافت کرد. در بامداد ۲۶ فروردین ماه بود که عملیات «وعده صادق یک» در پاسخ به حمله رژیم صهیونیستی به کنسولگری ایران در دمشق انجام شد. عملیاتی وسیع که برای چندین ساعت نه تنها چشم مردم ایران، بلکه جهانیان را به آسمان و صفحه مانیتورها جلب کرد تا بارش موشکی جمهوری اسلامی ایران را نظاره‌گر باشند. شهید محمدرضا زاهدی که به حاج علی معروف بود، جزو رزمندگانی است که در سن ۱۸ سالگی به جبهه شتافت و در لباس بسیج، درجه فرماندهی را کسب کرد. پس از شهادت حاج حسین خرازی، به فرماندهی لشکر امام حسین<sup>(ع)</sup> رسید و تا سال ۱۳۷۰ در این سمت مشغول به فعالیت بود و پس از آن تا سال ۱۳۷۶ فرماندهی لشکر ۱۶ قدس گیلان را بر عهده گرفت. شهید حاج قاسم سلیمانی با توجه به شناختی که از توانمندی شهید زاهدی داشت، وی را به عنوان فرمانده نیروهای مستشاری در لبنان معرفی و ارتباطی که شهید زاهدی با سیدحسن نصرالله برقرار کرده بود باعث شد تا این حضور در دو مرتبه دیگر ادامه داشته باشد. توانمندی شهید زاهدی در زمینه‌های نظامی باعث شد تا ضربات مهلک بر پیکر دشمن وارد شود. سردار زاهدی؛ با آنکه در سکوت در حال مبارزه بود اما صدای شکستن استخوان‌های رژیم صهیونیستی با تلاش‌های وی بارها شنیده شده است. پس از گذشت دو سال از حضور سردار زاهدی در لبنان، باعث شد تا رژیم صهیونیستی مجبور به عقب‌نشینی از جنوب لبنان شده و پیروزی بزرگی برای حزب‌الله کسب شود. شهید سید حسن نصرالله، تعبیر زیبایی از مجاهدت شهید زاهدی در محور مقاومت داشته و از وی به عنوان «مهاجر الی الله» یاد کرده یعنی فردی که خانه و خانواده را ترک و با قرار گرفتن در مسیر مبارزه، به سمت خداوند حرکت کرد. سرلشکر شهید محمدرضا (علی) زاهدی، الگویی ماندگار از ایثار، شجاعت و خدمت به مردم است. او با فداکاری، جان خود را در مسیر انقلاب اسلامی نثار کرد و باعث شد تا یاد او در تاریخ انقلاب اسلامی ماندگار شود. پیکر مطهر وی، در میان اندوه بسیاری از مردم منطقه، تشییع و در اصفهان به خاک سپرده شد. مجموعه‌ای که فراروی شماست، تلاش کرده است تا زوایای مختلف زندگی این شهید را برپایه مستندات و شواهد مورد واکاوی و بررسی قرار دهد.



## پیام مقام معظم رهبری در پی شهادت سرلشکر محمدرضا زاهدی

سردار رشید و فداکار اسلام، سرلشکر پاسدار محمدرضا زاهدی، در کنار هم‌رزم بزرگوارش سردار محمدهادی حاج‌رحیمی، با جنایت رژیم غاصب و منفور صهیونیست به شهادت رسیدند. سلام و رحمت خدا و اولیایش بر آنان و دیگر شهیدان این حادثه، و لعنت و نفرین بر سردمداران رژیم ظالم و متجاوز. شهیدان ما از خداوند مهربان خود، نشان قبول مجاهدتِ درازمدت خود را دریافت کردند و هم‌اکنون در جمع اولیاء و صلحاء، متنعم به نِعَم الهی‌اند. سردار زاهدی از دهه شصت در میدان‌های خطر و مجاهدت، چشم انتظار شهادت بود. آنها چیزی را از دست نداده و پاداش خود را دریافت کرده‌اند، ولی غم فقدان آنان برای ملت ایران به‌ویژه هر که آنان را می‌شناخت سنگین است. رژیم خبیث به دست دلاورمردان ما مجازات خواهد شد. آنها را از این جنایت و امثال آن پشیمان خواهیم کرد به حول و قوه الهی.

والسلام علی عبادالله الصالحین  
سید علی خامنه‌ای  
۱۴ فروردین ۱۴۰۳  
منبع: Khamenei.ir



## سخنان شهید سید حسن نصرالله در وصف شهید محمدرضا زاهدی

حضور سپاه پاسداران ایران در سوریه و لبنان به سال ۱۹۸۲ پس از حمله اسرائیل به لبنان بازمی‌گردد؛ در نتیجه احساس مسئولیت حضرت امام خمینی (ره)، ایشان تصمیم گرفتند برای حمایت از لبنانی‌ها و سوری‌ها در مقابله با تهاجم اسرائیل به لبنان و سوریه نیرو اعزام کنند. وجود مستشاران ایرانی در منطقه، کمک به مقاومت فلسطین و لبنان برای مقابله با دشمن اسرائیلی بوده است. دشمن اسرائیلی از این حملات یک هدف را تعیین کرده است؛ هدفش اخراج نیروهای ایرانی از سوریه است. اما این برادران عزیز، وظیفه خودشان را که امر مهمی است، انجام می‌دهند، به همین دلیل دشمن اسرائیلی نتوانسته است با وجود ترور مستشاران ایرانی، به اهداف خود برسد. مستشاران ایرانی، اصرار دارند جهت پشتیبانی از مقاومت لبنان، فلسطین و حتی حمایت از سوریه در سوریه بمانند اما عده‌ای از افراد به گونه‌ای جلوه می‌نمایند که ایران به جای سوریه تصمیم می‌گیرد، اما این درست نیست، فرماندهان سوریه خود تصمیم می‌گیرند؛ کمک‌های ایران به سوریه برای مقابله با جنگ جهانی علیه سوریه است. آنچه در این حمله قابل توجه است، حمله به خاک ایران است، کنسولگری ایران هدف قرار گرفته است؛ یک مرکز یا ساختمان همانند قبل، هدف قرار نگرفت بلکه کنسولگری و خاک ایران مورد هدف قرار گرفت. امام خامنه‌ای و مسئولین ایرانی تصمیم قاطع گرفته‌اند که پاسخ ایران به طور مستقیم خواهد بود؛ آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها پذیرفته‌اند که جمهوری اسلامی ایران پاسخ خواهد داد؛ همه منتظر پاسخ کوبنده ایران هستند. حاج زاهدی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با دارا بودن سن کم، در جبهه‌های مختلفی فعالیت خود را آغاز و شجاعت و درایت خود را نشان داد. این فرماندهان در دانشگاه‌های نظامی درس نخواندند بلکه با هوش و استعدادشان مبارزه کرده و ارتقا یافتند. این شهید، جانباز جنگ تحمیلی بود و از مجروحیت‌های آن رنج می‌برد؛ پس از جنگ نیز مسئولیت‌های بسیاری در ایران به ایشان محول شد؛ با شروع فرماندهی حاج قاسم در فرماندهی نیروی قدس، شهید زاهدی به‌عنوان مجموعه سپاه در منطقه انتخاب شد. در ۲۰۰۲ ماموریت حاج زاهدی در لبنان به اتمام رسید و در حالی که ما تمایل داشتیم ایشان کماکان در لبنان حضور داشته باشد، اما به ایران بازگشت. در مرحله دوم، وی بعد از شهادت حاج عماد مغنیه به لبنان بازگشت و با حاج قاسم توافق کردیم تا شهید زاهدی به لبنان بازگردد. بعد از شهادت عماد مغنیه، ایشان حدود ۶ سال در لبنان حضور داشته و در سال ۲۰۱۴ لبنان را ترک کردند. مرحله سوم حضور ایشان بعد از شهادت حاج قاسم سلیمانی در سال ۲۰۲۰ بود و تا زمان شهادت ادامه داشت. این فرمانده عزیز و بزرگ در همه شرایط سخت جنگ‌ها، ۱۴ سال از عمر خویش را در کنار ما در لبنان گذراند. شهید زاهدی مجاهد فی سبیل الله بود؛ فرماندهی مجاهد، فداکار، مومن، متواضع، حمایت‌کننده، اهل نصیحت، تلاش‌گر و خستگی‌ناپذیر بود. ایشان مهاجر الی الله بوده و خانه و خانواده خود را برای یاری به مظلومان ترک کرده بود. در شادی ما شاد و در غم ما شریک بود. شجاعت وی بی‌نظیر بود و در خطوط مقدم حضور داشت. آخرین مرتبه‌ای که به لبنان آمد اظهار داشت که بارها به لبنان آمده‌ام اما این مرتبه در لبنان حاضر شده‌ام و هدف من این است که این حضور به شهادت ختم شود. ایشان اشاره کردند که قصد دارند سریع‌تر مسیر خود را تکمیل کرده و با شهادت خویش به حاج قاسم سلیمانی بپیوندند. منبع: خبرگزاری قدس

## زندگی سرلشکر شهید محمد رضا زاهدی در یک نگاه

به قلم سیدعلی بنی لوحی

# مجاهد فی سبیل الله

### درآمد

سرلشکر پاسدار محمد رضا زاهدی در اول شهریور ۱۳۴۰ در خانواده‌ای روحانی در اصفهان متولد شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در هفده سالگی به جبهه غرب شتافت و با شهید حسین خرازی آشنا شد. محمد رضا زاهدی در عملیات‌های مختلف در دفاع مقدس حضور داشت و تا پایان جنگ تحمیلی به رشادت مشغول بود. سرلشکر زاهدی که از فرماندهان نیروی قدس سپاه بوده در ۱۳ فروردین ماه ۱۴۰۳ در دمشق به دست رژیم منحوس صهیونیستی در کنسولگری ایران در سوریه به شهادت رسید. در ادامه تلاش کرده‌ایم تا زندگی مبارزاتی شهید محمد رضا زاهدی را به صورت کوتاه بیان کنیم. این نوشتار به قلم سیدعلی بنی لوحی، از دوستان و هم‌زمان شهید زاهدی است که با ویرایش نشریه شاهد یاران همراه بوده است.



### تولد در خانواده‌ای روحانی

محمد رضا؛ فرزند حجت‌الاسلام والمسلمین حاج محمد زاهدی، در اولین روز شهریور ۱۳۴۰ در یکی از محلات مرکزی شهر اصفهان به دنیا آمد. محمد رضا مانند بسیاری از جوانان نسل خود، نماد این فراز تاریخی بود که وقتی امام خمینی<sup>(ع)</sup> را به زندان قیصریه بردند، در پاسخ یکی از عمال رژیم شاه که با طعنه به ایشان گفته بود «پس یاران شما کجا هستند؟» فرمودند: «طرفداران من اکنون در گهواره‌ها هستند.»

محمد رضا؛ پسر هفتم از نه فرزند پسری بود که شیخ محمد در کنار یک دختر خانواده، تلاش کرد با رزق حلال آنها را تربیت کند. پدر خانواده که روحانی مردمدار و خودساخته‌ای بود، برای امرار معاش، دکان آهنگری داشت و در کنار درس و بحث و امامت مسجد، به این شغل سخت، مشغول بود. شیوه زاهدانه شیخ محمد زاهدی باعث شده بود تا مردم، او و فرزندانش را از صمیم قلب دوست بدارند. حاج‌علی تعریف می‌کرد: «پدرم ما را به حمام عمومی می‌برد و بدن‌مان را با دست‌های خود صابون می‌کشید. آنقدر دست‌های ایشان از شدت کار با آهن آلات زبر و خشن بود که پوست بدن ما کنده می‌شد.» مادر خانواده هم زنی فاطمی و الگویی از ایمان و تقوا برای همه بود.

### پیروزی انقلاب اسلامی و گام در عرصه جهاد

محمد رضا ۱۷ ساله بود که انقلاب اسلامی به پیروزی رسید. در این مقطع، او با شور انقلابی مثال‌زدنی، پس از عبور از روزهای بحرانی، تقابل با رژیم پهلوی در منزل آیت‌الله خادمی که به اولین حکومت نظامی انجامید، وارد عرصه جهاد و سازندگی شد. پس از آن با شرکت در یک دوره آموزشی کوتاه‌مدت نظامی و با شدت گرفتن بحران کردستان و تلاش یاران امام<sup>(ع)</sup> برای آزادسازی سنندج، در ۱۸ سالگی لباس جهاد بر تن کرد. در ماه‌های اول سال ۱۳۵۹ در چند عملیات پاکسازی شرکت کرد و در یکی از پایگاه‌های تصرف‌شده، مستقر گردید.

### آشنایی با شهید حسین خرازی و همراهی

#### وی تا شهادت

شهید زاهدی در تیرماه ۱۳۵۹ به گروه واکنش سریع ضربت پیوست که فرماندهی آن به حسین خرازی سپرده شده بود؛ این آغازی با خیر و برکت فراوان برای او و یارانی بود که پس از اثرگذاری در آزادسازی بخش‌های مهمی از کردستان با شروع جنگ تحمیلی راهی خوزستان شدند.

است: «درگیری شدید بود و بچه‌ها در دشت پخش شده بودند. ما جلوتر از همه نزدیک به نیروهای زرهی دشمن بودیم. جلوی ما پل «مارد» در عمق جبهه دشمن بود. حرکت نهایی ما به طرف عمق منطقه دشمن، شروع شد. شهید عسگری که راننده تانک بود، بلایی سر عراقی‌ها درآورد که قابل بیان نیست؛ وحشتناک بود. یک ستون بسیار زیاد از تانک و نفربر عراقی در حال فرار به سمت پل «قصبه» بودند. حدود سه‌ربع بعد، تعداد محدود از نیروهایی که از خط رضایی‌ها حمله کرده بودند به ما رسیدند و الحاق کردیم.» اوج این حضور، زمانی بود که عراقی‌ها از پل مارد پاتک کردند و علی‌آقا در کنار مصطفی‌ردانی‌پور، در میان نگاه بهت‌زده رزمندگانی که شدت حادثه آنها را زمین‌گیر کرده بود، با شلیک‌های مداوم «آرپی‌جی» با گوش‌هایی که از شدت انفجار خونین بود، پیروزی بزرگ یاران امام<sup>(ع)</sup> را تثبیت کردند. حالا مرد میدان ما، برای خودش فرماندهی مورد اطمینان شده بود. بسیجی قهرمانی که حالا فقط عنوان

اندیشه و تفکر بسیجی در جبهه حق بود که حاج‌علی زاهدی، یکی از اثرگذارترین بسیجی‌ها در خلق این اندیشه جهادی بود.

#### ❖ نائل شدن به درجه رفیع جانبازی

علی‌آقا به سرعت دوران مجروحیت را پشت‌سر گذاشت. با اجرای عملیات فرمانده کل قوا، فرماندهان جبهه «دارخوین» مانند حسین خرازی و مصطفی‌ردانی‌پور در «خط شیر»، خوب فهمیدند که چه جواهر ارزشمندی را در اختیار دارند. علی هرچند لنگ‌لنگان، اما خود را به عملیات ثامن‌الائمه<sup>(ع)</sup> در ۱۳۶۰/۷/۵ رسانید. حالا او در بین هشت فرمانده اصلی و قابل توجه جبهه «دارخوین» قرار داشت. او در زمان اجرای طرح مانور عملیات، سوار بر تانکی خط‌شکن شد و از نهر شادگان که معبری دشوار و اجرای عملیات از آن غیرممکن بود، وارد عملیات شد.

روایت «شهید زاهدی از جبهه دارخوین» خواندنی

به خاطر اثرگذاری زیاد گروه ضربت در مهار بحران کردستان، این گروه به «گردان ضربت» مشهور شده بود. با شروع جنگ تحمیلی، این گروه با دستور فرماندهان، به سمت منطقه جنوب حرکت کرد و در تاریخ ششم آبان‌ماه سال ۱۳۵۹ به خوزستان رسید. پس از توقف اولیه در مرکز فرماندهی جبهه جنوب (گلف) همراه با یحیی رحیم صفوی به جبهه دارخوین رفت تا با جلوگیری از پیشروی لشکر ۳ زرهی عراق در شرق کارون، به منظور محاصره اهواز از این سمت، خط دفاعی پرپرکت «شیر» را در روستای محمدیه واقع در شمال آبادان تشکیل دهد. خط شیر؛ میعادگاه عاشقانی بود که در سال‌های بعد، حدود دویست نفر از آنها که خالصانه در آن خط حضور داشتند، به شهادت رسیدند. محمدرضا که در خط شیر به «علی‌آقا» معروف بود، دوران رشد و سیر الی‌الله خود را از آنجا و در کنار مردانی دوست‌داشتنی چون شهیدان عسگری، رضایی، خرازی و ردانی‌پور شروع کرد. «محمدرضا» که از این به بعد او را «علی‌آقا» یا «حاج‌علی» صدا می‌زنیم در تمام هشت ماه دوره حیات خط شیر، در آنجا مستقر بود؛ خطی مقدس با سنگ‌های حفره روباهی و نمازهای شبی که در اوج عرفان بود.

#### ❖ قهرمان منطقه «خط شیر»

تضاد عملکرد بنی‌صدر با مبانی فکری امام خمینی<sup>(ع)</sup> مخصوصاً پس از وقایع ۱۴ اسفند ۱۳۵۹، اولین رئیس جمهور ایران بعد از انقلاب اسلامی را بیش از پیش به دامان سازمان منافقین کشاند. انحراف بنی‌صدر مشکلی بود که تأثیرات تعیین‌کننده‌ای در صحنه نبرد با دشمن متجاوز به وجود آورده بود. رزمندگان «خط شیر» تصمیم گرفتند در آن مقطع بسیار حساس، با اجرای یک عملیات محدود، ادعای بنی‌صدر را مبنی بر بی‌اثر بودن نیروهای مردمی در جنگ خنثی کنند؛ رزمنده «خط شیر»؛ علی زاهدی، یکی از اثرگذارترین رزمندگان در تحریک فرماندهان جبهه جنوب برای اجرای عملیاتی بود که در ۱۳۶۰/۳/۲۱ با عنوان «فرمانده کل قوا، خمینی روح خدا» علیه لشکر ۳ زرهی عراق انجام و به پیروزی رسید. همان شبی که عصر آن، امام خمینی<sup>(ع)</sup> بنی‌صدر را عزل کردند این عملیات به اجرا درآمد. علی‌آقا در محور غربی جاده آسفالت اهواز-آبادان وارد عملیات شد و پس از رسیدن به خاکریز سوم دشمن، به شدت از ناحیه پا مجروح گردید. در حالی که توان حرکت نداشت و در آستانه شهادت یا اسارت بود، دوستانش با تلاش بسیار، او را به عقب آوردند. عملیات فرمانده کل قوا، طلیعه عملیات‌هایی با



« شهید زاهدی در کنار فرزند [ایام جوانی]

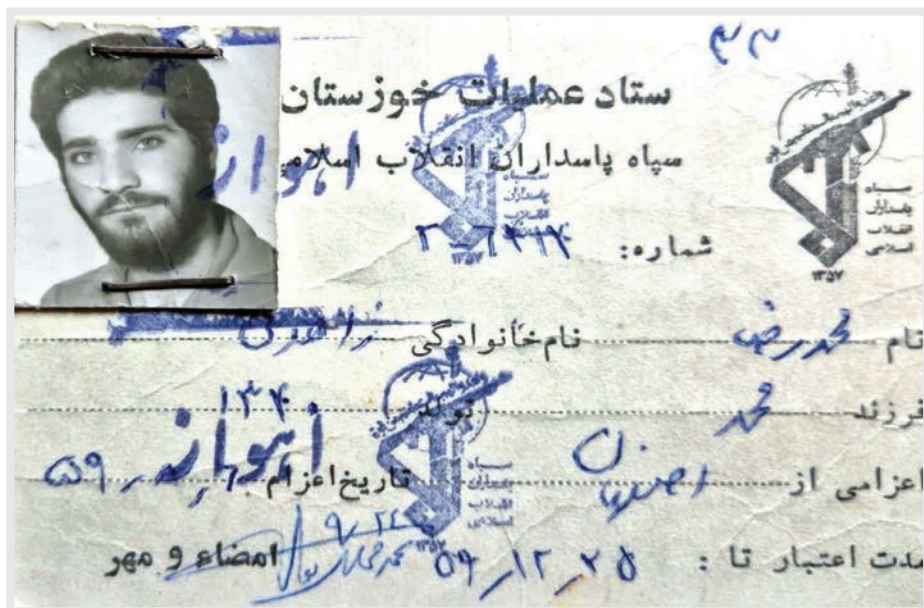
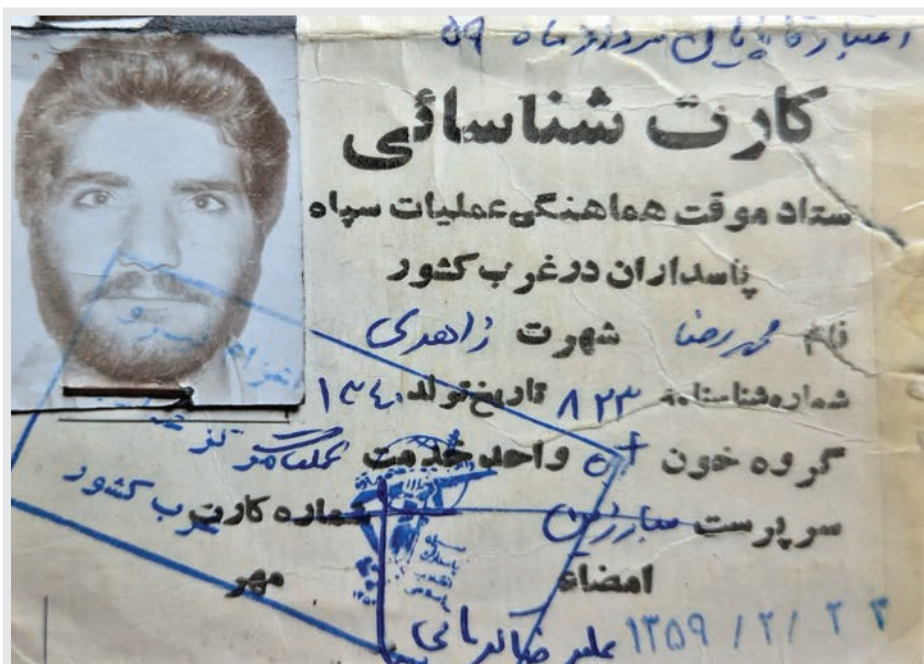
تک‌تیراندازی و خط‌شکنی را پذیرفته بود.

### ❖ رشادت در منطقه بستان و عملیات طریق‌القدس

گسترش جنگ و اتکا به رسیدن به پیروزی‌های بزرگ، فرماندهان را متقاعد کرد تا با استفاده از نیروهای بسیجی و پاسدار، تیپ‌های رزمی تشکیل دهند؛ تیپ‌هایی که از بدو تشکیل در حد یک لشکر خط‌شکن ظاهر شدند. لشکر امام حسین<sup>(ع)</sup> یکی از نه یگان رزمی مهمی بود که قبل از اجرای عملیات طریق‌القدس تشکیل شد و شهیدان حسین خرازی به فرماندهی و مصطفی ردانی‌پور به عنوان جانشین مشخص شدند. در طراحی مانور عملیات، نیروهای ما باید عراقی‌ها را از طریق ارتفاعات دور زده و عمق جبهه لشکر ۹ زرهی را تصرف می‌کردند؛ مانوری احاطه‌ای و بسیار خطرناک. محسن رضایی روایت می‌کند: «یکی از گردان‌ها به فرماندهی آقای علی زاهدی از همین منطقه عقبه دشمن را مورد حمله قرار داد؛ یعنی وقتی خاکریز خط مقدم عراق در بستان مورد هجوم قرار گرفت، همزمان یک نیروی مهم در عمق بیست کیلومتری به مقر فرماندهی لشکر عراق و توپخانه آنها حمله کرد؛ تا زمانی که این نیروها نرسیده بودند، توپخانه عراق آتش بسیار شدیدی علیه نیروهای خط‌شکن اجرا کرد. این ابتکار موجب شد وقتی این نیروها از رمل‌ها عبور کردند که آتش‌ها خاموش و یک سکوت کامل منطقه را فرا گرفت.»

### ❖ رشادت در عملیات فتح‌المبین

در نبرد فتح‌المبین، اولین روزهای نوروز سال ۱۳۶۱، نقطه عطف محاصره بیش از چهار هزار نفر از رزمندگان تحت امر حسین خرازی در «عین‌خوش» بود که با درایت و شهادت‌طلبی بزرگ‌مردی چون علی زاهدی و مصطفی ردانی‌پور به خیر گذشت؛ زمانی که دشمن، ارتفاعات ۲۰۲ را تصرف کرد و در آستانه سقوط منطقه، این دو بزرگ‌مرد، در کنار دیگر یاران خود، منطقه مهم و راهبردی «ابوغریب» را از دشمن بازپس گرفتند. حماسه‌ای که هزینه سنگین آن، شهادت فرمانده گردان‌هایی چون رضاقانع، سیدمرتضی میرکاظمی، حسین بالایی، مرتضی تیمسوری و مجروحیت شدید مصطفی ردانی‌پور و حاج‌علی بود. پیروزی بزرگ فتح‌المبین، پیروزی بزرگی بود که موازنه قدرت در صحنه نبرد را به نفع جبهه حق سوق داد. مجروحیت شدید علی زاهدی در نقطه‌ای حساس روی داد که اگر دشمن می‌توانست از آن عبور کند، کل عملیات با شکست روبه‌رو می‌شد؛ عملیاتی که باعث شد تا



امام حسین<sup>(ع)</sup> انتخاب شد. این پرواز سریع در پذیرفتن مسئولیت‌های بزرگ، عنایتی الهی در سایه توسل به اهل‌بیت علیهم‌السلام را طلب می‌کند. حالاً محمدرضای زاهدی خوش‌اندامی که دو سال پیش، نیمکت‌نشین دبیرستان بود، با محاسنی پُریشت و چهره‌ای دوست‌داشتنی که از عشق و محبت لبریز بود، جانشین بزرگترین لشکر خط‌شکن شده بود؛ لشکری که ۲۲ گردان پیاده داشت و در طول ۲۳ روز نبرد شبانه‌روزی در غرب کارون تا مرز بین‌المللی و رسیدن به محاصره خرمشهر و فتح آن، عملیات کرده بود. علی زاهدی که حالا یک سر و گردن از همه بالاتر بود، با فرماندهی صحیح در تمام مراحل عملیات، آن چنان ابهت و عظمتی پیدا کرده بود که در طراحی لحظه به لحظه مانور عملیات بیت‌المقدس،

تحلیلگران بزرگ غربی به این باور برسند که چشم‌انداز نهایی ایران و سرانجام سقوط رژیم صدام حسین را باید زنگ خطری برای بسیاری از کشورهای منطقه تلقی کرد.

### ❖ معاونت شهید حسین خرازی در لشکر امام حسین<sup>(ع)</sup>

رزمندگان اسلام، روی نوار پیروزی قرار گرفته بودند و یک امت در انتظار آزادی خرمشهر در عملیات بعدی بود. شهید مصطفی ردانی‌پور از لشکر امام حسین<sup>(ع)</sup> به قرارگاه فتح رفت تا از آنجا عملیات لشکرهای خط‌شکن کربلا، نجف اشرف و امام حسین<sup>(ع)</sup> را هدایت کند و علی زاهدی به جانشینی حسین خرازی در لشکر



خرازی فرماندهی لشکر امام حسین<sup>(ع)</sup> را بر عهده گرفت و علی زاهدی نیز جانشینی لشکر را از اردیبهشت سال

گسترش سازمان‌های رزمی، راهبرد مهمی برای سپاه جهت تقابل با ارتش سر تا پا مسلح عراق بود؛ ارتشی که بدون هیچ قید و شرطی توسط آمریکا، اروپا و پول‌های عربستان و کویت تقویت می‌شد. اکنون و در زمانی که در آستانه عملیات رمضان بودیم، سپاه بیش از بیست سازمان رزمی تشکیل داده و ناچار بود قرارگاه‌های عملیاتی خود را تقویت کند.



نجف اشرف عقب‌نشینی کنند. علی زاهدی در حالی که حدود سیصد نفر از بهترین یارانش را از دست داده بود، با قدرت در چهار مرحله دیگر از عملیات شرکت کرد و هم‌پای مردان شهیدی چون؛ ابراهیم همت، مهدی زین‌الدین و احمد کاظمی، سخت‌ترین رمضان دوران حیات خود را پشت‌سر گذاشت. این اولین گام در دورانی بود که به عدم‌الفتح معروف گردید.

#### حضور در عملیات‌های والفجر

پس از عملیات رمضان، علی زاهدی در آذرماه ۱۳۶۱ به سپاه سوم صاحب‌الزمان<sup>(ع)</sup> آمده و در کنار فرمانده‌اش حسین خرازی که به او عشق می‌ورزید، معاونت عملیات را پذیرفت و در عملیات‌های مهم؛ محرم، والفجر مقدماتی و والفجر ۱ در این سمت انجام وظیفه کرد. پس از این، سه عملیات که در شرایط بسیار سخت انجام شد، مسئولین جنگ تصمیم گرفتند بار دیگر فرماندهان اصلی را به لشکرها بازگردانند؛ به این ترتیب حسین

فصل الخطاب بود. حالا حسین خرازی مرد صحنه‌های بزرگ و بی‌نظیرترین فرمانده خط‌شکن، در کنار خود مردی را مشاهده می‌کرد که چیزی برای فرمانده شدن دو یگان تحت امر او کم نداشت. سوم خرداد ۱۳۶۱ روز بزرگی بود که خرمشهر قهرمان، به دامان ایران عزیز بازگشت و نقطه پروازی بود جهت حضور در عرصه‌های بزرگتر برای حاج علی زاهدی.

#### جوان ترین فرمانده لشکر در دفاع مقدس

گسترش سازمان‌های رزمی، راهبرد مهمی برای سپاه جهت تقابل با ارتش سر تا پا مسلح عراق بود؛ ارتشی که بدون هیچ قید و شرطی توسط آمریکا، اروپا و پول‌های عربستان و کویت تقویت می‌شد. اکنون و در زمانی که در آستانه عملیات رمضان بودیم، سپاه بیش از بیست سازمان رزمی تشکیل داده و ناچار بود قرارگاه‌های عملیاتی خود را تقویت کند. از این رو، حسین خرازی به قرارگاه فتح (سپاه صاحب‌الزمان<sup>(ع)</sup>) رفت و علی زاهدی در تاریخ ۱۳۶۱/۴/۱ به‌عنوان جوان‌ترین فرمانده یک لشکر خط‌شکن انتخاب گردید. فرماندهی بزرگترین لشکر خط‌شکن و عملیاتی دفاع مقدس در سن بیست و یک سالگی، نه تنها در تاریخ ایران و دفاع مقدس، بلکه به نظر می‌رسد در تاریخ جنگ‌های جهان در دوره معاصر بی‌نظیر باشد و این خصلت، نقطه عطف دوران جهادی اوست. شهید زاهدی، سنی بسیار کم اما دلی سرشار از ایمان و باشکوهی به عظمت قله دماوند، عملیات رمضان را در اوج اقتدار آغاز کرد. هدف، نهر کتیبان در نزدیکی بصره بود. گردان‌های تحت امر او باید ۲۵ کیلومتر در عمق جبهه دشمن پیشروی می‌کردند. فرهنگ نظامی علی زاهدی، حضور در خط‌مقدم و جنگیدن در کنار خط‌شکنان بود. صبح اول وقت که نیروها به نهر کتیبان رسیدند، فرمانده جوان، شجاع و مخلص آنها در کنار بسیجی‌ها بود. به این روایت از شهید زاهدی توجه کنید: «بچه‌ها را سازماندهی کردیم و فرماندهان دسته تا گردان را توجیه کردیم که خاکریز احداثی در منطقه تصرف شده در عمق ۲۵ کیلومتری جبهه دشمن را پر کنند. زمانی نگذشت که پاتک عراقی‌ها شروع شد و گلوله‌های مستقیم تانک آنها، زمین را می‌شکافت. تویی سنگین در کنار من و فرماندهانم منفجر شد و عبدالرزاق زارعان، مرد بی‌نظیر و شجاع، مسئول گردان مهندسی به شهادت رسید؛ خم شدم و پیشانی او را بوسیدم. باور کنید صدای خرد شدن استخوان‌های او را احساس کردم. من و نیروهای مان آمده بودیم که بمائیم.»

عدم موفقیت یگان‌هایی که در سمت راست و چپ بودند، باعث شد تا لشکرهای ۱۴ امام حسین<sup>(ع)</sup> و ۸



«سرلشکر شهید محمدرضا زاهدی در کنار پدر»

۱۳۶۲ پذیرفت. پس از آن، عملیات‌های والفجر ۲ و والفجر ۳ در جبهه شمال غرب، میدان کارزار دیگری بود که علی زاهدی در کنار حسین خرازی و دیگر هم‌زمان در آن شرکت کردند تا به عملیات خیبر در زمستان ۱۳۶۲ رسیدند. نبردی بسیار سخت که با شهادت عده‌ای دیگر از یاران به پایان رسید. در این مقطع، علی زاهدی بهترین یاران خود را در بستر شهادت دید؛ حجت‌الاسلام والمسلمین مصطفی ردانی پور را در عملیات والفجر ۲ و طلبه شهید حمید سلیمانی را در عملیات والفجر ۴. اکنون علی زاهدی شهید زنده‌ای بود که در اوج تجربه می‌توانست بسیاری از مشکلات صحنه نبرد را حل کند و این مهم، نتیجه مانوس بودن او با آیات الهی و اخلاص در عمل بود.

#### فرماندهی در تیپ قمر بنی‌هاشم<sup>(ع)</sup>

در حالیکه بمباران وحشیانه شهرهای ایران در سال ۱۳۶۲ توسط صدام تکرار می‌شد، یاران امام در تلاش برای باز کردن پنجره‌ای به سوی نور بودند و این بار در عملیات خیبر در منطقه زید تا طلائی و هورالعظیم صحنه نبردی نابرابر، چون گذشته بود. در اوج نبرد و در زمانی که تیپ قمر بنی‌هاشم<sup>(ع)</sup> نیروهای خود را به صورت هلی‌بُرُن در منطقه بسیار حساس «روطه» پیاده کرده بود، ناگهان کریم نصر اصفهانی فرمانده تیپ قمر بنی‌هاشم<sup>(ع)</sup> به شدت مجروح و از ناحیه نخاع به درجه جانبازی رسید. فرماندهان در آن شرایط، برای حفظ منطقه نبرد و جلوگیری از شهادت رزمندگان اسلام، تصمیم گرفتند علی زاهدی را به جای کریم نصر اصفهانی به فرماندهی آن یگان خط‌شکن منصوب کنند. به این ترتیب تاریخ ۱۳۶۲/۱۲/۷ مرحله‌ای جدید برای ادامه خدمت صادقانه مردی شد که تبعیت

از ولی‌فقیه، هدف اصلی و شهادت، آرزوی او بود. این‌گونه جلسه معارفه، در زیر آتشی از بمباران‌های شیمیایی و هوایی و نه در اتاق و سالن آن‌چنانی برگزار شد؛ جلسه‌ای که در دشت عشق برگزار شد، در حالیکه بوی شهادت همه‌جا را فرا گرفته بود.

#### حضور در عملیات بدر و فتح فاو

علی زاهدی سکان تیپ قمر بنی‌هاشم<sup>(ع)</sup> را در عملیات بدر (زمستان ۱۳۶۳) و عملیات فتح فاو (بهمن ۱۳۶۴) با قدرت در اختیار گرفت. اوج اثرگذاری فرمانده قهرمان ماه، در لحظات اولیه و روزهای آغازین عملیات بود. علی زاهدی موظف بود حاشیه اروند را تا جاده البحار تصرف کرده و پس از پیشروی، خط پدافندی محکمی ایجاد کند. آنها که از سنگر فرماندهی، لحظات حساس

اکنون زمان اجرای بزرگترین عملیات دوران دفاع مقدس بود که امید می‌رفت زمینه‌ساز پایان شرافتمندانه جنگ باشد. عملیات کربلای چهار در غرب منطقه عمومی خرمشهر اوایل دی‌ماه سال ۱۳۶۵ انجام شد و نیروهای تحت امر قهرمان ما موظف بودند در صورت موفقیت یگان‌های خط‌شکن، از آنها عبور کرده و منطقه ابوالخصیب عراق را تصرف کنند.

عملیات را پیگیری می‌کردند اطمینان داشتند که فرمانده پر قدرت تیپ قمر بنی‌هاشم<sup>(ع)</sup> خواهد توانست پاتک‌های مداوم دشمن را خنثی کند. ارتش عراق در تلاش بود با استفاده از پیشروی در حاشیه اروند، بار دیگر خود را به شهر فاو رسانده و نیروهای جبهه حق را محاصره کند؛ اما علی زاهدی با استفاده از مردان بزرگی چون شاهمرادی و حضور در خط‌مقدم، بیش از یک ماه بر پاتک‌های مداوم عراق فائق آمد.

#### حضور در عملیات کربلای ۴ و ۵

اکنون زمان اجرای بزرگترین عملیات دوران دفاع مقدس بود که امید می‌رفت زمینه‌ساز پایان شرافتمندانه جنگ باشد. عملیات کربلای چهار در غرب منطقه عمومی خرمشهر اوایل دی‌ماه سال ۱۳۶۵ انجام شد و نیروهای تحت امر قهرمان ما موظف بودند در صورت موفقیت یگان‌های خط‌شکن، از آنها عبور کرده و منطقه ابوالخصیب عراق را تصرف کنند. وقتی عملیات به بن‌بست رسید، نیروهای تیپ قمر بنی‌هاشم<sup>(ع)</sup> که حالا چیزی از یک لشکر کم نداشتند به عقبه منطقه رفتند تا ۱۵ روز بعد وارد معرکه عملیات کربلای ۵ در شلمچه شوند.

رزمندگان اسلام در این نبرد بزرگ با بیش از ۱۴۰ تیپ زرهی و مکانیزه دشمن درگیر شدند و در تمام لحظات آن روزهای سخت، علی‌آقا هم‌چون یک بسیجی خط‌شکن در کنار شهیدان خرازی و کاظمی حماسه‌آفرینی کرد آن لحظات را این‌گونه روایت می‌کرد: «وقتی دشمن می‌خواست کانال ماهی را پس بگیرد، آقا محسن به من و حسین خرازی گفت برویم کمک حاج‌قاسم؛ رفتیم. آنقدر آتش دشمن سنگین بود که قابل بیان نیست. باید چند کیلومتر و از میان گل ولای پیاده می‌رفتیم. حسین می‌توانست تند برود ولی من لنگ‌لنگان و آهسته راه می‌رفتم. وقت برگشتن، تنها می‌آمدم و عراقی‌ها مرا هدف قرار می‌دادند و تیری به من نمی‌خورد. من آن مسیر دو، سه کیلومتری را در حالی که حسین و قاسم نگران بودند که من چگونه تکه‌پاره می‌شوم، طی کرده و سالم به دیگران رسیدم.»

حاج‌قاسم این صحنه را این‌گونه روایت می‌کند: «روی پل، غلغله‌ای بود از آتش؛ تمام پل، غرق آتش بود. شاید بشود گفت نزدیک به صد قبضه توپ عراقی، بسیج شده بود روی همین تکه پل، که هیچ چیزی نتواند از آن عبور کند. قفل کرده بودند این پل را. آقا محسن فرستاده بودشان که بیایند کمک. آنقدر حجم آتش زیاد بود که برای پذیرش مسئولیت که لشکر دیگری بیاید به ما کمک کند، هیچ جایگاهی وجود نداشت. ما باور



«شهید محمدرضا زاهدی (نشسته نفر دوم از سمت چپ) در کنار شهید حسین خرازی (نفر دوم از سمت راست) و سیدعلی بنی‌لوحی (نفر اول از سمت راست)

ممنوع است، غفلت ممنوع است، اشرافی‌گری ممنوع است، لذت‌جویی ممنوع است، به فکر جمع کردن زخارف دنیا افتادن برای مسئولین ممنوع است. با این ممنوعیت‌هاست که می‌توانیم به قله برسیم. اگر از همه کسانی که در این ۴۳ سال با حاج علی کار می‌کردند بپرسید خواهند گفت که او مصداق بارز این فرمان و توصیه رهبر معظم انقلاب بود.

### حضور در جبهه مقاومت

به خاطر دارم: «با هم دیداری تازه کردیم و گفت به او دستور داده‌اند که به لبنان برود. من می‌دانستم که او مرد میدان است و ظرفیت بسیار زیادی برای پذیرفتن مسئولیت دارد. ورود به میعادگاه جدید را به او تبریک گفتیم. قرآن را باز کرد و تفسالی را که به قرآن زده بود، نشان داد. آیه رحمت بود و چند بار خواند و بسیار خوشحال بود از محتوای آن آیات.» حاج‌علی راهی لبنان شد؛ مرحله جدید در صحنه جهاد که از مهر ۱۳۷۷ تا تابستان ۱۳۸۱ به مدت چهارسال طول کشید. در این مدت نه تنها به کلیه مسائل نظامی و سیاسی منطقه توجه گردید، بلکه به زبان عربی نیز مسلط شد. حاج‌علی در حالی بازگشت که دوستی و همراهی مردی چون سید نستوه مقاومت سیدحسن نصرالله، توشه طریق مجاهدتش شده بود.

### حضور در عرصه‌های مختلف انقلاب اسلامی

در مرحله جدید، دوران پرفراز و نشیب و مهمی در زندگی حاج‌علی روی داد که خود، کتاب مستقلی است؛ جانشین فرماندهی نیروی قدس از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۲، جانشین فرماندهی نیروی زمینی سپاه از سال ۱۳۸۲ تا سال ۱۳۸۴، فرمانده نیروی هوافضای سپاه (۱۳۸۴/۶/۳ - ۱۳۸۴/۱۰/۳) و با شهادت احمدکاطمی فرمانده نیروی زمینی سپاه (۱۳۸۴/۱۱/۱ - ۱۳۸۷/۴/۳۱)، اینها مسئولیت‌های مهمی بود که قهرمان ما با نگاهی مبتنی بر پاسداری، آنگونه که امام<sup>(ع)</sup> فرموده بود «از پاسداری خوب پاسداری کنید» این دوران را سپری کرد. نگاه او به مسائل اینگونه بود که رهبر معظم انقلاب از او و دیگران خواسته بودند: «کار را برای خدا بکنید، نه اینکه چون مردم دوست دارند، این کار را بکنید، نه. اگر هدف این شد که دل مردم را به دست بیآوریم ناکام خواهیم ماند. از قول خدای متعال نقل شده که فرموده من قطعاً امید آن کسی را که به غیر من امید ببندد، قطع خواهیم کرد. ما باید امیدمان به خدا باشد برای خدا کار کنیم. منتها می‌دانیم که کار برای خدا جاذبه دارد. این شعارها، شعارهای الهی است. اگر چنانچه این



شهید زاهدی در کنار شهیدان: حاج قاسم سلیمانی و سید حسن نصرالله

نداشتیم که این سه نفر، هیچ‌کدامشان بتوانند به عقب برگردند. احساس می‌کردیم که هر سه نفرشان شهید می‌شوند. تقریباً هفت روز شدیدترین پاتک‌ها را دشمن انجام داد.»

حماسه کربلای پنج با بیش از هفت‌هزار شهید، کمر دشمن را شکست و زمینه‌ساز قطعنامه ۵۹۸ شد. شلمچه که اکنون معبر ورود به کربلای حسین<sup>(ع)</sup> است در آخرین روزهای نبرد، اثرگذارترین فرمانده یگان‌های خط‌شکن، یعنی حسین خرازی را در هشتم اسفند ۱۳۶۵ از ما گرفت و کمر یاران حسین<sup>(ع)</sup> را در لشکر امام حسین<sup>(ع)</sup> شکست. در آن شرایط سخت، حضور این یگان تعیین‌کننده در سرنوشت جنگ، حاج‌علی زاهدی، موظف گردید بار مسئولیت بسیار سنگین فرماندهی لشکر امام حسین<sup>(ع)</sup> را برای دومین بار بپذیرد.

### ورود به سپاه قدس

حاج‌علی مرد خوب و دوست‌داشتنی و یادگار شهید حسین خرازی، تا اولین روزهای مهرماه ۱۳۷۰، در لشکر امام حسین<sup>(ع)</sup> فرماندهی کرد و پس از آن به نیروی تازه‌تاسیس قدس مامور شد و فرماندهی عملیات این نیرو را که آن روزها در مسائل افغانستان، عراق و لبنان درگیر بود، پذیرفت. پس از آن با درخواست نیروی زمینی سپاه، بار دیگر به این نیرو بازگشت و از تاریخ

حاج‌علی مرد خوب و دوست‌داشتنی و یادگار شهید حسین خرازی، تا اولین روزهای مهرماه ۱۳۷۰، در لشکر امام حسین<sup>(ع)</sup> فرماندهی کرد و پس از آن به نیروی تازه‌تاسیس قدس مامور شد و فرماندهی عملیات این نیرو را که آن روزها در مسائل افغانستان، عراق و لبنان درگیر بود، پذیرفت. پس از آن با درخواست نیروی زمینی سپاه، بار دیگر به این نیرو بازگشت.

پایبندی‌ها سست شود، اگر نسبت به این شعارها تقید و پایبندی کم شود، توفیقات الهی هم سلب خواهد شد.»

### حضور دوباره در جبهه مقاومت

کار برای خدا، هدف اصلی مردی بود که مقاومت، در انتظار دیدار او لحظه‌شماری می‌کرد. با شهادت عماد مغنیه؛ بار دیگر حاج‌علی بار سفر جهاد بر بست، تا قوت قلبی برای بچه‌های مقاومت باشد و باری از شانه‌های سیدحسین بردارد. دورانی که ۱۳۸۷/۵/۱ شروع شد و تا ۱۳۹۳/۳/۲۵ نزدیک شش سال طول کشید. دورانی پرشکوه و عمری پربرکت که اخلاص در عمل به آن نورانیت داده بود.

### پایان ماموریت در لبنان و دلتنگی جهت

#### حضور در کنار سیدحسین نصرالله

علی زاهدی پس از بازگشت از دومین مرحله حضور در جنوب لبنان، سمت مشاور فرمانده کل سپاه (۱۳۹۳/۳/۲۶ - ۱۳۹۵/۱/۱۸) را پذیرفت و پس از آن به فرماندهی عملیات کل سپاه پاسداران انتخاب گردید (۱۳۹۵/۱/۱۹ - ۱۳۹۸/۳/۲۹). دورانی که برای او خوشایند نبود. مردی که به دنبال پرواز بود حالا خود را

در قفس احساس می‌کرد.

### حضور در لبنان برای مرتبه سوم

با ورود تحولات جدید در جبهه مقاومت و لزوم تقویت فرماندهی سپاه در آن منطقه، بار دیگر دریچه‌ای از نور به سوی پاسدار جبهه عشق باز شد تا بتواند در آغوش گرم دوست دیرینه‌اش، سیدحسین نصرالله آرام گیرد. برای حاج‌علی، جنوب لبنان و در کنار مجاهدان خط‌مقدم مبارزه با صهیونیست، بوی «خط شیر» و جبهه «دارخون» را می‌داد؛ بوی شهیدان جزایه، بوی خوش وصل با نماز شب‌های در هوای شرجی بالای پنجاه‌درجه در سنگرهای حفره‌روباهی خط شیر. آنجا برای علی زاهدی، بیش از هر جای دیگری آرام‌بخش بود. او آمد و اینگونه تعریف کرد: «نظر این است که بار دیگر من به لبنان بروم. گفتم من که دو بار رفته‌ام؟! باز هم بروم؟ اسم چند نفر را برده‌اند خدمت حضرت آقا. ایشان اسامی را دیده‌اند و گفته‌اند زاهدی برود.» بعد اضافه کرد «تلاش صددرصد عمر من مخصوصاً در مقاومت این بود که ببینم ولایت و حضرت آقا چه می‌گویند. اگر ناراحتی دارم و حرفی می‌زنم، هدفم این است که سعی می‌کنم حرف آقا زمین نماند.»

شهید زاهدی برای سومین بار راهی جنوب لبنان می‌شد؛ مردی که یک عمر دنبال شهادت دوید. اکنون در معبر عبور از نفس خویش، بر سیم‌های خاردار که سال‌ها قبل بریده بود، بار دیگر پیروز شد و کاری کرد کارستان. باید از سیدحسین نصرالله پرسید که از عملکرد او، مخصوصاً در دور سوم، تا چه اندازه راضی است. سیدحسین بهترین تعاریف را از شهید زاهدی برای جهانیان بازگو کرد.

### آخرین سفر به میهن قبل از شهادت

سردار شهید محمدرضا زاهدی که از فرماندهان ارشد نیروی قدس سپاه محسوب می‌شد سرانجام در بعد از ظهر روز ۱۳ فروردین ماه ۱۴۰۳ مصادف با ۲۱ رمضان و در سالروز شهادت مولای متقیان حضرت امام علی (ع) در حالی که به همراه جمعی از همراهان خود در ساختمان کنسولگری جمهوری اسلامی ایران در دمشق سوریه حضور داشت با حمله موشکی ناجوانمردانه و خلاف قوانین بین‌المللی به سفارت ایران توسط جنگنده‌های رژیم منحوس صهیونیستی به آرزوی دیرینه خود یعنی شهادت رسید.



« اقامه نماز بر بیکر سردار شهید محمدرضا زاهدی و جمعی از همزمانش توسط رهبر انقلاب

## گفتگوی شاهد یاران با زهره نوربخشان باتقوا و مهربان

### درآمد

زهره نوربخشان؛ همسر شهید زاهدی، در سال ۱۳۴۴ در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمد. پدرش روحانی بود و از همان روزهای آغازین زندگی، فرزندانش را با مفاهیم عالی و مقدس دین اسلام آشنا کرد. در کنار چهار برادرش در فضایی پر از محبت و تربیت معنوی بزرگ شد، در این خانواده، همواره باور به اصول دینی، احترام به بزرگترها و خدمت به جامعه در اولویت قرار داشت و از همان ایام کودکی، مفاهیم اعتقادی در ذهن و قلب همسر شهید محمدرضا زاهدی ریشه دوانده بود. در سن ۱۷ سالگی، راه زندگی مشترک را با همسری مجاهد آغاز کرد. با این که خانواده ایشان با شهید زاهدی آشنا بودند اما از راه ارتباطات خانوادگی در عید نوروز و مناسبت‌های مختلف یکدیگر را می‌شناختند، پدر علی آقا نیز روحانی بود و این نقطه مشترک، نزدیکی زیادی بین خانواده‌ها ایجاد کرده بود. در ادامه؛ متن گفت‌وگو با همسر شهید زاهدی را می‌خوانید.



❖ **حتما مطلع بودید زندگی با فردی که در جبهه حضور دارد سخت و دشوار است، چه شد که پذیرفتید تا در این مسیر، همراه ایشان باشید؟**

با آغاز جنگ تحمیلی، من نیز عضو بسیج خواهران بوده و اقدامات فرهنگی را دنبال می‌کردم. دیدار با خانواده شهدا و برگزاری کلاس‌های آموزش سلاح به بانوان، یکی از فعالیت‌های من بود. مطلع بودم که ایشان در یکی از عملیات‌ها مجروح شده و به درجه رفیع جانبازی نائل شده است. از طریق خانواده اطلاع داشتم که در آن عملیات تا نزدیکی شهادت پیش رفته و احتمال می‌دادم که ایشان پس از ازدواج به شهادت برسد اما ازدواج با حاج‌علی که فردی مبارز و خانواده دوست بود، برای من اتفاق مبارکی به شمار می‌آمد. تصمیم گرفتیم تا با همراهی وی، در اجر ایشان شریک شوم.

گفت که هدفش مبارزه است و این راه را ادامه خواهد داد چون حضرت امام خمینی<sup>(ع)</sup> به حضور مردم و جوانان نیاز دارد. حاج‌علی، همدار داد که ممکن است سرنوشتی نامعلوم در انتظارش باشد. از شرایط جنگ تحمیلی مطلع بوده و من نیز علاقه‌مند به حضور در جبهه بودم. شرایط برای حضور ما فراهم نبود لذا با شنیدن سخنان ایشان احساس کردم که می‌توانم با یاری رساندن به وی، به آرزوی خویش رسیده و اجر و پاداش همراهی با فردی مبارز که همانند حضور در جبهه می‌باشد را کسب کنم. پس از شنیدن سخنان حاج‌علی به ایشان گفتم که خوشحال می‌شوم تا در این راه همراهت باشم. پس از آن گفتگو، لبخندی از رضا بر لبان علی آقا نشست و دیگر سخنی نگفت. همان شب، پس از مشورت خانواده‌ها، پدرانمان صیغه عقد را خوانده و پا به دنیای یکدیگر نهادیم.

❖ **آشنایی و ازدواج شما با حاج علی زاهدی چگونه شکل گرفت؟**

حاج‌علی زاهدی از بستگان ما بودند که در مناسبت‌هایی هم چون عید نوروز و دیگر مناسبت‌ها، با خانواده ایشان در ارتباط بودیم. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در بسیج خواهران حضور داشته و در فعالیت‌های فرهنگی شرکت می‌کردم. مطلع بودم که خانواده زاهدی در روند جنگ تحمیلی حضور دارند و من نیز علاقه‌مند یاری رساندن به رزمندگان بودم.

❖ **در مراسم خواستگاری چه مطالبی به شما گفتند؟**

حاج‌علی زاهدی به همراه خانواده به خواستگاری آمدند. پس از صحبت‌های ابتدایی، علی آقا از هدف و مسیری که در زندگی در پیش گرفته بود، سخن گفت. او



ایشان هفته‌ای یکبار به منزل می‌آمد و خریدهای لازم را انجام می‌داد و هر از گاهی این اتفاق تکرار می‌شد. همه دلخوشی من این بود که به جای هر ۴۰-۵۰ روز، می‌توانم هفته‌ای یکبار او را ببینم. وقتی می‌آمد، پیغام و نامه‌های خانواده رزمندگان که در کنار ما زندگی می‌کردند را به جیبه می‌رساند که در آن شرایط، باعث دلگرمی ما و خانواده‌ها بود.

#### ❖ مسئولیت‌های زندگی در نبود همسر را چگونه مدیریت کردید؟

مسئولیت‌هایی که در جبهه بر عهده داشت، او را از ما دور نگه می‌داشت. ما هم راضی بودیم به رضای خدا. قرار ما هم همین بود. باید همراهی‌اش می‌کردم، در نبودن‌هایش صبر می‌کردم و دعا. توکل ما به خدا بود و در این نبودن‌ها، منتظر تماس‌شان می‌ماندم. هر مرتبه که او با خانه تماس داشت و احوالی از خانواده می‌گرفت برای مدتی روحیه می‌گرفتم. نگرانی و اضطراب همیشه بود، اما خودمان را با شرایط ایشان وفق می‌دادیم. در این سال‌ها، همه تلاش من این بود که از یک طرف باعث آرامش فرزندان شده و نبود همسر را جبران کنم و از طرفی دیگر، امور خانه و خانواده را به‌گونه‌ای پیش برم که فکر او از منزل و فرزندان راحت باشد تا با خیالی آسوده بتواند در این مسیر حضور داشته باشد.

زندگی با فردی رزمنده، دشوار بود و دوری از ایشان برایم سخت، اما راضی به رضای خداوند بوده و این سختی‌ها را جهت یاری رساندن به اسلام و کشور تحمل کردم. در نبود ایشان، بسیار دلتنگ می‌شدم برای همین از او می‌خواستم همچون خانواده‌های دیگر رزمندگان که خانواده‌های خود را با خود می‌برند، من را همراه خود به جنوب ببرد. از همان ایام، مهاجرت بخش مهمی از زندگی من شد.



در اهواز، ساکن شدیم. در آن خانه کوچک، زندگی با مشکلات فراوان ادامه داشت. چند پتو به عنوان تشک و لحاف، چند قابلمه و ظرف محدود و یک علاءالدین برای آشپزی، تنها امکانات ما بود. تا پایان جنگ، در اهواز ماندیم و در مواقعی که علی‌آقا به مأموریت در تهران یا شهرهای دیگر می‌رفت، من به اصفهان باز می‌گشتم.

#### ❖ زندگی مشترک شما چگونه آغاز شد؟

قرار بود یک هفته پس از مراسم عقد به جبهه بازگردم لذا تصمیم گرفتیم تا مراسم ساده‌ای برگزار کنیم. جشن ساده‌ای در منزل برگزار و علاوه بر دعوت تعدادی از بستگان، حدود چهل نفر از رزمندگان و هم‌زمان حاج‌علی را به این مراسم دعوت کردیم. این مراسم که پر از معنویت و صفا بود، برای من تبدیل به خاطره‌ای ماندگار شده است. زندگی خود را در حالی در اصفهان آغاز کردیم که علی؛ بیشتر زمان خود را در مناطق جنگی سپری می‌کرد و هر ۴۵ روز یک بار برای چند روز به منزل می‌آمد. در هر دیدار، نگران وی بودم که ممکن است این آخرین دیدار من با وی باشد اما چاره‌ای جز صبر و دعا وجود نداشت.

#### ❖ چه شد که تصمیم گرفتید به همراه ایشان به اهواز رفته و در این منطقه ساکن شوید؟

زندگی با فردی رزمنده، دشوار بود و دوری از ایشان برایم سخت، اما راضی به رضای خداوند بوده و این سختی‌ها را جهت یاری رساندن به اسلام و کشور تحمل کردم. در نبود ایشان، بسیار دلتنگ می‌شدم برای همین از او می‌خواستم همچون خانواده‌های دیگر رزمندگان که خانواده‌های خود را با خود می‌برند، من را همراه خود به جنوب ببرد. از همان ایام، مهاجرت، بخش مهمی از زندگی من شد. در سال ۱۳۶۳ در خانه‌ای بسیار ساده

از شاخصه‌های اخلاقی شهید، نظم، تعهد و وفای به عهد بود. هر مسئولیتی که بر عهده‌شان گذاشته می‌شد، به نحو احسن انجام می‌داد و نسبت به انجام مأموریت‌ها، بسیار حساس و دقیق بود.

### آیا با خانواده‌های اعضای حزب‌الله رفت و آمد داشتید؟

با خانواده تعدادی از فرماندهان حزب‌الله در مناسبت‌ها دیدار داشته‌ایم اما من با همسر شهید «عماد مغنیه» مانوس بودم. ایشان به زبان فارسی مسلط بود و به همین دلیل ارتباط من با وی بیشتر شد.

### در خصوص رعایت بیت‌المال چه سفارشی به شما و دیگران داشت؟

در رعایت حفظ بیت‌المال حساس بود و سعی داشت تا به اطرافیان نیز آن احساس را منتقل کند. در محل کار نسبت به رعایت بیت‌المال توجه داشت و اگر در محل کار ایشان مورد پذیرایی قرار می‌گرفتیم، حتماً مبلغ آن را به بیت‌المال عودت می‌داد.

### از مشاهده جنایت‌هایی که دشمن صهیونیستی در غزه مرتکب شده بود، چه احساسی داشت؟

بیشتر است و بهتر می‌توان با خدای خود خلوت کرد. من این درس را از او آموختم. همسرم دائم‌الذکر بود. اکثراً تسبیح به دست داشت و صلوات می‌فرستاد. توصیه زیادی به نماز اول وقت داشت و می‌گفت: «من هر چه دارم از نماز اول وقت و قرآن خواندن است.» یکی دیگر

وی اهل قرائت قرآن بود و سعی می‌کرد تا عامل به قرآن باشد. یکی از توصیه‌های وی به فرزندان، قرائت قرآن بود و تاکید داشت که قرائت قرآن را در زندگی روزانه خود انجام دهید. یک ساعت قبل از نماز صبح بیدار بود، قرآن می‌خواند و نماز شب. سال‌ها بود که او را در این حالت می‌دیدم. می‌گفت در دل شب، آرامش بیشتر است و بهتر می‌توان با خدای خود خلوت کرد. من این درس را از او آموختم. همسرم دائم‌الذکر بود.

### از خصوصیات اخلاقی شهید بگوئید؟

شهید زاهدی با وجود اینکه در محیط کار بسیار جدی بود، اما در محیط خانه بسیار عاطفی، با محبت و صمیمی بود. اگر فرصت کوتاهی پیدا می‌کرد ما را به مسافرت می‌برد. شاید این فرصت‌ها کم پیش می‌آمد، اما هر طور بود سفر را در برنامه‌هایش داشت تا به خانواده خوش گذشته و جبران نبودش شود. با همه مشغله‌های کاری، مناسبت‌های مهم و خانوادگی را اصلاً از یاد نمی‌برد. تاریخ تولد بچه‌ها، تاریخ عقد و عروسی‌شان را به قمری و شمسی به یاد داشت. اگر در این مناسبت‌ها در کنار ما نبود، خودش با فرزندان تماس می‌گرفت و تبریک می‌گفت، حتی اگر ایران نبود و امکان تماس داشت، خودش این کار را می‌کرد، اما اگر امکان تماس نداشت از من می‌خواست که هدایایی را برای بچه‌ها تهیه کنم و از طرف او هم تبریک بگویم.

### چه توصیه ویژه‌ای به فرزندان داشت؟

وی اهل قرائت قرآن بود و سعی می‌کرد تا عامل به قرآن باشد. یکی از توصیه‌های وی به فرزندان، قرائت قرآن بود و تاکید داشت که قرائت قرآن را در زندگی روزانه خود انجام دهید. یک ساعت قبل از نماز صبح بیدار بود، قرآن می‌خواند و نماز شب. سال‌ها بود که او را در این حالت می‌دیدم. می‌گفت در دل شب، آرامش



«تصویری از حضور سرلشکر شهید محمدرضا زاهدی در گلزار شهدای اصفهان»



یک بار باران قشنگی در سوریه آمد. به حاج آقا گفتیم: به به! عجب هوایی شده حاج آقا! اما انگار غم عالم نشسته باشد بر سینه‌اش. گفت: «الان چادرهای مردم غزه رو آب می‌گیره و زندگی شون رو به هم می‌ریزه!» یک آن، دلم از خودم گرفت چون من فقط حال خودم را در نظر داشتیم و او چه نگاه عمیقی داشت.

شهید زاهدی؛ این فرمانده جبهه مقاومت، قلبش دائم نگران مردم دنیا بود. هر جایی که ظلمی روا می‌شد، ذهن او را درگیر می‌کرد. این درگیری در تمام جزئیات زندگی‌اش تسری پیدا کرده بود. به خصوص از وقتی که جنگ غزه آغاز شد، هر روز این نگرانی را در وجودش می‌دیدم. یک بار باران قشنگی در سوریه آمد. به حاج آقا گفتیم: به به! عجب هوایی شده حاج آقا! اما انگار غم عالم نشسته باشد بر سینه‌اش. گفت: «الان چادرهای مردم غزه رو آب می‌گیره و زندگی شون رو به هم می‌ریزه!» یک آن، دلم از خودم گرفت چون من فقط حال خودم را در نظر داشتیم و او چه نگاه عمیقی داشت.

#### از میزان اشتیاق سردار زاهدی به شهادت بگویید؟

وقتی از شهادت هم‌رزمان خویش در جبهه مقاومت مطلع می‌شد، افسوس می‌خورد که چرا شهادت نصیب وی نمی‌شود. ایشان در آن لحظات اشاره می‌کردند که هم‌رزمان وی به شهادت رسیده‌اند و شاید ایشان لایق شهادت نیست! من هم به او دلداری می‌دادم و می‌گفتم: شما هم اینطور امتحان می‌شوید، آن‌ها رفتند و شما راه رفقای شهیدتان را ادامه می‌دهید. از من طلب دعای شهادت داشت. همیشه می‌گفت: «هر کسی را دوست دارید؛ دعا کنید که شهید شود چون هیچ مقامی بالاتر از شهادت نیست.» درک می‌کردم که چقدر شهادت را دوست دارد. می‌گفتم من دعا نمی‌کنم که شهید شوید! با اینکه می‌دانستیم نهایتاً این اتفاق برایش خواهد افتاد، به خصوص در چند سال اخیر بارها تهدید شده بود، اما خوشحالم که بهترین نصیب او شد.

#### لطفاً آخرین سفر سردار زاهدی به کشور را

#### روایت بفرمایید؟

چهاردهمین روز از ماه مبارک رمضان بود که به اصفهان آمد و چهار روز در کنار خانواده حضور داشت. فرزندان و بستگان را به منزل دعوت و دیدارها تازه شد. در همین دیدارها برخلاف همیشه، اشاره کرد که می‌خواهم صحبتی با شما داشته باشم. در گذشته، فرزندان و بستگان با اصرار از ایشان می‌خواستند تا صحبت کند و با خاطرهای را بیان نماید اما قبول نمی‌کرد! گویا این مرتبه حکایت، چیز دیگری بود. بستگان که شش ماهی می‌شد او را ندیده بودند، مشتاق شنیدن شدند. سردار زاهدی حدود یک ساعت برای جمع صحبت کرد و گفت: «هر کاری می‌کنید برای رضای خدا باشد، همدیگر را ببخشید. اگر کدورتی دارید کنار بگذارید و به همدیگر محبت کنید. به مردم رسیدگی کنید و بیشتر به هم سرکشی کنید.» بسیار متعجب بودم! گویی این رفتنش بسیار متفاوت است، اما نمی‌خواستم باور کنم. شب آخر که قصد رفتن داشت، با فرزندان صحبت کرد

و توصیه‌هایی داشت که شبیه به وصیت بود. روز قبل از شهادتش به تهران رفت. غروب با من تماس گرفت و گفت: «امشب شب قدر است، از شما التماس دعا دارم.» من هم گفتم دعای اول من، شما هستید. گفت: «دعا کن عاقبت بخیر شوم.» من هم آن شب خیلی برایش دعا کردم. گفتم خدایا هر حاجتی دارد، حاجتش را برآورده به خیر کن. نمی‌دانستم حاجت خیر او، شهادت است. برای دیدار با پیکرش به معراج رفتیم. به او گفتم خوشحالم که به آرزویت رسیدی، به شما تبریک می‌گویم، امیدوارم بهترین مقام را به تو بدهند، اما ما را از یاد نبری، من یک عمر همراه و همسنگر شما بودم. زندگی شهید زاهدی، هم چون یک سفر پرفراز و نشیب بود، سفری که در آن لحظات شیرین و تلخ، دوری و نزدیکی، در هم آمیخته بود. او با تمام وجود، خود را فدای آرمان‌ها و اهدافش کرد و در مسیر خدمت به مردم و دفاع از ارزش‌های انسانی، هیچ‌گاه از مسئولیت‌ها و وعده‌هایش شانه خالی نکرد.



## گفتگوی شاهدیاران با زهرا زاهدی

# گوهر گرانمایه برای انقلاب و اسلام

### درآمد

شاید نقش زنان به ویژه مادران، همسران، دختران و خواهران شهدا در تاریخ جنگ تحمیلی و دوران ایثار و فداکاری مردم ایران، کمتر از نقش شهدا نباشد. رزمندگانی که به دعوت حضرت امام خمینی (ع)، لبیک گفته و گام در مسیر شهادت نهادند و خانواده این رزمندگان، صبر را پیشه راه خود کرده و هر لحظه آماده شنیدن خبر شهادت عزیزان خود بودند. مرور آن لحظات که خانواده این رزمندگان چه روزها و شبها منتظر بازگشت عزیزان خود بوده و با پیکر بی جان آنها مواجه شدند، غم فراوانی بر دل می‌نشانند. سردار زاهدی یکی از رزمندگانی بود که هشت سال دفاع مقدس را در خط حمله حاضر بوده و به درجه رفیع جانبازی نائل شد. سردار زاهدی پس از پایان جنگ تحمیلی، مجاهدت را رها نکرد و جهت دفاع از مردم ستمدیده فلسطین به مبارزه علیه رژیم صهیونیستی پرداخت. شکست‌های پی‌درپی رژیم صهیونیستی که بخشی از آن، حاصل تلاش‌های سردار زاهدی بود، این رژیم را واداشت تا جنایتی دیگر را رقم زده و ایشان را در ساختمان کنسولگری سوریه مورد هدف قرار دهد. زهرا زاهدی؛ تنها خواهر شهید زاهدی است که در این گفتگو به بیان خاطراتی از برادر خویش می‌پردازد. در ادامه؛ متن گفتگو با ایشان را می‌خوانید.



**دینی و مذهبی را به فرزندان منتقل می‌کردند؟**  
با عنایت به اینکه پدر ما روحانی بوده و تسلط کامل به مباحث دینی داشته است از اخلاق نیکویی نیز بهره‌مند بود. ایشان سعی داشت تا با رویی گشاده این مباحث را به فرزندان منتقل کند. بسیاری از مسائل مذهبی و رعایت آنها را با مشاهده رفتار وی فرا می‌گرفتیم و پدر را همانند معلم و الگوی خویش در زندگی قرار داده بودیم. حضور پدر در مساجد و اماکن مذهبی باعث شد تا فرزندان نیز نسبت به مسائل دینی و مذهبی سوق پیدا کنند.

**چه شد که حاج‌علی زاهدی وارد مبارزات انقلاب اسلامی شد؟**

علی در هنرستان مشغول به تحصیل بود و یکی از

**اینگونه در مسیر شهادت قرار گیرد؟**  
اگر فردی با استعداد باشد، می‌تواند به مدارج عالی دست یابد و اگر یاری خداوند را همراه داشته باشد به مدارج علمی و معنوی فراوان دست پیدا می‌کند. علی زاهدی در مسیر مبارزه و ایثار، با استعداد بود و چون خداوند را در این مسیر طلب کرد باعث شد تا به مدارج ایثار و شهادت نائل شود. علی؛ علاوه بر تلاشگری در مسیر ایثار، توکل ویژه‌ای به خداوند داشت و به همین دلیل مدارج معنوی و مقاومت را به سرعت طی کرد. مسیری که علی در پیش گرفته بود، مسیری توأم با فداکاری و جهاد بود و خداوند او را در این مسیر یاری کرد و افراد مبارز و وارسته‌ای را در مسیر او قرار داد.

**والدین چگونه دینداری و رعایت مسائل**

**شهادت زاهدی در چه خانواده‌ای متولد و رشد یافت؟**

شهید محمدرضا زاهدی که در بین دوستان و خانواده به علی زاهدی معروف است، در خانواده‌ای پرجمعیت به دنیا آمده است. ۹ برادر و یک خواهر هستیم. پدرم روحانی بود و در بازار اصفهان به صنعتگری اشتغال داشت. ایشان فردی زحمتکش بود که با کسب رزق حلال، فرزندان را تربیت و رشد داده است. پدرم در کنار کسب رزق حلاق، نسبت به کسب علم نیز تلاش می‌کرد. مادرم نیز علاوه بر دارا بودن شجاعت، در تربیت فرزندان نقش ویژه‌ای داشته و در شکل دادن روحیه مذهبی در فرزندان، تلاش‌های فراوانی انجام داده است.

**چه عواملی باعث شد تا شهید زاهدی**

دینی و دانش لازم را داشته و آگاه بودند که این رژیم تا چه میزان در وابستگی کشورهای غربی قرار دارد. علی زاهدی در مسیر ایثار و خدمت به مردم، به خداوند توکل کرده و پروردگار، ایشان را یاری کرد تا در این مسیر به مدارج عالی معنوی دست یابد. قرائت قرآن تأثیر زیادی در شکل‌گیری شخصیت فرزندان داشت و عطش فراوان علی در قرائت قرآن سبب شد تا بنده نیکوی خداوند شود و سفارش داشت که با قرآن مأنوس باشید.

### ❖ در ایامی که پدر به همراه فرزندان در جبهه حاضر شده بودند، واکنش مادر چه بود؟

پدر و مادر؛ حامی فرزندان بوده و با حمایت خویش سبب شدند تا شهید زاهدی به مدارج ایثار و شهادت برسد. برادرانم در فعالیت‌های مختلف در جبهه مشغول به فعالیت بودند. اطمینان دارم اگر امکان داشت مادرم نیز در جبهه حاضر می‌شد. در هنگام خداحافظی با فرزندان، منقلب می‌شدند اما سعی می‌کردند در این مسیر، ایستادگی داشته باشند. به خاطر دارم در لحظاتی که علی در حال عزیمت به جبهه بود، پدر در گوش وی دعا می‌خواند و او را به خداوند می‌سپرد.

### ❖ آیا خانواده تصور می‌کردند که علی به شهادت نائل شود؟

از زمانی که جنگ آغاز شد، همیشه چشم به راهشان بوده و نگران وضعیت ایشان بودیم. پدرم تأکید داشت که: «علی متفاوت از دیگران است چون کارش جهاد است!» پدر اطمینان داشت که علی به شهادت خواهد رسید و علت آن را «جهاد» او می‌دانست. علی زاهدی، گوهر گرانبه‌ای برای انقلاب و اسلام است.

### ❖ به نظر شما چه عواملی باعث شد که علی به شهادت برسد؟

علی؛ مسیر سخت و دشواری را طی کرده و مرور مسیری که ایشان پس از پیروزی انقلاب اسلامی طی کرده بود، حاوی نکات آموزنده‌ای است. ایشان هیچ‌گاه، مسیر آسانی را انتخاب نکرد و به دنبال راحتی خویش نبود بلکه با انتخاب مسیر دشوار، به دنبال شهادت بود. علی زاهدی همانند بسیاری از فرماندهان دفاع مقدس پس از پایان جنگ تحمیلی می‌توانست در کنار خانواده به زندگی خویش ادامه دهد و به اندازه کافی مجاهدت از خویش نشان داده بود اما با انجام فعالیت‌های خطرناک و مهم، به دنبال افزایش درجات معنوی شهادت خویش بود.



« شهید زاهدی در راهپیمایی ۲۲ بهمن

برادرانم در فعالیت‌های مختلف در جبهه مشغول به فعالیت بودند. اطمینان دارم اگر امکان داشت مادرم نیز در جبهه حاضر می‌شد. در هنگام خداحافظی با فرزندان، منقلب می‌شدند اما سعی می‌کردند در این مسیر، ایستادگی داشته باشند. به خاطر دارم در لحظاتی که علی در حال عزیمت به جبهه بود، پدر در گوش وی دعا می‌خواند و او را به خداوند می‌سپرد.

معلم حاضر در آن هنرستان، جزو افراد انقلابی بود و حضور علی در کنار وی باعث شد تا روحیه مبارزه در ایشان شکل گیرد. البته پدرمان جزو روحانیون بوده و با شناخت کاملی که از مسائل سیاسی آن ایام داشت تلاش می‌کرد تا آن را به فرزندان منتقل کند. علی در مساجد حضور داشت و در جلسات مذهبی شرکت می‌کرد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، روحیه مبارزه و حمایت از انقلاب اسلامی در وی شدت گرفت و در کمیته انقلاب اسلامی حاضر شده و در برقراری امنیت در محلات و شهر فعال بود.

### ❖ این شناخت و یقین در حاج علی زاهدی چگونه ایجاد شد که اینگونه در مسیر مبارزه قرار گرفت؟

ایشان نسبت به ظلم رژیم پهلوی به مردم، شناخت

## گفتگوی شاهدیاران با محمدمهدی زاهدی

# قهرمان مقاومت



### درآمد

در پی شکست‌های ترمیم‌ناپذیر رژیم منحوس صهیونیستی در برابر مقاومت فلسطین و ایستادگی مردم غزه و سرشکستگی در مقابل اراده پولادین رزمندگان جبهه مقاومت اسلامی منطقه، عصر روز دوشنبه، ۱۳ فروردین‌ماه ۱۴۰۳، هواپیماهای این رژیم جعلی در جنایتی دیگر، ساختمان کنسولگری جمهوری اسلامی ایران در دمشق را مورد هدف حمله موشکی قرار داد که بر اثر این جنایت، سرداران رشید مدافع حرم «سرتیپ پاسدار محمدرضا زاهدی» و «سرتیپ پاسدار محمدهادی حاجی رحیمی» از فرماندهان، پیشکسوتان و جانبازان سرافراز دفاع مقدس و مستشاران نظامی ارشد ایران در سوریه و پنج تن از مستشاران و افسران همراه آنان به نام‌های: حسین امان‌اللهی، سیدمهدی جلالتی، محسن صداقت، علی آقابابایی و سیدعلی صالحی روزبهانی به شهادت رسیدند. در گفتگویی که با محمدمهدی زاهدی، فرزند ارشد شهید زاهدی انجام داده‌ایم به رشادت و دلاوری‌های حاج علی زاهدی پرداخته‌ایم. در ادامه، متن گفتگو با ایشان را می‌خوانید.

مجاهدتهای شهدا، اجر بی‌پایان دارند و قرار گرفتن در مسیر شهادت برای خانواده شهدا میسر است. در تمام لحظات زندگی، از فراق پدر دل‌تنگ می‌شویم اما زمانی که مشاهده می‌کنیم خداوند نگاه لطف خویش را

ضریب پیدا کرده و در جامعه نشر گسترده‌ای می‌یابد. فرزند شهید بودن، باعث افتخار بوده و احساس عزت به همراه دارد اما مسئولیت‌های سنگین نیز به همراه خواهد داشت. خانواده شهدا، مخصوصاً همسر شهید در

❖ پسر شهید زاهدی بودن چه حسی داشته و چه مسئولیت‌هایی به همراه دارد؟  
فرزند شهید بودن؛ مسئولیت‌های دشواری به همراه دارد چون اگر لغزشی صورت گیرد، این خطا و لغزش،



« شهید زاهدی در کنار محمد مهدی زاهدی

به ما عطا کرده و شهید عزیز ما در نزد پروردگار رزق دارد، تا حدودی تسکین می‌یابیم. تسکین قلب ما در لحظاتی بود که مقام معظم رهبری در خصوص شهید زاهدی جملات زیبایی وصف کرده و از وی به نیکی یاد کردند. شنیدن این جملات از نائب حضرت امام زمان (عج)، برای ما تسکین‌دهنده بود.

### ❖ اگر از فعالیت‌های پدر در زمینه کمک به نیازمندان مطلع هستید مواردی را بیان بفرمایید؟

ایشان بخشی از حقوق خویش را ماهانه به نیت امام زمان (عج) آن را کنار می‌گذاشت و به نیازمندان، کمک به مردم غزه یا سیل‌زدگان اختصاص می‌داد. سردار زاهدی تاکید داشت، از روزی که بخشی از حقوق خود را با حضرت امام زمان (عج) شریک شده است، برکت در زندگی ایشان جاری شده و گره‌های فراوانی در زندگی وی گشوده شده است. انجام این فعالیت را به خانواده نیز سفارش می‌کرد.

آگاهی داشته و وظیفه مبارزه و جنگ را ادامه دهند. این طرح در جنگ ۳۳ روزه نیز از سوی حزب‌الله مورد استفاده قرار گرفت.

### ❖ در اتخاذ تصمیمات نظامی تا چه میزان به مشورت با دیگران اهمیت می‌داد؟

شهید زاهدی فرماندهی بود که با نیروهای زیرمجموعه خویش مشورت می‌کرد، نظرات همه را جویا و نظرات کارشناسی و صحیح را می‌پذیرفت؛ تاکید داشت که این روش را از شهید مصطفی ردانی پور آموخته است که در نتیجه آن، اگر تصمیمی اتخاذ شود باعث می‌شود تا همه اقناع شوند.

### ❖ ارتباط شهید زاهدی با شهید «سیدرضی» و «حاج قاسم سلیمانی» چگونه بود؟

از جمله افرادی که می‌توانستند بهترین جملات را در خصوص شهید زاهدی بیان کنند، سردار سلیمانی و سیدرضی بودند. حاج قاسم سلیمانی و پدرم از ایام دفاع مقدس از یکدیگر شناخت داشتند. کامل‌ترین شناخت را از پدرم، حاج قاسم داشت. سیدرضی نیز با پدرم مانوس بود. در ایام جنگ نیز شهید خرازی و شهید کاظمی جزو بهترین افرادی بودند که می‌توانستند راوی مجاهدت‌های پدرم باشند. پدرم همیشه نگران حاج قاسم بود که تا این حد بی‌پروا در بین رزمندگان حاضر در سوریه و عراق حضور یافته و به مبارزه با داعش جنایتکار مشغول است.

ایشان بخشی از حقوق خویش را ماهانه به نیت امام زمان (عج) آن را کنار می‌گذاشت و به نیازمندان، کمک به مردم غزه یا سیل‌زدگان اختصاص می‌داد. سردار زاهدی تاکید داشت، از روزی که بخشی از حقوق خود را با حضرت امام زمان (عج) شریک شده است، برکت در زندگی ایشان جاری شده و گره‌های فراوانی در زندگی وی گشوده شده است.



اجرای کرد و نسبت به این موضوع گلایه داشتند که چرا به صورت کامل این طرح مورد اجرا قرار نگرفته است.

### ❖ لطفا موضوع این طرح را شرح بفرمایید؟

منظور از طرح «دفاع موزائیکی» به این معنا است که باید مناطق به بخش‌های کوچکتری تقسیم شود که در صورت حمله دشمن به یکی از مناطق و قطع ارتباط آنها با مرکز فرماندهی، دیگر مناطق؛ از شرح وظایف

### ❖ آیا وصیت‌نامه مکتوب از شهید زاهدی موجود است؟

در آخرین سفری که به کشور داشته‌اند، بستگان را گرد خود جمع کرده و سفارش‌های فراوانی داشتند که این مطالب و سخنان، به نوعی سفارش و وصایای ایشان بود اما وصیت‌نامه وی به صورت مکتوب به دست ما نرسیده است. در آخرین سفری که به ایران داشت، محمدحسین؛ تعدادی برگه به همراه ایشان مشاهده کرده بود و اطمینان داشت که وصیت‌نامه پدر بوده است اما پس از شهادت ایشان، وصیت‌نامه مکتوبی در سوریه و لبنان یافت نشد. تصورمان این است که وصیت‌نامه مکتوب سردار زاهدی در داخل کیف وی بوده که در لحظه انفجار از بین رفته است. البته سفارش و وصایای خویش را به صورت شفاهی به ما منتقل کرده بود.

### ❖ کدام یک از نبوغ شهید زاهدی در مسائل نظامی بارزتر بوده است؟

ایشان یکی از فرماندهان نخبه در طراحی عملیات بوده و مدتی به عنوان «معاون عملیات کل سپاه» مشغول به فعالیت بوده است. یکی از طرح‌هایی که شهید زاهدی ابداع کننده آن بود، طرح «دفاع موزائیکی» است. این طرح مورد تمجید حضرت آقا نیز قرار گرفته و تاکید داشتند تا این طرح در سپاه نیز مورد اجرا قرار گیرد. در مدتی که سردار زاهدی به عنوان فرمانده نیروی زمینی مشغول به فعالیت بود، این طرح را تا حدودی در سپاه

### توصیه‌ای داشتند؟

توصیه داشت، افرادی که قصد ورود به سپاه را دارند با تحصیلات دانشگاهی وارد سپاه شوند و تاکید داشت که سپاه به افراد تحصیل کرده نیاز دارد.

### به نظر شما سپاه این ظرفیت را در یگان خود ایجاد کرده است که فرماندهانی هم چون ایام دفاع مقدس، تربیت کند؟

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، از حضور فرماندهان شجاع و دلاور آن ایام استفاده می نماید و طبیعی است که این شجاعت از فرماندهان منتقل گردد. فرماندهان سپاه سعی کرده‌اند تا جوانان و نخبه‌ها را مورد استفاده قرار دهند که این عامل، باعث شده است تا فرماندهان نسل جدید سپاه تربیت شده و اکنون در حال فعالیت باشند و اطمینان داریم که این پرچم بر روی زمین باقی نمانده و نخواهد ماند. افرادی هم چون شهید حاجی زاده، زمانی فعالیت‌هایشان به ثمر نشست که از حضور جوانان و نخبگان استفاده کردند. شهید حاجی زاده به جوانان میدان داد و به توانمندی آنها اعتماد کرد و باعث شد علاوه بر کسب موفقیت، رشد و پرورش فرماندهان آتی سپاه را رقم زند.

علاقه من به لباس مقدس سپاه بیشتر می شد. مشاهده چنین رفتار و حماسه‌های خلق شده توسط سپاه، مرا سوق داد تا این لباس را انتخاب کرده و بر تن کنم. زمانی که ارتباط فرماندهان و اعضای سپاه با مقام معظم رهبری را مشاهده می کردم، با تمام وجود به سپاه علاقه‌مند می شدم و پس از طی دوره‌های آموزشی به صورت رسمی به سپاه پیوستم. ویژگی مشترکی که در فرماندهان سپاه وجود داشت این بود که خلق و خوی خاکی بودن جبهه را حفظ کرده بودند و این پست و مقام، آنها را از مردمی بودن دور نکرده بود. چند روز قبل از شهادت شهید سلامی، با ایشان ملاقات داشتیم، ایشان همانند برادر ما را در آغوش می گرفت و از ما طلب دعای شهادت داشت.

### لحظه‌ای که پدر متوجه شدند که شما وارد سپاه شده‌اید، چه حسی داشتند؟

پس از اینکه لباس مقدس سپاه را بر تن کرده و در کنار پدر حضور یافتم، نگاه شوق وی را از نزدیک حس کردم. در آن لحظه از ایشان سوال کردم که آیا از من راضی هستید؟ و ایشان رضایت خویش را اعلام کرد.

### در خصوص ادامه فعالیت شما در سپاه چه

### چه شد که تصمیم گرفتید وارد سپاه شوید؟

در خصوص ورود من به سپاه، پدرم توصیه‌ای به من نداشتند و من با مشاهده ارتباط فرماندهان سپاه با یکدیگر و انسی که بین این عزیزان برقرار بود، تصمیم گرفتم تا وارد سپاه شوم. زمانی که ارتباط فرماندهان ارشد سپاه از جمله شهید محمدباقری و شهید کاظمی با دیگر فرماندهان سپاه را مشاهده می کردم، عشق و

ویژگی مشترکی که در فرماندهان سپاه وجود داشت این بود که خلق و خوی خاکی بودن جبهه را حفظ کرده بودند و این پست و مقام، آنها را از مردمی بودن دور نکرده بود. چند روز قبل از شهادت شهید سلامی، با ایشان ملاقات داشتیم، ایشان همانند برادر ما را در آغوش می گرفت و از ما طلب دعای شهادت داشت.



« شهید زاهدی در کنار فرزند »

از سردار حاجی‌زاده سؤال کردم که شهید زاهدی در مدت کوتاهی که به عنوان فرمانده نیروی هوایی سپاه حضور داشتند، چه فعالیت‌هایی را انجام دادند. شهید حاجی‌زاده اشاره داشت که در مدت کوتاهی که وی فرماندهی این نیرو را بر عهده داشته است، اقدامات ارزشمندی انجام داده که باعث رشد قدرت موشکی کشورمان شده است. شهید حاجی‌زاده اشاره داشت که بودجه‌ای در آن ایام به این نیرو اختصاص یافته بود و شهید زاهدی، شهید طهرانی مقدم را به عنوان جانشین خویش انتخاب و آن بودجه را در اختیار ایشان قرار داده است. شهید زاهدی به جوانان و نخبگان میدان داده و موجب شد تا ایران به عنوان قدرت برتر موشکی تبدیل شود. شهید طهرانی مقدم؛ این بودجه را صرف تحقیقات موشکی و توسعه شهرهای موشکی کردند. شهید حاجی‌زاده در ادامه اشاره داشت که پس از رفتن شهید زاهدی از نیروی هوایی، شهید طهرانی مقدم اذعان داشت که این بودجه، برکت بسیاری برای این صنعت به همراه داشته به گونه‌ای که چندین پروژه تحقیقاتی به ثمر نشسته است. با بودجه‌ای که سردار زاهدی در اختیار شهید طهرانی مقدم قرار داده بود، ساخت شهرهای موشکی که از زمان شهید کاظمی شروع شده بود سرعت گرفت.



« شهید حاجی‌زاده در کنار فرزندان شهید زاهدی

### ❖ احساس پدر از شنیدن خبر شهادت طهرانی مقدم چگونه بود؟

لحظه‌ای که خبر انفجار در یکی از پادگان‌های کشورمان اعلام شد، در لبنان حضور داشتم و پدرم با شنیدن این خبر، سراسیمه شد. پس از لحظاتی که شهادت وی اعلام شد، اشک در چشمان پدرم جاری گشت. در همان حالت بی‌تابی، دفترچه‌ای کوچک را از کیف خود برداشتم و در حالی که در حال مطالعه آن بود، اشاره کرد که هفته پیش با شهید طهرانی مقدم جلسه داشته است. مطلع بودم که شهید طهرانی مقدم، نظر پدرم در خصوص موشک‌ها را جویا می‌شود.

### ❖ چرا شهید زاهدی، گمنامی را پیشه راه خویش کرده بود؟

شهید زاهدی خدمات ارزنده‌ای به میهن داشته و هر کجا که حاضر بود، خیر و برکت برای کشور به همراه داشت. در ایام دفاع مقدس، زحمات بسیاری متحمل شد و یکی از فرماندهان ارشد نظامی در کشور بود اما گمنامی را انتخاب کرده بود. به خاطر دارم، پس از پایان جنگ تحمیلی، سپاه قصد داشت تا همه فرماندهان حاضر در جنگ نسبت به انجام گفتگو و تاریخ شفاهی همکاری

سیاسی شود و هدف وی خدمت به میهن و پشتیبانی از ولایت فقیه بود. ایشان هیچ‌گاه تلاش نکرد تا نگاه سیاسی خود را به فرزندان تحمیل کند. ملاک عمل ایشان، ولایت فقیه بود و خود در خط ولایت حرکت می‌کرد و این مسیر را به ما تأکید داشت. سردار زاهدی، حضرت آقا را به عنوان نائب امام زمان (عج) مطرح کرده و تأکید داشتند اگر می‌خواهید عاقبت به خیر شوید، پشتیبان ولایت باشید و از تندروی و کندروی پرهیز کنید. شهید زاهدی با آنکه از قدرت تحلیل بالاتر مسائل سیاسی برخوردار بود، اما وارد طیف‌ها و مسائل سیاسی نشد. به خاطر دارم در ایامی که انتخابات مختلف در کشور برگزار می‌شد، ایشان نه تنها مطلبی در خصوص اینکه به چه کسی رای دهید مطلبی نمی‌گفتند بلکه اجازه نمی‌دادند که ما از رای ایشان مطلع شویم.

❖ شهید زاهدی در مدت کوتاهی که به عنوان فرمانده نیروی هوایی سپاه مشغول به فعالیت بوده‌اند، چه اقداماتی از سوی ایشان در آن مدت کوتاه صورت گرفت؟

از سردار حاجی‌زاده سؤال کردم که شهید زاهدی در مدت کوتاهی که به عنوان فرمانده نیروی هوایی سپاه حضور داشتند، چه فعالیت‌هایی را انجام دادند. شهید حاجی‌زاده اشاره داشت که در مدت کوتاهی که وی فرماندهی این نیرو را بر عهده داشته است، اقدامات ارزشمندی انجام داده که باعث رشد قدرت موشکی کشورمان شده است.



❖ آیا شهید زاهدی وارد مسائل و فعالیت‌های سیاسی شدند؟

شهید زاهدی هیچ‌گاه سعی نداشت تا وارد مسائل

که مردم در تمام برهه‌ها از انقلاب و میهن حمایت کرده و در همه مراحل، مسئولین را یاری و حمایت کرده‌اند. با اینکه به دلیل مسائل امنیتی کمتر قادر بود در میان مردم ظاهر شود اما در فرصت‌های مناسب در میان مردم حاضر می‌شد.

### ❖ در ایامی که به ایران می‌آمدند چه فعالیت‌هایی صورت می‌گرفت؟

زمانی که در اصفهان حاضر می‌شد، دیدارهای مختلف با هم‌زمان خویش برگزار می‌کرد و نیز در گلزار شهدا در کنار مزار شهیدان؛ خرازی، کاظمی و ردانی‌پور حاضر می‌شد. به دلیل رعایت مسائل امنیتی، معمولاً اجازه فیلمبرداری از سخنان را نمی‌داد اما در سفر آخری که به اصفهان داشت در جمع خانوادگی حضور پیدا کرد و خانواده نسبت به ضبط سخنان وی که حدود ۲۰ دقیقه بود اقدام کرد. صحبت‌های ایشان در سفر آخر، رنگ و بوی دنیوی نداشت بلکه رنگ و بوی خدایی داشت.

### ❖ انس شهید زاهدی با قرآن تا چه میزان بود؟

قرآن در زندگی شهید زاهدی بسیار برجسته و ویژه بود. ایشان روایت می‌کردند که در اوایل دفاع مقدس هر روز یک صفحه قرآن قرائت می‌کردند و به مرور زمان، این میزان را افزایش دادند تا عطش وی نسبت به قرائت قرآن مرتفع شود. پس از گذشت مدتی، یک جزء در روز و اواخر عمر خویش، سه جزء در روز قرائت

### ❖ با توجه به اینکه شهید زاهدی، فرد شناخته‌ای در بین مسئولین بودند، اهل پارتی بازی هم بودند؟

با روحیه‌ای که از پدر سراغ داشتیم، در زمان تکمیل فرم‌های عضویت خود در سپاه، نام ایشان را به عنوان معرف ننوشتیم و هیچ‌گونه سفارشی از سوی وی صورت نگرفت. به خاطر دارم در ایامی که در حال سپری کردن دوره‌های آموزشی در سپاه بودم و چند ماه از دوره آموزشی‌ام سپری شده بود، یکی از فرماندهان سپاه در حال بازدید از وضعیت پادگان آموزشی بود که با توجه به اینکه چه‌رهم تا حدودی شبیه به پدر است، لحظه‌ای در کنارم مکث کرد و پس از اینکه نام مرا از روی لباس خواند، سوال کرد که آیا شما با سردار زاهدی نسبتی دارید؟ پس از اینکه متوجه شد فرزند سردار زاهدی هستیم، تعجب کرد که چرا پدرم در این مورد مطلبی به ایشان نگفته است. در ایامی که در لبنان حضور داشتیم از پدر درخواست می‌کردیم، ترتیبی اتخاذ کند تا دیداری با سیدحسین نصرالله داشته باشیم. ایشان می‌گفت که این امکان به چند دلیل میسر نیست و یکی از دلایل این بود که افراد بسیاری درخواست ملاقات با ایشان را دارند و اگر ایشان این ملاقات را برای فرزندان خود فراهم کند در حق آن افراد، اجحاف می‌شود.

### ❖ نگاه سردار زاهدی به مردم چگونه بود؟ همیشه از مردم ایران به نیکی یاد می‌کرد و اذعان داشت

نمایند تا مجاهدت‌های صورت گرفته برای نسل‌های آینده منتقل گردد. این درخواست از سردار زاهدی شد تا در این خصوص همکاری لازم را انجام داده و خاطرات و فعالیت‌های خود در ایام دفاع مقدس را بازگو نماید، اما ایشان نپذیرفت و اشاره داشت که اگر خداوند شاهد این زحمات بوده همین کافی است. معتقد بود که شاید بیان آن مجاهدت‌ها از اجر و پاداش خدمات وی بکاهد. تصور این است که این گمنامی الگو گرفته از شهید ردانی‌پور بود که ایشان نیز چنین روحیه‌ای داشتند.

” به دلیل رعایت مسائل امنیتی، معمولاً اجازه فیلمبرداری از سخنان را نمی‌داد اما در سفر آخری که به اصفهان داشت در جمع خانوادگی حضور پیدا کرد و خانواده نسبت به ضبط سخنان وی که حدود ۲۰ دقیقه بود اقدام کرد. صحبت‌های ایشان در سفر آخر، رنگ و بوی دنیوی نداشت بلکه رنگ و بوی خدایی داشت.“



« شهید زاهدی در کنار شهید جهادمغنیه (نفر سوم از سمت راست) - محمد مهدی زاهدی (نفر اول از سمت راست) - محمدحسین زاهدی (نفر اول از سمت چپ) و حاج مهدی اخلاصی

قرآن انجام می‌دادند.

### از میزان علاقه سردار زاهدی به ائمه بگوئید؟

ارادت ویژه‌ای به حضرت زهرا<sup>(س)</sup> داشته و هر کجا که کارشان به بن‌بست برخورد می‌کرد، به حضرت زهرا<sup>(س)</sup> متوسل شده و گشایش آن را مشاهده می‌کرد. یکی از نیروهای زیرمجموعه ایشان این چنین روایت می‌کند: «در انجام یکی از فعالیت‌ها، دچار مشکل بودیم و گشایش صورت نمی‌گرفت، جهت راهنمایی و کسب تکلیف به دیدار سردار زاهدی رفته و از ایشان کمک خواستیم. سردار زاهدی گزارش را مطالعه و راهکارهای لازم را ارائه داده و فرمودند: «در لحظاتی که به مشکلی برخورد می‌کنید و در انجام آن گشایشی ایجاد نمی‌شود به حضرت فاطمه‌الزهرا<sup>(س)</sup> متوسل شوید چون در ایام دفاع مقدس به حضرت فاطمه زهرا<sup>(س)</sup> متوسل شده و گشایش‌های بسیاری نصیب رزمندگان گردید.» ارادت خاصی نیز به حضرت امام رضا<sup>(ع)</sup> داشته و به خانواده تاکید داشت که هر سال برای زیارت حضرت امام رضا<sup>(ع)</sup> به مشهد سفر کنید. عشق و علاقه حضرت علی<sup>(ع)</sup> و امام حسین<sup>(ع)</sup> در دل و جان پدرم قرار داشت و در سفرهایی که به همراه ایشان به زیارت عتبات عالیات شرفیاب می‌شدیم، این علاقه در چهره وی نمایان بود و هر گامی که در این مسیر برمی‌داشت، به نیت شهدا بود.

### در خصوص جنایتهایی که رژیم منحوس

صهیونیستی در غزه انجام می‌دادند، چه نظری داشت؟

ایشان فردی شوخ‌طبع و خنده‌رو بود؛ رنج غزه که اتفاق

یکی از نیروهای زیرمجموعه ایشان این چنین روایت می‌کند: «در انجام یکی از فعالیت‌ها، دچار مشکل بودیم و گشایش صورت نمی‌گرفت، جهت راهنمایی و کسب تکلیف به دیدار سردار زاهدی رفته و از ایشان کمک خواستیم. سردار زاهدی گزارش را مطالعه و فرمودند: «در لحظاتی که به مشکلی برخورد می‌کنید و در انجام آن گشایشی ایجاد نمی‌شود به حضرت فاطمه‌الزهرا<sup>(س)</sup> متوسل شوید.

افتاد، به گونه‌ای ناراحت بود که گویا برادر و یا فرزندان خود در غزه به شهادت می‌رسیدند؛ در آن لحظات، احساس می‌کردم که غمی در سینه‌اش است.

### طرح ترور ایشان از سوی رژیم صهیونیستی

در چه سالی آغاز شد؟

ایشان در دور اول حضور در لبنان، نسبت به طراحی عملیات و نیز ارائه آموزش به اعضای حزب‌الله، فعالیت‌های گسترده‌ای انجام داده بود. این فعالیت‌ها ادامه داشت و باعث شد تا دو سال پس از حضور ایشان در لبنان، عقب‌نشینی رژیم صهیونیستی از جنوب لبنان صورت گرفته و شکست سنگینی به دشمن وارد شود. از همان ایام، دشمن درصدد بود تا علت این شکست را شناسایی کند. چندین مرتبه، ترور ایشان انجام شده بود.

### آیا به نظر شما، شهادت ایشان موجب

تضعیف حزب‌الله شد؟

در پاسخ به این سوال، به دو صورت می‌توان به این ماجرا نگریست و واکاوی کرد. دیدگاه اول این است که شهید زاهدی چون به عنوان سپر مستحکم مقاومت در منطقه مشغول به فعالیت بود لذا با شهادت ایشان محور مقاومت دچار ضعف شده و اتفاقات بعدی از جمله شهادت سیدحسین نصرالله رقم خورده است. دیدگاه دیگر این است که اگر قرار بود با شهادت فرماندهان، جریان مقاومت متوقف شود، در همان سال ۶۱ هجری که مصادف با شهادت حضرت امام حسین<sup>(ع)</sup> بود، مقاومت باید متوقف می‌شد اما این مسیر ادامه دارد چون این مسیر، مکتبی است که باید با ظلم مبارزه کرد.

### از میزان علاقه ایشان به مقام معظم رهبری

بفرمایید؟

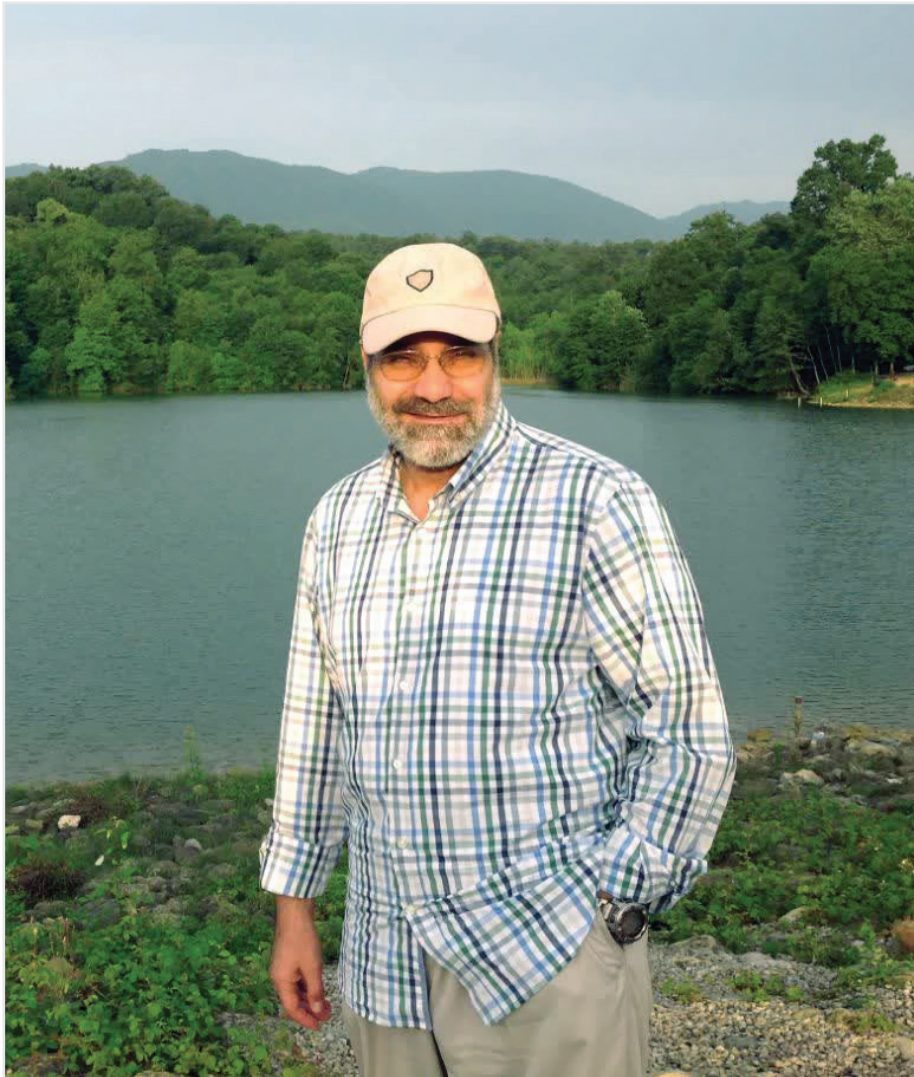
به ما تاکید فراوان داشت که رهبر معظم انقلاب، نایب ولی‌خدا هستند و باید پشتیبان ولایت‌فقیه باشید. نامه‌ها و دست‌نوشته‌هایی از پدرم داریم که در آن از رهبر انقلاب با تعابیری هم‌چون؛ مولای من و یا ولی‌امر مسلمانان استفاده کرده است، در واقع؛ عاشقانه ایشان را دوست داشت. به پدرم می‌گفتیم هر زمان که به دیدار رهبر معظم انقلاب رفتید، ما را نیز ببرید اما پاسخ می‌داد: «خود من تا جایی که بشود، سعی می‌کنم وقت نایب ولی‌خدا را نگیرم و اگر شما را ببرم، وقت ایشان در حد چند دقیقه نیز گرفته می‌شود، پس از اینکه به شهادت برسیم، شما را به دیدار ایشان خواهند برد.»

### از دیدار با مقام معظم رهبری که پس از



«تصویری از شهید زاهدی در کنار شهید طهرانی مقدم»





سبز و پر ابهت پیامبر اسلام (ص) می خورد. دیگر دوست نداشتم چشم از آن بردارم، قلبم تند تند می زد و اشک در چشمان من حلقه زده بود. داخل مسجدالنبی که شدم، حال عجیبی داشتم، شاید ده دقیقه زل زده بودم به مزار شریف حضرت و با زبان دلم با ایشان حرف می زدم، اشکم بی اختیار جاری بود. در تمام این لحظات، همراه پدر بوده و این سفر را مدیون پدرم بودم. آن زمان شانزده ساله بودم ولی برخلاف برخی از همسفرها که بدون فرزندانشان آمده بودند، پدرم اصرار داشت که ما را هم با خود همراه کند.

❖ اگر پدر را ملاقات کنید چه سخنی با ایشان می گویند؟

هر کجا که شاید درخواست می کردم تا برای من پارتی بازی کنی، انجام ندادی! در آن دنیا، پارتی من باش و شفاعت مرا نزد پروردگار بکن.

قرار بود برای اولین بار در زندگی، چشمم به حرم حضرت رسول الله بیفتد، خیلی شوق داشتم. حرف هایی در دلم آماده کرده بودم که تا به حرم اتوبوس نشسته و در حال حرکت به سمت مدینه بودیم. بعضی از خستگی، فرصتی پیدا کرده بودند تا کمی بخوابند. بعضی در حال خواندن ذکر و دعا بودند.



نبود. بی قرار لحظه دیدار بودم و با کنجکاو و دقت خیابان ها و تابلوها را نگاه می کردم. باورم نمی شد که چه می بینم! این اولین باری بود که چشمم به گنبد

### شهادت پدر انجام شد بفرمایید؟

همزمان با مراسم چهلم شهید زاهدی در دیداری که با حضرت آقا برگزار شده بود، حضور یافتیم. ایشان فرمودند که خون شهید زاهدی باعث شد تا قدرت ایران نمایان شود. ایشان تاکید کردند که شهادت سردار زاهدی باعث شد تا برای اولین بار با رژیم صهیونیستی رو در رو مبارزه کنیم و فرمودند که عظمت جمهوری اسلامی ایران ظاهر شد و همه این ها به برکت شهادت ایشان بود.

### ❖ آیا بحث و مطالبی پس از شهادت پدر بوده که از شنیدن آن آزرده خاطر شوید؟

تعدادی از افراد از روی ناآگاهی مطالبی را گفته بودند که باعث ناراحتی خانواده شهید زاهدی شد اما پس از پیگیری مشخص شد که از روی عمد این سخنان مطرح نشده و عذرخواهی از خانواده شهید زاهدی صورت گرفت.

### ❖ عملیات وعده صادق تا چه میزان تسکین دهنده شما بود؟

پس از شهادت پدرمان، گوش به فرامین مقام معظم رهبری داشته و ایشان تاکید کرده بودند که دشمن بدانند سیلی محکمی خواهد خورد. پس از انجام وعده صادق، علاوه بر مردم کشورمان، بسیاری از مردم کشورهای جهان نیز از ضربه مهلک وارد شده به رژیم صهیونیستی خوشحال بودند. در دیداری که با شهید حاجی زاده داشتیم ایشان تاکید کردند که طرح عملیات وعده صادق از سوی شهید زاهدی طراحی و ارائه شده بود. این طرح پس از شهادت سیدرضی از سوی ایشان طراحی و ارائه شده بود اما در آن برهه، مورد استفاده قرار نگرفت و این طرح پس از شهادت سردار زاهدی مورد اجرا قرار گرفت.

### ❖ از لحظات بودن در کنار پدر در ایام سفر حج بگویند؟

قرار بود برای اولین بار در زندگی، چشمم به حرم حضرت رسول الله بیفتد، خیلی شوق داشتم. حرف هایی در دلم آماده کرده بودم که تا به حرم رسیدم به حضرت بگویم. داخل اتوبوس نشسته و در حال حرکت به سمت مدینه بودیم. بعضی از خستگی، فرصتی پیدا کرده بودند تا کمی بخوابند. بعضی در حال خواندن ذکر و دعا بودند. گاهی پدرم را نگاه می کردم که در حال ذکر گفتن بود و گاهی از پنجره، بیرون را می دیدم و لحظه شماری می کردم برای دیدن مسجدالنبی. داخل شهر مدینه شدیم و حالا با صلوات های زائرین، دیگر کسی خواب

## گفتگوی شاهدیاران با فاطمه زاهدی

# دلآوری که در سکوت مبارزه کرد

### درآمد

شهید! انسان‌های برجسته و بزرگی هستند که برای آرامش جامعه و امنیت ایران اسلامی، از جان و مال خود گذشتند. از خودگذشتگی شهیدا و ایثارگران و اطاعت‌پذیری از ولایت در دفاع از حریم اسلام، قرآن و میهن اسلامی، توانست توطئه‌های دشمنان و استکبار جهانی را نقش بر آب کند. عظمت امروز ملت ایران، امنیت کشور و پیشرفت‌های بزرگ علمی و فناوری همه به برکت خون شهیدان است. همه ملت ایران باید سپاسگزار خانواده‌های شهیدا باشند و فرزندان شهیدان و ایثارگران نیز باید میراث گرانبهای پدران خود را با افتخار به نسل‌های بعد بسپارند. فاطمه زاهدی، فرزند شهید زاهدی است و خاطرات فراوانی از لحظات حضور در کنار پدر در ذهن به یادگار دارد و با روایت دلآوری‌های پدر، آن را به نسل‌های آینده منتقل می‌نماید. در ادامه؛ متن گفتگو با ایشان را می‌خوانید.



اشاره داشتند که شهادت، آرزوی قلبی وی است. طلب شهادت در قلب و جان پدرمان هر روز بیشتر می‌شد و با همت و پشتکار در جهت عزت اسلام و مسلمین، به شهادت نائل شد.

### ❖ از دیدار با سیدحسن نصرالله و ارتباط وی با شهید زاهدی بگویید؟

از ارتباط پدر با سید حسن نصرالله آگاه بوده و از انس میان آنها مطلع بودم. با فرماندهان مقاومت، ارتباط صمیمی داشته و با آنها مأنوس بودند. در مراسم افطاری که سید حسن نصرالله ترتیب داده بود به همراه خانواده حاضر شده و از ملاقات با ایشان، خوشحال بودم.

که رعایت حجاب از سوی بانوان واجب است. پدرم، چادر را به عنوان حجاب اصلی برمی‌شمرد.

### ❖ احساس شما در ایامی که رژیم صهیونیستی، پدر شما را تهدید می‌کرد چگونه بود و برخورد وی با این تهدیدات چه بود؟

در ابتدای دور اول حضور در لبنان، تهدیدات بسیار کمتر بوده است اما در دور دوم و سوم حضور وی در لبنان، تهدیدات هر روز بیشتر و گسترده‌تر می‌شد. پس از شهادت سیدرضی، در تماسی که پدر با ما داشت، نگرانی خود را به ایشان اعلام کردم اما پدر تاکید داشت که شما باید برای شهادت من خود را آماده کنید و

### ❖ لطفاً از خصوصیات بارز شهید زاهدی بگویید؟

پدرم؛ فردی مهربان و خنده‌رو بود. دلآوری بود که در سکوت کامل با دشمن صهیونیستی مبارزه کرد و ضربات سهمگین بر پیکر دشمن ملعون وارد آورد. ایشان، زندگی خود را صرف خدمت به مردم کرد و در مسیر جهاد به شهادت رسید. خداوند شهادت و عزت را به ایشان تقدیم کرد.

### ❖ سردار زاهدی در خصوص رعایت حجاب چه دیدگاهی داشته و چه تأکیدی به شما داشته‌اند؟ ایشان حجاب رازینت بانوان می‌دانستند و تأکید داشتند

تماس گرفت و به حسنات شهادت اشاره کرد و از نیل به شهادت در روز شهادت حضرت علی (ع) سخن گفت. از شنیدن آن سخنان متعجب شده و علت سخنان وی را جویا شدم. همسرم اطلاع داد که کنسولگری ایران در سوریه مورد هدف قرار گرفته و اخبار غیررسمی حاکی از شهادت حاج آقا می باشد. از شنیدن آن سخنان بسیار غمگین شده و حال دگرگون شد. به همسرم گفتم احتمالا در آن ساختمان حضور نداشته و این اخبار تکذیب خواهد شد اما همسرم اطمینان داشت که اخبار غیررسمی از شهادت وی صحیح است. پس از شنیدن این اخبار، با چشمان اشکبار وضو گرفته و به نماز ایستادم تا رنج و غم من در آن لحظات کاهش یابد. در لحظه شنیدن این خبر، در منزل مادر بزرگم بودیم و مادر نیز این اخبار را شنید و غم و اندوه، فضای منزل را فرا گرفت. با اینکه خودم را برای شهادت وی آماده کرده بودم اما از اینکه دیگر وی در کنار ما حضور نخواهد داشت، غمگین بودم. سه روز پس از اعلام خبر شهادت ایشان به تهران رفتیم و در معراج شهدا برای آخرین بار با پدرم وداع کردیم. پس از آن به بیت رهبری رفتیم. شب جمعه آخر ماه مبارک رمضان بود و پس از افطار، رهبر انقلاب بر پیکر پدرم نماز اقامه کردند. حضور ایشان و لطف و محبت حضرت آقا بزرگترین تسکین برای ما بود. پیکر ایشان در روز قدس تشییع و سپس به اصفهان منتقل شده و با حضور گسترده مردم تشییع شد. اکنون که بیش از یک سال از شهادت وی گذشته است، قرار دادن کلمه شهید در کنار اسم پدر برایم دشوار است گویا نمی خواهم باور کنم که دیگر در کنارمان نیست چون حضور پدر را در زندگی احساس می کنم. همیشه از ایشان طلب دعا داشتم و اکنون نیز در راز و نیاز خود با وی، درخواست دعا دارم.

#### ❖ از احساس خود در دیدار با مقام معظم رهبری بگویید؟

دیدارهایی که پدر در جلسات و یا مناسبت های مختلف با مقام معظم رهبری داشت، باعث دلنگی ما شده و از پدر درخواست داشتیم تا ما را به همراه خود به دیدار حضرت آقا ببرند اما تاکید داشت که پس از شهادت وی، حتما به دیدار مقام معظم رهبری نائل خواهید شد. در دیداری که پس از شهادت پدر با حضرت آقا برگزار شد به یاد سخن پدر بودم که این لحظه را نوید داده بود. آن دیدار، یکی از بهترین لحظات زندگی ام بود و با سخنانی که حضرت آقا در وصف پدر داشتند، قلبمان تسکین یافت.



« شهید زاهدی در کنار فرزندان »

همسرم اطلاع داد که کنسولگری ایران در سوریه مورد هدف قرار گرفته و اخبار غیررسمی حاکی از شهادت آن سخنان بسیار غمگین شده و به همسرم گفتم احتمالا در آن ساختمان حضور نداشته و این اخبار تکذیب خواهد شد اما همسرم اطمینان داشت که اخبار غیررسمی از شهادت وی صحیح است. پس از شنیدن این اخبار، با چشمان اشکبار وضو گرفته و به نماز ایستادم تا رنج و غم من در آن لحظات کاهش یابد.

#### ❖ از ضرباتی که سردار زاهدی بر پیکر رژیم غاصب وارد آورده اند بفرمایید؟

رژیم صهیونیستی واهمه بسیاری از پدرم و اقدامات ایشان داشت به نحوی که پس از شهادت ایشان در رسانه ها اعلام کرد که «قاسم سلیمانی دوم» را به شهادت رساندیم! سردار زاهدی با شجاعت تمام، ضربات سهمگین بر پیکر دشمن وارد آورده و شکست های پی در پی به این رژیم وارد کرده بود. شهید زاهدی با ایمان به خدا و شجاعت وصف ناپذیر، عملیات های مختلف بر علیه این رژیم طراحی و موجب شکست آنها شده بود. پدرم در این مسیر، پشتیبان ولایت فقیه بود.

#### ❖ از شنیدن خبر شهادت وی چه احساسی داشتید؟

شهادت ایشان در ایام ماه مبارک رمضان و شب های قدر اتفاق افتاد. در آن ایام، همسرم که روحانی هستند جهت تبلیغ دین در جنوب کرمان حضور داشتند. ایشان با من

### ❖ شهید زاهدی چگونه سعی داشت تادینداری

#### و مسائل مذهبی را به فرزندان منتقل کند؟

ایشان نسبت به مسائل مذهبی و انتقال آن به فرزندان، تلاش فراوانی داشت اما هیچ گاه سعی نکرد تا آن مسائل را با تحکم به فرزندان منتقل نماید بلکه با رفتار خویش به بهترین نحو ممکن آن مسائل را از همان ایام کودکی به ما منتقل کرد. مادر نیز در خصوص رعایت مسائل مذهبی و انتقال آن به فرزندان، تلاش بسیاری داشته است. اطمینان دارم اگر والدین بخواهند این مسائل را به صورت دستوری به فرزندان منتقل نمایند، تاثیرگذار نخواهد بود. از همان ایام کودکی و نوجوانی با مشاهده رفتار والدین و حضور آنها در مراسم مذهبی ما نیز ترغیب می شدیم تا رفتار آنها را در زندگی خویش نشر دهیم و با یادگیری مسائل، آن را در زندگی خویش نهادینه کنیم. فرزندان در خصوص یادگیری مسائل و رفتارهای مذهبی به شدت از والدین تاثیرپذیر هستند.

### ❖ نحوه رفتار شهید با فرزندان چگونه بود؟

با توجه به مسئولیت‌های مختلفی که بر عهده داشتند، طبیعی است که فرصت محدودی برای فرزندان وجود داشت اما حضور وی در کنار خانواده همراه با عشق و علاقه بود. شاید همانند افراد دیگر، فرصت کافی برای حضور در کنار خانواده نداشتند اما سعی می کردند تا از هر فرصت به دست آمده، جهت حضور در کنار خانواده استفاده کنند. ایشان بسیار مهربان و خنده‌رو بود و هیچ‌گاه با عصبانیت وی مواجه نشده‌ایم. شهید زاهدی با توجه به اینکه زندگی خویش را وقف انقلاب و اسلام کرده بود اما خانواده برای ایشان ارزش والایی داشت. سردار زاهدی همه مردم ایران را همانند خانواده خویش می دید و جان خویش را در مسیر انقلاب و میهن اسلامی تقدیم کرد تا مردم در آرامش به زندگی خود ادامه دهند.

### ❖ سردار زاهدی چه تاکیدات ویژه‌ای به شما

داشت؟

سفارش و تاکیدات پدر، بسیار بود و این وصایا، ره‌توشه زندگی مان شده است. یکی از مهم‌ترین تاکیدات ایشان، ولایتمداری و پشتیبانی از ولایت‌فقیه بود که ولایت‌فقیه را مسیر صحیح در انقلاب معرفی می کرد و سفارش داشت که اگر در مسیر ولایت حرکت کنید هیچ‌گاه گمراه نخواهید شد. سفارش دیگر ایشان در خصوص خدمت به مردم و مسلمین بود و تاکید داشت که در هر شغل و مسئولیتی که حضور دارید باید خدمت به مردم را در اولویت فعالیت‌های خویش قرار دهید. برای پدرم



## گفتگوی شاهدیاران با محمدحسین زاهدی جهادگر فی سبیل الله

درآمد

فرزندان شهید! یادگاران عزیزانی هستند که جان خویش را در مسیر اسلام و کشور تقدیم کرده و روحیه جهاد را به فرزندان نیز منتقل کرده‌اند. فرزندان شهید در زمینه ارتقای روحیه ایثار و شهادت در جامعه بسیار مثمرتر خواهند بود. محمدحسین زاهدی متولد ۱۳۷۸ و فرزند آخر شهید زاهدی می‌باشد. محمدحسین در کشور لبنان متولد شده و خاطرات بسیاری از ایام حضور پدر در لبنان دارد. محمدحسین از محبوبیت حزب‌الله در میان مردم مطالبی را اشاره می‌کند. در ادامه؛ متن گفتگو با ایشان را می‌خوانید.

برادران خویش می‌دانست. نسبت به سیدحسن نصرالله احترام ویژه‌ای قائل بود و در سخنان وی، عشق و علاقه به سیدحسن نصرالله قابل مشاهده بود. در ملاقات‌هایی که ایشان با سیدحسن نصرالله داشت و من نیز به همراه خانواده حضور داشتیم، این عشق و علاقه قابل تأمل بود.

### ❖ آیا شما نیز با سیدحسن نصرالله دیدار داشته‌اید؟

سعادت نصیب من شد تا سه مرتبه با ایشان ملاقات کنم. در یکی از دیدارها که انتظارش را نداشتیم، سیدحسن به یکباره وارد شد و از این دیدار شگفت‌زده شدیم. دیدار بعدی من با سید حسن نصرالله در سن دوازده سالگی بود. آخرین دیدارم با سیدحسن، چند ماه قبل از شهادت حاج‌قاسم سیمانی بود که به همراه پدر و مادرم به دیدار ایشان نائل شده و انگشتی را به یادگار دریافت کردم.

### ❖ آیا سردار زاهدی در لبنان اوقات فراغت داشت؟

مسئولیت‌های فراوان پدر باعث شده تا اوقات فراغت بسیار محدود وجود داشته باشد که با توجه به خستگی جلسات، ترجیح می‌دادند تا آن لحظات را به استراحت بپردازند و ما با درک اهداف و مسئولیت‌های پدر، خستگی ایشان را ستایش می‌کردیم.

### ❖ شهادت پدر چه تغییری در روحیه شما داشته است؟

با شهادت پدر، دل‌تنگی‌های بسیاری در مقاطع مختلف

خاطر کار زیاد و زحمتی که بی‌سر و صدا می‌کشید گله کردیم، پدر که همیشه رضایت امام خامنه‌ای که نائب امام زمان (عج) هستند، برایش مهم بود، در جواب ما گفت: «کسی که باید ببیند می‌بیند. مهم این است که خدا و امام زمان (عج) از کار ما راضی باشند.»

### ❖ یعنی حاج آقا از شهادت سخن می‌گفتند؟

همه بستگان و افرادی که با پدرم در ارتباط بودند مطلع بودند که آرزوی وی شهادت است. در آخرین سفری که به کشور داشتند، طلب شهادت در چهره وی نمایان بود و بسیاری از اطرفیان به این نکته واقف بودند. حس عجیبی در وجود همه ما بود که اشاره داشت شاید این دیدار، دیدار آخر ما باشد.

### ❖ لطفاً از مردم‌داری شهید بگویید؟

همانگونه که اشاره کردم؛ ایشان نسبت به مردم، عشق و علاقه فراوانی داشت و با تقدیم جان خویش، سعی داشت تا مردم کشورمان در آرامش به زندگی خود ادامه دهند. با اینکه یکی از فرماندهان ارشد نظامی بود اما رفتار وی با مردم صمیمی بود. هیچ‌گاه خود را بالاتر از سایرین نمی‌دید و خود را عضو کوچکی از جامعه می‌دانست.

### ❖ از ارتباط سردار زاهدی با فرماندهان و سیدحسن نصرالله بگویید؟

ارتباط صمیمی با فرماندهان مقاومت و شهید سید حسن نصرالله داشت و اعضای حزب‌الله را همانند

درس خواندن ما خیلی اهمیت داشت، ولی این طور نبود: مدام تذکر دهد؛ فقط گه‌گاه در حرف‌هایش می‌گفت: «خودتان را برای آینده آماده کنید.» راهنمایی‌مان می‌کرد، اما در انتخاب‌های ما دخالت نمی‌کرد. مثلاً پدر در انتخاب رشته به من گفت: «هر رشته‌ای دوست داری انتخاب کن؛ فقط حواست باشد برای رشته‌ات به اندازه کافی وقت بگذاری و در آن بهترین باشی.»

### ❖ با توجه به اینکه در لبنان متولد شده و سال‌ها به همراه پدر در این کشور زندگی کرده‌اید، جایگاه حزب‌الله لبنان و محور مقاومت در بین مردم چگونه است؟

حزب‌الله لبنان با فعالیت‌هایی که انجام داده است از محبوبیت ویژه‌ای در بین جوانان و مردم برخوردار است. پیروزی‌هایی که حزب‌الله لبنان در مقابله با دشمن صهیونیستی کسب کرده است برای مردم لبنان بسیار ارزشمند بوده و طرفداران فراوانی دارد. نه تنها مسلمانان لبنان بلکه افراد مسیحی نیز جزو طرفداران حزب‌الله هستند. عملکرد حزب‌الله لبنان در سال‌های گذشته به قدری موفقیت‌آمیز بوده است که دشمنان مقاومت هیچ‌گاه موفق نخواهند شد تا این محبوبیت را از بین ببرند و عشق و علاقه مردم به اعضای حزب‌الله تا ابد در قلب مردم جای دارد.

### ❖ حضور شما در کنار پدر در ایامی که ایشان در لبنان حضور داشته است با خطرات فراوانی همراه بوده است، احساس و رفتار شما از این تهدیدات چگونه بود؟

ایشان از شجاعت ویژه‌ای برخوردار بود و طبیعی است که این شجاعت به خانواده نیز منتقل شده بود. پدرم آماده شهادت بود و بارها این مطلب را یادآوری می‌کردند که خودمان را برای شهادت وی آماده کنیم و ترس از دشمن را در دل راه ندهیم. نیاز بود تا مسائل امنیتی را در مدت حضور در لبنان رعایت کنیم که این مسائل به صورت کامل انجام و رعایت می‌شد. زندگی با فردی مثل پدرم که عاشق شهادت بود، ناخواسته باعث می‌شود ما نیز به شجاعتی که از سوی پروردگار عنایت می‌شود نائل شویم. شرایط شغلی پدر برای ما محدودیت‌های زیادی داشت. مخصوصاً این که اغلب اطرفیان از شغل و سمت ایشان اطلاعات خاصی نداشتند. خیلی جاها که بقیه خانواده‌ها راحت می‌رفتند، ما نمی‌توانستیم برویم؛ اما ما بدون اعتراض خودمان را با این شرایط وفق داده بودیم تا بلکه در ثواب مجاهدت‌ها و تلاش‌های وی شریک باشیم. چند بار که حرف پیش آمد، به پدر به



« شهید زاهدی به همراه فرزندان در دیدار با سیدحسن نصرالله

زندگی بروز می‌کند که مرور خاطرات حضور در کنار ایشان این دل‌تنگی‌ها را دوچندان می‌کند اما با شهادت وی، روحیه استکبارستیزی و انقلابی‌ام تقویت شد و در مسیری که پدرم در حرکت بود، مصمم‌تر شدم تا این مسیر را طی کنم.

### ❖ مرور زندگی پدر، چه درسی برای شما به همراه داشته است؟

زندگی ایشان سرشار از درس و تجربه است. مرور زندگی شهید زاهدی که مملو از ایثار و فداکاری است برای من درس‌های فراوانی به همراه داشته است. اما مهمترین درسی که از زندگی پدرم آموختم، اخلاص و جلب رضایت خداوند در فعالیت‌ها است.

زندگی ایشان سرشار از درس و تجربه است. مرور زندگی شهید زاهدی که مملو از ایثار و فداکاری است برای من درس‌های فراوانی به همراه داشته است. اما مهمترین درسی که از زندگی پدرم آموختم، اخلاص و جلب رضایت خداوند در فعالیت‌ها است.

### ❖ از کمک و یاری ایشان نسبت به نیازمندان اگر مطلبی در ذهن دارید بیان کنید؟

ایشان وظیفه مدیریت حساب و هزینه‌های زندگی را به من محول کرده بود. حقوق ایشان که به حسابشان واریز می‌شد، سفارش می‌کرد که مبلغی به حساب یکی از دوستان واریز کنم تا صرف کمک به نیازمندان و امور خیریه گردد. از جزئیات افرادی که این کمک‌ها به آنها صورت می‌گرفت مطلبی نمی‌گفتند. باید اشاره کنم که کمک‌های ایشان صرفاً مالی نبود بلکه سعی می‌کرد اگر مشکل و کدورتی در بین دوستان و یا بستگان به وجود می‌آید، نسبت به حل آن اقدام و در این زمینه، پیش‌قدم بود.

### ❖ به نظر شما راز گمنامی شهید زاهدی چه بوده است؟

شهید زاهدی فعالیت‌های گسترده‌ای در دفاع مقدس و جنگ تحمیلی انجام داده بود اما هیچ‌گاه هدفش مطرح شدن نبود و سعی می‌کرد تا برای رضای خداوند گام بردارد. به نظر من به دلیل اخلاصی که داشتند همانند شهید حججی خداوند عزیزشان کرد و پس از شهادت ایشان بود که تمام دنیا به نیکی ایشان را شناختند.

### ❖ آخرین سفری که به کشور داشت چگونه گذشت؟

تفاوتی که آخرین سفر پدرم با سفرهای گذشته داشت این بود که مدت زمان بیشتری در ایران حضور داشت.

در سفرهای گذشته که پس از شش‌ماه به ایران می‌آمد، حدود سه روز در ایران حضور داشت اما در سفر آخر، بیش از شش‌روز در کشور حاضر بودند. در این سفر با وجود رعایت همه مسائل امنیتی اجازه دادند تا سخنان ایشان را که در بین بستگان فرمودند را ضبط نماییم. دیدارهای مختلف با دوستان و هم‌زمان خویش انجام داده و به بسیاری از بستگان سرکشی کرده بود. مطابق با دفعات گذشته، برای زیارت مزار شهدا به گلزار شهدا رفتیم و ایشان در کنار مزار شهید خرازی و شهیدردانی‌پور که اکنون به عنوان مزار خویش است، دست به آسمان بلند کرد و دعا خواند. هر وقت که به گلزار شهدا می‌رفتیم، حالت معنوی عجیبی داشتند و در حال راز و نیاز بودند اما این مرتبه، متفاوت از دفعات دیگر بود و در آن لحظات شاید غیر از شهدا را نمی‌دید. قرار بود پس از اقامه نماز ظهر عازم سوریه شود لذا به ایشان اقتدا کرده و نماز را اقامه کردیم. به رسم عادت همیشگی بر دستان وی بوسه زدم اما چند قدمی دور نشده بود که حس عجیبی به من گفت شاید فرصت بوسه بر دستان پدر را نداشته باشم و صدایش زده و دوباره بر دستان وی بوسه زدم و این آخر وداع من با پدر بود.

### ❖ از احساس خود در لحظه وداع با پیکر پدر بگویید؟

پس از شهادت ایشان، به همراه خانواده و بستگان راهی تهران شده و در معراج شهدا با پیکر پدر مواجه شدم. در آن لحظات متوجه شدم که دست چپ ایشان از آرنج قطع شده است که در آن لحظه ناخودآگاه به یاد حضرت ابوالفضل (ع) افتادم. همان شبی که وعده صادق انجام و سیلی محکم به رژیم صهیونیستی وارد شد، دست پدر مورد تفحص قرار گرفت و پس از بازگشت به میهن به پیکر ایشان در مزار ملحق شد. گویا دست پدر باقی مانده بود تا سیلی محکم به رژیم صهیونیستی وارد کرده و سپس به میهن بازگردد.

### ❖ به نظر شما دلیل محبوبیت شهید زاهدی در بین دوستان و هم‌زمان چیست؟

شهید زاهدی چون در مسیر ولایت حرکت کرد و هیچ‌گاه در این مسیر دچار تردید نشد، خداوند عزت‌والایی به ایشان اهدا کرد. دارا بودن اخلاق نیکو و خنده‌رویی و مردمی بودن، یکی از دلایل محبوبیت ایشان بود و هیچ‌گاه خود را برتر از دیگران نمی‌دید.



« سردار زاهدی در کنار شهیدان: حاج قاسم سلیمانی، عباس نیلغروشان و سید حسن نصرالله



## گفتگوی شاهدیاران با حجت الاسلام والمسلمین محمدمهدی اخلاصی مجاهدی نستوه

### در آمد

در پی شکست‌های متعدد رژیم صهیونیستی در مقابل مقاومت فلسطین و ایستادگی مردم غزه، روز دوشنبه ۱۳ فروردین ماه ۱۴۰۳، هواپیماهای این رژیم جعلی در جنایتی دیگر، ساختمان کنسولگری جمهوری اسلامی ایران در دمشق را مورد هدف قرار داد که این حمله وحشیانه، موجب شهادت سردار محمدرضا زاهدی و تعدادی از همراهان ایشان شد. شهادت جمعی از مستشاران نظامی و دیپلمات‌های کشور همزمان با سالروز شهادت مولای متقیان حضرت علی (ع) که حاکی از رفتار جنون‌آمیز این رژیم بود، موجب تأسف و تأثر شدید امت مسلمان شد. در پاسخ به این جنایات و به فرموده مقام معظم رهبری، سیلی محکم به دشمن نواخته و وعده صادق در انتقام خون این شهیدان انجام شد. حجت‌الاسلام والمسلمین محمدمهدی اخلاصی، داماد شهید زاهدی است که خاطراتی از ایثار و فداکاری شهید را روایت می‌کند. در ادامه؛ متن گفتگو با ایشان را می‌خوانید.

❖ نحوه آشنایی شما با خانواده شهید زاهدی چگونه بود؟

پدرم پاسدار بوده و مدتی در لبنان برای انجام مأموریت حضور داشته‌اند، در آخرین سال حضور پدرم در لبنان، سردار زاهدی به همراه خانواده در لبنان حاضر شد. حدود یک سال در مقطع دبستان با فرزند ایشان که اکنون همسرم هستند، هم‌کلاس بوده‌ایم. پدرم از

رسیده‌ام که وی در لحظه شهادت در قله قرار داشته است. ایشان در بسیاری از ویژگی‌ها هم‌چون؛ اخلاق، رفتار، مدیریت زندگی، ایثار و شجاعت در قله قرار داشته است. بستگان بسیاری از ما از جمله پدرم پاسدار بوده و با پاسداران و روحانیون بسیاری در ارتباط می‌باشم، اما شهید زاهدی به آن چیزی که اعتقاد داشت عمل کرده و از این جهت، پیش رو از سایرین بود.

❖ مرور زندگی شهید زاهدی، چه درس‌هایی برای شما به همراه داشته است؟

زندگی سردار زاهدی برای من با درس‌های بسیاری همراه بوده است. در تمام ابعادی که من به عنوان طلبه به مردم توصیه می‌کنم، نمونه عینی این توصیه‌ها در زندگی سردار زاهدی را مشاهده کرده و نکات فراوانی آموختم. با مرور زندگی شهید زاهدی به این نتیجه

همرزمان سردار زاهدی بوده و نسبت به وی شناخت داشتند.

سعی نداشت تا ساده‌زیستی را به زندگی مرفه ترجیح دهد. زرق و برق زندگی و دنیا برای وی بی‌اهمیت

بود. در برگزاری مراسم ازدواج فرزندان نیز تلاش کرد تا با کمترین هزینه این مراسم‌ها برگزار شود و تاکید داشت که من پاسدار هستم و باید در ساده‌زیستی، الگوی سایرین باشم. ایشان اهل شعار نبوده و تلاش می‌کردند تا به‌گونه‌ای زندگی کنند که اطرافیان و فرزندان با مشاهده زندگی وی الگو گیرند.

### ❖ در اولین دیدار شما با سردار زاهدی، کدام یک از خصوصیات وی بارزتر بود؟

در مراسم خواستگاری که در منزل وی حاضر شدیم، مجذوب چشمان ایشان شدم که مملو از نور و علاقه به ائمه اطهار بود، نوری که در چشمان وی بود و موجب می‌شد تا افراد مجذوب وی گردند به دلیل اشک‌هایی بود که برای حضرت امام حسین<sup>(ع)</sup> ریخته و قرآن را با آن چشمان قرائت کرده بود.

### ❖ از میزان ساده‌زیستی وی بگویید؟

سردار زاهدی در ساده‌زیستی، الگوی اطرافیان و بستگان بود. من طلبه بوده و با طلاب بسیاری در ارتباط هستم و با زندگی طلبگی آشنا می‌باشم، اما معتقد هستم که سردار زاهدی واقعا دلبستگی به دنیا نداشت. ایشان به معنای کلمه، به زندگی پاسداری معتقد بود و همانند یک پاسدار زندگی کرد. سردار زاهدی با توجه به ماموریت‌های خارج از کشور، از تمکن مالی مناسبی برخوردار بود و توانایی زندگی مرفه را داشت اما هیچ‌گاه

سردار زاهدی با توجه به ماموریت‌های خارج از کشور، از تمکن مالی مناسبی برخوردار بود و توانایی زندگی مرفه را داشت اما هیچ‌گاه سعی نداشت تا ساده‌زیستی را به زندگی مرفه ترجیح دهد. زرق و برق زندگی و دنیا برای وی بی‌اهمیت بود. در برگزاری مراسم ازدواج فرزندان نیز تلاش کرد تا با کمترین هزینه این مراسم‌ها برگزار شود و تاکید داشت که من پاسدار هستم و باید در ساده‌زیستی، الگوی سایرین باشم.

### ❖ از میزان توجه ایشان به بیت‌المال بگویید؟

از توجه ویژه وی نسبت به رعایت و حفظ بیت‌المال خاطرات بسیاری در ذهن داشته و این را در مسیر زندگی خود دنبال می‌کنم. در ایامی که در لبنان و یا سوریه مستقر بودند، امکان اجاره منزل برای وی به دلیل مسائل امنیتی وجود نداشت و به همراه خانواده در منزلی که متعلق به بیت‌المال بود اسکان داشت. به خاطر دارم در سفری که به همراه همسرم به لبنان داشته و در منزل ایشان حضور داشتیم، هنگامی که همسرم مشغول آشپزی بود، ظرفی افتاد و شکست، به سردار زاهدی عرض کردم که باید خسارت آن ظرف را بپردازم چون متعلق به بیت‌المال است، ایشان گفتند که نیاز نیست چون هر ماه مبلغی از حقوق خود را به بیت‌المال بازمی‌گرداند تا در خصوص خسارت‌های



«حجت‌الاسلام محمد مهدی اخلاصی در کنار سردار زاهدی»





از سردار زاهدی علت احترام ویژه وی به سیدحسین نصرالله را سوال کردم و ایشان اشاره داشتند در ایامی که پیشهاد حضور در لبنان مطرح شد، وی در بیت رهبری حاضر شده و تمام سخنان مقام معظم رهبری در خصوص حزب الله را مطالعه کرده است. نتیجه گیری سردار زاهدی از مطالعه فرمایشات حضرت آقا این بوده است که مطالبه مقام معظم رهبری از فرمانده سپاه لبنان آن است که در مسیر مبارزه، همکار، همراه، پشتیبان و در خدمت سیدحسین نصرالله باشد. سردار زاهدی خود را خادم سیدحسین نصرالله و مقاومت می دانست و سردار زاهدی جناب سید حسن نصرالله را به عنوان نماینده حضرت آقا قلمداد کرده و احترام ویژه ای نسبت به ایشان قائل بودند. به خاطر دارم در منزل سردار زاهدی حضور داشتیم و تلفن منزل به صدا درآمد، سیدحسین نصرالله در خصوص معرفی یکی از فرماندهان حزب الله قصد مشورت با ایشان را داشت. سردار زاهدی با احترام فوق العاده ای با سیدحسین نصرالله گفتگو می کرد. پس از پایان مکالمه، سردار زاهدی رو کرد و گفت: جناب سید از روی لطف و محبت در انتخاب فرماندهان نظر بنده را سوال می کند در صورتی که نظر ایشان کافی است. احترام و علاقه ویژه بین ایشان و جناب سید بارز بود.

#### ❖ ارتباط ایشان با روحانیون چگونه بود؟

اگر روزی قرار باشد تا حوزه علمیه، ویژه نامه ای برای

”  
**شهید زاهدی با فرماندهان ارشد مقاومت، رفت و آمد خانوادگی داشت، علی الخصوص شهید «عماد مغنیه». بارها به همراه خانواده در منزل ایشان حاضر شده و شاهد عشق و علاقه فرزندان شهید «مغنیه» به سردار زاهدی بوده ام. همسر شهید «مغنیه» با توجه به ارادتی که به شهید زاهدی داشت، پس از شهادت ایشان به ایران آمد و در مراسم تشییع ایشان شرکت کرد.**

نصرالله در جلسه وداع با سردار زاهدی به ایشان اشاره و می فرمایند: «مگر قرار نبود تا زمان شهادت در لبنان بمانید!»، گویا قول و قراری بین آنها در این خصوص وجود داشته است و سردار زاهدی به عهد خویش وفا و تا لحظه شهادت در کنار ایشان ماند.

#### ❖ این محبوبیت و ارتباط، نشأت گرفته از چه بود؟

احتمالی، مدیون بیت المال نباشد. به رئیس دفتر خویش سفارش کرده بود که هرگاه خانواده ایشان را جایجا کردید، هزینه سوخت و استهلاک خودرو از هزینه شخصی وی پرداخت گردد. با توجه به اینکه به دلیل مسائل امنیتی، امکان خرید مایحتاج زندگی به صورت مستقیم برای وی فراهم نبود اما بسیار مراقب بود که حتی اندکی از هزینه بیت المال وارد زندگی اش نشود و پیگیری می کرد تا هزینه بلیط هواپیمای اعضای خانواده ایشان در سفر به لبنان از هزینه شخصی وی پرداخت گردد.

#### ❖ چه شد که شما نیز تصمیم گرفتید مدتی در لبنان حضور داشته باشید؟

در دور سوم حضور وی در لبنان، مسئولیت های فراوان برعهده داشت و فرصت کافی حضور در منزل برای وی میسر نبود. سردار زاهدی از اینکه همسرشان در منزل تنها بودند، نگران بود لذا از من درخواست کرد تا ادامه تحصیل خود در قم را برای مدتی به حوزه علمیه بیروت منتقل کنم. من نیز با توجه به درخواست ایشان پذیرفته و به مدت یک سال به همراه همسر در لبنان حضور داشتم. از مردادماه ۱۴۰۱ الی تیرماه ۱۴۰۲ به مدت یک سال در منزل ایشان در لبنان ساکن شدیم. البته قبل از آن نیز در فواصل زمانی مختلف در ماه مبارک رمضان در لبنان حاضر شده و نسبت به انجام رسالت تبلیغ دینی در روستاهای لبنان مشغول به فعالیت بوده ام.

#### ❖ ارتباط شهید زاهدی با فرماندهان و اعضای حزب الله چگونه بود؟

شهید زاهدی با فرماندهان ارشد مقاومت، رفت و آمد خانوادگی داشت، علی الخصوص شهید «عماد مغنیه». بارها به همراه خانواده در منزل ایشان حاضر شده و شاهد عشق و علاقه فرزندان شهید «مغنیه» به سردار زاهدی بوده ام. همسر شهید «مغنیه» با توجه به ارادتی که به شهید زاهدی داشت، پس از شهادت ایشان به ایران آمد و در مراسم تشییع ایشان شرکت کرد. یکی دیگر از فرماندهان حزب الله که انس ویژه ای با سردار زاهدی داشت، شهید «علی کرکی» بود.

#### ❖ از ارتباط وی با سید حسین نصرالله بگویید؟

شهید سیدحسین نصرالله، انس و علاقه زیادی به سردار زاهدی داشت و این علاقه در وجود سردار زاهدی نیز سرشار بود. هماهنگی و ارتباطی که بین سردار زاهدی و سیدحسین برقرار بود، بی نظیر بوده است. دور دومی که مسئولیت ایشان در حال اتمام بود شهید سیدحسین

شهید زاهدی منتشر کند، مطالب فراوانی در این خصوص موجود است و این به دلیل ارادت قلبی وی به جامعه روحانیت است. پدر و پدر بزرگ سردار زاهدی روحانی بوده و پدر و پدر بزرگ همسر ایشان نیز روحانی بوده‌اند. ارادت قلبی ایشان به شهید ردانی پور که در ایام دفاع مقدس با ایشان مانوس شده و تا لحظه شهادت نیز این علاقه ادامه داشت، حاوی ارادت وی به روحانیون می‌باشد. ارادت سردار زاهدی به شهید ردانی پور تا اندازه‌ای بود که وصیت کرد مزار وی پس از شهادت در کنار ایشان باشد. ارتباط سردار زاهدی با روحانیون حزب‌الله از جمله سیدحسین نصرالله نیز مملو از ارادت وی به روحانیون می‌باشد. تا لحظه‌ای که لباس روحانیت بر تن نکرده بودم، در موقع اقامه نماز، سردار زاهدی به عنوان پیش نماز ایستاده و با اقتدا به ایشان، اقامه نماز را انجام می‌دادیم اما از روزی که لباس مقدس روحانیت را بر تن کردم، پیش نماز بودن را نپذیرفته و تاکید داشتند طبق فتوای حضرت امام (ره) با وجود روحانی، اقتدا به غیر روحانی جایز نیست و این مسئولیت را به من محول کردند. ارادت و پایبندی به روحانیت به خاطر ارتباط ایشان با روحانیت بوده است.

#### هدف نهایی شهید چه بوده است؟

در ایامی که یکی از دوستان ایشان در لبنان به شهادت رسیده بودند، تا چند روز از این اتفاق ناراحت و غمگین بود. سردار زاهدی آرزو داشت تا به شهادت نائل شود اما امیدوار بود که اگر مرگ وی به شهادت ختم نشود؛ در لحظه مرگ، خداوند از وی راضی باشد. در تمامی مراحل مبارزه و جهاد، کسب رضایت خداوند در اولویت فعالیت‌های وی بوده است.

#### از میزان علاقه و ارادت وی به ائمه اطهار بگویید؟

شهید زاهدی به حضرت فاطمه الزهرا (س)، ارادت ویژه‌ای داشت و در لحظه انجام کارهای دشوار، به ایشان متوسل می‌شد. در لحظاتی که حدیث «کسا» قرائت و نام حضرت زهرا (س) در این حدیث خوانده می‌شد، اشک می‌ریختند و علاقه و ارادت وی به حضرت زهرا (س) در وجود ایشان سرشار و بی‌نهایت بود. از سردار زاهدی سوال کردم که از چه زمانی هر روز زیارت عاشورا را قرائت می‌کنید؟ ایشان پاسخ داد که از زمان جنگ تحمیلی این زیارت را هر روز قرائت می‌کند و حدود ۲۰ سال بود که زیارت عاشورا را با «صدلین» و «صدسلام» قرائت می‌نماید. با تمام مشغله کاری که داشت، زیارت عاشورا را فراموش نمی‌کرد. انس ایشان با قرآن نیز ویژه بود به گونه‌ای که

در روز، سه جزء قرآن را قرائت می‌کرد.

چه شد که تصمیم گرفته شد تا مزار سردار زاهدی در کنار شهیدان «ردانی پور» و «خرازی» در گلزار شهدای اصفهان باشد؟

اگر روزی قرار باشد تا حوزه علمیه، ویژه‌نامه‌ای برای شهید زاهدی منتشر کند، مطالب فراوانی در این خصوص موجود است و این به دلیل ارادت قلبی وی به جامعه روحانیت است. پدر و پدر بزرگ سردار زاهدی روحانی بوده و پدر و پدر بزرگ همسر ایشان نیز روحانی بوده‌اند. ارادت قلبی ایشان به شهید ردانی پور که در ایام دفاع مقدس با ایشان مانوس شده و تا لحظه شهادت نیز این علاقه ادامه داشت، حاوی ارادت وی به روحانیون می‌باشد.

هر زمان که به اصفهان می‌آمد، در گلزار شهدا حاضر شده و به زیارت شهدا می‌پرداخت. با توجه به ارادتی که به شهیدان، خرازی، ردانی پور و احمد کاظمی داشت، توقف طولانی در کنار مزار این بزرگواران داشت و به فرزندان و دوستان وصیت کرده بود که اگر به شهادت نائل شد در کنار این شهدا به خاک سپرده شود.

تلاش‌های همسر شهید زاهدی که به‌طور قطع در اجر و پاداش‌های وی شریک است را چگونه می‌توان توصیف کرد؟

شهید زاهدی تاکید داشت که اگر تلاش‌های من، اجر و پاداشی نزد خداوند به همراه داشته باشد، بخش زیادی از آن متعلق به همسرم است. در تمام ایامی که شهید زاهدی در مسیر مبارزه و جهاد گام برداشته بود، همسر ایشان در کنار وی حضور داشته و به حمایت از ایشان مشغول بوده است. در ایام دفاع مقدس؛ با توجه به دشواری‌هایی که حضور در مناطق جنگی به همراه داشت، ایشان در کنار سردار زاهدی حاضر بوده‌اند. پس از پایان جنگ تحمیلی، این حضور متوقف نشده و در گیلان و تهران این همراهی ادامه داشته است. در دور اول حضور ایشان در لبنان، خانواده در کنار وی حاضر بوده‌اند و علاوه بر همسر ایشان، فرزندان نیز در این جهاد سهیم هستند. در دور دوم و سوم حضور وی در لبنان و با توجه به تهدیدهای فراوانی که وجود داشت،





« سردار زاهدی به همراه بستگان در سفر به مناطق جنگی

به من داده و فرموده‌اند که شما شهید خواهید شد و من بر پیکر شما نماز اقامه خواهم کرد اما نسبت به شهادت عجله نکنید. این خواب را برای آقای زاهدی روایت کردم. پس از شهادت ایشان، در حسینیه حضرت امام خمینی (ره) حضور داشته و حضرت آقا بر پیکر ایشان نماز را اقامه و از حسینیه خارج شدند. مطلع بودیم که مقام معظم رهبری پس از شهادت حاج احمد کاظمی و شهید سلیمانی، عیای خویش را برای قرار دادن در داخل قبر تقدیم کرده بودند. این درخواست را از طریق یکی از نزدیکان به اطلاع حضرت آقا رسانده و این عبا از سوی ایشان ارسال و آن را تحویل گرفتم. خوابی که دیده بودم را به یکی از نزدیکان ایشان روایت کرده و ایشان اطمینان دادند که خواب را برای حضرت آقا روایت خواهند کرد. در روزی که سردار حاجی زاده برای دیدار با خانواده شهید زاهدی به اصفهان آمده بودند به من اشاره و سوال کردند که آیا شهادت سردار زاهدی را شما در عالم خواب دیده بودید؟ ایشان اشاره داشتند در جلسهای که فرماندهان در محضر مقام معظم رهبری حاضر بوده‌اند، مقام معظم رهبری به خوابی که شما دیده بودید اشاره کرده و روایت آن خواب، جو سنگین در آن جلسه به همراه داشته است. سردار سلامی نیز در آن جلسه از مقام معظم رهبری درخواست داشتند که ان شاء الله اگر ما هم شهید شدیم، شما نماز را بر پیکر ما اقامه کنید.

**فصل آشنایی سردار زاهدی با حاج قاسم در ایام دفاع مقدس بوده است، اما انس ایشان با سردار سلیمانی در ایامی که ایشان به لبنان اعزام شده بودند، شکل گرفت. حضور سردار زاهدی در عملیات‌های مهم برون مرزی در کنار حاج قاسم سبب شده بود تا انس ویژه‌ای بین این دو شهید ایجاد گردد.**

باز قرار می‌گیرد، سردار سلیمانی در کنار ایشان حضور داشته و پشت درب اتاق عمل، منتظر بازگشت ایشان بودند.

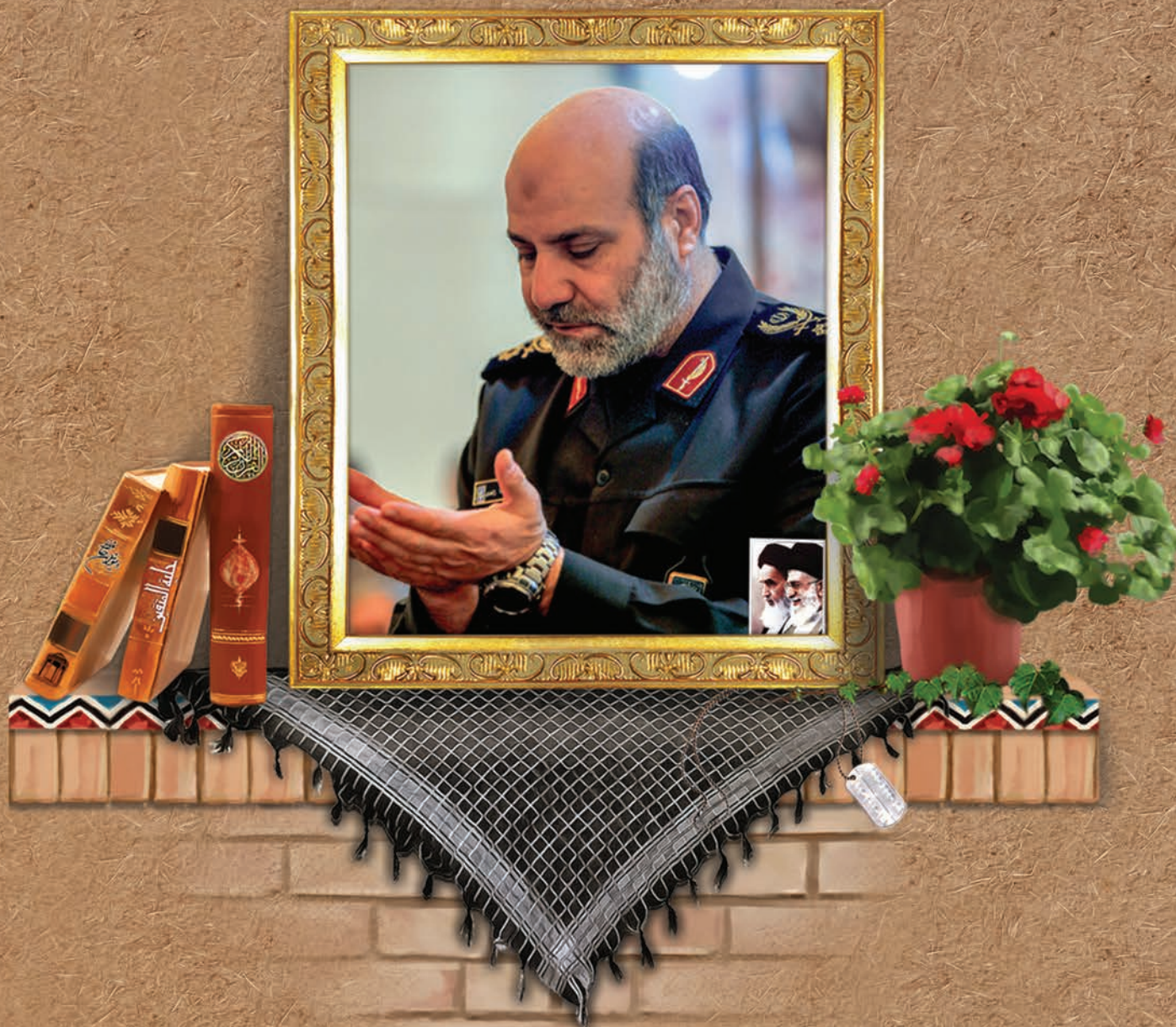
**اگر خاطره‌ای در ذهن دارید که برای شما جالب بوده است، بیان کنید؟**

قبل از شهادت سردار زاهدی، در عالم خواب دیدم که سردار زاهدی و سیدحسن نصرالله به دیدار مقام معظم رهبری نائل شده‌اند. پس از اتمام جلسه، سردار زاهدی بسیار خوشحال بودند. از ایشان علت خوشحالی را جویا شدم، فرمودند که حضرت آقا مژده شهادت را

حضور خانواده در کنار ایشان منع شده بود اما همسر وی با شجاعت و دلاوری خارق‌العاده‌ای، سردار زاهدی را همراهی کرد و هیچ‌گاه وی را در این مسیر تنها نگذاشت. همراهی سردار زاهدی در این مجاهدت‌ها بسیار دشوار بوده است و به دلیل مسائل امنیتی، حتی دسترسی ایشان و همسرشان به تلفن میسر نبوده است. همسر شهید زاهدی همانند «شهیده» زنده‌ای هستند که اجر و پاداش وی بی‌نهایت است. همسر شهید زاهدی اشاره می‌کنند که چون علاقه‌مند حضور در جبهه بوده اما این امکان وجود نداشت، برای همین تصمیم گرفته است با حمایت همسر و حضور در اهواز، او را در مسیر ایثار یاری نماید.

**از ارتباط سردار زاهدی با شهید حاج قاسم سلیمانی بگویید؟**

فصل آشنایی سردار زاهدی با حاج قاسم در ایام دفاع مقدس بوده است، اما انس ایشان با سردار سلیمانی در ایامی که ایشان به لبنان اعزام شده بودند، شکل گرفت. حضور سردار زاهدی در عملیات‌های مهم برون مرزی در کنار حاج قاسم سبب شده بود تا انس ویژه‌ای بین این دو شهید ایجاد گردد. در سال ۱۳۸۹ در ایامی که سردار زاهدی در لبنان حضور داشته‌اند، پزشکان تشخیص می‌دهند که نیاز به جراحی قلب باز وی بوده و سریعاً به ایران منتقل می‌شوند. در لحظاتی که سردار زاهدی در بیمارستان بستری شده و تحت جراحی قلب



# شهید محمد رضا زاهدی

## در توصیف فرماندهان و مسئولین



توصیف ایثار و رشادت شهید محمدرضا زاهدی در کلام سرلشکر شهید محمد باقری

## فرماندهی شجاع و مخلص

قدرت نظامی، اطلاعاتی و با تکیه بر حمایت و پشتیبانی امریکای جنایتکار و بخش بزرگی از اروپا بنا نهاده شده است. در عملیات «طوفان الاقصی»، رزمندگان با حداقل تلفات، ضربات چشمگیری به دشمن وارد کرده و به سرزمین خود بازگشتند، سرزمین «غزه»؛ سرزمین کوچکی است که ۱۵ سال در محاصره قرار داشته و هر از چندگاهی مورد حمله قرار می‌گیرد، رهبران مقاومتش ترور می‌شوند و در این شرایط، رزمندگان با حفر تونل، ایجاد استحکامات در زیر تونل‌ها صنعت دفاعی ایجاد

تا امریکای ظالم و جنایتکار و صهیونیست ظالم و کودک‌کش بدانند که عمر این رژیم به سر آمده و راه دوری تا نابودی و اضمحلال کامل او باقی نمانده است. «طوفان الاقصی» عملیاتی بی‌نظیر بود که بدون نقص توسط حداکثر یک هزار نفر رزمنده و سازمانی که بیش از ۱۵ سال در محاصره کامل در یک باریکه کوچک بودند، در یک عملیات قاطعانه به صهیونیست‌های تاجران دندان مسلح هجوم برده و شکست ترمیم‌ناپذیر را به دشمن تحمیل کردند. دشمنی که اساس و بنیان آن بر

شهید زاهدی پس از ۴۳ سال مجاهدت شبانه‌روزی، سرانجام جان خود را فدای اسلام و آزادی قدس شریف کرد. شهید زاهدی هم‌رزم شهیدایی همچون؛ سردار سلیمانی، همدانی، عماد مغنیه و همه شهدای بزرگ آزادی قدس شریف و مقابله با رژیم صهیونیستی بود. ملت بزرگ ایران و همه ملل‌های آزاده جهان به برکت عملیات بی‌نظیر «طوفان الاقصی» و به برکت خون شهید زاهدی و هم‌زمانش، روز قدس بی‌نظیری را در تاریخ انقلاب اسلامی و تاریخ جهان خلق کردند

کردند، نیروهایشان را آموزش داده و دشمن را زیر نظر گرفتند، طرح حساب‌شده‌ای را تدوین و شجاعانه آن را اجرا کردند. رژیم صهیونیستی به دنبال سرزمین «نیل» تا «فرات» یعنی شش کشور «فلسطین، مصر، سوریه، لبنان، اردن و عراق» بوده است، امروز در طی شش‌ماه گذشته، گرفتار نبرد در یک سرزمین کوچک‌تر از یک شهر شده و در باتلاق نبرد «غزه» فرو رفته و نه راهی برای خاتمه جنگ داشته و نه راهی برای ادامه این جنگ دارد. پایان‌درگیری «غزه» کاملاً روشن است، از امروز و از ابتدا روشن بوده است، شکست صهیونیست‌ها قطعی است. در سرزمین صهیونیست‌ها، دو دستگی سیاسی بی‌داد می‌کند و در ارتش صهیونیست‌ها نافرمانی دیده می‌شود، سربازان صهیونیست از پادگان‌ها فرار می‌کنند و کسی حاضر نیست با پول هنگفت نیز عازم سربازی شود. بخش زیادی از جوانان از کشور خارج شده و حاضر به بازگشت نیستند. اقتصاد صهیونیست از بین رفته و دوام آن امکان‌پذیر نیست. به برکت خون شهید زاهدی و دیگر شهدای قدس و ایستادگی مردم فلسطین است که شرایط امروز به‌وجود آمده است. ما شهیدان و عزیزان بزرگی را از دست داده‌ایم اما برکت خون این شهیدان موجب سرعت گرفتن افول و زوال

خواهد شد، آمریکا بیش از همه، شریک این جنایت و سایر جنایت‌های صهیونیست‌ها است، چه بپذیرد که در این امر دخالت داشته و چه تکذیب کند، تفاوتی نمی‌کند، مسئولیت اصلی حادثه دمشق و دیگر جنایات صهیونیست‌ها بر عهده آمریکا است و او باید پاسخگو باشد. شهید محمدرضا زاهدی در سه مقطع، ۱۳ سال از عمر خویش را در حاشیه قدس به سر برد، دوری از خانواده، زندگی امنیتی و تعقیب دائم توسط صهیونیست‌ها را تحمل کرد اما ایستاد، این وعده الهی است که شهیداً پیروز خواهند شد. اصفهان به عنوان مهد شهادت، شجاعت و ایثار؛ شهید بزرگ دیگری را تقدیم راه اسلام و انقلاب اسلامی کرد، این شهید بزرگ و سایر شهیدان این حادثه به خداوند پیوستند. افتخار آشنایی با شهید زاهدی را از ابتدای دفاع مقدس دارم. شهید زاهدی در مدت حضور ۹ ماهه خویش در خط‌مقدم «دارخوین» در برابر بعثی‌ها در حالی که به سختی مجروح شده بود ایستادگی کرد. ایشان در عملیات «ثامن‌الائمه» که سخت‌ترین منطقه در «نهر شادگان» بود، به عنوان فرمانده گردان تک بر حضور داشت، وی سوار بر تانک شده و بر دشمن یورش برد و بعثی‌ها مجبور به تسلیم شدند و این رشادت‌ها باعث شد تا

عملیات «ثامن‌الائمه» به پیروزی ختم شود. در عملیات «طریق‌القدس» که کلید‌گشایش این عملیات در شمال «بستان» و رمل‌های «چذابه» بود و شهید زاهدی با فرماندهی خیره‌کننده خویش به عمق ۲۰ کیلومتری از منطقه دشمن نفوذ کرده و توپخانه بعثی‌ها را ساقط کرد. این شجاعت مثال‌زدنی از سوی شهید زاهدی باعث شد تا عملیات «طریق‌القدس» به پیروزی ختم شده و منطقه «بستان» آزاد شود. شهید زاهدی پس از پایان جنگ تحمیلی مسئولیت‌های دشوار بسیاری را بر عهده گرفت و حضور وی در هر مسئولیت موجب برکت بود. شهید زاهدی ویژگی‌های استثنایی داشت، فرماندهی خوش اخلاق و متواضع بود. ایشان هیچ‌گاه به دنبال مطرح شدن نبوده و از دوربین خبرنگاران گریزان بود. او فرماندهی شجاع، توانمند، باتدبیر، استراتژیست بزرگ در دفاع مقدس و پس از آن در جبهه مقاومت بود. اقدام رژیم صهیونیستی در خصوص حمله به کنسولگری دمشق، اقدامی از سر استیصال و انفعال بود. این اقدام بدون پاسخ باقی نخواهد ماند، رهبر عزیز انقلاب فرمودند که دشمن را پشیمان خواهیم کرد و دلاور مردان ما انتقام لازم را خواهند گرفت. منبع: خبرگزاری دانشجو





توانمندی و تدبیر شهید محمدرضا زاهدی در سخنان دکتر محسن رضایی

## الگو در میان فرماندهان

اعتقاد وافری داشت و با جان و دل پذیرفته بود که برای اسلام و کشور مشغول به رشادت شود. مأموریتی را به خاطر ندارم که به شهیدزاهدی محول شده و ایشان موفق به انجام آن نشود. شهیدزاهدی کاملاً تبعیت‌پذیری از فرماندهان داشت. این آزادگی همراه با ولایت‌پذیری، ویژگی استثنایی بود که شهید زاهدی آن ویژگی را دارا بود. شهیدزاهدی یکی از الگوهای فرماندهان در دفاع مقدس بود. آزادگی و ولایت‌پذیری جزو مهم‌ترین تربیت‌های ارائه شده توسط حضرت امام بود. حضرت امام توانست انسان‌هایی آزاده تابع دین خدا و اسلام را تربیت کند. ایشان به دنبال مطرح شدن نبود و خبرنگاران و نویسندگان جهت انجام گفتگو و یا سخنرانی از وی دعوت می‌کردند اما نمی‌پذیرفت. شهید زاهدی تمام زندگی‌اش را برای رضای خداوند صرف کرد. اعتقاد دارم اگر فردی توانایی این را داشته باشد که تمام زندگی خود را برای خداوند هدیه کند و در مسیر رضایت خداوند قرار دهد، انصافاً عروج بسیار بالایی است.

منبع: سخنان دکتر محسن رضایی در دیدار با خانواده شهید زاهدی

شهید حسن باقری جهت شناسایی عازم منطقه شدیم. موفق شدیم از منطقه صعب العبور که مملو از «رمل» بود عبور کرده و خود را به عقبه دشمن برسانیم. پس از بازگشت از شناسایی، در بین فرماندهان عنوان کردیم که تنها مسیر جهت انجام عملیات «طریق القدس»، عبور از «رمل» و محاصره دشمن است. نیاز بود تا قبل از آغاز عملیات، رزمندگان از «رمل‌ها» عبور کرده و توپخانه دشمن را خاموش کنند. فعالیت بسیار خطرناک و شاید غیرممکن بود. این عملیات به سردار زاهدی محول شد. دوگردان به صورت مخفیانه موقعیت حضور دشمن را دور زده و توپخانه دشمن را منهدم کردند. با شهید زاهدی در همان ایام آشنا شدم و شجاعت وی بسیار بارز و ویژه بود. پس از گذشت مدتی، ایشان را به عنوان فرمانده تیپ انتخاب کردم. اولین فردی که به عنوان بسیجی در جبهه حضور داشت و به فرماندهی تیپ برگزیده شد، شهید زاهدی بود. در ایامی که به عنوان فرمانده تیپ انتخاب شد، وارد سپاه نشده و به عنوان بسیجی مشغول به رشادت بود. این انتخاب به دلیل شجاعت، اخلاص، صداقت و اعتقاد عمیقی بود که به حضرت امام داشت. شهیدزاهدی به حضرت امام

برادر عزیز و دوست داشتنی و فراموش‌ناشدنی، حاج محمدرضا زاهدی از رزمندگان و فرماندهان مخلص و یار صمیمی فرماندهان جنگ و حضرت امام بود. اولین آشنایی من با ایشان در عملیات «طریق القدس» بود. در اجرای این عملیات، مشکلات متعدد در پیش روی ما وجود داشت که باعث شده بود برخی از فرماندهان در اجرای این عملیات، دچار تردید شوند. یکی از مشکلاتی که با آن مواجه بودیم، خط دفاعی مستحکم دشمن در منطقه «بستان» بود به گونه‌ای که علاوه بر آتش سنگین توپخانه بعثی‌ها، منطقه به‌طور گسترده از سوی آنها مین‌گذاری شده بود. مشکل دیگری که وجود داشت این بود که مهمات و تجهیزات ما در این عملیات محدود بود. این مشکلات باعث شده بود تا آزادسازی «بستان» طی عملیات «طریق القدس» در حال‌الهای از ابهام قرار داشته باشد. به خاطر دارم، تشکیل تیپ‌های سپاه برای اولین مرتبه در همان ایام انجام شد و سه تیپ؛ «۱۴ امام حسین (ع)»، «کربلا» و «عاشورا» تشکیل شد. شهید خرازی، مرتضی قربانی و عزیز جعفری به ترتیب به عنوان فرماندهان این سه تیپ انتخاب شدند. نیاز بود تا عملیات «طریق القدس» انجام شود لذا به همراه



سرلشکر پاسدار سید یحیی رحیم صفوی در توصیف از شهید محمدرضا زاهدی

## مبارزی صادق

رژیم جعلی و کودک کش صهیونیستی می‌داند به پایان رسیده است (سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيُّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ)؛ به این رژیم درنده‌خو و دیوسیرت صهیونیستی و حامی و پشتیبان اصلی آن آمریکای جنگ‌افروز نیز باید یادآوری کرد که مجازات پشیمان‌کننده دلاورمردان مقاومت اسلامی و میراث‌داران شهید سلیمانی و شهید زاهدی از این جنایت، قطعی و اغماض‌ناپذیر است. از ذات اقدس باری تعالی برای شهیدان عالی‌قدر همجواری با سید و سالار شهیدان حسین بن علی علیه‌السلام و شهدای کربلا و برای خانواده‌های مکرم و هم‌زمان غیرتمند آنان، ثبات قدم در پایبندی به آرمان‌های بلند و تمدنی انقلاب اسلامی و پاسداری از موارث ارزشمند شهدا در «خیمه ولایت» را طلب می‌کنم. منبع: خبرآنلاین

غیور و دلاور آنان در جنایت حمله موشکی هواپیماهای رژیم جعلی و پلید صهیونیستی به بخش کنسولی سفارت کشورمان در دمشق را به محضر مبارک رهبر عظیم‌الشأن انقلاب اسلامی و فرماندهی کل قوا حضرت امام خامنه‌ای (مد ظله العالی)، مردم عزیز ایران و اصفهان و خانواده معظم و هم‌زمان آنان تبریک و تسلیت عرض می‌نمایم. مجاهدت‌های سترگ و صادقانه این عزیزان که مفتخر به نشان «شهیدالقدس» شدند برای همیشه ماندگار و به ویژه برای مجاهدان امت اسلامی در جبهه مقاومت منطقه و میدان‌های مبارزه با رژیم گرگ صفت صهیونیستی و حامیان خبیث آن به ویژه آمریکای جنایتکار، الهام بخش است و خون‌های پاک این عزیزان و دیگر شهدای مقاومت زوال و نابودی اشغالگران فلسطین و آزادی قدس شریف را سرعت خواهد بخشید.

برادر و هم‌رزم عزیزم از کردستان تا خوزستان و سال‌های دفاع مقدس، حاج علی زاهدی مجاهدی نستوه، مخلص، صدیق و شجاع بود که پس از چهل و دو سال جهاد مستمر در راه اسلام و امنیت ایران و تقویت جبهه مقاومت و پس از زیارت مولایمان حضرت علی بن موسی الرضا (ع) در شب بیست و یکم ماه مبارک رمضان با قلبی نورانی و جسمی مجروح بر طریق حق و عدالت و هدایت به دیدار معبود و یاران شهیدش هم‌چون حاج قاسم سلیمانی، حسین خرازی و احمد کاظمی شتافت. این شهادت پرافتخار سرداران رشید سپاه اسلام «سرلشکر پاسدار محمدرضا زاهدی» و «سردار محمد هادی حاجی رحیمی» از فرماندهان پیشکسوتان و جانبازان دفاع مقدس و مستشاران ارشد نظامی جمهوری اسلامی ایران در سوریه و همراهان





## سخنان سرلشکر پاسدار شهید حسین سلامی در وصف سرلشکر پاسدار شهید محمدرضا زاهدی

### اسطوره‌ای جاودان و شخصیتی شبه‌افسانه‌ای از جهاد

برخوردار بود و به درجه ای از معنویت و جهاد رسیده بود که باعث شد مردم در تشییع پیکر ایشان حضور گسترده ای داشته باشند. شهید زاهدی اسطوره ای جاودان و شخصیتی شبه‌افسانه‌ای از جهاد بود که پس از پایان جنگ تحمیلی به همراه فرمانده جاودانه جبهه‌های مقاومت، حاج قاسم سلیمانی در لبنان و سوریه برای ساخت قدرتی عظیم در برابر اسرائیل مجاهدت کرد. سرلشکر شهید محمدرضا زاهدی؛ یک مجاهد پرافتخار، اهل وعده صادق، اهل ذکر، اهل اقامه نماز و امر به معروف و نهی از منکر بود. منبع: خبرگزاری بسیج

رقم خورد. به‌خاطر او، ما با تمام شوق و شغف مان این عملیات را انجام داده و موجب افتخار ما گردید. به خاطر دارم که هرگز قرآن و ذکر تسبیح شهید زاهدی ترک نمی‌شد و با قرآن مانوس بود؛ شوق شهادت در او فوران می‌کرد. شهید زاهدی یکی از شخصیت‌های برجسته تاریخ اسلام است زیرا ۴۵ سال در سنگر اسلام مبارزه کرده و به درجه جانبازی نیز نائل آمده بود. شهید زاهدی در سختی و خطر، زندگی کرد و نشاط جهاد و عشق شهادت‌طلبی در وجود او جلوه داشت. به‌غیر از این نوع شهادت نمی‌توانست پاداش مجاهدت‌های سردار زاهدی باشد. شهید زاهدی از تواضع فوق‌العاده‌ای

شهید زاهدی اسوه و الگوی انسان آسمانی بوده و به طور یقین از انسان‌های زمینی فراتر بود و نزدیک به خداوند سیر می‌کرد. او همه زندگی‌اش برای رضای الهی بود که پس از ۴۵ سال مجاهدت، به دست صهیونیست‌ها به شهادت رسید. سرلشکر زاهدی به لحاظ معنوی در زیباترین شکل به شهادت رسید؛ زیرا وی به دست بزرگترین دشمن مسلمانان و بشریت یعنی صهیونیست‌ها به شهادت رسید. وی پس از شهادت نیز در حال مبارزه با دشمن صهیونیست بود زیرا بزرگترین عملیات موشکی تاریخ (وعده صادق) به نام سردار شهید حاج محمدرضا زاهدی و در انتقام خون او و همراهانش



## سرلشکر پاسدار محمد پاکپور در توصیف از شهید محمدرضا زاهدی

### مجاهد خستگی ناپذیر

اخروی و کسب رضایت پروردگار متعال برای آن شهید سعید است که آثار و برکات آن تا سالها موجب امید، استحکام و پیشرفت رزمندگان محور مقاومت بوده، هیچ‌گاه از اذهان هم‌زمان ایشان و به ویژه مردم شریف و قدرشناس کشورهای محور مقاومت و ایران عزیز اسلامی فراموش نخواهد شد. با ابراز تأسف و تألم فراوان از فقدان فرمانده ارزشمند سپاه اسلام و محور مقاومت، سردار جانباز شهید، برادر محمدرضا زاهدی و هم‌زمان شهید ایشان، بار دیگر شهادت این برادران عزیز را به محضر مبارک فرمانده معظم کل قوا (مدظله العالی)، خانواده معظم شهدا و تمامی فرماندهان و رزمندگان اسلام تسلیت و تبریک عرض نموده، علو درجات و رحمت واسعه الهی را برای همه شهدای اسلام و پیروزی هر چه سریع‌تر رزمندگان جان‌برکف محور مقاومت بر دشمن جنایتکار صهیونیستی را از درگاه خداوند متعال مسئلت می‌نمایم.

منبع: خبرگزاری دانشجو

و صحنه‌های مختلف دفاع و پاسداری مخلصانه از اسلام، انقلاب و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران در برابر دشمنی و کینه‌توزی‌های بدخواهان و دشمنان قسم‌خورده، همواره در آرزوی شهادت بود و در مسیر انجام تکالیف و وظایف خویش، بارها و بارها مجروح گردیده و به کسوت جانبازی نائل شده بود، در نهایت؛ در ماه مبارک رمضان و در روز شهادت مولا و مقتدای خویش، حضرت علی (ع) به دست شقی‌ترین دشمنان اسلام و انسانیت، به فیض عظمای شهادت نائل گردید و به آرزوی دیرینه خود رسید. مجاهدت و تلاش‌های ارزشمند، مستمر و شبانه‌روزی شهید زاهدی طی چند دهه پاسداری از انقلاب اسلامی در مسئولیت‌های گوناگون و حساس فرماندهی و راهبردی در سپاه و محور مقاومت که همواره منشأ کسب پیروزی و موفقیت‌های تعیین‌کننده‌ای در جبهه‌های حق علیه باطل بود، بی‌تردید ره‌توشه‌ای گران‌سنگ، معنوی و قرین‌اجر

شهادت؛ اجر و پاداش خداوند متعال به بزرگ‌مردان با اخلاصی است که پس از سال‌ها تلاش و مجاهدت مخلصانه در میدان‌های مبارزه با شیاطین و دشمنان قسم‌خورده اسلام، متاع جان خویش را در طبق اخلاص نهاده، به ساحت قدسی معبود تقدیم نموده‌اند. شهادت پرافتخار فرمانده شجاع، مؤمن و خستگی‌ناپذیر جبهه‌های مبارزه با ایادی و دست‌نشانندگان استکبار و پیشکسوت جانباز دوران دفاع مقدس، سرلشکر پاسدار شهید محمدرضا زاهدی و هم‌زمان و همراهان ایشان، در حین انجام مأموریت مستشاری در محور مقاومت توسط دژخیمان جنایتکار رژیم صهیونیستی را به محضر مبارک رهبر معظم انقلاب و فرماندهی کل قوا (مدظله العالی)، فرماندهان و سایر هم‌زمان گرامی ایشان و به ویژه خانواده معزز شهدای والامقام، تسلیت و تبریک عرض می‌نمایم. شهید زاهدی، که طی بیش از چهار دهه مجاهدت و تلاش شبانه‌روزی در میدان‌ها

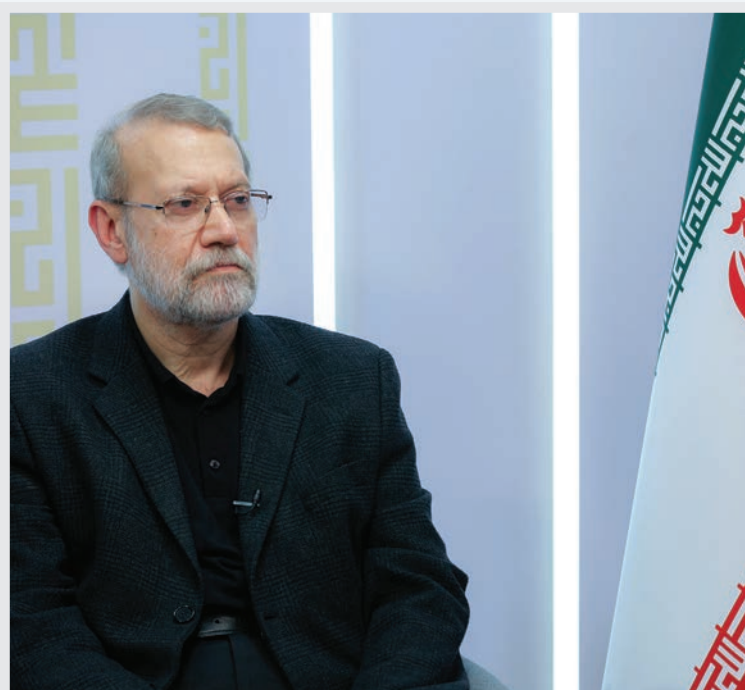
## دکتر محمد باقر قالیباف:

در آستانه حرکت وحدت‌بخش امت اسلام در روز جهانی قدس، ناتوانی، عجز و زبونی رژیم غاصب و متجاوز صهیونیستی در برابر مقاومت و ایستادگی رزمندگان جبهه اسلام در منطقه نمایان گردید و بار دیگر در جنایتی آشکار، مجاهدانی دلاور و رشید از فرزندان ملت ایران را ناجوانمردانه به شهادت رسانید تا درنده‌خویی و سفاکی خود را بیش از پیش عیان سازد. برادر و دوست عزیزم، سردار سرتیپ پاسدار محمدرضا زاهدی (ابومهدی) که بیش از چهل سال توفیق آشنایی و همنشینی با وی را داشتیم، و همچنین سردار سرتیپ پاسدار محمدهادی حاجی‌رحیمی و سایر شهدای عزیز و بزرگواری که در دفاع از حریم اهل بیت (علیهم‌السلام) به‌عنوان مستشار نظامی در سوریه حضور داشتند، در بمباران جنگنده‌های مزدوران ارتش صهیونیستی به ساختمان کنسولگری جمهوری اسلامی ایران در دمشق، به شهادت رسیدند. سردمداران جاهل رژیم غاصب اسرائیل و حامیان آن‌ها بدانند این تحرکات رذیلانه هیچ تأثیری در اراده آزادی‌خواهی و حق‌طلبی مبارزان مقاومت نخواهد داشت و اقدام تجاوزگرانه و ددمنشانه آنان با مجازات سختی مواجه خواهد گشت. ضمن عرض تبریک و تسلیت به پیشگاه حضرت بقیة‌الله الاعظم (عج)، مقام معظم رهبری، فرماندهان و رزمندگان جبهه مقاومت، ملت شریف ایران و خانواده بزرگوار شهیدان به‌ویژه خانواده داغدار شهید زاهدی، برای این مجاهدان قهرمان که در روز شهادت مولای متقیان حضرت علی (علیه‌السلام) به فیض شهادت نائل گشتند، همنشینی با اولیاء‌الله و رضوان الهی از درگاه خداوند متعال مسئلت می‌نمایم. منبع: خبرگزاری ایسنا



## دکتر علی لاریجانی:

گرچه از دست دادن سردار رشید اسلام، زاهدی و یارانش، آنهم در ایام شهادت مولای متقیان علی (ع) ثلمه شدیدی برای جامعه ماست، اما از جهتی نشانگر آن است که ایران عزیز با داشتن چنین مجاهدانی همواره با عزت و سربلندی زیست می‌کند. از طرفی، رفتار صهیونیست‌ها حکایت‌گر فرار رو به جلو از عدم دستاورد نظامی در غزه به سوی آینده‌ای مبهم‌تر است. در این میان، پرهیز غرب حتی از محکومیت جنایت اسرائیل پایه‌های فریب نظام لیبرال دموکراسی را بیشتر عیان کرد. اتحاد همراه با طمانیه جامعه در راستای تدابیر فرماندهی کل قوا باعث اتخاذ تصمیمات درست و قوی خواهد بود. به خانواده‌های محترم شهدای عظیم‌الشان عرض تسلیت و ارادت دارم. منبع: خبرگزاری جماران



گفتگوی شاه‌دیاران با حجت‌الاسلام والمسلمین احمد سالک

## شهیدالقدس



### درآمد

حجت‌الاسلام والمسلمین احمد سالک کاشانی، در سال ۱۳۲۵ در شهر اصفهان متولد شد. وی مدرک دیپلم ریاضی خود را در کنار تحصیل همزمان علوم حوزوی دریافت و جهت ادامه تحصیلات علوم دینی به حوزه علمیه زرین‌شهر اصفهان و سپس به قم رفت. سالک؛ فعالیت‌های سیاسی خود را از دوران دبیرستان در کنار پدر آغاز و این مبارزات را زیر نظر شهید بهشتی ادامه داد. از سال ۱۳۵۲ چندین مرتبه از سوی ساواک دستگیر و تحت شکنجه قرار گرفته است. احمدسالک، پس از پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان فرمانده سپاه استان اصفهان منصوب و مدتی نیز مسئولیت کمیته‌های انقلاب در سراسر کشور را بر عهده داشته است. ایشان به عنوان نماینده مردم اصفهان در ادوار مجلس شورای اسلامی مشغول به فعالیت بوده است. در ادامه؛ متن گفتگو با حجت‌الاسلام و المسلمین احمد سالک را می‌خوانید.

حاضر شده و به فعالیت‌های فرهنگی و مبارزه مشغول بودند، پایه‌های سپاه استان را تشکیل دادند. این افراد با کسب آمادگی لازم، به دفاع از میهن و شهرها پرداختند. افرادی که در مسیر مبارزه علیه رژیم ستم‌شاهی تربیت شده بودند، ضدحکومت شاه بوده و در این مسیر متحمل

استان اصفهان، قبل از پیروزی انقلاب اسلامی بوده است. قبل از پیروزی انقلاب، در گروه‌های مختلفی که تحت عنوان شبکه‌های زیرزمینی و آشکار بر علیه رژیم پهلوی فعالیت داشته است، حضور داشتم. افرادی که در فعالیت‌های فرهنگی آشکار بر علیه این رژیم در مساجد

❖ با توجه به اینکه شما به عنوان اولین فرمانده سپاه در استان اصفهان بوده‌اید، لطفاً از نحوه تشکیل سپاه در این استان و فعالیت‌های این یگان بگویید؟  
مقدمات تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در

### ❖ نکات و مسائل نظامی را چگونه به رزمندگان آموزش دادید؟

نیاز بود تا مسائل آموزش نظامی به صورت دقیق به اعضای سپاه و بسیج ارائه شود. در این خصوص، از توانمندی ارتش کمک گرفته و با شناختی که با شهید صیاد شیرازی داشتیم از وی جهت ارائه آموزش بهره گرفتیم. شهید صیاد شیرازی در دوره یک هفته‌ای نسبت به ارائه آموزش نظامی اقدام کرد. این آموزش‌ها،

اصفهان محمول گردید. نسبت به برقراری امنیت در شهرها فعال بوده و از واحدهای صنعتی و پالایشگاه‌ها محافظت می‌کردیم. نسبت به عبور و مرور در جاده‌ها نظارت داشته و اسلحه‌های فراوانی را کشف و ضبط کردیم که رسیدن آنها به تهران می‌توانست خسارت جبران‌ناپذیری ایجاد کند. علاوه بر برقراری امنیت در سطح شهر، ماموریت‌های دیگری نیز به سپاه اصفهان محول شد و به صورت همزمان در منطقه سیستان و بلوچستان، گنبد و کردستان مشغول به مبارزه و دفاع در برابر اشراک و منافقین بودیم.

### ❖ با کمبود امکانات چه می‌کردید؟

در مسیر این مبارزات، نیاز بود تا به سلاح تجهیز شده و فعالیت را ادامه دهیم اما هیچ‌گونه سلاح در اختیار رزمندگان سپاه قرار نمی‌گرفت. بخشی از نیاز خود در خصوص سلاح را، از همان سلاح‌هایی که در جاده‌ها کشف و ضبط می‌شد، رفع می‌کردیم. قدرت اصلی سپاه استان اصفهان، به دلیل وجود نیروی توانمند بود.

### ❖ آیا توسط منافقین، تهدید نیز شده‌اید؟

به دفعات از سوی منافقین تهدید شده و این تهدیدات از سوی آنها اجرا و سوء قصد انجام شد.

شکنجه‌های سهمگین ساواک قرار گرفته بودند. اولین یگانی که جهت برقراری امنیت در شهرها و محلات تشکیل شد، کمیته انقلاب بود که در کنار گروه‌های مردمی به دفاع از شهرها پرداخت. مدتی به عنوان فرمانده کمیته‌های انقلاب در سراسر کشور مشغول به فعالیت بوده و از نزدیک شاهد دلاوری این رزمندگان بودم. پس از گذشت مدتی؛ حضرت امام خمینی (ره)، دستور تاسیس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را با هوشمندی صادر کرد. افرادی که در مبارزات انقلاب حضور داشته و بر علیه رژیم ستم‌شاهی فعالیت داشته‌اند، هسته اولیه سپاه را تشکیل داده و پس از گذشت مدتی، سایر جوانان انقلابی به سپاه پیوسته و این یگان الهی، تاسیس شد. فرماندهی سپاه استان اصفهان به من محول شد و شورای فرماندهی سپاه استان اصفهان که متشکل از افراد انقلابی از جمله رحیم صفوی و شهید حجازی بود را تشکیل دادم. پایه‌های اصلی سپاه در استان اصفهان، بسیار مستحکم پایه‌گذاری شده و از نظر نیروی انسانی، بسیار توانمند بود.

### ❖ فعالیت‌های سپاه در استان اصفهان چه مواردی بوده است؟

با توجه به اینکه سپاه در استان اصفهان بسیار قدرتمند شکل گرفت، لذا ماموریت‌های مهم نیز به سپاه

در مسیر این مبارزات، نیاز بود تا به سلاح تجهیز شده و فعالیت را ادامه دهیم اما هیچ‌گونه سلاح در اختیار رزمندگان سپاه قرار نمی‌گرفت. بخشی از نیاز خود در خصوص سلاح را، از همان سلاح‌هایی که در جاده‌ها کشف و ضبط می‌شد، رفع می‌کردیم. قدرت اصلی سپاه استان اصفهان، به دلیل وجود نیروی توانمند بود.



« به ترتیب از سمت راست؛ شهید زاهدی، شهید حبیب‌اللهی، شهید خرازی، آیت‌الله نمازی، حجت‌الاسلام احمد سالک



« شهید زاهدی در کنار حجت‌الاسلام والمسلمین احمد سالک

کمک زیادی در دفاع مقدس به همراه داشت و افراد علاوه بر آشنایی به سلاح از تاکتیک‌های عملیات نیز آگاهی یافتند.

### ❖ آشنایی شما با سردار زاهدی چگونه بود؟

آشنایی من با شهید زاهدی که به‌عنوان یک بسیجی وارد میدان نبرد و مقاومت شد، پس از پیروزی انقلاب اسلامی شکل گرفت. پس از تشکیل سپاه در استان اصفهان، نیاز بود تا آموزش‌های نظامی به اعضای سپاه و بسیج ارائه شود لذا پادگانی را در این خصوص تجهیز کرده و نسبت به ارائه آموزش اقدام کردیم. سردار زاهدی یکی از اولین نفراتی بود که در این پادگان حاضر و نسبت به گذراندن دوره‌های آموزشی اقدام کرد. پس از اتمام دوره‌های آموزشی، سردار زاهدی در برقراری امنیت در شهر اصفهان فعالیت داشت و پس از گذشت مدتی به همراه شهید خرازی به منطقه کردستان اعزام شد.

### ❖ حضور وی در منطقه کردستان با چه اتفاقاتی

همراه بود؟

حضور اشرا و منافقین در این منطقه بسیار گسترده بوده و افراد و فرماندهان بسیاری با منافقین مشغول به مبارزه بوده‌اند. اعضای سپاه و بسیج استان اصفهان که در آن منطقه حضور داشتند، گروه واکنش سریع به نام «گروه ضربت» را تشکیل دادند که فرماندهی این گروه پس از گذشت مدتی به شهید خرازی محول شد و «گروه ضربت» در ایام دفاع مقدس به لشکر امام حسین<sup>(ع)</sup> تبدیل شد، یکی از اعضای توانمند و شجاع این گروه، سردار زاهدی بود.

### ❖ از ویژگی‌های رفتاری و مبارزاتی سردار

زاهدی به چه مواردی می‌توان اشاره کرد؟

سردار زاهدی چند ویژگی بارز داشت که به چند مورد آن اشاره خواهیم کرد. اولین ویژگی شهید زاهدی این بود که در میدان توحید، مرد میدان بود به گونه‌ای که خداوند در قلب وی جای داشت. با عنایت به اینکه پدر ایشان روحانی بوده و ارتباط ویژه‌ای با روحانیت داشت، سبب شده بود تا این چنین در میدان توحید حرکت نماید. ویژگی دوم سردار زاهدی؛ عشق به ولایت بود، یعنی عشق به امام را با همه وجود خویش قبول داشت. عشق به ولایت فقیه از ویژگی‌های خاص این نیروهای جوان و نوجوان در آن ایام بود. عشق به ولایت، مجری به فرامین ولایت و در رکاب ولایت بودن؛ جزو افتخاراتی است که به آسانی نمی‌توان آن را کسب کرد و افرادی این ویژگی‌ها را دارا می‌باشند که خانواده آنها

وی بود و عبادت خداوند را از اولویت‌های زندگی خویش می‌دانست. وقتی که اذان اقامه می‌شد، هر کاری که مشغول به انجام آن بودند را متوقف و در نماز جماعت حاضر می‌شدند. شهید زاهدی و شهید خرازی اولین صفوف نماز جماعت را تشکیل می‌دادند.

### ❖ انتخاب فرماندهان در آن برهه چگونه

صورت می‌گرفت؟

انتخاب فرماندهان در آن ایام، بر اساس توانمندی و شجاعت آنها صورت می‌گرفت. اگر فردی این خصوصیات را به همراه داشت و با ایمان بود، به عنوان فرمانده گردان و یا تیپ انتخاب می‌شد. سردار زاهدی علاوه بر شجاعت، از توانمندی نظامی ویژه برخوردار بود. سردار زاهدی در عملیات‌ها جلوتر از نیروها حرکت می‌کرد و در شناسایی عملیات نیز حاضر می‌شد. اکثر ماموریت‌هایی که به وی محول می‌شد با پیروزی همراه بود. تصمیم گرفته بودیم تا جهت تربیت فرماندهان در سپاه استان، با انتخاب افراد توانمند، نسبت به ارائه آموزش‌های تکمیلی به این

خصوصیات دیگر ایشان؛  
عابد بودن وی بود و عبادت  
خداوند را از اولویت‌های زندگی  
خویش می‌دانست. وقتی که  
اذان اقامه می‌شد، هر کاری  
که مشغول به انجام آن بودند  
را متوقف و در نماز جماعت  
حاضر می‌شدند. شهید زاهدی و  
شهید خرازی اولین صفوف نماز  
جماعت را تشکیل می‌دادند.



تربیت‌شده‌های این مکتب باشند. به همین دلیل بود که به روحانیت مبارز، عشق می‌ورزیدند و من به عنوان فرمانده کل سپاه اصفهان اگر فرمانی صادر می‌کردم، تابع محض بودند. خصوصیات دیگر ایشان؛ عابد بودن

❖ **از ارتباط خود با سیدحسین نصرالله بگوئید؟**  
 من با شهید سیدعباس موسوی، دبیرکل وقت حزب الله لبنان ارتباط داشته و در برهه‌های مختلف، جهت انجام ماموریت در لبنان حاضر شده بودم. در یکی از جلسات از ایشان سوال کردم که جانشین شما بعد از شما چه کسی است و ایشان سیدحسین نصرالله را معرفی و خصوصیات مختلفی را از وی بیان کرد، از آن لحظه با سیدحسین نصرالله آشنا شدم. پس از انتخاب سیدحسین نصرالله به عنوان دبیرکل حزب الله، تغییرات مختلفی در نحوه فعالیت حزب الله شکل گرفت و نیاز بود تا فردی به عنوان رابط میان حزب الله با میان مقام معظم رهبری و نیز سپاه انتخاب شود. تعدادی از افراد در مقاطع مختلف در لبنان به عنوان مستشار حضور داشته و ابتکاری که این عزیزان به کار می‌گرفتند، قابل تقدیر بود اما شهید زاهدی اقدامات ارزشمندی به کار گرفتند.

❖ **سردار زاهدی چه اقدامات و فعالیت‌هایی در ایام حضور خود در لبنان انجام داد؟**  
 سردار زاهدی از تجربه‌های ارزشمندی برخوردار بود و تیزهوشی وی در مباحث نظامی بارز بود. ایشان در طراحی‌های عملیات از توانمندی ویژه‌ای برخوردار بود که سبب شد تا تحولی عظیم در زمینه آموزش و عملیات به اعضای حزب الله ارائه کند. علاوه بر فعالیت‌های نظامی، در زمینه‌های فرهنگی نیز اقدامات ایشان در لبنان بارز بوده است. نگاه ایشان در فرماندهی، صرفاً نظامی نبود و مسائل فرهنگی را مدنظر قرار می‌داد. مهم‌ترین دستاورد وی در لبنان، انتقال خودباوری به اعضای حزب الله بود که در این مسیر، فعالیت‌های گسترده‌ای باید صورت می‌گرفت تا این خودباوری به اعضای حزب الله صورت گیرد. شهید زاهدی در طول مسیر زندگی و مبارزه، موفقیت‌های زیادی داشته است.

❖ **اگر مطلب پایانی است بیان کنید؟**  
 شهید زاهدی از چهره‌هایی بود که بیش از چهل سال در میدان مبارزه با دشمنان اسلام، فعالیت کرد، از زمان تحرکات دشمن در کردستان و پس از آن در خوزستان و در مسئولیت‌های مختلف از جمله فرمانده تیپ «قمر بنی هاشم»، فرمانده نیروی زمینی سپاه و... فعالیت قابل توجهی داشت. این شهید والامقام همچنین بیش از ۱۵ سال در میدان مقاومت لبنان و سوریه فعالیت داشته و با تدبیر و نگاه دقیق خود مجری سیاست‌های رهبری بود و با هدایت‌های رهبری عمل کرد و با تدبیر و بسترسازی امور را انجام داد.

خود را به مرحله ظهور رسانده بود. ایشان با حضور در کنار شهید خرازی، مدارج نظامی و معنوی را به حد اعلا رساند و به شجاعت غیرقابل وصف، نائل شد. سردار زاهدی یکی از ارکان اصلی تیپ امام حسین<sup>(ع)</sup> بود که بدون حضور وی، چه بسا بسیاری از موفقیت‌ها کسب نمی‌شد. ایشان با دارا بودن قدرت ایمان و کسب تجارب نظامی، یکی از فرماندهان مقتدر در دفاع مقدس بود.

❖ **آیا در خصوص حضور در لبنان به عنوان نیروی مستشاری با شما مشورت داشت؟**

پس از اینکه پیشنهاد حضور در لبنان برای مرتبه سوم به وی ارائه شد، نزد من در نیروی قدس سپاه آمد و درخواست کرد تا در این خصوص استخاره کنم. استخاره کرده و نتیجه را به ایشان بازگو کردم. به وی گفتم که نتیجه کار بسیار عالی است اما با دشواری‌های فراوانی همراه است. گفت: یعنی شهید می‌شوم! گفتم ان شاءالله شهید می‌شوید، اما پایان کار، دشوار است. سردار زاهدی تاکید داشت که برای مرتبه سوم اگر تکلیف شود به لبنان خواهد رفت و پس از اینکه از سوی مقام معظم رهبری به ایشان اعلام شد، با تمام شوق، عازم لبنان گردید. در آخرین دیداری که با وی داشتم، در چهره وی، نورانیت ویژه‌ای نمایان بود و این نورانیت نسبت به دفعات گذشته متفاوت بود. شهادت ایشان قلب مرا سوزاند و از آن اتفاق بسیار متأثر شدم. سال‌ها بود که با وی مأنوس بوده و ارتباط نزدیک با ایشان داشتم.

افراد اقدام کنیم. شهید زاهدی تمام آموزش‌ها را به نحو احسن آموخت و به یکی از فرماندهان قدرتمند در دفاع مقدس تبدیل شد.

❖ **از شجاعت ایشان در دفاع مقدس بگوئید؟**  
 در تمام صحنه‌های نبرد، جلوتر از سایرین حرکت می‌کرد. شهید زاهدی در عملیات‌های مختلف، توانمندی

”  
**سردار زاهدی از تجربه‌های ارزشمندی برخوردار بود و تیزهوشی وی در مباحث نظامی بارز بود. ایشان در طراحی‌های عملیات از توانمندی ویژه‌ای برخوردار بود که سبب شد تا تحولی عظیم در زمینه آموزش و عملیات به اعضای حزب الله ارائه کند. علاوه بر فعالیت‌های نظامی، در زمینه‌های فرهنگی نیز اقدامات ایشان در لبنان بارز بوده است. صرفاً نظامی نبود و مسائل فرهنگی را مدنظر قرار می‌داد.**  
 “



« شهید زاهدی در کنار شهید صیاد شیرازی و سردار کریم نصر



## گفتگوی شاهد یاران با سردار سیدضیاءالدین حزنی فرماندهی مقتدر و سربازی دلآور

### درآمد

انقلاب اسلامی ایران با پایان بخشیدن به حاکمیت سیاسی رژیم پهلوی، نظامی نوین با ایدئولوژی اسلامی ایجاد کرد. بدیهی است به موازات این تحولات؛ ساختار سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، اداری و نظامی ایران نیز دگرگون می‌شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، امید مردم به آینده‌ای بهتر، موجب سرعت بخشیدن به تحولات اداری و سازمانی شد. از این رو؛ فعالیت‌های جهادسازندگی به صورت رسمی پس از گذشت مدت زمان کوتاهی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، آغاز شد. انقلاب اسلامی ایران در روزهای نخستین پیروزی به دنبال طراحی زیرساخت‌های نظام نوین جمهوری اسلامی، التیام دردهای محرومان و مستضعفان، استقرار حکومت عدل و سامان بخشیدن به اوضاع دگرگون کشور بود، در این میان؛ تدابیر انقلابی و دوران‌دیشی امام خمینی (ره) و یاران مبارز انقلابی در تاسیس نهادهایی هم‌چون کمیته امداد و جهادسازندگی، نشانگر عزم جدی حکومت برای رسیدگی به امور نیازمندان و محرومیت‌زدایی بوده است. اکنون ارگان‌های مختلفی وظیفه محرومیت‌زدایی را در کشور برعهده دارند و قرارگاه محرومیت‌زدایی سپاه یکی از آن ارگان‌هاست. سردار حزنی به عنوان دبیر این قرارگاه مشغول به فعالیت است. ایشان در ایام دفاع مقدس به عنوان مسئول لجستیک "لشکر ۱۶ قدس گیلان" مشغول به فعالیت بوده است. پس از پایان جنگ تحمیلی نیز، سردار حزنی به عنوان مسئول "لجستیک" این لشکر انتخاب و در ایامی که شهید زاهدی به عنوان فرمانده این لشکر در گیلان حضور داشته با ایشان مانوس بوده است. در ادامه؛ متن گفتگو با فرمانده قرارگاه محرومیت‌زدایی سپاه را می‌خوانید.

بهترین، خالص‌ترین و پاک‌ترین افراد در کنار نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران گرد هم آمده بودند تا دین را عزیز دارند و خود؛ با عزت شوند. افرادی که جهت پاسداری از دین به میدان آمدند علاوه بر عزت خویش،

زمانی که دین عزیز شود، همه عزت یافته و در جهت پاسداری از دین و عزت به میدان می‌آیند. دین اگر عزیز شود، همه ما عزیز می‌شویم؛ اما اگر دین ضعیف شود ما نیز ضعیف خواهیم شد. در ایام دفاع مقدس،

❖ به نظر شما چه عاملی باعث شد تا جوانان و نوجوانان با دارا بودن سن کم، در دفاع از کشور در برابر تجاوز بعثی‌ها، آنگونه ایثار از خود به نمایش بگذارند؟



را در لشکر گیلان همراهی کردم، حاوی خاطرات ماندگاری است.

### ❖ از نحوه فرماندهی و مدیریت سردار زاهدی در لشکر «۱۶ قدس گیلان» بگویید؟

در ایام دفاع مقدس و پس از آن، با فرماندهان بسیاری همراه بوده و با آنها همکاری داشته‌ام اما سردار زاهدی جزو فرماندهانی بود که بسیار با ایمان بود. سردار زاهدی؛ دائم‌الذکر بود و با وضو وارد جلسات لشکر گیلان می‌شد. مدیریت و فرماندهی سردار زاهدی، مومنانه و با خلوص قلبی همراه بود. ایشان مدیری توانمند و فرماندهی باتقوا بود. حضور سردار زاهدی در گیلان، برکات فراوانی برای سپاه استان به همراه داشت. زمانی زیادی از پایان جنگ تحمیلی سپری نشده بود و مشکلات فراوانی در لشکر وجود داشت. نیاز بود تا یگان‌های لشکر، تجهیز شده و استقرار کامل و بهینه صورت گیرد. ستاد مرکزی لشکر در ایام حضور ایشان به بهره‌برداری رسید و تجهیز یگان‌ها انجام شد. با استقرار کامل و بهینه یگان‌ها، سعی داشت تا یگان‌ها را برای حملات احتمالی دشمنان آماده کند. تقسیم بهینه یگان‌ها در سطح استان، تجهیز و استقرار از مهم‌ترین اقدامات سردار زاهدی در گیلان بود.

### ❖ میزان توجه سردار زاهدی نسبت به مسائل «لجستیک» لشکر تا چه میزان بود؟

سردار زاهدی از فرماندهان توانمند در دفاع مقدس بود و شناخت کامل از عملیات‌ها داشت. حضور وی در لشکر امام حسین (ع) که یکی از یگان‌های خط‌شکن بود، باعث شده بود تا نگاه کارشناسی و دقیق نسبت به اهمیت تجهیز یگان‌ها داشته باشد. جلسات مختلف با ایشان برگزار کرده و سردار زاهدی تاکید داشت تا تجهیزات نظامی و «لجستیک» از اهمیت بالایی برخوردار است و ماموریت داد تا همه توان خویش را جهت ترمیم و تقویت «لجستیک» به کار گیریم. همانگونه که اشاره کردم، مدت حضور من در ایامی که سردار زاهدی به عنوان فرمانده «لشکر ۱۶ قدس گیلان» منصوب شد، کوتاه بود و پس از مدتی به نیروی زمینی سپاه در تهران منتقل شدم.

### ❖ سردار زاهدی مدتی نیز به عنوان فرمانده نیروی زمینی در سپاه منصوب شد، آیا در مدت حضور وی مجدداً با ایشان فعالیت داشتید؟

پس از انتصاب سردار زاهدی به عنوان فرماندهی نیروی زمینی سپاه، من نیز در این نیرو حضور داشتم. مسئولیت واحد «لجستیک» و نیز مسئولیت آماد و

فرمود: «خرمشهر را خدا آزاد کرد.» و در دفاع مقدس شاهد بودیم که حضور خداوند در نزد رزمندگان، باعث دلآوری آنها بود.

### ❖ چه عواملی باعث شد تا لشکر «۱۶ قدس گیلان» تشکیل شود؟

در اوایل دفاع مقدس، رزمندگان استان‌های مازندران و گیلان در لشکر «۲۵ کربلا» سازماندهی شده و وارد عملیات می‌شدند. در ادامه جنگ تحمیلی، با توجه به وسعت استان‌های مازندران و گیلان و نیز به دلیل جمعیت عظیمی از رزمندگان این استان‌ها، تصمیم گرفته شد تا لشکر «۱۶ قدس گیلان» تشکیل شود. سردار همدانی به عنوان اولین فرمانده لشکر «۱۶ قدس گیلان» و پس از ایشان، سردار عبداللهی به این سمت منصوب شدند. پس از سردار عبداللهی، سردار زاهدی به این سمت منصوب شد.

### ❖ نحوه آشنایی شما با سردار زاهدی چگونه بود؟

در ایامی که شهید زاهدی به عنوان فرمانده لشکر گیلان منصوب شد، من به عنوان مسئول «لجستیک» این لشکر مشغول به فعالیت بودم. البته حضور من پس از انتصاب ایشان در گیلان، محدود بود چون به تهران منتقل شدم. البته آن مدت کوتاهی که سردار زاهدی

عزت میهن را شکل دادند. سردار زاهدی یک از افرادی بود که باعث شد تا عزت میهن حفظ گردد. در ایام دفاع مقدس، از شهید احمد کاظمی سؤال کردم که در عملیات «بیت‌المقدس» چه حوادثی اتفاق افتاد؟ ایشان گفت: «هرچه که خدا می‌گفت، همان انجام می‌شد و هرچه که خدا می‌خواست همان پیش می‌آمد.» امام

در ایام دفاع مقدس و پس از آن، با فرماندهان بسیاری همراه بوده و با آنها همکاری داشته‌ام اما سردار زاهدی جزو فرماندهانی بود که بسیار با ایمان بود. سردار زاهدی؛ دائم‌الذکر بود و با وضو وارد جلسات لشکر گیلان می‌شد. مدیریت و فرماندهی سردار زاهدی، مومنانه و با خلوص قلبی همراه بود. ایشان مدیری توانمند و فرماندهی باتقوا بود. حضور سردار زاهدی در گیلان، برکات فراوانی برای سپاه استان به همراه داشت.



پشتیبانی بر عهده من بود، لذا تقدیر این بود که دوباره با سردار زاهدی همکار باشم. با توجه به شناختی که از وی کسب کرده بودم سعی داشتم تا فعالیت‌های مرتبط را به نحو احسن انجام دهم و از نکته‌سنجی و ریزبینی سردار زاهدی مطلع بودم. به خاطر دارم در ایام حضور در نیروی زمینی، از من درخواست کرد تا آمار کامل تسلیحات موجود در نیروی زمینی و آمار تسلیحات موجود در انبارهای نیروی زمینی را در اختیار ایشان قرار دهم. پس از گذشت مدتی، نزد ایشان رفته و آمارهایی که بر روی جزوه ای یادداشت کرده بودم

را به اطلاع وی رساندم. جلسه‌ای در این خصوص با دیگر فرماندهان و مسئولین برگزار شده بود و سردار زاهدی را در این جلسه همراهی کردم. سردار زاهدی در آن جلسه، آمارهایی که چند روز قبل از روی جزوه به ایشان عرض کرده بودم را به صورت حفظ، در جلسه قرائت کرد. تیزهوشی و حافظه قوی ایشان برای من قابل توجه بود. در آن جلسات، ایشان تاکید داشت که سطح دارایی در زمینه مهمات را باید افزایش داده و به سطوح استاندارد برسانیم.

### چه اقدامات دیگری در نیروی زمینی انجام داد؟

نیروی زمینی یکی از مهم‌ترین یگان‌های سپاه می‌باشد که وظیفه دفاع از کشور را برعهده دارد. مقام معظم رهبری از نیروی زمینی سپاه به عنوان ستون فقرات نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران یاد می‌کند. سردار زاهدی تلاش داشت تا اقتدار نیروی زمینی حفظ شده و بر قدرت آن افزوده شود. سردار زاهدی تغییراتی در نیروی زمینی انجام داد و سعی داشت تا اقتدار این نیرو بیش از پیش گردد. در زمینه‌های رزمی و تجهیزات، فعالیت ارزشمندی انجام داد که قابل تقدیر بود. یکی از مهم‌ترین اقداماتی که سردار زاهدی در نیروی زمینی انجام داد، تجهیز گردان‌ها و لشکرها و نیز تهیه اطلاعات رزمی بود.

با توجه به محبوبیتی که سردار زاهدی در استان گیلان داشته و به خاطر قدردانی از زحمات وی، مراسم یادبودی پس از شهادت ایشان در استان گیلان برگزار شد و من نیز توفیق آن را داشتم تا در این مراسم حاضر شده و ارادت مردم و مسئولین استان گیلان به وی را شاهد بودم.

### نگاه مردم و رزمندگان استان گیلان به سردار زاهدی چه بود؟

با توجه به محبوبیتی که سردار زاهدی در استان گیلان داشته و به خاطر قدردانی از زحمات وی، مراسم یادبودی پس از شهادت ایشان در استان گیلان برگزار شد و من نیز توفیق آن را داشتم تا در این مراسم حاضر شده و ارادت مردم و مسئولین استان گیلان به وی را شاهد بودم. سردار زاهدی در بین رزمندگان و فرماندهان استان گیلان، محبوب بود و مردم گیلان زحمات ایشان را فراموش نخواهند کرد. ما مردم گیلان، سردار زاهدی را یک گیلانی می‌دانیم و افتخار می‌کنیم که در کنار وی به رشادت پرداخته‌ایم. سردار زاهدی افراد را مجذوب خویش می‌کرد و از قدرت جاذبه فراوانی برخوردار بود. تمام زندگی شهید زاهدی همراه با اخلاص و عمل بود. در کنار تمام خصوصیات اخلاقی نیکو، به شدت مردمی و ساده‌زیست بود. شهید زاهدی متعلق به یک استان نبود بلکه متعلق به نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و محورهای مقاومت در منطقه بود. شهادت ایشان باعث شد تا خون بسیاری از مردم دنیا به خروش آید.

### اگر مطلب پایانی است بیان بفرمایید؟

یکی از بزرگترین افتخارات ما ایرانیان، پیروی از مکتب اهل بیت<sup>(ع)</sup> و درک شهادت است. ملت ایران تربیت‌یافته مکتب حضرت فاطمه زهرا<sup>(س)</sup> هستند و این راز شکست‌ناپذیری ما است. از روزی که شعار نه شرقی و نه غربی را سر دادیم، در مقابل استکبار ایستاده و شهدا این راه را به ما نشان دادند. شهدا افتخار جمهوری اسلامی ایران بوده و مکتب حاج قاسم سلیمانی، امروز جهانی شده است. شهدا، پارسا و ولایت‌مدار بوده و لذا به محبوبیت در نزد مردم رسیدند. محبوبیت شهید زاهدی در بین افرادی که با ایشان مانوس بوده، قابل توجه است اما باید سیره و هدف این شهدا را در جامعه بیان کنیم. مردم ما نباید با شهیدایی هم‌چون شهید زاهدی که خدمات و فداکاری‌های گسترده‌ای برای میهن و مردم به همراه داشته است غریبه بوده و وی را نشناسند! باید به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی و فعالیت کنیم تا همه مردم با شهدا آشنا بوده و از خدمات و اهداف آنها مطلع باشند. اگر ما بتوانیم شهید زاهدی و یا شهدای دیگر را به صورت صحیح به مردم معرفی کنیم، مشکلاتی که وجود دارد مرتفع خواهد شد. جاری شدن یاد و خاطره شهدا در زبان و افکار مردم سبب خواهد تا فداکاری در جامعه به شکل گسترده‌ای صورت گیرد.



« شهید زاهدی در کنار شهید کرکی (از فرماندهان حزب الله لبنان) »



## گفتگوی شاهدیاران با سردار کریم نصر اصفهانی هم‌چون مالک اشتر در میدان‌های نبرد

### درآمد

سردار کریم نصر اصفهانی در سال ۱۳۳۶ در محله قدیمی نصرآباد اصفهان در خانواده‌ای مذهبی متولد شد. او آموزه‌های دینی، فرهنگ شهامت، استواری و صبر را در دوران نوجوانی و جوانی آموخت. در سال‌های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در فعالیتهای سیاسی و عقیدتی مشارکت فعال داشت و ساماندهی نیروهای انقلابی را به خوبی عهده‌دار بود. با پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، در تشکیل کمیته دفاع شهری نقش فعال داشت و با آغاز شرارت‌های منافقین و دشمنان، جهت مبارزه با آنها، عازم این مناطق شد. سردار کریم نصر اصفهانی در دفاع مقدس نقش عمده‌ای داشت، فرماندهی تیپ «قمر بنی‌هاشم» و فرماندهی عملیات‌های مختلف و جانبازی ۷۰ درصد در عملیات خیبر، از جمله رشادت‌های او است. سردار کریم نصر اصفهانی که به شایستگی یکی از مفاخر دوران دفاع مقدس و انقلاب اسلامی است بعد از اتمام جنگ، تحصیلات خود را تا مقطع کارشناسی ارشد ادامه داد و به پاس سلحشوری و ایثارگری خود، افتخار نصب مدال «فتح» توسط مقام معظم رهبری را برای همیشه بر سینه دارد. ایشان در سه دوره، به عنوان عضو شورای اسلامی شهر اصفهان حضور داشته و مسئولیت کمیسیون فرهنگی و اجتماعی شورای اسلامی شهر اصفهان بر عهده او بوده است. سردار نصر از دوستان و هم‌زمان شهید زاهدی بوده و خاطرات فراوانی در ذهن به یادگار دارد. حاج کریم نصر، با وجود جانبازی، همچنان روحیه‌ای مثال‌زدنی داشته و طی چهاردهه پس از جنگ، با تحمل سختی‌ها، همواره شاکر بوده است. در ادامه؛ متن گفتگو با ایشان را می‌خوانید.

اصلی ما در منطقه کردستان، برقراری امنیت جهت تردد نیروهای اعزامی در جاده‌ها بود.

❖ در کدام عملیات، زمینه آشنایی شما با سردار زاهدی شکل گرفت؟

سیستان و بلوچستان شده و به انجام وظیفه پرداختم. حدود ۹ ماه در این منطقه حضور داشته و در کنار سایر افراد انقلابی و مبارز، نسبت به دفاع از شهر مشغول بودم. پس از آن به منطقه کردستان رفته و به عنوان معاون عملیات در این منطقه حاضر بوده‌ام. وظیفه

❖ لطفاً از نحوه حضور در دفاع مقدس بگویید؟  
در ایام مبارزه با رژیم ستم‌شاهی، در کنار مردم حضور داشته و پس از پیروزی انقلاب در کمیته انقلاب اسلامی جهت برقراری امنیت در شهر اصفهان فعال بوده‌ام. در سال ۱۳۵۸ جهت مبارزه با منافقین، وارد منطقه

با سردار زاهدی در منطقه کردستان آشنا شده بودم اما وی در گروه «ضربت» فعالیت داشت و در آن برهه در کنار وی نبودم. سردار زاهدی پس از آغاز جنگ تحمیلی، به جبهه جنوب شتافت. انس ویژه من با سردار زاهدی در ایامی بود که وارد جبهه جنوب شدم. به محض ورود من به جبهه جنوب و استقرار در تیپ امام حسین<sup>(ع)</sup>، از من درخواست شد تا فرماندهی یکی از گردان‌ها را برعهده گیرم. این پیشنهاد قبل از آغاز عملیات «طریق‌القدس» بود.

#### ❖ دلیل انتخاب شما به عنوان فرمانده گردان چه بود؟

تجربه و توانمندی، جزو ملاک‌های انتخاب افراد به عنوان فرمانده بود. من علاوه بر تجربیاتی که در ایام پیروزی انقلاب اسلامی کسب کرده بودم، از تجربه حضور در سیستان و کردستان بهره‌مند بودم لذا تشخیص شهید خرازی و شهید ردانی‌پور این بود که توانمندی مدیریت یکی از گردان‌ها را دارم. سخت‌گیری در تیپ امام حسین<sup>(ع)</sup> برای انتخاب فرماندهان بیشتر بود چون اکثر نفراتی که در تیپ امام حسین<sup>(ع)</sup> حضور داشتند، جزو افراد باتجربه بودند.

#### ❖ وظیفه تیپ امام حسین<sup>(ع)</sup> در عملیات «طریق‌القدس» چه بود؟

مأموریت محوله به تیپ امام حسین<sup>(ع)</sup> در عملیات «طریق‌القدس» بسیار مهم بود. در این عملیات؛ نیاز بود تا دشمن را محاصره کرده و توپخانه دشمن را منهدم کنیم. سردار زاهدی که فرماندهی یکی از گردان‌های

تیپ امام حسین<sup>(ع)</sup> را برعهده داشت، با شجاعت و دلاوری به این مأموریت مهم اعزام و موفق شد تا این مأموریت غیرممکن را با موفقیت انجام دهد. تلاش سردار زاهدی باعث شد تا پیروزی در این عملیات کسب شود.

#### ❖ آیا جهت شناسایی منطقه با سردار زاهدی همراه بوده‌اید؟

بله؛ قبل از آغاز عملیات «طریق‌القدس»، من و سردار زاهدی به‌عنوان فرمانده گردان، جهت شناسایی منطقه عملیاتی حاضر شدیم. خاطریم است که منطقه عملیاتی، حالت رملی و تپه‌ماهوری داشت که به‌وسیله خودرو قابل تردد نبود. با سختی‌های فراوان؛ جهت شناسایی در منطقه حاضر شده و مجدداً این مسیر را بازگشتیم. دشمن بعضی به تصور اینکه این منطقه به دلیل صعب‌العبور بودن، رزمندگان ما قادر به عبور از آن نیستند، مراقبت‌های زیادی از آن منطقه نداشت.

#### ❖ انجام همین عملیات‌ها بود که فرماندهان، نگاه ویژه‌ای به این تیپ داشتند؟

تلاش و ایثار رزمندگان تیپ امام حسین<sup>(ع)</sup> در عملیات‌های مختلف و حضور افرادی هم‌چون؛ شهید

تلاش و ایثار رزمندگان تیپ امام حسین<sup>(ع)</sup> در عملیات‌های مختلف و حضور افرادی هم‌چون؛ شهید خرازی، شهید زاهدی و شهید ردانی‌پور سبب شده بود تا پیروزی‌های بسیار توسط این تیپ کسب شود و این تیپ، جایگاه ویژه‌ای در بین فرماندهان دفاع مقدس کسب کرده بود. رزمندگان حاضر در این لشکر نسبت به توانمندی فرماندهان، ایمان کامل داشتند.



« شهید زاهدی (نفر دوم از سمت راست) در کنار شهید احمد کاظمی (نفر چهارم از سمت راست) و رزمندگان حاضر در دفاع مقدس



« حضور شهید محمدرضا زاهدی و تعدادی از مسئولین در دیدار با مقام معظم رهبری

در عملیات خیر مجروح شده و توانایی ادامه عملیات را نداشتیم لذا تصمیم گرفته شد تا سردار زاهدی فرماندهی این تیپ را برعهده گیرد. سردار زاهدی پس از شهادت حاج حسین خرازی به عنوان فرمانده لشکر امام حسین<sup>(ع)</sup> انتخاب و از این تیپ جدا شد. در عملیات‌هایی که لشکر امام حسین<sup>(ع)</sup> به فرماندهی سردار زاهدی انجام داد، با توجه به شناختی که ایشان از تیپ «قمربنی‌هاشم» و رزمندگان حاضر در آن تیپ داشت، دلاوری‌های گسترده از سوی رزمندگان حاضر در آن تیپ صورت گرفت. سردار زاهدی تا پایان جنگ تحمیلی به عنوان فرمانده لشکر امام حسین<sup>(ع)</sup> مشغول به فعالیت بود.

❖ **نقطه اوج موفقیت و دلاوری سردار زاهدی در دفاع مقدس، مربوط به چه زمانی بوده است؟**  
در پایان جنگ تحمیلی که لشکر امام حسین<sup>(ع)</sup> به فرماندهی شهید زاهدی در خرمشهر مستقر بود، در برابر پاتک و حملات دشمن ایستادگی کرده و لشکر امام حسین<sup>(ع)</sup> به فرماندهی سردار زاهدی ضربات متعدد به دشمن وارد کرد و سبب شد تا دشمن در حمله مجدد به خرمشهر و تصرف این شهر، ناکام باشد و این اقدام ایشان بسیار بارز بوده است.

❖ **شجاعت شهید زاهدی نشأت گرفته از چه بود؟**  
ترس در وجود شهید زاهدی نبود و شجاعت ویژه‌ای در

”  
پس از اتمام عملیات رمضان، دشمن درصدد بود تا سازمان رزم خود را گسترش و یگان‌های خود را تقویت کند به همین دلیل ما نیز تصمیم گرفتیم تا یک تیپ به لشکر امام حسین<sup>(ع)</sup> اضافه کنیم تا توانمندی لشکر امام حسین<sup>(ع)</sup> را افزایش دهیم. پس از تشکیل تیپ «قمربنی‌هاشم<sup>(ع)</sup>»، من به عنوان فرمانده این تیپ انتخاب و در عملیات محرم به همراه این تیپ حاضر شدم.



تیپ به لشکر امام حسین<sup>(ع)</sup> اضافه کنیم تا توانمندی لشکر امام حسین<sup>(ع)</sup> را افزایش دهیم. پس از تشکیل تیپ «قمربنی‌هاشم<sup>(ع)</sup>»، من به عنوان فرمانده این تیپ انتخاب و در عملیات محرم به همراه این تیپ حاضر شدم.

❖ **چه شد که سردار زاهدی پس از گذشت مدتی به عنوان فرمانده تیپ «قمربنی‌هاشم<sup>(ع)</sup>» انتخاب شد؟**

خرازی، شهید زاهدی و شهید ردانی‌پور سبب شده بود تا پیروزی‌های بسیار توسط این تیپ کسب شود و این تیپ، جایگاه ویژه‌ای در بین فرماندهان دفاع مقدس کسب کرده بود. رزمندگان حاضر در این لشکر نسبت به توانمندی فرماندهان، ایمان کامل داشتند.

❖ **رمز موفقیت سردار زاهدی در دفاع مقدس و عملیات‌ها چه بود؟**

افرادی می‌توانند در میدان نبرد پیروز باشند که خود در خط مقدم حضور داشته و از نزدیک نسبت به راهنمایی نیروها اقدام کنند. شهید زاهدی هر لحظه در میدان عملیات حضور داشت و به توانایی رزمندگان واقف بود. سردار زاهدی با شجاعت تمام در منطقه عملیاتی حاضر شده و شناسایی لازم جهت عملیات را انجام می‌داد؛ اگر غیر از این بود، موفقیت حاصل نمی‌شد. این مسیر را تمام فرماندهان طی کرده و با فضای جنگ آشنا بودند. شهید زاهدی در طراحی عملیات‌ها خبره بود و علاوه بر شناسایی، در زمینه طراحی عملیات نیز توانمند بود. ایشان؛ رده‌های مختلف را از تک تیراندازی آغاز و گام به گام تا فرماندهی ادامه داده بود.

❖ **چرا در ادامه جنگ تحمیلی تصمیم گرفته شد تا تیپ «قمربنی‌هاشم» تشکیل شود؟**

پس از اتمام عملیات رمضان، دشمن درصدد بود تا سازمان رزم خود را گسترش و یگان‌های خود را تقویت کند به همین دلیل ما نیز تصمیم گرفتیم تا یک

از آن با حضور باشکوه مردم نشان‌دهنده جایگاه ویژه ایشان است.

### ❖ آخرین دیدار شما با سردار زاهدی چگونه گذشت؟

چهار روز قبل از شهادت به منزل ما آمد، یکی از صحبت‌هایی که آن روز مطرح کرد و برای من بسیار مهم است این بود که فرمود: «من در ولایت‌مداری به‌گونه‌ای عمل می‌کنم که حتی در جزئی‌ترین موارد نیز نظر ولایت فقیه را بررسی می‌نمایم.» در خصوص مسائل غزه صحبت شد و از اتفاقاتی که در غزه در حال وقوع بود، ناراحت بود و سعی می‌کرد از تجربیاتی که در این سال‌ها کسب کرده است استفاده کند تا از کشتار مردم غزه جلوگیری کند. قبل از خارج شدن از منزل گفت اگر من زودتر به شهادت رسیدم، شفیع شما هستم و اگر شما زودتر شهید شدید، شفیع من باشید.

### ❖ اگر مطلب پایانی در خصوص رشادت و دلوری‌های سردار زاهدی است بیان بفرمایید؟

او از نیروهای ولایت‌مدار بود و همواره تأکید می‌کرد که اگر می‌خواهیم عاقبت بخیر شویم باید به فرمان رهبر انقلاب عمل کنیم؛ به همین علت خداوند متعال به او توفیق داد تا خدمات ماندگاری ارائه کند و در هر پست و مقامی که قرار داشت، محبوب نیروهای خود بود. سردار زاهدی اعجوبه‌ای در دفاع مقدس بود که باعث شده بود تا دشمن را در دفاع مقدس به زانو درآورد. شهید زاهدی چون پشتیبان ولایت فقیه بود و در مسیر ولایت حرکت کرد موجب شد تا در این مسیر دچار تزلزل نگردد. زرق و برق دنیا برای وی بی‌ارزش بود و به دنبال عزت اسلام بود. مدیریت ایشان زبانزد بود و نیروها در مواجهه با ایشان، مجذوب وی شده و افتخار می‌کردند که در مسیر مبارزه با دشمن با ایشان همراه هستند. شهید زاهدی از جمله فرماندهان عالی‌رتبه نظامی کشور بود و زمانی که در یکی از عملیات‌ها به درجه جانبازی نائل شد، با وجود اینکه شرایط حضور در جنگ را نداشت، اما هیچ‌گاه میدان را خالی نکرد. فداکاری این شهید بر هیچ‌کس پوشیده نیست و به جرات می‌توان گفت، ایشان جزو نیروهایی بود که با دشمن، جنگ نفر به نفر داشت. شهید زاهدی از نسل شهیدان؛ رانی‌پور، باکری، خرازی و سلیمانی است که خود را جامانده قافله می‌دانست و همیشه آرزوی شهادت داشت. در یک کلام؛ شهید زاهدی ذوب در ولایت بود و لفظ ولایت‌مدار واقعا شایسته ایشان است.

”  
سردار زاهدی اعجوبه‌ای در دفاع مقدس بود که باعث شده بود تا دشمن را در دفاع مقدس به زانو درآورد. شهید زاهدی چون پشتیبان ولایت فقیه بود و در مسیر ولایت حرکت کرد موجب شد تا در این مسیر دچار تزلزل نگردد. زرق و برق دنیا برای وی بی‌ارزش بود و به دنبال عزت اسلام بود.



اختصاصی برای انتقال دستورات ارسال می‌کرد تا مطمئن شود کارها به درستی پیش می‌رود.

### ❖ گمنامی شهید را چگونه می‌توان توصیف کرد؟

شهید زاهدی کمتر در مقابل دوربین حاضر شد و این موضوع سبب شد تا شناخته شده نباشد، همین موضوع رسالت ما را در معرفی ایشان بیشتر می‌کند، باید تلاش کنیم تا این شهید بزرگوار را الگوی جوانان خود قرار دهیم و او را معرفی کنیم. سردار شهید زاهدی مالک اشتر نظام بود. شهادت او هم‌زمان با سالروز شهادت امام علی<sup>(ع)</sup> و تشییع در روز قدس و پس

عملیات‌ها داشت. این شجاعت وی ناشی از شهادت‌طلبی وی بود. این شجاعت و ایثار شهید زاهدی، از ایام دفاع مقدس آغاز و تا زمان شهادت ادامه داشته است. شجاعت و توانمندی شهید زاهدی برای فرماندهان مقاومت اثبات شده بود. حضور در میدان توسط شهید زاهدی تا لحظه شهادت ادامه داشت. او یکی از فرماندهانی بود که در میدان به‌خوبی می‌درخشید و در ابتکار عملیاتی، بسیار موفق بود؛ شهید زاهدی را می‌توان از نسل شهدای گران قدری هم‌چون خرازی، باقری و کاظمی دانست که نسل طلایی شهدا هستند.

### ❖ نگاه وی به نیروها در دفاع مقدس چگونه بود؟

محافظت از جان رزمندگان در اولویت اول فعالیت‌های وی در عملیات‌ها بود. فعالیت در عملیات‌ها را با دقت و مراقبت انجام می‌داد تا مأموریت به بهترین شکل انجام شود و جان نیروها حفظ گردد. هیچ‌وقت اجازه نمی‌داد تا نیروها بی‌محابا وارد عمل شوند. او معتقد بود، شهادت افتخار است اما نباید بی‌هوده و بدون ایجاد هزینه برای دشمن به شهادت رسید. او همواره به فرماندهان توصیه و آنها را تشویق می‌کرد تا در برنامه‌ریزی‌ها دقیق باشند و برای هر اقدام، هزینه‌ای سنگین بر دشمن تحمیل کنند. ایشان به جزئیات عملیات‌ها توجه ویژه‌ای داشت و بر اهمیت مهندسی نظامی برای ساخت خاکریزها و سنگرها تأکید می‌کرد. حتی خود وی، شخصاً پیگیری‌های لازم را انجام می‌داد و در مواردی پیک‌های



« شهید زاهدی در کنار سردار فضلی و سردار کریم نصر



## گفتگوی شاهدیاران با سردار هامون محمدی نابغه در مسائل نظامی

### درآمد

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و اعلام حضرت امام خمینی (ره) در خصوص لزوم دفاع جمهوری اسلامی ایران از مسلمانان مظلوم در اقصی نقاط جهان، کشورهای استعمارگر در صدد برآمدند تا بر علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران به مبارزه برخیزند. تجهیز صدام ملعون در جنگ هشت ساله و حمایت از منافقین جنایتکار جهت ضربه زدن به جمهوری اسلامی ایران، از اقدامات استعمارگران بود اما مردم با ایستادگی خویش، اجازه تحقق برنامه‌های شوم را به دشمن ندادند. ایجاد فرقه وحشی داعش که زائیده رژیم صهیونیستی و امریکای جنایتکار بود، هدف شوم دیگر دشمن برای ضربه زدن به نظام بود اما فرماندهان ارشد به همراه مدافعین حرم، نابودی داعش را محقق کردند. یکی از فرماندهان ارشد سپاه که در مبارزه با داعش حضور داشته و از افراد نزدیک به شهید حاج قاسم سلیمانی بوده، سردار هامون محمدی است. ایشان از رزمندگان حاضر در دفاع مقدس بوده و فرماندهی سابق «لشکر ۱۶ قدس گیلان» را در کارنامه خویش دارد. وی در ایامی که سردار زاهدی به عنوان فرمانده «لشکر ۱۶ قدس گیلان» حضور داشته، با وی مانوس شده و این ارتباط تا لحظه شهادت، برقرار بوده است. در ادامه؛ متن گفتگو با سردار هامون محمدی را می‌خوانید.

کند. در ایامی که وی به‌عنوان فرمانده «لشکر ۱۶ قدس گیلان» در این استان حاضر شد، با مرور رزومه ایشان که بسیار درخشان نیز بود از این انتخاب استقبال کرده و شادمان بودیم. انتخاب سردار زاهدی به عنوان فرمانده «لشکر ۱۶ قدس گیلان» را به فال نیک گرفته و همکاری صمیمانه‌ای را با ایشان در پیش گرفتیم.

است اما توفیق حضور در کنار وی در ایام جنگ تحمیلی برای من میسر نشده بود. همه فرماندهان در دفاع مقدس شجاع بودند اما سردار زاهدی یکی از بارزترین فرماندهان شجاع در دفاع مقدس بود. سردار زاهدی؛ شهید زنده‌ای بود که خداوند او را حفظ کرد تا مردم مظلوم فلسطین را در برابر رژیم صهیونیستی حمایت

نحوه آشنایی شما با سردار زاهدی چگونه  
شکل گرفت؟

آشنایی من با سردار زاهدی در ایامی بود که وی به فرماندهی «لشکر ۱۶ قدس گیلان» منصوب شد. نام و آوازه ایشان را در دفاع مقدس شنیده و اطلاع داشتم که وی یکی از فرماندهان شجاع و دلاور در جنگ تحمیلی



## ❖ ویژگی‌های بارز مدیریت و فرماندهی سردار زاهدی را چگونه می‌توانید برای خوانندگان ماهنامه توصیف بفرمایید؟

اگر فردی قصد داشته باشد تا در خصوص سردار زاهدی شناخت پیدا کند، لازم است تا ابعاد مختلف زندگی شخصی و مبارزاتی وی را بشناسد. همه افراد دارای خصوصیات بارزی هستند اما بسیاری از خصوصیات بارز و زیبا در سردار زاهدی تجمع بود. ایشان فردی خنده‌رو و مهربان بود که در برابر مظلومان بسیار رؤوف و در برابر دشمنان، با خشم وصف ناپذیری همراه می‌شد. در برابر توطئه دشمنان اهل غرش و در یاری رساندن به مردم، اهل جهاد بود. این ویژگی‌ها در سردار سلیمانی نیز وجود داشت.

## ❖ آیا در انجام ماموریت‌ها، سختگیر بودند؟

در طول ۴۵ سال پاسداری برای من ثابت شده است، افرادی که در انجام ماموریت و وظایف، احساس مسئولیت داشته و جدی بوده‌اند، افرادی هستند که به دنبال شهادت می‌باشند؛ زیرا این افراد معتقد هستند که اگر کوچکترین کوتاهی در مسئولیت خویش داشته باشند که موجب آسیب به پیکره نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران شود، مسیر شهادت آنها، دچار اخلاص خواهد شد؛ لذا سردار سلیمانی با تمام مهر و عطوفتی که داشت اما بسیار سخت‌گیر بود. حضرت امام خمینی (ره) نیز سختگیر بوده و به سادگی از اشتباهات و خطاها عبور نمی‌کرد. حضرت آقا نیز از چنین ویژگی برخوردار می‌باشند.

## ❖ احساس مسئولیت وی در پذیرش فعالیت و انجام ماموریت‌ها چگونه بود؟

پذیرفتن مسئولیت در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، شجاعت می‌خواهد. اگر فردی با پذیرش مسئولیت به دنبال خدمت به مردم است، این پذیرش به معنای شجاعت در وی می‌باشد. پذیرش مسئولیت در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که حافظ جان و مال مردم و نظام می‌باشد، بسیار دشوارتر از دیگر مسئولیت‌ها است. اگر فردی مسئولیتی را قبول می‌کند و اطمینان دارد که از انجام آن ناتوان است، پذیرش مسئولیت بسیار اشتباه است زیرا باید در برابر مردم و خداوند پاسخگو باشد. سردار زاهدی از جمله افرادی بود که مسئولیت را با شجاعت می‌پذیرفت و تمام تلاش خویش را برای انجام آن مسئولیت به کار می‌گرفت. شجاعت وی در پذیرفتن مسئولیت‌های مختلف در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، همراه با شجاعت بوده است. انتصاب در مسئولیت فرماندهی در سپاه، وظایف سنگین به همراه

می‌کردند. فرماندهان حاضر در دفاع مقدس، بیشتر از سایر افراد و رزمندگان فعالیت داشته و در معرض خطر بودند. در ایام جنگ تحمیلی، شاهد رشادت فرماندهان در دفاع مقدس بوده‌ام که با جسم مجروح در منطقه حضور داشته و با همان جسم مجروح در عملیات‌های آتی شرکت می‌کردند.

❖ چه شد که فرماندهان تصمیم گرفتند تا ایشان را به عنوان فرمانده «لشکر ۱۶ قدس گیلان» معرفی کنند و حضور وی با چه تغییراتی در لشکر همراه بود؟

از دلیل انتصاب ایشان در لشکر ۱۶ قدس گیلان، اطلاع ندارم اما با شناختی که از وی داشتیم، حضور ایشان را به فال نیک گرفته و او را در این مسیر یاری کردیم. سردار زاهدی؛ فرماندهی توأم با اخلاص و عمل بود و حضور در گیلان سبب شد تا ما از نزدیک شاهد اخلاص وی باشیم. سردار زاهدی پس از اینکه مطلع شد من یکی از فرمانده گردان‌ها در دفاع مقدس بوده‌ام، با من مانوس شده و ارتباط ما بیشتر شد. در آن ایام؛ به عنوان فرمانده یکی از تیپ‌های لشکر ۱۶ قدس گیلان مشغول به فعالیت بودم. اولین اقدامی که سردار زاهدی در

فرماندهان حاضر در دفاع مقدس، بیشتر از سایر افراد و رزمندگان فعالیت داشته و در معرض خطر بودند. در ایام جنگ تحمیلی، شاهد رشادت فرماندهان در دفاع مقدس بوده‌ام که با جسم مجروح در منطقه حضور داشته و با همان جسم مجروح در عملیات‌های آتی شرکت می‌کردند.



دارد اما خدمت به پاسداران و مردم، لذت‌بخش نیز می‌باشد. در ایام جنگ تحمیلی، فرماندهان جزو اولین نفراتی بودند که در خط مقدم بر علیه دشمن یورش می‌بردند. برنامه‌ریزی‌های لازم جهت اجرای عملیات نیز جزو وظایف فرماندهان بود. پس از پایان عملیات نیز این فرماندهان بودند که در منطقه حضور داشته و نسبت به رسیدگی به مجروحان و تجهیز دوباره یگان، اقدام



### ❖ بهترین هدیه‌ای که از وی دریافت کرده‌اید چه بوده است؟

سردار زاهدی از قدرت ایمان والایی برخوردار بود که مشاهده رفتار وی سبب می شد تا افراد مجذوب دینداری او شوند. ایشان نسبت به قرائت قرآن فعال بود و آن را به دیگران نیز توصیه می کرد. کتاب قرآن را به من هدیه داد و تاکید داشت که بهترین هدیه، قرآن است. انس سردار زاهدی با قرآن را با تمام وجود درک کرده و از اقتدا به ایشان در اقامه نمازها، لذت می بردم. علاقه عجیب ایشان به قرائت قرآن و ذکر صلوات برای بسیاری از افراد، عجیب و زیبا بود. به خاطر دارم در ایامی که در گیلان حضور داشت در یکی از ماموریتها تا ساعت ۳ بامداد مشغول به صحبت بودیم و من از شدت خستگی به خواب رفتم و راس ساعت ۴، سردار زاهدی را در حالی که مشغول به عبادت و راز و نیاز بود را مشاهده کردم. هدیه دیگری که از سردار زاهدی دریافت کرده بودم، نوار کاستی بود که یکی از فرمانده گردانها در عملیاتهای دفاع مقدس با خود به همراه داشته و صدای تمام لحظات و اتفاقات آن عملیات را ضبط کرده بود. صداهای ضبط شده در آن نوار کاست به قدری زیبا بود که گوش دادن به آن، مرا به لحظات نفس گیر دفاع مقدس می برد. فریاد رزمندگان بر دشمن بعثی و مبارزه سربازان اسلام با دشمن، نفس را در سینه حبس می کرد. انتهای آن نوار کاست، لحظه‌ای بود که گلوله‌ای

ذکر روحیات سردار زاهدی، لشکرهای دیگر را تضعیف کنم اما اگر چند فرمانده نادر در سپاه مشغول به فعالیت باشند، ایشان در رأس آن نادر فرماندهان قرار داشت. سردار زاهدی علاوه بر اینکه فرماندهی شجاع بود، به درجه رفیع جانبازی نیز نائل شده و فرزند روحانی بود. وی مجاهدی بود که شجاعت در او بارز بود و چون به دنبال شهادت بود، این شجاعت آمیخته با طلب شهادت موجب شده بود تا به یک مبارز قهرمان تبدیل شود.

**سردار زاهدی در زمینه تجهیزات و ادوات مورد نیاز در لشکر نیز تلاش‌های فراوانی انجام داد. قصد ندارم تا با ذکر روحیات سردار زاهدی، لشکرهای دیگر را تضعیف کنم اما اگر چند فرمانده نادر در سپاه مشغول به فعالیت باشند، ایشان در رأس آن نادر فرماندهان قرار داشت.**

لشکر انجام داد این بود که تاکید داشت از افراد توانمند در مسئولیتها استفاده گردد. نتیجه حضور وی در لشکر ۱۶ قدس گیلان باعث شد تا این لشکر دچار تحول شگرف شود و افرادی در مسئولیتها انتخاب شدند که جزو نوابغ نظامی بودند. حضور وی و تلاشهای صورت گرفته سبب شد تا این لشکر تبدیل به یکی از قدرتمندترین لشکرها در سپاه شود. سردار زاهدی در بین فرماندهان ارشد سپاه، شناخته شده بود لذا حضور چنین فردی در راس لشکر گیلان باعث شد تا نگاه فرماندهان نسبت به این یگان ویژه تر باشد. حضرت امام خمینی (ره) فرموده‌اند که در گزینش افراد در مسئولیتها، ملاک باید تقوا و جهاد باشد و شهید زاهدی فردی باتقوا بوده و جهادگری وی در برهه‌های مختلف نیز اثبات شده بود. سردار زاهدی این خصوصیات تقوا و جهادگری را در لشکر گیلان نهادینه کرد. شهید زاهدی به نیروها آموخت که افراد می‌توانند با ارتقای توانمندی‌های خود، به موفقیت‌های بسیاری نائل شوند. ایشان علاوه بر اخلاق، فرماندهی توأم با رأفت را به فرماندهان حاضر در گیلان آموخت و به گونه‌ای در راس لشکر به فرماندهی پرداخت که در قلب و روح مردم و مسئولان استان گیلان جایگاه شگرفی یافت. وی هر لحظه به شهادت فکر می کرد و سعی داشت تا همانند شهدا زندگی کند. سردار زاهدی در زمینه تجهیزات و ادوات مورد نیاز در لشکر نیز تلاش‌های فراوانی انجام داد. قصد ندارم تا با



« شهید زاهدی در کنار سردار هامون محمدی

بر سینه آن فرمانده گردان اصابت کرده و صدای اصابت گلوله به وضوح قابل شنیدن بود. در لحظاتی که گلوله بر سینه آن فرمانده اصابت کرده بود، نفس زنان از خداوند طلب عفو داشت که نشان از روحیه معنوی رزمندگان در دفاع مقدس بود.

### ❖ از نحوه رفتار وی با افراد زیرمجموعه خود بفرمایید؟

برخورد و رفتار وی با افراد زیرمجموعه بسیار بارز و ویژه بود البته همه فرماندهانی که بسیاری از آنها به شهادت رسیده‌اند از چنین ویژگی برخوردار بودند که نشان می‌دهد این افراد؛ همانند شهدا زندگی می‌کردند. در بازدیدهایی که همراه با وی حضور داشتیم، گویا سردار زاهدی تمام سربازان و پرسنل حاضر در پادگان را همانند فرزندان خویش می‌دید و دیدار ایشان با افراد زیرمجموعه، برای من همراه با درس بوده است. ایشان سعی داشت تا به مشکلات سربازان رسیدگی کرده و پای صحبت‌های آنها می‌نشست. منش، آزادی و احساس مسئولیت این افراد باعث شده بود تا در قلب افراد، فرماندهی کنند. بارها شاهد بوده‌ام که سردار زاهدی در کنار سربازان حاضر شده و جویای احوال آنها بود و از وضعیت خانوادگی آنها سؤال می‌کرد و دستور می‌داد، افرادی که متاهل هستند به یگان نزدیک محل سکونت خویش منتقل شوند. در آموزش تیراندازی در مانورها حضور داشت و خود اقدام به شلیک می‌کرد تا ترس از سربازان دور شود، تمام رفتار سردار زاهدی الگو بود.

### ❖ سخنرانی وی در مراسم‌ها حاوی چه مطالبی بوده است؟

تاکید وی در سخنرانی‌ها، اقامه نماز و قرائت قرآن بود. بارها شاهد بودم که در زمینه آموزش نماز به سربازان، شخصاً اقدام می‌کرد و به صورت غیرمستقیم سعی داشت تا اقامه نماز را به سربازان آموزش دهد.

### ❖ دینداری سردار زاهدی را چگونه می‌توان توصیف کرد؟

سردار زاهدی فردی بود که سعی داشت تا از تمام لحظات زندگی خویش، به نحو احسن استفاده نماید. علاوه بر فعالیت‌های سنگین نظامی و فرماندهی، دائم‌الذکر بود و در داخل هواپیما و یا خودرو از فرصت استفاده می‌کرد

بارها شاهد بوده‌ام که سردار زاهدی در کنار سربازان حاضر شده و جویای احوال آنها بود و از وضعیت خانوادگی آنها سؤال می‌کرد و دستور می‌داد، افرادی که متاهل هستند به یگان نزدیک محل سکونت خویش منتقل شوند. در آموزش تیراندازی در مانورها حضور داشت و خود اقدام به شلیک می‌کرد تا ترس از سربازان دور شود، تمام رفتار سردار زاهدی الگو بود.

و مشغول به ذکر و صلوات می‌شد. ایشان تاکید داشت که از دقایق و لحظاتی که در حال استراحت می‌باشید استفاده نموده و مشغول به ذکر و دعا شوید. در ایامی که در سوریه نیز حضور داشت، ذکر گفتن وی ادامه داشت. خاطر م است در ایامی که در «لاذقیه» بودیم به محض رسیدن به این منطقه، لحظه اذان را جویا شد و مشغول به عبادت گردید.

### ❖ ارتباط شما با سردار زاهدی پس از منفک شدن از لشکر گیلان چگونه حفظ شد؟

پس از منفک شدن از لشکر ۱۶ قدس گیلان، با وی در ارتباط بوده و دیدارهای مختلف با ایشان داشتم. سردار زاهدی برای من همانند معلم و عارفی بود که دوری از وی برای من دشوار بود و از هر فرصتی استفاده می‌کردم تا با وی دیدار داشته باشم. حتی برای دیدار با ایشان، عازم لبنان نیز شده و از نزدیک، رشادت‌های وی را شاهد بودم. پس از گذشت مدتی، من نیز برای مدتی از لشکر گیلان منفک شده و به عنوان فرمانده تیپ قمرینی هاشم<sup>(ع)</sup> منصوب شدم. سردار زاهدی در این تیپ فعالیت داشته و ارتباط گسترده‌ای با فرماندهان و رزمندگان تیپ قمرینی هاشم داشت و لذا در جلسه معارفه حاضر شد. حضور وی در جلسه معارفه سبب شد تا اضطراب من در آن لحظات فروکش کند. به خاطر دارم در همان جلسه معارفه، جمله‌ای بر روی کاغذ نوشت و تحویل من داد که مشاهده آن جمله، تمام اضطراب مرا کاهش داد. در آن برگه نوشته بود: «کار سختی در پیش دارید لذا قرآن زیاد بخوانید.»

### ❖ نحوه ارتباط وی با مقام معظم رهبری چگونه بود؟

سردار زاهدی با تمام وجود در خدمت مقام معظم رهبری بود. ایشان؛ اسطوره‌ای تکرارنشدنی بود و مانند چراغ راهنما برای هدایت افراد بود. سردار زاهدی، فرماندهی تکرارنشدنی است و مقام معظم رهبری نیز نسبت به ایشان علاقه‌مند بودند. صمیمیت وی با مقام معظم رهبری برای من اثبات شده بود. به خاطر دارم در ایامی که مانوری با نام «عاشورای ۱» در حال برگزاری بود و تمام یگان‌های سپاه از جمله لشکر ۱۶ قدس گیلان در این مانور حضور داشتند. یک روز پس از آغاز مانور، مقام معظم رهبری نیز در بازدید از مانور در منطقه حاضر شده و لشکرها اقدام به انجام رژه در مقابل دیدگان فرمانده کل قوا کردند؛ سردار زاهدی نیز در نوک لشکر ۱۶ قدس گیلان حضور داشت. قرار بود تا رژه مجدد در حضور فرمانده کل قوا داشته باشیم لذا سردار زاهدی در ابتدای لشکر حضور داشت و من نیز در



« سردار هامون محمدی در کنار سردار زاهدی و سرلشکر (یحیی) رحیم‌صفوی



انتهای لشکر مشغول به سازماندهی نیروها بودم. فردی سوار بر خودرو در کنار من توقف کرد و به دنبال سردار زاهدی بود. اشاره کرد که از سوی مقام معظم رهبری، حامل پیامی برای سردار زاهدی است. به ایشان عرض کردم که سردار زاهدی در ابتدای لشکر حضور داشته و با خودرو امکان تردد میسر نیست و از ایشان خواستم اگر مطلبی است به من بگویند تا ساعاتی دیگر به عرض سردار زاهدی برسانم. ایشان اشاره کردند که مقام معظم رهبری از من خواستند تا به نزد سردار زاهدی آمده و سلام ایشان را به سردار زاهدی برسانم. با مشاهده ارتباط وی با حضرت آقا، ارادت من به سردار زاهدی دو چندان شد. موضوع دیگری که سبب شد تا من از ارتباط صمیمی ایشان با حضرت آقا مطلع شوم، مربوط به خاطره‌ای بود که سردار زاهدی برای من روایت کرد. پس از شهادت حاج قاسم سلیمانی، سیدحسین نصرالله درخواست داشته است تا سردار زاهدی برای مرتبه سوم عازم لبنان شود. سردار زاهدی از حضور در لبنان منصرف شده و اعلام کرده بود که در این خصوص با سیدحسین نصرالله نیز صحبت خواهد کرد تا از حضور وی در لبنان منصرف شوند اما پس از اینکه مطلع شده بود حضور وی در لبنان، خواست مقام معظم رهبری است بدون کوچکترین مخالفتی، درخواست کرده بود تا با اولین پرواز، عازم لبنان شود.

برجسته‌تر شود، توانمندی وی در مباحث نظامی بود؛ سردار زاهدی از نسل اول فرماندهان سپاه بود که به فنون متعدد نظامی تسلط کامل داشت و قادر بود لشکری از سپاه را در حوزه‌های برتر مدیریت کند و به الفبای نظامی تسلط کامل داشت و در مباحث نظامی صاحب نظر بود.

دومین ویژگی؛ ارتباط نزدیک و صمیمی وی با سیدحسین نصرالله بود. یکی از دلایلی که سردار زاهدی در نزد سیدحسین نصرالله محبوب بود، به دلیل تسلط وی به وضعیت لبنان و اشتراک نظر فراوانی بود که با سیدحسین نصرالله داشت.

سومین ویژگی؛ این بود که سردار زاهدی مرید حضرت آقا بود و مقام معظم رهبری به ایشان علاقه‌مند بود.

#### ❖ اگر مطلب پایانی است بیان بفرمایید؟

عزت و سربلندی ایران را مدیون شهدا و رزمندگان هستیم. هدف استکبار جهانی، دور کردن جامعه از فرهنگ غنی شهادت است. انقلاب و نظام ما بر پایه‌های ایثار و جانفشانی استوار است. شهدای انقلاب، راه خود را باور داشته و در ادامه ما نیز موظف هستیم تا فرهنگ شهادت را به نسل‌های آینده منتقل کنیم.

”  
**سردار زاهدی از حضور در لبنان منصرف شده و اعلام کرده بود که در این خصوص با سیدحسین نصرالله نیز صحبت خواهد کرد تا از حضور وی در لبنان منصرف شوند اما پس از اینکه مطلع شده بود حضور وی در لبنان، خواست مقام معظم رهبری است بدون کوچکترین مخالفتی، درخواست کرده بود تا با اولین پرواز، عازم لبنان شود.**  
 “



مبارزه با داعش همراهی کرده‌اید، چه ویژگی‌هایی در سردار زاهدی وجود داشت که باعث موفقیت وی در لبنان شد؟

اولین ویژگی که سبب شد تا او نسبت به دیگران

#### ❖ ارتباط وی با روحانیون در ایامی که در گیلان حضور داشت، چگونه برقرار بود؟

خاطرم است مرحوم آیت‌الله احسان بخش که به عنوان نماینده ولی‌فقیه در استان گیلان مشغول به فعالیت بود، به سردار زاهدی علاقه‌مند بوده و ارتباط صمیمی با یکدیگر داشتند. سردار زاهدی تاکید داشت که روحانیت؛ چراغ راه ما بوده و نیاز است تا پشت سر روحانیت حرکت کنیم. خاطرم است برای مشورت در خصوص موضوعی به همراه سردار زاهدی به منزل آیت‌الله احسان بخش رفته و دیداری با وی داشتیم. در هنگام خروج از منزل آیت‌الله احسان بخش، به ایشان عرض کردم که ماموریت سردار زاهدی در گیلان به اتمام رسیده و در چند روز آینده عازم تهران خواهند بود. آیت‌الله احسان بخش از شنیدن این خبر ناراحت شد و گفت که: «حیف شد سردار زاهدی را در استان نخواهیم داشت.» آیت‌الله احسان بخش در ادامه اشاره کردند که: «سردار زاهدی، فرد ایثارگری هستند که هیچ‌گاه از مجروحیت خویش، گلیا به نداشته‌اند.»

#### ❖ با توجه به اینکه شما نیز یکی از فرماندهان در محور مقاومت بوده و سردار سلیمانی را در مسیر

### ❖ در چه سالی وارد سپاه شده‌اید؟

در سال ۱۳۵۸ وارد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شده و عضوی از این یگان مقدس شدم. ورود من به سپاه، همزمان با برگزاری انتخابات در سطح کشور بود و نیاز بود تا نسبت به برقراری امنیت صندوق‌های رای، مشارکت داشته باشیم. جهت حضور در ماموریت‌ها، از اسلحه‌خانه سپاه، سلاح دریافت می‌کردیم، مسئول اسلحه‌خانه سپاه اصفهان نیز شهید خرازی بود. علت انتخاب شهید خرازی به این مسئولیت، اعتماد فرماندهان سپاه به وی و نیز گذراندن خدمت سربازی بود. با آغاز ناآرامی‌ها در شهر گنبد و مناطقی از کردستان، گروه‌های مختلفی از اصفهان عازم این مناطق شدند تا نسبت به برقراری امنیت و دفاع از شهرها فعالیت کنند. یکی از گروه‌هایی که در کردستان حضور یافته و فعالیت‌های درخشان از خود به نمایش گذاشت، «گروه ضربت» بود. شهید خرازی به همراه شهید زاهدی و تعدادی دیگر از افراد و جوانان اصفهان، این گروه را تشکیل دادند. شهید خرازی با موافقت اعضای گروه ضربت از جمله شهید زاهدی، به عنوان فرمانده این گروه انتخاب شد. گروه ضربت پس از پایان غائله کردستان به جبهه جنوب منتقل شده و در منطقه‌ای بنام «دارخوین» مستقر شدند. رشادت گروه ضربت در این منطقه نیز در باری رساندن به رزمندگان حاضر در دفاع مقدس بسیار راهگشا بوده است.

### ❖ آشنایی شما با شهید زاهدی چگونه شکل گرفت؟

در سپاه اصفهان حضور داشته و در ارائه آموزش به داوطلبان حضور در جبهه و نیز اعضای سپاه، فعالیت داشتم. منافقین نیز اعلام جنگ مسلحانه کرده و در ایجاد ناامنی در سطح شهر به فعالیت مشغول بودند. شهرها نیز جهت دفاع در برابر منافقین به نیرو نیاز داشت لذا فرماندهان سپاه با حضور من در جبهه موافق نبودند. با اصرار فراوان در دی‌ماه ۱۳۶۰ به جبهه جنوب اعزام شدم. اولین حضور من در جبهه جنوب، در تیپ امام حسین<sup>(ع)</sup> بود که در منطقه «دوکوهه» مستقر بود. با سردار زاهدی که به عنوان مسئول عملیات در تیپ امام حسین<sup>(ع)</sup> مشغول به فعالیت بود، آشنا شدم. سردار زاهدی به عنوان یکی از اعضای شورای فرماندهی تیپ امام حسین<sup>(ع)</sup> بود که عملیات‌ها با مشورت با ایشان انجام می‌شد. شهید زاهدی از نظر فرماندهی، فردی توانمند بود و نظر ایشان در روند عملیات‌های تیپ امام حسین<sup>(ع)</sup>، مهم و بارز بود.

### ❖ نقش ایشان در عملیات رمضان چگونه بود؟



## گفتگوی شاهدیاران با سردار غلامحسین هاشمی

# مهاجر الی الله

### درآمد

سردار غلامحسین هاشمی، متولد ۱۳۴۰ در شهر اصفهان است. در مبارزات انقلاب اسلامی حضور داشته و همراه با سایر مردم و جوانان، حضرت امام خمینی<sup>(ره)</sup> را در این مسیر همراهی کرده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی وارد سپاه شده و با شهید زاهدی در عملیات‌های دفاع مقدس آشنا شده است. ایشان در کنار شهید خرازی و شهید زاهدی مشغول به فعالیت بوده و خاطرات فراوانی از این شهیدان در ذهن به یادگار دارد. هاشمی از افراد نزدیک به شهید احمدکاطمی بوده و مدتی به عنوان جانشین وی به فعالیت پرداخته است. در ادامه؛ متن گفتگو با ایشان را می‌خوانید.

در دفاع مقدس جزو اولویت اول شهید زاهدی بوده است. سردار زاهدی حضور در دفاع مقدس را وظیفه الهی خویش می‌دانست. حضور افرادی هم چون شهید زاهدی و شهید خرازی باعث شد تا تیپ امام حسین<sup>(ع)</sup> به یکی از یگان‌های خط‌شکن در جنگ تحمیلی تبدیل شود. سردار زاهدی در منطقه «خط شیر» یا «دارخوین» که به نقطه ورود نیروهای بعثی معروف بود ایستادگی کرد و مانع از آن شد که جاده اهواز-آبادان به طور کامل قطع شود. حضور این فرماندهان باعث تقویت قدرت آفندی تیپ امام حسین<sup>(ع)</sup> شد و نیز تقویت روحیه مبارزه در رزمندگان را به همراه داشت. فرماندهان لشکر امام حسین<sup>(ع)</sup>، تجارب خود را در اختیار رزمندگان دیگر لشکرها قرار می‌دادند و با توجه به تدبیر فرماندهان عالی رتبه در دفاع مقدس عمل می‌کردند. فرماندهان ارشد حاضر در دفاع مقدس در تشکیل یگان‌های جدید در سایر استان‌ها، از توانمندی فرماندهان تیپ امام حسین<sup>(ع)</sup> استفاده می‌کردند.

**شهید خرازی در مدیریت عملیات دفاع مقدس و به‌ویژه نیروهای لشکر زبازند بودند، روش ایشان چگونه بود؟**

وی در دفاع مقدس به لحاظ مدیریت، فردی توانمند بود اما در عین حال به لحاظ همان اعتقادات خویش بر قلب همه رزمندگان و افرادی که با وی همکاری می‌کردند احاطه داشت، در واقع؛ مدیر قلب‌ها و رهبر قلب‌ها بود.

موضع خود را تغییر دهیم. در نتیجه این تشخیص و تدبیر، رزمندگان به سلامت از محاصره خارج شدند. این تصمیم‌گیری شهید زاهدی در شرایطی که در زیر آتش سنگین دشمن قرار داشتیم موجب شد تا حدود ۵۰۰ نفر از رزمندگان نجات یابند.

**حضور شهید زاهدی در کنار شهید خرازی تا چه میزان در موفقیت تیپ امام حسین<sup>(ع)</sup> تاثیر گزار بود؟**

حاج‌علی زاهدی از نوابغ دفاع مقدس بود و حضور

سردار زاهدی در عملیات رمضان به عنوان فرمانده محور عملیاتی و جانشین تیپ امام حسین<sup>(ع)</sup> حضور داشت. در این عملیات، موفقیتی برای رزمندگان حاصل نشد اما نقش شهید زاهدی باعث شد تا جان بسیاری از رزمندگان حفظ شود. خاطرم است در منطقه معروف به «پرورش ماهی» که پنج کیلومتر تا بصره فاصله داشت، مشغول مبارزه با دشمن بودیم. من نیز در این منطقه حاضر شده و به مبارزه با بعثی‌ها پرداختم. پس از گذشت لحظاتی؛ تعدادی افراد که لباس غیر از ارتش عراق را بر تن داشتند در حال نزدیک شدن به ما بودند! اما به نظر می‌رسید که نیروهای دشمن هستند! من نسبت به این موضوع مشکوک شده و به سردار زاهدی که در فاصله کوتاهی از من حضور داشت، اطلاع دادم. سردار زاهدی با هوشمندی احتمال داد که این افراد از بعثی‌ها بوده و قصد نفوذ دارند لذا سریع با قرارگاه تماس گرفت و موضوع را اطلاع داد. با پیگیری‌هایی که ایشان انجام داد، نسبت به نفوذی بودن این افراد که در حال نزدیک شدن به رزمندگان بودند، اطمینان حاصل کرده و مانع آنها شد. پس از گذشت لحظاتی، متوجه شدم که دشمن از طرفین در حال نزدیک شدن به منطقه حضور ما است. شهید زاهدی که علاوه بر روحیه قوی، دارای توان جسمی بالایی بود، بر روی خاکریز رفت و با بررسی منطقه متوجه شد که دشمن در حال نزدیک شدن به منطقه است. سردار زاهدی در آن لحظه با حفظ آرامش، دستور داد تا عقب نشینی انجام داده و

**حاج‌علی زاهدی از نوابغ دفاع مقدس بود و حضور در دفاع مقدس جزو اولویت اول شهید زاهدی بوده است. سردار زاهدی حضور در دفاع مقدس را وظیفه الهی خویش می‌دانست. حضور افرادی هم چون شهید زاهدی و شهید خرازی باعث شد تا تیپ امام حسین<sup>(ع)</sup> به یکی از یگان‌های خط‌شکن در جنگ تحمیلی تبدیل شود.**



« شهید زاهدی در کنار شهید خرازی

اگر فرد بسیجی با شهید خرازی دیدار می‌کرد، مجذوب وی می‌شد. به همین دلیل بود که وقتی شهید خرازی به بسیجیان یا رزمندگان دستور حمله صادر می‌کرد، رزمندگان با تمام وجود و بدون هیچ‌گونه تردید به سمت دشمن یورش می‌بردند. پس از شهادت حاج حسین خرازی و انتخاب سردار زاهدی به عنوان فرمانده لشکر رزمندگان، دیدگاه و برخوردی که با شهید خرازی داشتند را با سردار زاهدی نیز ادامه دادند.

❖ **با این توصیف، دیدگاه شهید خرازی در مورد رفتار با بسیجیان و رزمنده‌های لشکر چه بود؟**  
شهید خرازی تاکید داشت که رزمندگان حاضر در دفاع

پس از شهادت حاج حسین خرازی، سردار زاهدی که از محبوبیت ویژه در بین رزمندگان لشکر امام حسین (ع) برخوردار بود، به عنوان فرمانده لشکر انتخاب شد. شناختی که سردار زاهدی از لشکر امام حسین (ع) داشت و با توجه به محبوبیتی که میان وی و رزمندگان حاضر در لشکر نمایان بود، باعث شد تا خللی در روند حضور لشکر در عملیات‌ها صورت نگیرد. پس از انتخاب ایشان به عنوان فرمانده لشکر امام حسین (ع)، من نیز به عنوان فرمانده یگان ادواتی که در حد و اندازه‌های تیپ بود در کنار ایشان حضور داشتم.



مقدس، امانت خانواده‌ها بوده و ما وظیفه داریم که از جان آنها محافظت کنیم. ایشان به فرماندهان توصیه می‌کرد که رزمندگان را همانند برادر یا فرزندان خویش بدانید. این خصوصیات شهید خرازی در شهید زاهدی نیز جاری بود.

❖ **وضعیت لشکر امام حسین (ع) پس از شهادت حاج حسین خرازی چگونه بود؟**

پس از شهادت حاج حسین خرازی، سردار زاهدی که از محبوبیت ویژه در بین رزمندگان لشکر امام حسین (ع) برخوردار بود، به عنوان فرمانده لشکر انتخاب شد. شناختی که سردار زاهدی از لشکر امام حسین (ع) داشت و با توجه به محبوبیتی که میان وی و رزمندگان حاضر در لشکر نمایان بود، باعث شد تا خللی در روند حضور لشکر در عملیات‌ها صورت نگیرد. پس از انتخاب ایشان به عنوان فرمانده لشکر امام حسین (ع)، من نیز به عنوان فرمانده یگان ادواتی که در حد و اندازه‌های تیپ بود در کنار ایشان حضور داشتم.

❖ **تا چه میزان به نیروها و رزمندگان حاضر در دفاع مقدس اهمیت می‌داد؟**

سردار زاهدی فرماندهی با اخلاق بود و هیچ‌گاه خود را برتر از دیگران تصور نکرد. ایشان خود را متمایز از دیگران نمی‌دید و در کنار رزمندگان حضور داشت. پس از اتمام عملیات، جویای وضعیت مجروحین بود و با خانواده‌های شهدا دیدار می‌کرد. به خاطر دارم در یکی از عملیات‌ها از ناحیه چشم دچار جراحت شدم؛ نیاز بود به صورت فوری به اصفهان منتقل شده و تحت جراحی

قرار گیرم. سردار زاهدی از این اتفاق بسیار نگران بود و هماهنگی لازم را با بیمارستانی در اصفهان انجام داد تا به محض رسیدن به اصفهان، تحت جراحی قرار گیرم. ایشان از لحظه‌ای که به داخل آمبولانس منتقل شدم تا لحظه حرکت آمبولانس، در کنارم حضور داشته و دلداریم می‌داد. در مدت بستری در اصفهان نیز به عبادت من آمد و جویای وضعیت درمان من بود. سردار زاهدی نیروها را همراهی کرده و دلسوز آنها بود و این همراهی تأثیر زیادی در روحیه رزمندگان داشت. ایشان با تمام نیروهای ارتباط سازنده‌ای داشت، البته تمام فرماندهان این ویژگی‌ها را داشتند اما ایشان در این خصوص، ویژه‌تر عمل می‌کرد.

❖ **چه تأکیدیاتی به هم‌زمان داشت؟**

شهید زاهدی با وجود مشغله فراوان سعی می‌کرد در جمع هم‌زمان خود در دفاع مقدس حضور پیدا کند و به رزمندگان تاکید داشت که با یکدیگر ارتباط صمیمی داشته باشید و خدمت به مردم را سرلوحه کار خویش قرار دهید. وی هیچ‌گاه یاد و خاطره شهدا را فراموش نکرد و همواره بر حفظ روحیه جهادی رزمندگان تأکید داشت.

❖ **آیا عصبانیت ایشان را شاهد بودید؟**

هیچ‌گاه بدخلقی را در شهید زاهدی شاهد نبودم، ایشان از اعتقادات مذهبی نیکو و خُلق پیامبرگونه برخوردار بوده و همیشه تبسم در چهره داشت. اما سردار زاهدی در روند عملیات‌ها با هیچ فردی مماشات نمی‌کرد و با کوچکترین بی‌نظمی که موجب اختلال در روند عملیات می‌شد برخورد می‌کرد، چون حفظ جان رزمندگان از اولویت‌های اول ایشان در زمان اجرای عملیات بود.

❖ **بر خورد ایشان با فرماندهان چگونه بود؟**

سردار زاهدی بسیار صبور بود و از روحیه صبر و ایثار برخوردار بود. اگر فردی از وی انتقاد می‌کرد، سعی داشت تا با تبسم پاسخ دهد. به خاطر دارم در ایام دفاع مقدس و یا پس از پایان جنگ تحمیلی در چندین مورد با ایشان صحبت کرده و انتقادی از ایشان داشتم اما سردار زاهدی با سعه صدر به انتقاد من گوش فرا داد و با خنده‌رویی پاسخی داد که قانع شدم. سردار زاهدی در تصمیم‌گیری‌ها، حتماً نظر سایرین را جویا می‌شد و سپس تصمیم‌گیری نهایی را انجام می‌داد.

❖ **ارتباط ایشان با روحانیت در ایام دفاع مقدس**

**چگونه بود؟**



« شهید زاهدی (نفر دوم از سمت چپ) در کنار دوستان و هم‌زمان



### ❖ پس از پایان جنگ، ارتباط شما با ایشان چگونه ادامه داشت؟

پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸، شهید زاهدی از من درخواست کرد تا عازم اصفهان شده و مکان مناسبی جهت انتقال لشکر از جبهه جنوب به اصفهان فراهم کنم. انتقال آن میزان تجهیزات و ادوات، فعالیت دشواری بود و نیاز به مکان مناسبی داشت. نیاز بود که ستاد لشکر در سریع‌ترین زمان ممکن منتقل شده و فعالیت لشکر ادامه یابد. مکان مناسبی را برای استقرار تعیین کرده و به ایشان اطلاع دادم. بازدیدهای مختلف به همراه سردار زاهدی صورت گرفت و انتقال لشکر امام حسین<sup>(ع)</sup> به اصفهان انجام شد. در آن ایام به عنوان فرمانده عقبه لشکر، مشغول به فعالیت بودم.

### ❖ راز محبوبیت شهید زاهدی در چه بود؟

شهید زاهدی به دلیل دارا بودن اخلاص به مدارج عالی رسید و این اخلاص سبب شد تا به شهادت نائل شود. صداقت و اخلاص شهید زاهدی باعث شد تا وی در اذهان مردم و رزمندگان ماندگار شود. ایشان از غرور فاصله می‌گرفت و در سخنرانی‌هایی که برای رزمندگان انجام می‌داد آنها را به جهاد فی سبیل الله دعوت می‌کرد. رفتار شهید زاهدی باعث می‌شد تا رزمندگان مجذوب وی شده و اطمینان یابند که ایشان تافته جدابافته نیست و فرماندهی است که به قلب‌ها حکمرانی می‌کند. ایشان خودروی شخصی خود را فروخته و مبلغ آن را در اختیار رزمندگان قرار داده بود تا آنها به همراه خانواده، عازم سفر زیارتی مشهد مقدس شوند.

”  
سردار زاهدی با توجه به ارتباطی که با شهید صیادشیرازی داشت و شناختی که وی از ارتش داشت سبب شد تا از توانمندی ارتش در عملیات‌ها استفاده کند. سردار زاهدی نسبت به توانمندی ارتش و ادوات و تجهیزات آنها اشراف داشت و به رزمندگان نیز توصیه می‌کرد تا همکاری لازم را با ارتش انجام دهند.“



فرماندهان حاضر در دفاع مقدس از ایمان والایی برخوردار بوده و با توجه به کمبودهایی که در کشور به دلیل تحریم وجود داشت، نسبت به بیت‌المال حساسیت‌های ویژه‌ای داشتند و سردار زاهدی نیز از این حساسیت برخوردار بود. به دفعات پیش آمده بود که به همراه ایشان از جبهه جنوب جهت برنامه‌ریزی‌های عملیات، عازم اصفهان شدیم. در مسیر، ایشان از هزینه شخصی نسبت به تهیه ناهار برای خود و دیگران اقدام می‌کرد در حالی که می‌توانست این مبلغ را از هزینه لشکر پرداخت کند. مشاهده رفتار ایشان توسط رزمندگان و فرماندهان حاضر در تیپ امام حسین<sup>(ع)</sup> سبب شد تا وی به یکی از فرماندهان عالی در دفاع مقدس مبدل شود.

سردار زاهدی یکی از دوستان صمیمی شهید ردانی‌پور بود و انس میان سردار زاهدی و شهید ردانی‌پور به قدری بود که ایشان وصیت کردند پس از شهادت مزار وی در کنار شهید ردانی‌پور باشد. در سفرهایی که به ایران داشت، جهت ملاقات با سردار زاهدی در منزل ایشان حاضر شده و با ایشان دیدار داشتیم. در فاصله این دیدار و زمان اقامه نماز، به سردار زاهدی اقتدا کرده و نماز جماعت را اقامه می‌کردیم. در یکی از این دیدارها، وقت اقامه نماز، داماد سردار زاهدی که روحانی است وارد شد و سردار زاهدی به ایشان اقتدا و نماز را اقامه کرد. تاکید داشت که حضرت امام خمینی<sup>(ع)</sup> در خصوص احترام به طلاب و روحانیون، تاکید فراوان داشته‌اند.

### ❖ سردار زاهدی یکی از افرادی بود که سعی داشت عملیات‌های مشترک با ارتش انجام دهد، علت آن چه بود؟

سردار زاهدی با توجه به ارتباطی که با شهید صیاد شیرازی داشت و شناختی که وی از ارتش داشت سبب شد تا از توانمندی ارتش در عملیات‌ها استفاده کند. سردار زاهدی نسبت به توانمندی ارتش و ادوات و تجهیزات آنها اشراف داشت و به رزمندگان نیز توصیه می‌کرد تا همکاری لازم را با ارتش انجام دهند. احترامی که وی به ارتش قائل بود باعث شد تا این احترام در بین رزمندگان لشکر امام حسین<sup>(ع)</sup> نیز تسری یابد.

### ❖ در خصوص رعایت مسأله بیت‌المال چه توصیه‌هایی به اطرافیان داشت؟

## ❖ نحوه برخورد شهید زاهدی با هم‌زمان پس از پایان جنگ تحمیلی چگونه بود؟

پس از پایان جنگ تحمیلی به دلیل رشادت‌هایی که در آن ایام داشت، درجه سرداری به ایشان اهدا شد اما درجه‌ها را بر روی لباس خویش نصب نمی‌کرد و همیشه تاکید داشت که این درجه‌ها متعلق به شهدا و رزمندگانی است که در دفاع مقدس به رشادت پرداخته‌اند. به خاطر دارم؛ جلسه‌ای در تهران برگزار شده و از هر لشکر، تعدادی از نفرات به این جلسه دعوت شده بودند. سردار زاهدی با اینکه خودرو در اختیار داشت و می‌توانست با خودرو عازم تهران شود اما تصمیم گرفت سوار اتوبوس شده و به همراه ما عازم تهران شود. به دلیل حضور در آن جلسه، درجه‌های خود را بر روی لباس نصب کرده بود اما توسط چفیه آن را پوشانده بود. در جلسه‌ای دیگر از ایشان درخواست کردیم تا سخنرانی کند اما با اکراه پذیرفت که دقایقی کوتاه سخن گوید. در آن دقایق کوتاه از شهدا سخن گفت و از خانواده‌های شهدا یاد کرد.

## ❖ با توجه به اینکه در ایام دفاع مقدس شما از افراد نزدیک به شهید کاظمی بوده و پس از

## پایان جنگ به عنوان جانشین در کنار وی فعالیت داشته‌اید، نگاه و ارتباط شهید کاظمی با سردار زاهدی چگونه بود؟

مدتی به عنوان جانشین شهید احمد کاظمی مشغول به فعالیت بوده‌ام و از ارتباط صمیمی ایشان با سردار زاهدی مطلع می‌باشم. شهید احمد کاظمی چندین مرتبه از رشادت سردار زاهدی سخن گفته و تاکید

پس از پایان جنگ تحمیلی، فرماندهانی که رشادت فراوانی در جنگ داشته و نزد مردم از محبوبیت ویژه‌ای برخوردار بودند، هدف طیف‌های سیاسی بودند تا با جذب این افراد، میزان موفقیت طیف را افزایش دهند اما سردار زاهدی وارد مسائل سیاسی نشد. ایشان در مسیر ولایت حرکت می‌کرد و وارد طیف‌های سیاسی نشد. سردار زاهدی به طیف‌های سیاسی توصیه داشت که با هم متحد بوده و در مسیر خدمت به مردم گام بردارید و همین عامل نیز یکی از دلایل محبوبیت ایشان است. معتقد هستم که اگر فردی وارد طیف سیاسی شود، ناخودآگاه در رفتار فرد تأثیرگذار خواهد بود.



داشت که سردار زاهدی، فرد با اخلاصی است. شهید کاظمی محو اخلاص و تقوای زاهدی بود و در جلسات و مراسم مختلف در کنار یکدیگر می‌نشستند. ارتباط نزدیک با یکدیگر داشته و در سفرهای مختلف به همراه یکدیگر حاضر بودند. در ایام دفاع مقدس، لشکر نجف اشرف و لشکر امام حسین<sup>(ع)</sup> در کنار یکدیگر به عملیات مشغول بودند و ارتباط و هماهنگی قوی بین فرماندهان این لشکرها برقرار بود.

## ❖ آیا گروه و یا طیف سیاسی خاصی سعی داشتند ایشان را وارد مسائل سیاسی و یا انتخاباتی کنند؟

پس از پایان جنگ تحمیلی، فرماندهانی که رشادت فراوانی در جنگ داشته و نزد مردم از محبوبیت ویژه‌ای برخوردار بودند، هدف طیف‌های سیاسی بودند تا با جذب این افراد، میزان موفقیت طیف را افزایش دهند اما سردار زاهدی وارد مسائل سیاسی نشد. ایشان در مسیر ولایت حرکت می‌کرد و وارد طیف‌های سیاسی نشد. سردار زاهدی به طیف‌های سیاسی توصیه داشت که با هم متحد بوده و در مسیر خدمت به مردم گام بردارید و همین عامل نیز یکی از دلایل محبوبیت ایشان است. معتقد هستم که اگر فردی وارد طیف سیاسی شود، ناخودآگاه در رفتار فرد تأثیرگذار خواهد بود.

## ❖ به نظر شما جایگاه و نقش شهید زاهدی در محور مقاومت تا چه میزان با اهمیت بوده است؟

جهت آگاهی از میزان اهمیت و نقش وی در جبهه مقاومت، مطالعه سخنان سیدحسن نصرالله در وصف سردار زاهدی از اهمیت فراوانی برخوردار است. سیدحسن نصرالله در وصف شهید زاهدی اشاره می‌کند که شهید زاهدی مومن و متواضع بوده و از تظاهر، گریزان بود. ایشان اشاره می‌کنند که: «شهید زاهدی «مهاجر الی‌الله» بود، خانواده و فرزندان را ترک کرد و با ما زندگی می‌کرد، از دوستان نزدیکش جدا شد و در خدمت جبهه مقاومت بود.» سردار زاهدی از اهمیت جبهه مقاومت آگاه بود و با تمام وجود این حرکت را فرماندهی و حمایت کرد. اعتقاد و اخلاص شهید زاهدی باعث شد تا در میان فرماندهان و اعضای مقاومت، محبوب باشد. سردار زاهدی به دنبال شهادت بود، اما شهادتی که با سرنگونی دشمن همراه باشد. سردار زاهدی در لحظه شهادت، فرمانده کل مقاومت در لبنان و سوریه بود که تا حدود بسیاری کم‌نظیر است.



« شهید زاهدی در کنار شهیدان؛ حاج رمضان و حاجی رحیمی





## گفتگوی شاهدیاران با سردار سیداحمدرضا رضیان سپر مستحکم در محور مقاومت

### درآمد

سردار سیداحمدرضا رضیان در سال ۱۳۶۱ با حضور در لشکر امام حسین<sup>(ع)</sup>، مشغول به مبارزه با رژیم بعثی شده است. از همان ایام حضور در دفاع مقدس در کنار سردار زاهدی حضور داشته و ۳۵ سال از عمر خویش را در کنار ایشان طی کرده است. رضیان یکی از افرادی است که در دو دوره به همراه شهید زاهدی در لبنان حضور داشته و از افراد مورد اعتماد وی بوده است. سیداحمدرضیان خاطرات بسیاری از شهید در ذهن به یادگار دارد که در ادامه می‌خوانید.

پس از قبول قطعنامه ۵۹۸، دشمن مجدداً به خرمشهر یورش برد و این عامل باعث شد تا فرماندهان پس از پایان جنگ تحمیلی جوانب احتیاط را رعایت کرده تا نیروهای مستقر در جنوب را به یکباره به استان‌ها منتقل نکنند. به همین دلیل بود که تعدادی از لشکرها در منطقه باقی مانده و وظیفه دفاع از مرز را برعهده گرفتند. لشکر امام حسین<sup>(ع)</sup> یکی از اولین یگان‌هایی بود که به استان منتقل شد. جنگ تحمیلی باعث شده بود تا تجهیزات و ادوات جنگی فرسوده شده و نیاز بود علاوه بر استقرار لشکر، یگان‌ها نیز از نظر تجهیزات و عملیات، آماده‌تر شوند. فعالیت‌های فراوانی باید از سوی فرمانده لشکر امام حسین<sup>(ع)</sup> صورت می‌گرفت تا علاوه بر استقرار، بروزرسانی تجهیزات نیز صورت گیرد. تلاش

سبب این اقتدار شده بود. سردار زاهدی مدارج دلآوری و ایثار را طی کرده و با توجه به توانمندی و نبوغ نظامی، به فرماندهی لشکر امام حسین<sup>(ع)</sup> منصوب شد. ایشان در دوره‌های آموزش نظامی خاصی شرکت نکرده بود بلکه بر اساس قدرت ایمان و شجاعتی که در پیش گرفته بود برای این مسئولیت انتخاب شد. اعتقاد دارم که اگر فردی شجاعت و ایمان داشته و طالب شهادت باشد از او مجاهدی ساخته می‌شود که در مسیر ایثار و دلآوری، هیچ واهمه‌ای در دل نخواهد داشت.

پس از پایان جنگ تحمیلی، نقش شهید زاهدی در ترمیم و تجهیز لشکر امام حسین<sup>(ع)</sup> چگونه بود؟

لطفاً ضمن معرفی خود از نحوه آشنایی با شهید زاهدی بفرمایید؟

سیداحمدرضا رضیان هستم، متولد ۱۳۴۲ در اصفهان. در سال ۱۳۶۱ با شهید زاهدی در جبهه آشنا شده و این همراهی تا سال‌ها ادامه داشت. دوسال از آغاز جنگ تحمیلی گذشته بود که وارد جبهه جنوب شدم. من عضو سپاه بودم اما حاج‌علی زاهدی فرماندهی بود که در لباس بسیج مشغول به رشادت بود. تیپ امام حسین<sup>(ع)</sup> که از رزمندگان دلآور تشکیل شده بود در عملیات‌های سخت و دشوار شرکت می‌کرد و در راس این تیپ نیز، شهید خرازی قرار داشت و جانشین وی، شهید زاهدی بود. تیپ و لشکر امام حسین<sup>(ع)</sup>، توانمندی فراوانی داشت که حضور افرادی هم چون سردار زاهدی

شبانه‌روزی شهید زاهدی نتیجه مثبت به همراه داشت و لشکر امام حسین<sup>(ع)</sup> به سرعت ترمیم و تجهیز شد. در لشکر امام حسین<sup>(ع)</sup> من به‌عنوان معاون سردار بنی‌لوحی در ستاد لشکر مشغول به فعالیت بوده و از نزدیک شاهد تلاش‌های سردار زاهدی بودم.

**آیا در ایامی که شهید زاهدی به عنوان فرمانده «لشکر ۱۶ قدس گیلان» منصوب شد، شما همراه ایشان حضور داشتید؟**  
از لحظه‌ای که با شهید زاهدی در دفاع مقدس آشنا شدم به مدت ۳۵ سال در کنار وی حضور داشته و در ماموریت گیلان نیز ایشان را همراهی کردم. پس از فعالیت‌هایی که شهید زاهدی در لشکر امام حسین<sup>(ع)</sup> انجام داد، مسئولین تصمیم گرفتند تا فرماندهی لشکر ۱۶ قدس گیلان به ایشان محول شود. در گیلان نیز شهید زاهدی نسبت به ترمیم ستاد و تجهیزات لشکر، فعالیت‌های بسیاری انجام داد.

**علت همراهی شما با سردار زاهدی چه بود؟**  
از لحظه‌ای که با سردار زاهدی در دفاع مقدس آشنا شدم با مشاهده روحیه ایثار و تلاش‌گری وی، تصمیم گرفتم تا بیشتر او را در این مسیر همراهی کنم. دارا بودن روحیه معنوی و رفتار نیکوی سردار زاهدی به قدری زیبا بود که افراد را مجذوب خویش می‌کرد، من نیز مجذوب وی شده و خداوند یاری‌ام کرد تا سال‌ها بتوانم او را همراهی کنم.

**به نظر شما دلیل جابجایی ایشان از فرماندهی لشکر امام حسین<sup>(ع)</sup> به فرماندهی لشکر ۱۶ گیلان چه بود؟**

سردار زاهدی فرماندهی توانمند و شناخته شده بود و هر کجا که گره‌ای ایجاد می‌شد، وی یکی از گزینه‌های اصلی برای گشودن آن بود؛ لذا با توجه به اعتماد و اطمینانی که در توانمندی سردار زاهدی وجود داشت، این جابجایی صورت گرفت و مسائل ناگفته سیاسی نیز در این تصمیم دخیل بوده است.

**نتیجه حضور ایشان در گیلان چه بود؟**  
تا قبل از سال ۱۳۶۷، در گیلان لشکر مجزایی وجود نداشت و استان‌های مازندران و گیلان به صورت مشترک، لشکر «۲۵ کربلا» را تشکیل داده بودند. با توجه به وجود نیروهای مستعد و فراوان در استان‌های گیلان و مازندران، تصمیم گرفته شد تا در پایان جنگ تحمیلی، لشکر ۱۶ قدس گیلان تشکیل شود. پس از پایان جنگ تحمیلی، مأموریت حضور در بخشی از منطقه کردستان و مبارزه با منافقین و دموکرات‌ها به

این لشکر محول شد. سردار زاهدی دو تیپ از «لشکر ۱۶ گیلان» را جهت برقراری امنیت و مبارزه با منافقین و دموکرات‌ها به منطقه کردستان اعزام کرد و خود وی نیز به دفعات در این مناطق حاضر شده و از نزدیک عملیات بر علیه منافقین و دموکرات‌ها را مدیریت می‌کرد. اقدامات ارزشمندی که از سوی شهید زاهدی صورت گرفت باعث شد تا ناآرامی‌ها برطرف شده و آرامش به این مناطق بازگردد. شهید زاهدی علاوه بر اینکه فرماندهی شجاع بود، فرماندهان دیگری را آموزش داده و در یگان‌ها مورد استفاده قرار گرفت. یکی از افرادی که در کنار شهید زاهدی حضور داشت و به فرماندهی توانمند مبدل شد، سردار رادان بود که اکنون به‌عنوان فرمانده نیروی انتظامی مشغول به فعالیت است.

**چه عوامل باعث شد تا حضور سردار زاهدی در گیلان طولانی باشد؟**

معمولا احکام نظامی برای مدت زمان سه‌سال صادر می‌شود اما سردار زاهدی به مدت هفت سال در گیلان حضور داشت و مردم گیلان به نیکی از وی یاد می‌کنند. سردار زاهدی ارتباط صمیمی با مردم و رزمندگان استان گیلان برقرار کرده بود و مردم گیلان ارادت ویژه‌ای به ایشان داشتند.

**پس از پایان ماموریت در استان گیلان، چه ماموریتی به سردار زاهدی محول شد؟**

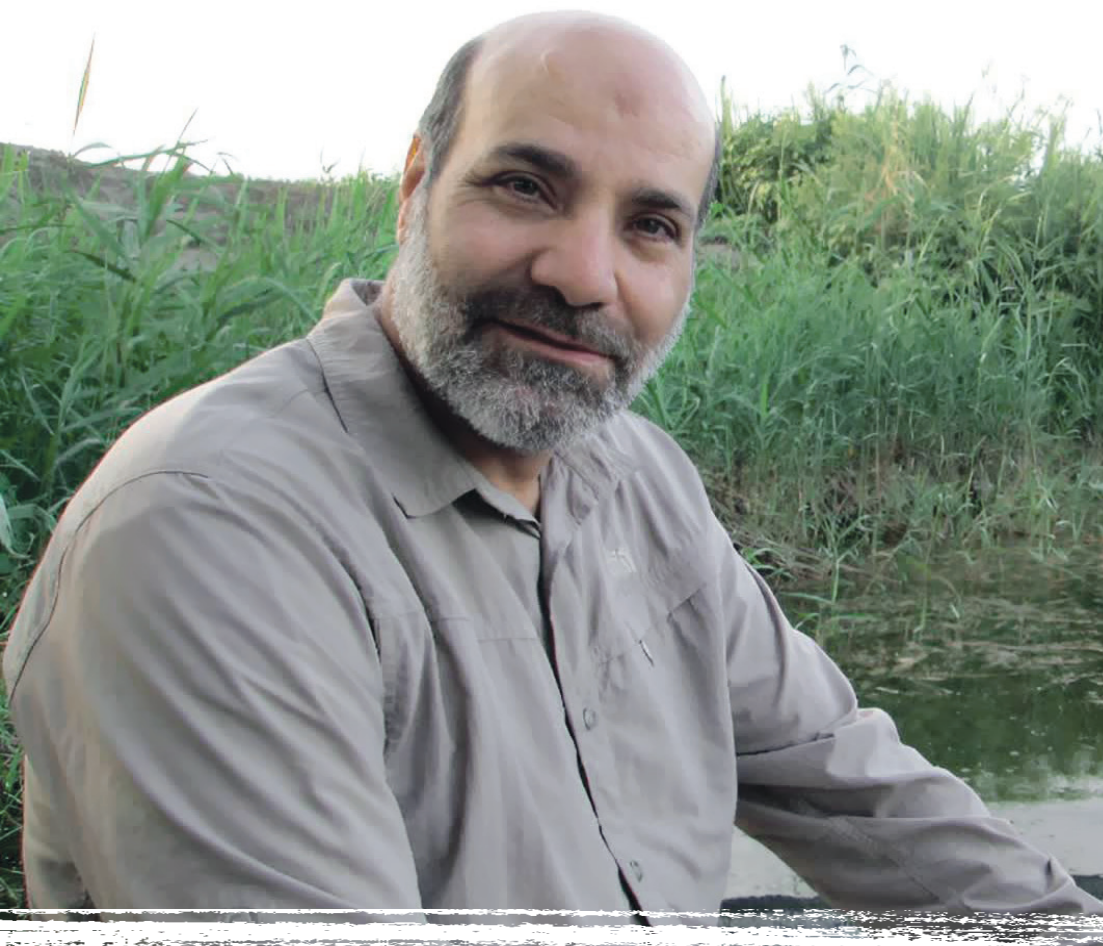
پس از پایان ماموریت در استان گیلان، به همراه سردار زاهدی عازم تهران شدیم و با پیشنهاد حاج قاسم سلیمانی و موافقت مقام معظم رهبری، عازم لبنان شدیم.

**نحوه انتخاب افراد در چنین ماموریت‌هایی چگونه بود؟**

فرمانده سپاه قدس، پیشنهاد فرد مورد نظر را به حزب‌الله و مقام معظم رهبری ارائه می‌کردند و در صورت موافقت، فرد به این ماموریت اعزام می‌شد.

**معمولا ملاک عمل حزب‌الله برای تایید فرد چه بود؟**

فرماندهان حزب‌الله افرادی را مورد تایید قرار می‌دادند که از نظر عملیاتی توانمند بوده و شناخت کافی نسبت به مسائل داشته باشد. سردار زاهدی در آن ایام برای حزب‌الله کمتر شناخته شده بود اما حاج قاسم اطمینان داده بود که سردار زاهدی فردی عملیاتی و توانمند است. مقرر بود که سردار زاهدی مدتی در لبنان حضور داشته و به فعالیت مشغول شود اما اگر پس از گذشت مدتی، فرماندهان حزب‌الله از عملکرد وی راضی نباشند،





« شهید زاهدی در کنار شهیدان: سید حسن نصرالله، حاج قاسم سلیمانی، احمد کاظمی و عماد مغنیه

### لبنان با چه فعالیت‌هایی همراه بود؟

دور دوم حضورمان در لبنان با محدودیت‌های امنیتی همراه بود. رژیم صهیونیستی از حضور شهید زاهدی و دیگر افراد حاضر در کنار ایشان مطلع بود و حتی از نام مستعارمان نیز آگاهی داشت. رفت‌وآمدها کنترل بیشتری داشت و نیاز بود تا مسائل امنیتی بیش از پیش رعایت گردد. طبیعی است که فعالیت در چنین وضعیتی، مشکل بود و فعالیت‌ها باید کنترل شده انجام می‌شد اما شهید زاهدی با تمام رعایت مسائل امنیتی، فعالیت خود را محدود نکرد بلکه به دلیل شرایط ایجاد شده در آن برهه، تلاش بیشتری داشت. دشواری حضور در لبنان دو چندان شد و زحمات سردار زاهدی بیش از گذشته بود.

### آیا در دور دوم نیز خانواده‌ها در کنار شما در لبنان حضور داشتند؟

در دور اول، خانواده در کنار ما حضور داشتند اما در دور دوم، این حضور میسر نبود. همسر شهید زاهدی که مجاهدت بسیاری در کنار سردار زاهدی داشته است، در برهه‌های مختلف در دور دوم نیز در کنار شهید زاهدی حضور داشته است. همسر ایشان زحمات بسیاری در کنار شهید داشته است که به جرات می‌گویم که اجر و پاداش وی کمتر از شهید زاهدی نیست. حضور سردار زاهدی برای مرتبه دوم در لبنان، پس از شهادت عماد مغنیه و به درخواست سیدحسن نصرالله بوده است.

### دلیل این درخواست چه بود؟

پس از شهادت عماد مغنیه، نیاز بود تا فردی جایگزین ایشان شود که علاوه بر تبحر در مسائل نظامی، اعضای حزب‌الله نیز او را قبول داشته باشند و سردار زاهدی

رفت‌وآمدها کنترل بیشتری داشت و نیاز بود تا مسائل امنیتی بیش از پیش رعایت گردد. طبیعی است که فعالیت در چنین وضعیتی، مشکل بود و فعالیت‌ها باید کنترل شده انجام می‌شد اما شهید زاهدی با تمام رعایت مسائل امنیتی، فعالیت خود را محدود نکرد بلکه به دلیل شرایط ایجاد شده در آن برهه، تلاش بیشتری داشت.



فرماندهان حزب‌الله درخواست داشتند تا ماموریت ایشان تمدید شود اما به دلیل رعایت مسائل امنیتی این اتفاق صورت نگرفت. همانگونه که اشاره کردم، احکام نظامی برای مدت سه سال صادر می‌شود اما حضور سردار زاهدی در این کشور به مدت پنج سال بود.

### آیا رژیم صهیونیستی از حضور و فعالیت‌های وی در لبنان آگاه بودند؟

پس از شکستی که رژیم صهیونیستی در جنوب لبنان متحمل شد، این رژیم به دنبال شناسایی عوامل شکست خود بود و به احتمال فراوان ایشان مورد شناسایی قرار گرفته بودند.

### حضور شهید زاهدی برای مرتبه دوم در

تصمیم دیگری اتخاذ شود. در دور اول، حدود پنج‌سال در لبنان حضور داشتیم که صمیمیت بی‌نظیری میان سردار زاهدی و فرماندهان حزب‌الله ایجاد شد.

### هدف‌گذاری سردار زاهدی در لبنان چه بود؟

پس از حضور ایشان در لبنان، دو هدف‌گذاری از شهید زاهدی پایه‌ریزی شد. یکی از اهداف؛ ارائه آموزش نظامی به اعضای حزب‌الله بود که باید به صورت دقیق انجام می‌شد. تا آن برهه، عملیات اعضای حزب‌الله بر علیه رژیم صهیونیستی به صورت پراکنده انجام می‌شد و خودباوری در اعضای حزب‌الله از نظر توانمندی نظامی کمتر بود اما شهید زاهدی با ارائه آموزش به اعضای حزب‌الله درصد بود تا خودباوری را در اعضای حزب‌الله ایجاد کند. سازوکارهای مشخصی پایه‌ریزی شد و آموزش به اعضای حزب‌الله صورت گرفت. هدف‌گذاری دوم که از سوی سردار زاهدی دنبال شد این بود که با کمک اعضای حزب‌الله، رژیم صهیونیستی را از منطقه جنوب لبنان خارج کند. این اهداف به صورت مداوم دنبال شد و نتیجه آن دو سال پس از حضور وی نتیجه داد و رژیم صهیونیستی مجبور به عقب‌نشینی از جنوب لبنان شد. اولین موفقیت شهید زاهدی که فردی توانمند در مباحث نظامی بود با این پیروزی ادامه یافت. حزب‌الله به خودباوری رسیده و طرح‌های عملیاتی بسیاری را بر علیه رژیم صهیونیستی انجام داد.

### طرح‌های عملیات اعضای حزب‌الله لبنان چگونه تصویب می‌شد؟

این طرح‌ها در شورای حزب‌الله ارائه شده و پس از مشورت با سردار زاهدی و سپاه مورد اجرا قرار می‌گرفت.

### قبل از حضور سردار زاهدی در لبنان، مباحث آموزش اعضای حزب‌الله انجام نمی‌شد؟

آموزش‌های نظامی وجود داشت اما جامع نبود و نیاز به هدف‌گذاری داشت که سردار زاهدی با هدف‌گذاری صحیح و ارائه آموزش در زمینه‌های نظامی، تحول عمیق ایجاد کرد.

### دور اول حضور سردار زاهدی در لبنان چه مدت بود؟

با اقداماتی که شهید زاهدی در لبنان انجام داد، اعضای حزب‌الله پیشرفت‌های چشمگیر در زمینه‌های نظامی و طرح‌ریزی عملیات‌ها کسب کرده و اعتماد اعضای حزب‌الله به توانمندی شهید زاهدی کاملاً مشهود بود. صمیمیت ایجاد شده میان سردار زاهدی و فرماندهان حزب‌الله، قابل‌وصف نیست. خاطرم است در پایان ماموریت ایشان که حدود پنج‌سال طول کشید،

علاوه بر محبوبیت میان اعضای حزب‌الله از توانمندی نظامی بالایی برخوردار بود. مسئولیت عماد مغنیه برای مدتی به سردار زاهدی محول شد تا فردی به عنوان جایگزین ایشان معرفی شود. پس از شهادت حاج قاسم بود که وظایف سردار زاهدی دوچندان شد و مسئولیت سوریه نیز علاوه بر لبنان و فلسطین به ایشان محول گردید.

### ارتباط شهید زاهدی با شهید سید حسن نصرالله چگونه بود؟

ارتباط سردار زاهدی علاوه بر سیدحسن نصرالله با فرماندهان حزب‌الله نیز بی‌ظنیر بود. هماهنگی غیرقابل وصف میان سردار زاهدی و سید حسن نصرالله ایجاد شده بود که این هماهنگی سبب پیروزی‌های متعدد

گردید. سردار زاهدی خود را وقف محور مقاومت و مبارزه علیه رژیم صهیونیستی کرد. صمیمیت سردار زاهدی با فرماندهان حزب‌الله به اندازه‌ای بود که اگر در دور سوم، درخواست شخص سیدحسن نبود، امکان نداشت با حضور سردار زاهدی در لبنان موافقت شود چون فرماندهان سپاه اطمینان داشتند که رژیم صهیونیستی به دنبال هدف قرار دادن سردار زاهدی است و رژیم صهیونیستی این را اعلام کرده بود اما ارادتی که سردار زاهدی به سیدحسن نصرالله داشت و بر اساس ایمان قلبی خویش، برای مرتبه سوم عازم لبنان شد و شهادت را در آغوش گرفت.

### آیا در دور سوم در کنار شهید زاهدی حضور داشتید؟

در دور سوم حضور ایشان در لبنان امکان حضور برایم فراهم نشد.

### از مهمترین ویژگی شهید زاهدی به چه نکته‌ای می‌توانید اشاره بفرمایید؟

اخلاص سردار زاهدی و رک‌گو بودن وی از نکات بارز بود. خصوصیات دیگری که سردار زاهدی دارا بود، این است که ممکن بود فردی خط فکری‌اش با سردار زاهدی یکی نبود اما این دلیل نمی‌شد که از آن فرد استفاده نکند بلکه از توانمندی فرد استفاده می‌کرد. من فردی را می‌شناسم که خط سیاسی و فکری‌اش با شهید زاهدی یکی نبود اما کمک زیادی به شهید زاهدی کرد. نکته دیگر این بود که شهید زاهدی در مسیر خدمت به مردم و کشور از انجام فعالیت‌های دشوار گریزان نبود.

### آیا در مدتی که با ایشان همراه بوده‌اید، عصبانیت ایشان را شاهد بوده‌اید؟

بله، بارها عصبانیت و ناراحتی وی را شاهد بودم. اگر نیاز بود که سردار زاهدی در مورد فعالیت، شدت عمل و جدیت داشته باشند، بسیار جدی با مسئله برخورد می‌کردند و این جدی بودن به حدی بود که حتی من که سال‌ها در کنار وی بودم از مواجهه با ایشان ترس داشتم.

### آیا در سفرهایی که شهید زاهدی به سوریه داشته‌اند در کنار وی حضور داشته‌اید؟

بله، در سفرهای مختلف که به سوریه داشته‌اند من نیز حضور داشته و شاهد تلاش‌های ایشان در راستای مبارزه با رژیم صهیونیستی قرار دارم.

### از ارادت ایشان به ائمه اطهار بگوئید؟

ایشان ارادت ویژه‌ای به حضرت زینب و ائمه داشت. در سفرهایی که به سوریه داشتیم و به زیارت بارگاه مبارک حضرت زینب<sup>(س)</sup>، شرفیاب می‌شدیم، سردار زاهدی سرشار از معنویت بود که اشک در چشمان وی نمایان می‌شد. در سفرهایی که به همراه سردار زاهدی به مشهد مقدس داشته‌ام نیز این حالت‌های معنوی و اشک‌های بی‌امان در لحظه زیارت حرم حضرت امام رضا<sup>(ع)</sup> نمایان بود.

### از کمک ایشان به نیازمندان بفرمایید؟

سردار زاهدی در کمک به نیازمندان فعالیت داشت و با توجه به اینکه یکی از فرماندهان ارشد نظام بود، سعی داشت تا اگر یکی از نیروهای زیرمجموعه دچار مشکل بود آن مشکل را برطرف کند، حال ممکن بود آن مشکل مربوط به مسائل مالی باشد و یا نیاز به همفکری و همراهی داشته باشد. سردار زاهدی بخشی از حقوق خود را مختص حضرت امام زمان<sup>(عج)</sup> قرار می‌داد و این مبلغ را صرف نیازمندان و کارهای خیر می‌کرد.

### از شنیدن خبر شهادت ایشان چه احساسی داشتید؟

از شنیدن خبر شهادت سردار زاهدی به شدت متأثر شدم. ۳۵ سال در سپاه فعال بودم و تمام آن ۳۵ سال را در کنار وی حضور داشته و شاهد مجاهدت و دلاوری سردار زاهدی بوده‌ام. شهادت ایشان برایم قابل باور نبود البته از اشتیاق سردار زاهدی به شهادت آگاه بوده و از مسیری که وی طی کرده بود تا شهادت مزد زحمات وی باشد را از نزدیک شاهد بودم اما لحظه‌ای که خبر شهادت ایشان را شنیدم از تمام وجود احساس تأثر کردم.

در سفرهایی که به سوریه داشتیم و به زیارت بارگاه مبارک حضرت زینب<sup>(س)</sup>، شرفیاب می‌شدیم، سردار زاهدی سرشار از معنویت بود که اشک در چشمان وی نمایان می‌شد. در سفرهایی که به همراه سردار زاهدی به مشهد مقدس داشته‌ام نیز این حالت‌های معنوی و اشک‌های بی‌امان در لحظه زیارت حرم حضرت امام رضا<sup>(ع)</sup> نمایان بود.



«سردار زاهدی (نفر اول از سمت چپ) در کنار مقام معظم رهبری در ایام دفاع مقدس»



## گفتگوی شاهدیاران با حاج علی مسجدیان با ولایت تا شهادت

### درآمد

با شروع جنگ تحمیلی، نوجوانان یکی از مهم‌ترین اقشاری بودند که در کنار تحصیل، حضوری گسترده در جبهه‌های جنگ داشتند. نوجوانانی که علی‌رغم سن کم و جثه کوچک توانستند با ایثار و فداکاری کارنامه درخشانی از خود بر جای بگذارند. آنان با حضوری فعال در عرصه تدارکات، جمع‌آوری کمک‌های مردمی، رساندن اسلحه و مهمات به رزمندگان، در کنار مبارزه رو در رو با دشمن، صحنه‌های تکرارناپذیری را در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل رقم زدند. یکی از این نوجوانان که با دارا بودن سن کم، از شجاعت و بی‌زه‌ای برخوردار بود و با حضور در دفاع مقدس، رزمندگان را در مسیر مبارزه یاری کرد، حاج علی مسجدیان است. ایشان در خانواده‌ای مذهبی در شهر اصفهان متولد شد. وی از هم‌زمان شهید خرازی و حاج احمد کاظمی بوده و خاطرات بسیاری از این شهدا در ذهن به یادگار دارد. حاج علی مسجدیان؛ با شهید زاهدی مانوس بوده و خاطرات زیبایی از شهید در ذهن دارد. در ادامه؛ متن گفتگو با حاج علی مسجدیان را می‌خوانید.

❖ **خصوصیات بارز سردار زاهدی که باعث شد تا وی به محبوبیت در بین رزمندگان نائل شود چه بود؟**  
اولین خصوصیات ویژه‌ای که در سردار زاهدی سرشار بود و باعث شد تا مرا مجذوب خویش کند، اخلاص

عملیات، در کنار وی حضور داشته و با وی مانوس شدم. در آن ایام به عنوان جانشین فرمانده تیپ امام حسین<sup>(ع)</sup> مشغول به فعالیت بود و مناطق جنگی، دل‌آوری‌های سردار زاهدی را هیچ‌گاه فراموش نخواهد کرد.

❖ **لطفاً از نحوه آشنایی با سردار زاهدی بگویید؟**  
سردار زاهدی با نام علی در دفاع مقدس شناخته می‌شد و در لبنان به نام «ابومهدی» معروف بود و در نهایت به نام زیبای «شهیدالقدس» ملقب شد. آشنایی من با ایشان، قبل از عملیات رمضان بود و در روند این

مقتدر اما مظلوم به رشادت پرداخته و فرماندهی وی در دفاع مقدس، در اوج مظلومیت قرار داشته است. سردار زاهدی با عملکرد خویش، تمام خصوصیات که مطرح کردم را به اثبات رسانده بود. توفیق این را داشته‌ام که حضور در کنار شهدایی هم‌چون؛ ردانی‌پور، حبیب‌اللهی و خرازی را درک نموده و به جرات می‌توان گفت که تمام خصوصیات این شهدا، در شهید زاهدی تجمع شده بود. با شناختی که از حاج قاسم سلیمانی دارم، معتقد هستم که اگر حاج قاسم را درک کنید، شهید زاهدی را درک خواهید کرد. سردار زاهدی نیز هم‌چون سردار سلیمانی، عطش شهادت داشت.

### ❖ از میزان توسل وی به ائمه و توجه ویژه ایشان به قرآن بگویید؟

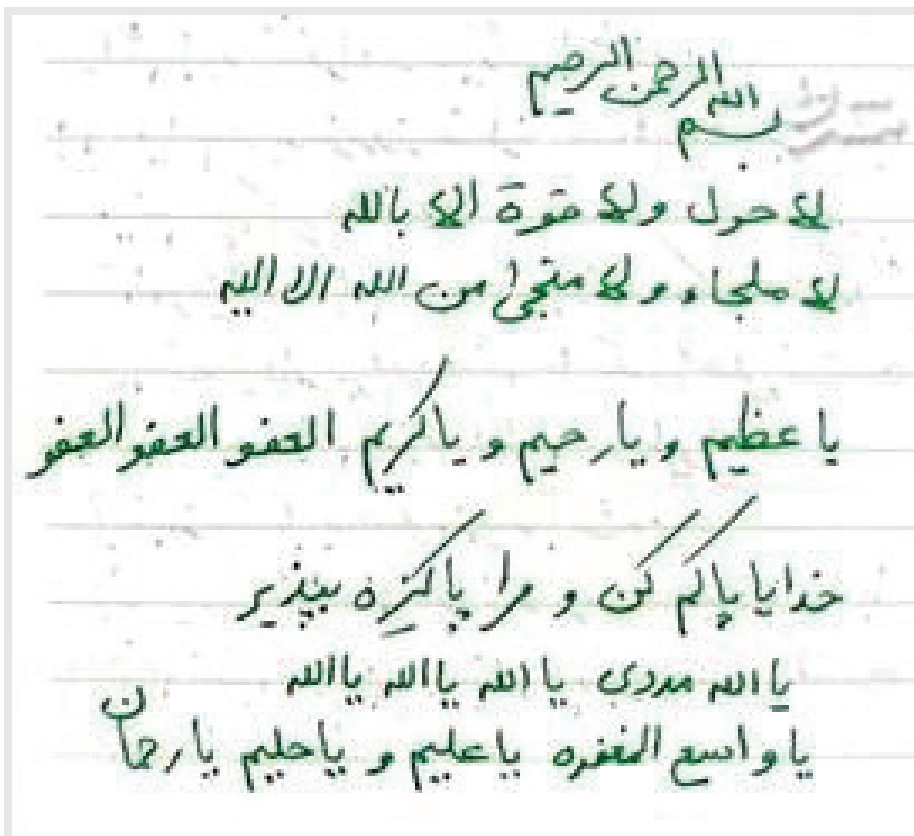
لحظه به لحظه حضور در کنار شهید زاهدی برای من همراه با خاطره بوده و درس‌های بسیاری از وی آموختم. شهید زاهدی توسل ویژه‌ای به اهل بیت<sup>(ع)</sup> داشت و دائم‌الذکر بود. مشاهده رفتار وی باعث می‌شد ما نیز از وی درس گرفته و معنویت را در خود تقویت کنیم. توسل به ائمه و ذکر گفتن، ملکه ذهن ایشان شده بود و هر روز با قرائت زیارت عاشورا، صبح خویش را آغاز می‌کرد. تلاوت قرآن کریم، ملکه ذهن ایشان شده بود. به خاطر دارم پس از بازگشت از سفر حج، به من گفت که: «هدیه‌ای از سفر حج برایت آورده‌ام که تا آخر عمر همراه خواهی داشت و اگر با قرآن مانوس شوی، دنیا و آخرت را خواهی داشت.» این روایات معنوی را از پدر خویش به ارث برده و حضور وی در کنار رزمندگان و فرماندهان دفاع مقدس باعث شده بود تا این خصوصیات در وی تقویت شود.

### ❖ به نظر شما؛ سردار زاهدی در مسیر جهاد و شهادت، چه مراحل را طی کرده است؟

حضور در دفاع مقدس، بخش اول زندگی شهید زاهدی بوده که آغاز اوج‌گیری وی در مسیر ایثار و شهادت را نشان می‌دهد. سردار زاهدی با آنکه در آن مقطع به شهادت نرسید اما هم‌چون شهدا، اوج گرفت. بخش دوم زندگی سردار زاهدی که نشان از جهاد اکبر بود، پس از پایان جنگ تحمیلی و حضور در لبنان شکل گرفت و فعالیت وی در مسیر مبارزه با رژیم صهیونیستی، به قدری زیبا و ویژه بود که عملکرد وی، الگوی دیگر فرماندهان بود. شهید زاهدی در مسیر حرکت به سوی پروردگار که همراه با ایثار بود، در مسیر ولایت قرار داشت.



« شهید زاهدی در کنار شهید محرابی



« دستخط شهید زاهدی

مجاهدتهای ۴۵ ساله ایشان، موردی یافت نخواهید کرد که به دنبال مطرح شدن باشد. معتقد هستم در زیر عکس شهید زاهدی دو عنوان را باید به‌صورت برجسته درج کرد! اولین عنوان که براننده وی است؛ «از ولایت تا شهادت» می‌باشد و تعبیر زیبای دیگر در وصف وی، «مقتدر مظلوم» است. شهید زاهدی در برهه‌های مختلف در دفاع مقدس، به عنوان فرماندهی

وی بود. در مدتی که نسبت به ایشان شناخت داشته و مانوس بودم، هیچ‌گاه به دنبال مطرح شدن نبود و تأکید داشت که خداوند ناظر بر رفتار ما می‌باشد. سردار زاهدی از مطرح شدن گریزان بود و فعالیت‌ها را برای رضای خداوند انجام می‌داد و این خصوصیات، با سردار زاهدی عجین شده بود. رزمندگان حاضر در دفاع مقدس با مشاهده اخلاص وی، مجذوب وی می‌شدند. در طول

### ❖ نحوه حضور شما در دفاع مقدس چگونه بود؟

همزمان با آغاز جنگ تحمیلی، پدر و دو برادرم در جبهه حضور داشتند. پس از شهادت یکی از برادرانم در عملیات رمضان، تاب ماندن نداشته و تصمیم گرفتم عازم جبهه شوم؛ البته سن من برای حضور در جبهه کافی نبود و لذا با تغییر در شناسنامه، پوتین‌های برادر شهیدم را به پا کرده و به جبهه اعزام شدم. مرور خاطرات برادر شهیدم مرا سوق داد تا وارد دفاع مقدس شده و رزمندگان را در این مسیر، یاری نمایم.

### ❖ اولین حضور شما در کدام عملیات بود؟

اولین حضور من در عملیات‌ها؛ همزمان با اجرای عملیات بدر در سال ۱۳۶۳ بود. با توکل به خداوند و عنایت پروردگار، با آنکه از سن کم برخوردار بودم اما موفق شدم در عملیات‌های دفاع مقدس، وظیفه خود را به نحو احسن انجام داده و نظر فرماندهان را جلب نمایم.

### ❖ چه شد که به عنوان «بیسیم چی» شهید

#### احمد کاظمی انتخاب شدید؟

در ابتدای حضور در دفاع مقدس، مدتی در واحد مخابرات مشغول به فعالیت بودم؛ خداوند توفیق داد تا از سوی شهید احمد کاظمی به عنوان بیسیم‌چی انتخاب و به مدت پنج سال در کنار وی به صورت تنگاتنگ حضور داشته باشم. شهید کاظمی با شناختی که نسبت به من داشت، مدتی نیز مرا به‌عنوان پیک خویش انتخاب کرد. حاج احمد کاظمی، فرماندهی توانمند و پرتحرک بود و در انتخاب افرادی که نیاز بود تا با ایشان ارتباط تنگاتنگ داشته باشند، بسیار سخت‌گیر بود، لذا خداوند یاری کرد تا نظر وی را جلب نموده و از نزدیک شاهد ایثار و رشادت رزمندگان و حاج احمد کاظمی باشم.

### ❖ بر هیچ‌کس پوشیده نیست که تیپ

نجف‌اشرف یکی از تیپ‌های تاثیرگذار در جنگ بوده است، به نظر شما این توانمندی نشأت گرفته

از چه بود؟

در ایام دفاع مقدس، شهر نجف‌آباد جزو شهرهایی بود که نیروهای مردمی بسیاری برای حضور در جبهه‌ها داوطلب شده و این حضور به دلیل دارا بودن روحیه مذهبی و سلحشوری مردم آن منطقه بوده است. کمتر خانواده‌ای در آن ایام یافت می‌شد که عضوی از خانواده در جنگ تحمیلی حضور نداشته باشد. توانمندی و تاثیرگذاری تیپ نجف‌اشرف به دلیل حضور گسترده مردم و نیز سخت‌کوشی و تلاش رزمندگان بوده است. حضور علمای مذهبی مطرح در شهر اصفهان یکی از دلایلی بود که باعث شده بود تا مردم نسبت به حضور در



## گفتگوی شاهدیاران با دکتر مصطفی صالحی

# یاور مظلومان در جهان

### درآمد

دکتر مصطفی صالحی؛ متولد ۱۳۴۷ در شهر نجف‌آباد اصفهان است. پس از شهادت برادر خویش و در حالی که ۱۶ سال سن داشته، وارد دفاع مقدس شده و در تیپ نجف‌اشرف، مشغول به رشادت شده است. اولین حضور وی در جنگ تحمیلی نیز، عملیات بدر بوده است. مدتی در واحد مخابرات مشغول به فعالیت بود و پس از آن به عنوان "بیسیم‌چی" در کنار حاج احمد کاظمی حضور داشته است. ایشان مدتی نیز به عنوان پیک مخصوص در کنار فرمانده تیپ نجف‌اشرف حاضر بوده و خاطرات بسیاری از شهید احمد کاظمی و رزمندگان این یگان در ذهن به یادگار دارد. مصطفی صالحی؛ چندین مرتبه دچار مجروحیت شیمیایی شده و به درجه رفیع جانبازی نائل گردیده است. پس از پایان جنگ تحمیلی، با رتبه عالی در دانشگاه پذیرفته و در رشته پزشکی مشغول به تحصیل شده است. دکتر صالحی که اکنون به عنوان متخصص در حوزه پزشکی مشغول به فعالیت است از دوستان و بستگان سردار زاهدی بوده و خاطرات بسیاری از وی در ذهن دارد. در ادامه: متن گفتگو با ایشان را می‌خوانید.

جبهه احساس مسئولیت کنند. شهدای بسیاری از این شهر تقدیم انقلاب شده است که نشان از رشادت مردم نجف‌آباد دارد. به خاطر دارم در ایامی که به همراه چهار برادر و پدرم در جنگ تحمیلی حضور داشتیم، مادرم نیز به همراه دیگر بانوان سلحشور نجف‌آباد، مشغول پخت نان برای رزمندگان بود.

❖ **گویا تیپ نجف‌اشرف از واحد جهادسازندگی فعال نیز برخوردار بوده است، لطفا در این خصوص توضیح بفرمایید؟**

در ایام جنگ تحمیلی، شهر نجف‌آباد نه تنها از نظر نیروی انسانی بلکه از نظر جهادسازندگی نیز جهاد مستقلی داشت و در این زمینه نیز توانمند بود. تعداد جهادهای سازندگی آن ایام، برابر بود با تعداد استان‌ها به اضافه یک، و آن «یک»، همان جهادسازندگی

”  
**حضور جوانان شجاع و دلیر شهر نجف‌آباد در کنار حاج‌احمد کاظمی باعث شد تا لشکر نجف‌اشرف تبدیل به لشکر خط‌شکن گردد. شهید کاظمی علاوه بر توانمندی در مباحث نظامی، از اخلاق بسیار والایی برخوردار بود که باعث شد تا فرماندهان بسیاری در کنار حاج‌احمد کاظمی حاضر شده و نکات فرماندهی را آموخته و تبدیل به فرماندهان عالی رتبه شوند.**



نجف‌آباد بود. استان اصفهان؛ جهادسازندگی مجزایی داشت اما نجف‌آباد به صورت جداگانه و با اخذ مجوز، اقدام به تشکیل جهادسازندگی مجزا کرده بود که از نظر تجهیزات و نفرات متخصص در این حوزه، توانمند بود.

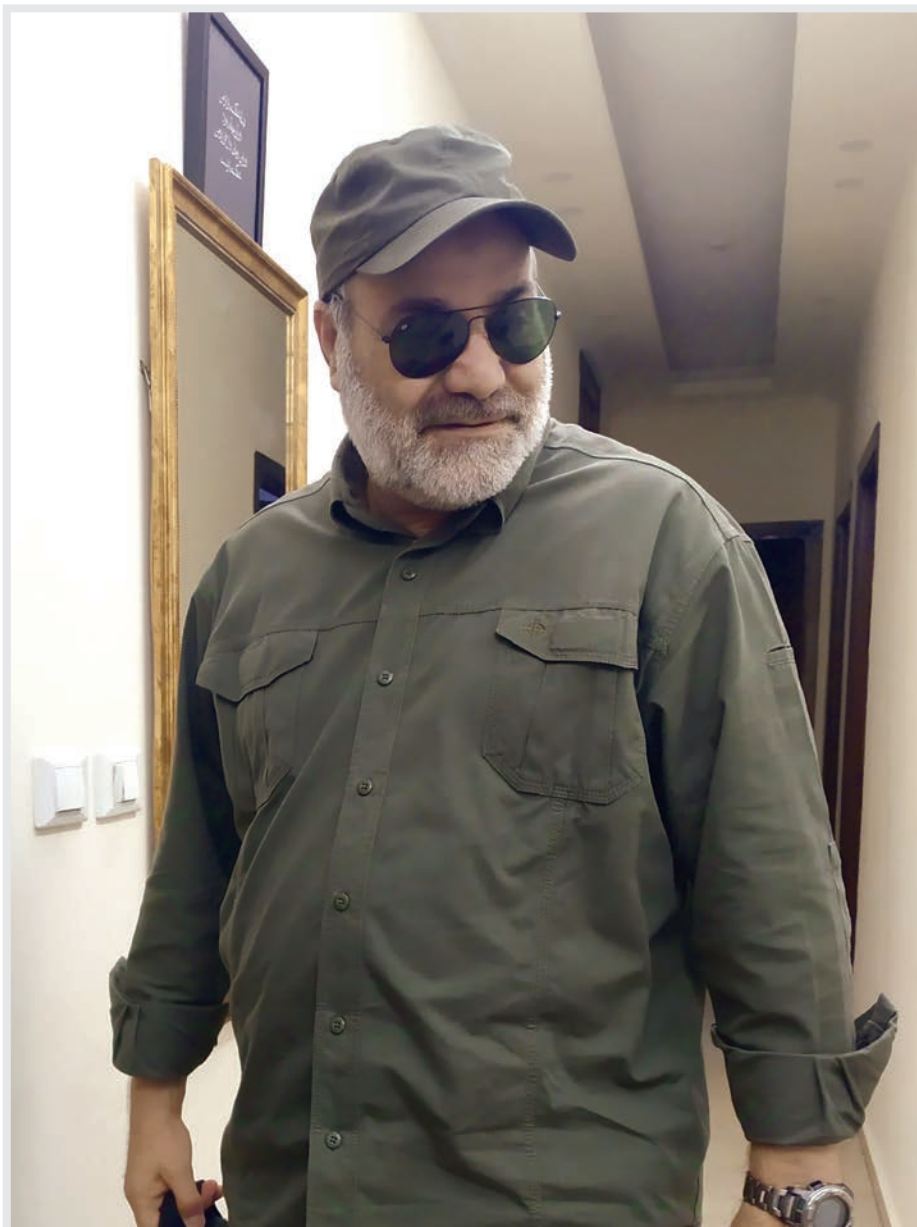
❖ **چه عواملی باعث شد تا شهر نجف‌آباد با آنکه یک شهر از استان اصفهان بود اما لشکر جداگانه‌ای در ایام دفاع مقدس داشته باشد؟** در ایام دفاع مقدس، برخی از استان‌ها به دلیل عدم نیروی انسانی به اندازه کافی، اقدام به تشکیل یک لشکر به صورت مشترک را داشتند. رزمندگان استان اصفهان نیز لشکر امام حسین<sup>(ع)</sup> را تشکیل داده بودند اما حضور گسترده مردم و جوانان شهر نجف‌آباد باعث شد تا لشکر نجف‌اشرف به صورت مجزا برای این شهر تشکیل شود و اینگونه بود که شهر نجف‌آباد با آنکه یک شهر بود اما لشکری مجزا و سلحشور داشت.

❖ **حضور حاج‌احمد کاظمی در راس لشکر تا چه میزان در موفقیت‌های رزمندگان تاثیرگذار بوده است؟**

قبل از آغاز جنگ تحمیلی، حاج‌احمد کاظمی به همراه شهید چمران و شهید محمد منتظری، دوره‌های چریکی را در لبنان گذرانده بود و با آغاز جنگ تحمیلی، رزمندگان دلاور شهر نجف‌آباد با قرار گرفتن در کنار حاج‌احمد کاظمی به دنبال کسب موفقیت‌های بیشتر بودند. حضور جوانان شجاع و دلیر شهر نجف‌آباد در کنار حاج‌احمد کاظمی باعث شد تا لشکر نجف‌اشرف تبدیل به لشکر خط‌شکن گردد. شهید کاظمی علاوه بر توانمندی در مباحث نظامی، از اخلاق بسیار والایی برخوردار بود که باعث شد تا فرماندهان بسیاری در کنار حاج‌احمد کاظمی حاضر شده و نکات فرماندهی را آموخته و تبدیل به فرماندهان عالی رتبه شوند.

❖ **در عملیات‌های دفاع مقدس، ارتباط لشکر نجف با لشکر امام حسین<sup>(ع)</sup> چگونه بود؟**

لشکر نجف‌اشرف و لشکر امام حسین<sup>(ع)</sup> چون متعلق به یک استان بودند، جزء یگان‌هایی بودند که در کنار یکدیگر به عملیات اعزام می‌شدند و به ندرت پیش می‌آمد که عملیاتی به این یگان‌ها محول شود و آن عملیات، موفقیت‌آمیز نباشد. توانمندی این لشکرها برای دشمن نیز اثبات شده بود و دشمن بعضی هرزمان که مطلع می‌شد این دو لشکر در کنار یکدیگر اقدام به عملیات کرده‌اند، با تمام توان وارد میدان می‌شد. حاج‌احمد کاظمی از قدرت حافظه قوی نیز برخوردار







« شهید زاهدی در کنار دکتر صالحی »

بود و این یکی از مهم‌ترین عواملی بود که باعث شد تا وی به یکی از فرماندهان شاخص تبدیل شود. حاج احمد کاظمی استعداد افراد را شناسایی می‌کرد و به آنها میدان می‌داد. یکی از افرادی که ارتباط صمیمی با او داشت، سردار زاهدی بود. در بسیاری از عملیات‌ها در کنار یکدیگر حضور داشته و همکاری تنگاتنگی با یکدیگر داشته‌اند.

### ارتباط حاج احمد با حاج حسین خرازی چگونه بود؟

همانگونه که اشاره کردم؛ ارتباط تنگاتنگی بین لشکر نجف و لشکر امام حسین<sup>(ع)</sup> برقرار بود و من به عنوان بیسیم‌چی و پیک حاج احمد کاظمی از آن ارتباط مطلع بودم. سردار زاهدی و حاج حسین خرازی از فرماندهان ارشد لشکر امام حسین<sup>(ع)</sup> بودند که حضور این دو نفر باعث شده بود تا لشکر امام حسین<sup>(ع)</sup> به یکی از لشکرهای خط‌شکن در ایام دفاع مقدس تبدیل شود. حاج احمد کاظمی با حاج حسین خرازی و سردار زاهدی همانند برادر بوده و علاقه فراوان به یکدیگر داشتند. ارتباط این افراد با یکدیگر در عملیات‌ها، ویژه بود. به خاطر دارم در ایامی که عملیاتی صورت نمی‌گرفت، سردار کاظمی عادت داشت که صبح از طریق بیسیم، صدای حاج حسین را شنیده و جویای احوال وی باشد و این مکالمات در حد چند ثانیه برقرار بود. پس از شهادت حاج حسین خرازی و انتخاب سردار زاهدی به عنوان فرمانده لشکر امام حسین<sup>(ع)</sup>، ارتباط حاج احمد کاظمی با سردار زاهدی بیشتر شده و با یکدیگر مانوس شدند.

### ارتباط شما با شهید زاهدی چگونه شکل گرفت؟

به عنوان پیک لشکر نجف مشغول به فعالیت بوده و در جلسات فرماندهان نیز حاضر می‌شدم. نسبت به سردار زاهدی شناخت داشته‌ام و از ارتباط صمیمی ایشان با رزمندگان لشکر امام حسین<sup>(ع)</sup> و لشکر نجف‌اشرف، مطلع بودم. پس از شهادت حاج حسین و انتخاب سردار زاهدی به عنوان فرمانده، ارتباط من با سردار زاهدی بیشتر شد. در عملیات‌هایی که ایشان حاضر بود، من نیز حضور داشته و شاهد رشادت وی بودم. صمیمیت من با سردار زاهدی در همان عملیات‌ها شکل گرفت و این ارتباط پس از پایان جنگ تحمیلی نیز ادامه داشت. با سردار زاهدی رفت و آمد خانوادگی داشته و چند سال قبل از شهادت وی، دخترم با پسر ایشان ازدواج کرده و ارتباط فامیلی که از قبل با او داشتیم، مستحکم‌تر گردید.

### چرا پس از پایان جنگ تحمیلی، لشکر نجف‌اشرف به لشکر زهری تبدیل شد؟

لشکر نجف‌اشرف در عملیات‌های مختلف به‌عنوان یگان خط‌شکن حضور داشته است. سردار کاظمی علاوه بر توانمندسازی در مباحث نیروی انسانی لشکر، نسبت به تجهیز لشکر در زمینه ادوات و لجستیک نیز نگاه ویژه‌ای داشت. بخشی از تجهیزات لشکر، از غنیمت‌هایی که در عملیات‌ها از دشمن بعضی گرفته شده بود تامین گردید. سردار کاظمی، افرادی را مامور کرده بوده تا نسبت به تعمیر ادوات و تجهیزات فعالیت نمایند. ابتکار احمد کاظمی پس از پایان جنگ تحمیلی و انتخاب وی به عنوان فرمانده نیروی زمینی ادامه داشت و باعث شد تا آن ابتکارها در لشکرهای دیگر نیز تسری یابد.

### ارتباط سردار زاهدی با رزمندگان چگونه بود؟

شهید زاهدی؛ قدردان تلاش دیگران بود و تلاش رزمندگان را ستایش می‌کرد. ارتباط ویژه‌ای که وی با خداوند داشت باعث شده بود تا خصلت‌هایی که ائمه از آن برخوردار بودند در ایشان نیز جلوه نماید. یکی از خصوصیات بارز ایشان، ولایت‌مداری وی بود که این نکته را به رزمندگان و هم‌زمان خویش تاکید می‌کرد.

### چه شد که پس از پایان جنگ تحمیلی تصمیم گرفتید که در رشته پزشکی به ادامه تحصیل بپردازید؟

پس از پایان تحصیل در مقطع راهنمایی، وارد جبهه

ارتباط تنگاتنگی بین لشکر نجف و لشکر امام حسین<sup>(ع)</sup> برقرار بود و من به عنوان بیسیم‌چی و پیک حاج احمد کاظمی از آن ارتباط مطلع بودم. سردار زاهدی و حاج حسین خرازی از فرماندهان ارشد لشکر امام حسین<sup>(ع)</sup> بودند که حضور این دو نفر باعث شده بود تا لشکر امام حسین<sup>(ع)</sup> به یکی از لشکرهای خط‌شکن در ایام دفاع مقدس تبدیل شود.



جنوب شده و هم‌زمان با حضور در دفاع مقدس، به ادامه تحصیل مشغول شدم. دیپلم خود را در جبهه اخذ کرده و پس از پایان جنگ تحمیلی در آزمون کنکور شرکت کردم. با رتبه عالی در آزمون کنکور قبول شده و در رشته پزشکی پذیرفته شدم. در تردید بودم که آیا وارد سپاه شوم و یا تحصیل در رشته پزشکی را انتخاب کنم لذا جهت مشورت نزد حاج احمد کاظمی رفتم. شهید کاظمی اعتقاد داشت که نظام به افراد تحصیلکرده نیاز دارد و پیشنهاد داد که تحصیل در رشته پزشکی را انتخاب کنم.

## آیا انتخاب رشته پزشکی از سوی شما دلیل خاصی داشت؟

حضور در جبهه و مشاهده رشادت امدادگران و پزشکان که با شجاعت و ایثار در زیر آتش سهمگین دشمن، مشغول به مداوای مجروحین بودند، مرا تشویق کرد تا مسیر پزشکان را ادامه دهم. مشاهده ایثار جامعه پزشکی

حاج علی زاهدی از همان ابتدای حضور در دفاع مقدس، روحیه شهادت طلبی داشت و برای رسیدن به شهادت، تلاش‌های فراوانی انجام داد. شهادت؛ درجه والایی است که خداوند برای بندگان خاص خود در نظر می‌گیرد و سردار زاهدی به شدت به دنبال شهادت بود و حیف بود که ایشان با مرگ طبیعی از دنیا برود و نیل به شهادت، شایسته وی بود.

در جبهه‌ها، یکی از دلایل انتخاب من بوده است.

## پس از پایان جنگ تحمیلی ارتباط شما با سردار زاهدی چگونه ادامه داشت؟

از مدت‌ها قبل با خانواده سردار زاهدی، ارتباط فامیلی داشته و در مراسم‌های مختلف نیز با ایشان دیدار داشتم اما پس از حضور وی در لبنان و به دلیل رعایت مسائل امنیتی، دیدارهای ایشان محدودتر شد و بیشتر زمان خود را در لبنان سپری می‌کرد. با سردار زاهدی رفت و آمد خانوادگی داشتیم و این ارتباط باعث شد تا دختر من با پسر ایشان ازدواج کنند و این پیوند سبب ارتباط بیشتر گردید. با توجه به اینکه به دلیل مجروحیت ناشی از استنشاق گازهای شیمیایی، امکان زندگی در نجف‌آباد برایم مهیا نبوده و برای زندگی به یکی از شهرهای استان گیلان مهاجرت کرده‌ام، سردار زاهدی به همراه خانواده سفرهای متعدد به این استان داشته و توفیق حضور در کنار وی برای من میسر گردید.

## اشتیاق سردار زاهدی به شهادت را چگونه می‌توانید توصیف نمایید؟

حاج علی زاهدی از همان ابتدای حضور در دفاع مقدس، روحیه شهادت طلبی داشت و برای رسیدن به شهادت، تلاش‌های فراوانی انجام داد. شهادت؛ درجه والایی است که خداوند برای بندگان خاص خود در نظر می‌گیرد و سردار زاهدی به شدت به دنبال شهادت بود و حیف بود که ایشان با مرگ طبیعی از دنیا برود و نیل به شهادت، شایسته وی بود. سردار زاهدی در مجاهدت چندین ساله خویش، احساس مسئولیت بالایی داشت و در عملیات‌ها تلاش می‌کرد تا در کنار رزمندگان حاضر بوده و جزو اولین نفراتی بود که در لشکر خط شکن امام حسین<sup>(ع)</sup>، به دشمن بعضی یورش می‌برد. یکی از دلایلی که باعث شد تا سردار زاهدی به شهادت نائل گردد این بود که هیچ‌گاه از مسیر ولایت خارج نشد و در رسیدن به شهادت، دشوارترین فعالیت‌ها را برگزید. هر زمان که احساس می‌کرد حضور وی می‌تواند کارگشا باشد دریغ نمی‌کرد و به یاری دیگران می‌شتافت. زندگی شهید زاهدی، سراسر درس بود و بودن در کنار ایشان که علاوه بر فرمانده نظامی، فرمانده اخلاقی هم بود، نکات بسیاری برای من به همراه داشت. سردار زاهدی فردی با تقوا و باایمان بود که در یاری رساندن به اسلام، پیشگام از دیگران حرکت می‌کرد و او از بین بسیاری از افراد گلچین شد تا به شهادت نائل شود. ایشان مظلومین را حمایت می‌کرد و این حضور و حمایت را در مسیر شهادت می‌دید.

## آخرین دیدار شما با سردار زاهدی چگونه بود؟

آخرین دیدار من با سردار زاهدی در ماه مبارک رمضان و چند روز قبل از شهادت وی صورت گرفت. در ماه مبارک رمضان، سفره افطار فراهم کرده و با دعوت از دوستان و بستگان، این مراسم را در شهر نجف‌آباد برپا می‌کنم. تعداد بسیاری از بستگان را برای حضور در این مراسم دعوت کرده و سردار زاهدی نیز قول داد تا در این مراسم حاضر شود. چند روز قبل از برگزاری این مراسم در عالم خواب دیدم که: «در جلسه‌ای که بسیاری از شهدا از جمله حاج احمد کاظمی و شهید ردانی‌پور و بسیاری دیگر از شهدا حضور دارند من نیز حضور دارم، سردار زاهدی با کمی تأخیر در آن مراسم حاضر شد و حاج احمد کاظمی از سردار زاهدی علت تأخیر در حضور را از وی جویا شد! سردار زاهدی در حالی که خنده بر لب داشت به حاج احمد کاظمی گفت که همین الان اجازه حضور من صادر شده است.» این خواب در مراسم افطار برای سردار زاهدی روایت کردم و وی در حالی که مشتاقانه گوش می‌داد، خندید و گفت: «آقامصطفی! این آخرین دیدار من است.»



### ❖ لطفا ضمن معرفی خود از نحوه حضور در دفاع مقدس بگویید؟

مسیح الله توانگر هستم، متولد ۱۳۳۶ در شهر اصفهان. پس از اتمام مقطع تحصیلی در دوره متوسطه و اخذ مدرک دیپلم، عازم خدمت سربازی شده و به عنوان عضوی از گروه سپاه دانش در یکی از روستاهای محروم در اطراف سبزوار مشغول ارائه آموزش به دانش آموزان شدم. اتمام خدمت سربازی من مصادف شد با مبارزات انقلاب اسلامی که من نیز همانند سایر مردم به مبارزه علیه رژیم ستم‌شاهی پیوستم. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در کمیته انقلاب اسلامی به همراه سایر جوانان انقلابی و شهید خرازی به برقراری نظم و امنیت در محلات اصفهان مشارکت داشتم. همزمان با فعالیت‌هایی که اشاره کردم، وارد آموزش و پرورش شده و به شغل معلمی مشغول شدم. با آغاز ناآرامی‌ها در کردستان، معلمی را رها کرده و مدتی در این منطقه مشغول به مبارزه بودم. در مدت حضور در کردستان، معلمی را رها نکرده بودم و به این شغل مقدس عشق می‌ورزیدم. با آغاز جنگ تحمیلی، به جبهه جنوب اعزام شده و به مبارزه با رژیم بعثی مشغول شدم. اعتقادم این بود که اگر فردی معلم خوبی باشد، جایز نیست که شغل دیگری را انتخاب کند چون با شغل معلمی می‌توان یک پزشک خوب و یا پاسدار دلاور تربیت کرد اما با توجه به اینکه «جنگ در راس امور بود» شغل معلمی را برای مدتی کنار گذاشته و به دفاع از میهن پرداختم.



### ❖ آیا با شهید زاهدی در ایام حضور در منطقه کردستان آشنا شدید؟

آشنایی من با شهید زاهدی از منطقه کردستان شکل گرفت اما شهید زاهدی در منطقه کردستان عضو گروهی بنام «گروه ضربت» بود. این گروه که از رزمندگان و جوانان اصفهان به فرماندهی رحیم صفوی تشکیل شده بود و با توانمندی که اعضای این گروه داشت، عملیات‌های مختلف بر علیه منافقین انجام می‌دادند.

### ❖ حضور شهید زاهدی در این گروه تا چه میزان در توانمندی و کسب تجربه وی در ادامه جنگ تاثیرگذار بود؟

همه افرادی که در گروه ضربت حضور داشتند، جزو تک تیراندازانی بودند که با دلاوری و ایمان قلبی در جهت یاری رساندن به حضرت امام خمینی<sup>(ع)</sup> مشغول مبارزه بودند. این گروه در منطقه کردستان، تجربیات فراوان

## گفتگوی شاهدیاران با مسیح الله توانگر رفیق مهربان

### در آمد

مسیح الله توانگر در سال ۱۳۳۶ در اصفهان متولد شد. پس از اخذ مدرک دیپلم به خدمت سربازی رفت و در سپاه دانش مشغول به ارائه آموزش شد. با پیروزی انقلاب اسلامی، وارد آموزش و پرورش شد و همزمان در برقراری امنیت در محلات فعالیت داشت. با آغاز جنگ تحمیلی به جبهه جنوب شتافت و آشنایی وی با شهید زاهدی شکل گرفت. در ایامی که شهید زاهدی به عنوان فرمانده لشکر امام حسین<sup>(ع)</sup> مشغول به فعالیت بوده است، توانگر نیز به عنوان معاون ستاد در کنار وی حضور داشته و خاطرات بسیاری از شهید در ذهن به یادگار دارد. در ادامه؛ متن گفتگو با ایشان را می‌خوانید.



کسب کرده و با آغاز جنگ تحمیلی از این تجربیات استفاده کردند. افرادی همچون؛ سردار زاهدی و شهید خرازی، تجربیات نظامی که در کردستان کسب کرده بودند را در جنگ تحمیلی مورد استفاده قرار دادند. این افراد، مدارج نظامی و فرماندهی را گام به گام طی کرده و این تجربیات را در دفاع مقدس مورد استفاده قرار دادند.

### ❖ پس حضور چنین افرادی بود که باعث شد تا تیپ امام حسین<sup>(ع)</sup> به یکی از تیپ‌های خط شکن مبدل شود؟

نفرات حاضر در تیپ امام حسین<sup>(ع)</sup>، از افراد باتجربه‌ای بودند که پایه‌های لشکر را ایجاد کرده بودند. تیپ امام حسین<sup>(ع)</sup> یکی از اولین تیپ‌های خط‌شکن در دفاع مقدس بود که حضور افرادی هم چون شهید خرازی و شهید زاهدی تاثیر فراوان در این خصوص داشته است. مقام معظم رهبری تعبیر زیبایی از شهید خرازی داشته و فرموده‌اند: «حاج حسین خرازی در اوج دفاع مقدس بود.» اما نکته‌ای که باید اشاره کرد این است که شهید خرازی به تنهایی قادر نبود این موفقیت‌ها را کسب نماید و نیاز بود تا علاوه بر رزمندگان حاضر در لشکر، فرماندهان دیگری که به‌عنوان بازوان ایشان معرفی می‌شدند نیز حضور داشته باشند. یکی از بازوان پرتوان شهید خرازی در ایام دفاع مقدس، شهید زاهدی بود. از افراد دیگری که در کنار شهید خرازی حضور داشته‌اند می‌توان به شهیدان؛ ردانی پور و حبیب‌اللهی اشاره کرد. این افراد؛ فرماندهان باتجربه‌ای بودند اما تصمیم گرفته بودند در کنار حاج حسین خرازی مشغول به رشادت شوند. حضور و تلاش افرادی هم چون سردار زاهدی سبب شد تا سخت ترین مناطق در عملیات‌ها به تیپ امام حسین<sup>(ع)</sup> محول شود. در عملیات «ثامن‌الائمه» به تیپ امام حسین<sup>(ع)</sup> مأموریت داده شد تا از پهلو به دشمن ضربه وارد کنند و یا در عملیات «طریق‌القدس» به تیپ امام حسین<sup>(ع)</sup> مأموریت داده شد تا دشمن را دور زده و توپخانه آنها را منهدم کنند. هم‌چنین در عملیات «فتح‌المبین» به تیپ امام حسین<sup>(ع)</sup> مأموریت داده شد تا موقعیت دشمن را دور زده و از فرار بعضی‌ها جلوگیری کنند. لشکر امام حسین<sup>(ع)</sup> از افرادی بهره می‌گرفت که هر کدام از رزمندگان همانند فرمانده مقتدر بوده و تیپ امام حسین<sup>(ع)</sup> را تبدیل به یگانی کرده بودند که شجاعت را به تیپ‌های دیگر نیز انتقال می‌داد.

### ❖ چرا شهید زاهدی تا این حد گمنام هستند؟ سردار زاهدی به دنبال مطرح شدن نبود و هدف وی،

خدمت به مردم و میهن در اوج گمنامی بود. به خاطر دارم در ایام دفاع مقدس قصد داشتم تا گفتگویی با ایشان انجام دهم اما سردار زاهدی با اکراه پذیرفت که دقایقی صحبت کند و آن دقایق نیز در خصوص شهدا سخن گفت. شهید زاهدی گمنامی را پیشه کرده بود اما به لطف خداوند، خبر شهادت وی در تمام جهان شنیده شد.

❖ نحوه برخورد ایشان با نیروها چگونه بود؟ ذکر نام و یاد خدا در چهره و رفتار حاج‌علی زاهدی موج می‌زد و با قرآن مانوس بود. انس وی با قرآن سبب شده بود تا وی تبدیل به فرماندهی عارف شود و این خصوصیات سبب می‌شد تا رزمندگان را همانند برادران خویش بداند.

### ❖ تعامل شهید زاهدی با رزمندگان و افراد حاضر در لشکر امام حسین<sup>(ع)</sup> چگونه بود؟

پس از شهادت حاج حسین خرازی، نظر فرماندهان و اکثریت رزمندگان حاضر در لشکر امام حسین<sup>(ع)</sup>، انتخاب وی به‌عنوان فرمانده بود و این انتخاب صورت گرفت و سردار زاهدی به‌عنوان فرمانده لشکر امام حسین<sup>(ع)</sup> برگزیده شد. تعداد محدودی از افراد کم ظرفیت و بی‌بصیرت به انتخاب ایشان معترض شده و در مقابل فرماندهی لشکر امام حسین<sup>(ع)</sup> تجمع کردند.

سردار زاهدی به دنبال مطرح شدن نبود و هدف وی، خدمت به مردم و میهن در اوج گمنامی بود. به خاطر دارم در ایام دفاع مقدس قصد داشتم تا گفتگویی با ایشان انجام دهم اما سردار زاهدی با اکراه پذیرفت که دقایقی صحبت کند و آن دقایق نیز در خصوص شهدا سخن گفت. شهید زاهدی گمنامی را پیشه کرده بود اما به لطف خداوند، خبر شهادت وی در تمام جهان شنیده شد.

لحظات بسیار تلخی در حال سپری شدن بود. در عصر همان روز، سردار زاهدی از من درخواست کرد تا وی را در سفری که به اصفهان دارد همراهی کنم اما به دلیل خستگی از همراهی وی انصراف دادم. در حالی که خود به تنهایی در حال عزیمت به اصفهان بود پذیرفتم که ایشان را تا اصفهان همراهی کنم. داخل خودرو نشستیم و سردار زاهدی مشغول رانندگی بود. قصد داشتم تا

ایشان در عملیات بدر نیز قابل توجه و ویژه بوده است.

### ❖ اگر خاطره‌ای از تلاش و مجاهدت سردار زاهدی در عملیات بدر در ذهن دارید بیان کنید؟

دو شب مانده به شروع عملیات بدر و با موافقت حاج حسین خرازی و هماهنگی سردار بنی‌لوحی، وارد تیپ «قمرینی‌هاشم» شدم. سردار زاهدی به‌عنوان فرمانده تیپ قمرینی‌هاشم<sup>(۳)</sup> به شناسایی منطقه عملیاتی شتافت و اطمینان کامل از منطقه کسب کرد. شب عملیات بدر یعنی ۱۹ اسفندماه ۱۳۶۳ ساعت ۱۱ به همراه سردار زاهدی سوار بر قایق شده و شاهد پیشروی رزمندگان بودیم. عبور از دجله به خوبی محقق شد و تصور آن پیشروی با کمترین تلفات، غیرقابل باور بود. یکی از مهمترین محورهای عملیات بدر در منطقه شمالی قرار داشت که عملیات در این قسمت به لشکرهای؛ امام حسین<sup>(۴)</sup>، علی‌ابیطالب<sup>(۵)</sup> و تیپ قمر بنی‌هاشم<sup>(۶)</sup> سپرده شده بود. پیروزی و پیشروی در این عملیات به قدری زیبا بود که سردار عزیز جعفری وارد منطقه شد و به پاس قدردانی از تیپ قمرینی‌هاشم<sup>(۶)</sup>، بوسه‌ای بر پیشانی سردار زاهدی زد. بعد از تصرف منطقه‌ای در دجله، ماموریت تیپ به فرماندهی سردار

کرد که به جرات می‌توانم بگویم حضور شهید زاهدی در آن منطقه و دفاع وی سبب شد تا دشمن از پیشروی بازمانده و شکست را پذیرا باشد. لشکر امام حسین<sup>(۴)</sup> با فرماندهی سردار زاهدی در برابر خیل عظیمی از نیروهای بعثی مقاومت کرد و مانع از تصرف مجدد خرمشهر شد. سردار زاهدی فرماندهی بود که در اوج بحران، بهترین تدبیر و مدیریت را انجام می‌داد. نقش

بحث اعتراض افراد را به میان کشیده و در این خصوص صحبت کنم اما سردار زاهدی اجازه نداد و کوچکترین سخنی در این خصوص مطرح نشد. سردار زاهدی تا آخرین روز عمر خویش در مورد آن روز و آن افراد، سخنی نگفت و تمام آن افراد را در مسئولیت‌هایشان ابقا کرد. آن افراد با مشاهده رفتار سردار زاهدی از کار خویش پشیمان شده بودند.

### ❖ از توجه سردار زاهدی نسبت به خانواده‌های شهدا و جانبازان بگویید؟

پس از پایان عملیات‌ها، به دیدار خانواده شهدا و عیادت از جانبازان می‌رفت و این را وظیفه همیشگی خویش می‌دانست. در تعدادی از این دیدارها به همراه ایشان حضور داشتم.

### ❖ در کدام یک از عملیات‌ها، نقش درخشان ایشان را شاهد بودید؟

پس از پذیرش قطعنامه، دشمن بعثی جهت تصرف خرمشهر حمله‌ای را ترتیب داد. در اوایل جنگ تحمیلی، دشمن با استفاده از ۱۲ لشکر به میهن مان یورش برد اما در آن مقطع به‌وسیله ۷۲ لشکر حمله‌ای را آغاز

”  
لشکر امام حسین<sup>(۴)</sup> با فرماندهی سردار زاهدی در برابر خیل عظیمی از نیروهای بعثی مقاومت کرد و مانع از تصرف مجدد خرمشهر شد. سردار زاهدی فرماندهی بود که در اوج بحران، بهترین تدبیر و مدیریت را انجام می‌داد. نقش ایشان در عملیات بدر نیز قابل توجه و ویژه بوده است.



« مسیح‌الله توانگر (نفر سوم) در کنار شهید زاهدی

منطقه حضور مهدی باکری شدیم. غروب به منطقه رسیدیم، بعضی‌ها در حال پایکوبی بوده و آتش تمام منطقه را فرا گرفته بود. چند گلوله به سمت بعضی‌ها شلیک کردم اما بی‌فایده بود چون نفرات و تجهیزات به همراه نداشتیم، ممکن نبود موفق شویم به آن طرف رودخانه برویم. در آن لحظات، غصه می‌خوردم و به این فکر می‌کردم که چگونه می‌توانم به مهدی باکری کمک کنم. غروب غم‌انگیزی بر منطقه حاکم شد و قرمزی شفق، غمی در دلان ایجاد کرده بود. همینطور که خیره نگاه می‌کردیم، سیاهی شب بر همه‌جا مستولی شده بود؛ برگشتم آمدم، دو ساعت بعد رسیدم به آقای زاهدی که دیگر خبر شهادت مهدی باکری رسیده بود.

❖ چه عاملی باعث شد که سردار زاهدی پس از پایان جنگ تحمیلی جهاد و رشادت در مسیر اسلام را متوقف نکرده و در لبنان حاضر شود؟

با آنکه جنگ تحمیلی به پایان رسیده بود اما رشادت شهید زاهدی ادامه داشت و این دلآوری و جهاد وی هیچ‌گاه متوقف نشد. شهید زاهدی تصمیم داشت تا آخرین قطره خون در برابر دشمنان اسلام و میهن ایستادگی کند. سردار زاهدی توانست بدون هیچ چشم‌داشتی زندگی خویش را صرف انقلاب کند. ایشان تاکید داشت که اعضای حزب‌الله از روش‌های عملیات و مبارزه اطلاع ندارند و نیاز است تا روش‌های مبارزه و خودباوری را به آنها آموخت. با آنکه در ایام دفاع مقدس به درجه رفیع جانبازی نائل گشته بود اما با تمام وجود در برابر دشمن ایستادگی کرد و ضربات سنگینی به آنها وارد آورد. سردار زاهدی پشتیبان ولایت فقیه و الگویی بی‌نظیر در این خصوص بود.

❖ آخرین دیدار شما با شهید زاهدی چگونه بود؟

روز هجدهم ماه مبارک رمضان بود که جلسه‌ای دوستانه ترتیب داده و از ایشان دعوت کردیم تا در این جلسه حاضر باشند. از خاطرات ایام جنگ صحبت شد و از معذود دفعاتی بود که عکس‌هایی را به یادگار گرفتیم. هر زمان که با حاج‌علی زاهدی دیدار داشتیم مملو از لحظات شیرین بود اما سردار زاهدی در آن دیدار، نورانیت ویژه‌ای یافته بود که گویا آخرین دیدار ما است و ایشان شهادت را در آغوش خواهند گرفت. در همان جلسه به ایشان سفارش کردم که مراقب خودشان باشند و تاکید داشتیم که میهن به حضور افرادی همچون شما نیاز دارد. آخرین دیدار ما با سردار زاهدی، مملو از عشق و علاقه وی به اسلام بود.



با آنکه جنگ تحمیلی به پایان رسیده بود اما رشادت شهید زاهدی ادامه داشت و این دلآوری و جهاد وی هیچ‌گاه متوقف نشد. شهید زاهدی تصمیم داشت تا آخرین قطره خون در برابر دشمنان اسلام و میهن ایستادگی کند. سردار زاهدی توانست بدون هیچ چشم‌داشتی زندگی خویش را صرف انقلاب کند.



باید به کمک او برویم. از من درخواست کرد تا به همراه تعدادی از رزمندگان به کمک مهدی باکری شتافته و هرکاری که لازم است انجام دهیم تا آقامهدی را به منطقه امن منتقل کنیم. مهمات لازم را نداشتیم، چند فشنگ و نارنجک برداشته و به همراه چند رزمنده، عازم

زاهدی، قطع ارتباط بعضی‌ها با تصرف جاده‌العماره به بصره بود. سردار زاهدی اصرار داشت تا فرماندهان اجازه دهند تا از رودخانه عبور کرده و جاده را تصرف کنیم اما این اجازه از سوی فرماندهان صادر نشد. پس از گذشت مدتی، تانک‌های دشمن وارد معرکه شده و مانع از پیشروی شدند. تانک‌های متعدد دشمن به همراه تجهیزات سنگین در حال گسیل به منطقه‌ای بودند که لشکر امام حسین<sup>(ع)</sup> در آن منطقه حضور داشت. به گفته آقارحیم صفوی: «اینجا تنگه احد است؛ اگر سقوط کند همه‌جا سقوط می‌کند» و همین هم شد و ما شاهد حرکت بی‌امان تانک‌های دشمن بودیم اما کار از کار گذشته بود و امکان عبور از رودخانه میسر نبود و با حسرت، نظاره‌گر بوده و به دلیل عدم پشتیبانی مناسب و نبود تجهیزات، امکان پیشروی وجود نداشت. در روز پنجم مطلع شدیم که دشمن، لشکر امام حسین<sup>(ع)</sup> را محاصره کرده و در حال پیشروی به سمت تیپ قمرینی هاشم<sup>(ع)</sup> می‌باشد. سردار زاهدی در حالی که نگران بود در حال مکالمه با بی‌سیم بود! علت را جویا شدم و ایشان اشاره کردند که مهدی باکری در محاصره قرار گرفته و



## گفتگوی شاهدیاران با سردار سید احمد موسوی سرشار از معنویت و اخلاص

### در آمد

سردار سید احمد موسوی در سال ۱۳۴۰ در شهر اصفهان متولد شده است. وی در مبارزات انقلاب اسلامی در کنار مردم اصفهان حضور داشته و رشادت‌های فراوان از خود به نمایش گذاشته است. ایشان در سال ۱۳۵۸ وارد سپاه شده و به مدت یک سال در منطقه گیلانغرب با دشمن مشغول به مبارزه بوده است. با آغاز جنگ تحمیلی به جبهه جنوب شتافته و تا پایان دفاع مقدس در این مناطق حضور داشته است. سردار موسوی که از دوستان ایام نوجوانی شهید زاهدی بوده است در دفاع مقدس نیز در کنار وی حضور داشته و شاهد رشادت و دلاوری‌های شهید زاهدی در عملیات‌های دفاع مقدس بوده است. در ادامه؛ متن گفتگو با ایشان را می‌خوانید.

### لطفاً خود را معرفی کنید و از نحوه حضور در دفاع مقدس بفرمایید؟

سید احمد موسوی هستم، در ایام دفاع مقدس همانند سایر مردم به مبارزه علیه رژیم ستم‌شاهی مشغول بوده و پس از پیروزی انقلاب اسلامی و گذراندن آموزش‌های نظامی مرتبط، در برقراری امنیت در سطح شهر اصفهان نقش‌آفرین بودم. پس از اتمام تحصیل در دوره متوسطه، به عضویت سپاه درآمده و لباس مقدس سپاه را بر تن کردم. اولین حضور من در جبهه، در منطقه گیلانغرب

### رقم خورد؟

در ایام تحصیل با شهید زاهدی در یک مدرسه مشغول به تحصیل بودیم، ایشان در مقطع سوم راهنمایی و من در مقطع اول راهنمایی مشغول به تحصیل بودیم. آشنایی من با ایشان در همان ایام تحصیل صورت گرفت. مطلع بودم که پدرشان روحانی بوده و از خانواده‌های سرشناس در اصفهان هستند. با اینکه پدر شهید زاهدی روحانی بود اما به شغل آهنگری مشغول بود و از صنعتگران اصفهان به شمار می‌رفت.

بود و حدود یک سال در این منطقه فعالیت داشتیم. با حمله وحشیانه صدام ملعون در سال ۱۳۵۹ به جبهه جنوب اعزام شده و همراه با رزمندگان حاضر در تیپ امام حسین<sup>(ع)</sup> به دفاع از میهن در برابر رژیم بعثی پرداختیم. قبل از اعزام به منطقه گیلانغرب، مدتی در کمیته انقلاب اسلامی در تهران حضور داشته و در سطح شهر تهران نسبت به برقراری امنیت تلاش کرده‌ام.

### نحوه آشنایی شما با شهید زاهدی چگونه

## ❖ اگر خاطره‌ای از ایام تحصیل شهید زاهدی به خاطر دارید بیان کنید؟

شجاعت شهید زاهدی از همان ایام تحصیل در دوران نوجوانی برای من اثبات شد. در آن ایام، ناظم و مدیر مدرسه نسبت به ایجاد نظم و انضباط در مدرسه بسیار سخت‌گیر بوده و کوچکترین بی‌نظمی سبب می‌شد تا دانش‌آموزان به شدت مورد تنبیه قرار گیرند. خاطرم است؛ شهید زاهدی در حالی که سوار بر دوچرخه بود، وارد محوطه مدرسه شده و در برابر دیدگان ناظم و مدیر مدرسه، مشغول به دوچرخه سواری شده و سپس خارج شد. انجام چنین فعالیت‌هایی در آن ایام، جزو فعالیت‌های محال به شمار می‌رفت اما شهید زاهدی این کار را انجام داد.

## ❖ آیا در دوران مبارزات انقلاب اسلامی، حضور ایشان در مبارزات را شاهد بودید؟

در ایامی که در تظاهرات علیه رژیم پهلوی حضور داشتیم، ایشان نیز در مبارزات فعال بود و چندین مرتبه شاهد حضور وی بودم. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل گروه‌های مردمی جهت برقراری امنیت در شهرها که من نیز عضو این گروه بودم، از نزدیک تلاش‌های شهید زاهدی در این خصوص را مشاهده کردم. فعالیت اصلی شهید زاهدی پس از پیروزی انقلاب اسلامی زمانی آغاز شد که به همراه شهید خرازی جهت برقراری امنیت در کردستان به این منطقه اعزام شد. سردار زاهدی با ایمان قلبی به فرامین حضرت امام خمینی<sup>(ع)</sup> و در دفاع از میهن و انقلاب، ایثار خود را از ابتدای انقلاب آغاز کرد و تا لحظه شهادت این ایثار و مقاومت را نشر داد.

## ❖ برای اولین مرتبه در کدام یکی از عملیات در کنار شهید زاهدی حضور داشتید؟

حضور من در جبهه جنوب و در کنار رزمندگان اصفهان در تیپ امام حسین<sup>(ع)</sup>، به بعد از عملیات «طریق القدس» باز می‌گردد که شهید زاهدی به عنوان فرمانده گردان در این تیپ مشغول به مبارزه بود. با توجه به آشنایی که از سال‌ها قبل با ایشان داشتم، از ملاقات وی بسیار خوشحال شدم.

## ❖ از نقش شهید زاهدی در عملیات «فتح‌المبین» بگویید؟

حاج علی زاهدی با تجربیات فراوانی که در آن سال‌ها کسب کرده بود در قامت فرمانده گردان یکی از تیپ‌های خط‌شکن در دفاع مقدس حضور داشت. حضور در کنار فرماندهانی هم چون حاج حسین خرازی سبب شد تا

سردار زاهدی علاوه بر فراگیری تاکتیک‌های نظامی از معنویت سرشار نیز بهره‌مند گردد. حاج‌علی زاهدی تبدیل به فرماندهی عارف شده بود که در مسیر جهاد و ایثار با سرعت خارق‌العاده‌ای در حرکت بود. در عملیات «فتح‌المبین»، فرماندهان به توانمندی ایشان پی برده و به‌عنوان یکی از جانشینان شهید خرازی منصوب شد. عملیات «فتح‌المبین» که یکی از عملیات‌های مهم

آشنایی من با ایشان در همان ایام تحصیل صورت گرفت. مطلع بودم که پدرشان روحانی بوده و از خانواده‌های سرشناس در اصفهان هستند. با اینکه پدر شهید زاهدی روحانی بود اما به شغل آهنگری مشغول بود و از صنعتگران اصفهان به شمار می‌رفت.

و تاثیر گزار در دفاع مقدس بود، هیچ‌گاه تلاش و رشادت شهید زاهدی را فراموش نخواهد کرد. شهید زاهدی در این عملیات تدابیر استراتژیک بسیاری به کار گرفت و در موفقیت و پیروزی این عملیات نقش آفرین بود.

## ❖ کدام یک از ویژگی‌های فرماندهی شهید زاهدی قابل توجه و بارز بود؟

رزمندگانی که با دارا بودن سن کم در جبهه حاضر شده و بدون گذراندن مراحل آموزش نظامی ویژه و تنها بر اساس تجربیات و توانمندی به عنوان فرمانده برگزیده می‌شدند، قابل تامل است. سردار زاهدی جزو همین افراد بود که با دارا بودن سن کم به عنوان یکی از فرماندهان در دفاع مقدس انتخاب شده و با اخلاص و ایمان خویش، پیروزی‌های متعددی را کسب کرده است. یکی از ویژگی‌های بارز ایشان در دفاع مقدس، شجاعت وی بود که عملکرد شجاعانه او در روحیه رزمندگان نیز تاثیر داشت. سردار زاهدی قبل از آغاز عملیات، شخصا در منطقه حاضر شده و نسبت به شناسایی اقدام می‌کرد. در حین عملیات نیز جلوتر از سایر رزمندگان حرکت می‌کرد و نیروها با مشاهده شجاعت فرمانده، با

مع شكري لأخي العزيز والجيب العميد الحاج

محمد رضا زاهدی علی کل جهوده و جهاده

معنا و لعائلته الکریمه علی صبرها و جهادها

و دعائی لها بالتوفیق لكل خير و سعاده

و عافیه فی الدین و الدنیا و الآفره .

نصر الله

فی آخر ذی الحجه . ۱۴۴۰ هـ . ق .

۹۸، ۶، ۴ هـ . ش

« متن تشکر از زحمات سردار زاهدی به قلم سیدحسین نصرالله



آتش سنگین دشمن در این عملیات برایم دلهره‌آور بود اما سردار زاهدی با قدرت ایستاده بود تا این عملیات به پیروزی ختم گردد. من علاوه بر توانمندی در عملیات‌ها، شجاعت را نیز از شهید زاهدی آموختم. مرور خاطرات دفاع مقدس و اینکه سردار زاهدی چگونه پس از هشت سال حضور در دفاع مقدس که جلوتر از سایرین نیز به دشمن یورش می‌برد، در آن ایام به شهادت نرسید! پاسخ این است که خداوند شهید زاهدی را حفظ کرد تا ایشان حافظ اسلام و مقاومت باشد.

### ❖ وضعیت لشکر امام حسین<sup>(ع)</sup> پس از شهادت حسین خرازی و فرماندهی شهید زاهدی چگونه بود؟

پس از شهادت حاج حسین خرازی، شهید زاهدی به عنوان فرمانده لشکر امام حسین<sup>(ع)</sup> انتخاب و ارتباط من با ایشان بیش از پیش گردید. انتخاب وی به عنوان فرمانده باعث شد تا قدرت لشکر امام حسین<sup>(ع)</sup> نه تنها تضعیف نگردد بلکه با افزایش تجربیات رزمندگان، قدرتمندتر گردید. نقش ایشان به عنوان فرمانده لشکر امام حسین<sup>(ع)</sup> و رزمندگان حاضر در این یگان سبب شد تا در عملیات‌های والفجر ۴، کربلای ۵ و کربلای ۱۰ موفقیت‌های بسیاری کسب گردد. در عملیات والفجر ۱۰ در شناسایی منطقه عملیاتی در کنار سردار زاهدی حضور داشتم و این حضور تنگاتنگ در این عملیات ادامه داشت. تمام موفقیت‌هایی که سردار زاهدی کسب کرده بود نتیجه زحمات رزمندگان حاضر در لشکر امام حسین<sup>(ع)</sup> بود که انصافاً هر کدام در حد و اندازه‌های یک فرمانده بودند. یکی دیگر از عملیات‌هایی که لشکر امام حسین<sup>(ع)</sup> عملکرد درخشان داشت، عملیات رمضان بود. بعد از آزادی خرمشهر، این اولین عملیاتی بود که صورت می‌گرفت. در این عملیات، شهید خرازی و شهید ردانی پور در قرارگاه حضور داشته و شهید زاهدی به عنوان فرمانده لشکر امام حسین<sup>(ع)</sup> مشغول به فعالیت بود. عملیات رمضان یکی از موفق‌ترین عملیات‌های انجام شده در دفاع مقدس بود که در نتیجه آن، حدود ۱۷ کیلومتر پیشروی صورت گرفت. در این عملیات، شهید زاهدی با استفاده از تجربیات کسب شده در دفاع مقدس موفق شد تا با ابتکار عمل، رزمندگان تیپ امام حسین<sup>(ع)</sup> که در برهه‌ای از عملیات در محاصره قرار داشت را از محاصره خارج کند.

❖ چه شد که شهید زاهدی به عنوان فرمانده لشکر امام حسین<sup>(ع)</sup> انتخاب شد؟  
شهید زاهدی فرماندهی بود که علاوه بر توانمندی



تمام توان به دشمن بعثی یورش می‌بردند. در هیچ‌کدام از عملیات‌ها، سردار زاهدی از طریق بیسیم و مسافت دور نسبت به راهنمایی و فرماندهی نیروها اقدام نکرد و همیشه جلوتر از سایرین در حرکت بود. این ویژگی‌ها در هیچ‌کدام از دانشگاه‌های نظامی دنیا تدریس نمی‌شود اما فرماندهان حاضر در دفاع مقدس چون قدرت ایمان والایی داشتند، چنین خطرهایی را انجام می‌دادند.

### ❖ مسئولیت شما در تیپ امام حسین<sup>(ع)</sup> چه بود و چه فعالیت‌هایی در کنار شهید زاهدی انجام داده‌اید؟

به عنوان مسئول اطلاعات - عملیات لشکر امام حسین<sup>(ع)</sup> در کنار ایشان و شهید خرازی حضور داشتم. در عملیات‌های دفاع مقدس، نیاز است تا ارتباط تنگاتنگی میان فرماندهان و مسئولین اطلاعات - عملیات برقرار باشد به همین دلیل من نیز ارتباط گسترده‌ای با شهید زاهدی که جانشین لشکر امام حسین<sup>(ع)</sup> بود داشتم. قبل از آغاز عملیات، به همراه سردار زاهدی و دیگر فرماندهان به مناطق حضور دشمن جهت شناسایی وارد شده و منطقه را به صورت دقیق مورد بررسی قرار می‌دادیم. سردار زاهدی با توجه به اینکه مدتی به عنوان مسئول اطلاعات - عملیات مشغول به فعالیت بود از تبحر خاصی در این زمینه برخوردار بود که در حین عملیات‌های شناسایی، نکات زیادی از ایشان آموختم. توانمندی شهید زاهدی در زمینه شناسایی منطقه و شجاعت وی باعث شده بود تا فرماندهان با اطمینان کامل نسبت به طراحی عملیات اقدام کنند. توانمندی حاج‌علی زاهدی در زمینه شناسایی منطقه در پیروزی و موفقیت در عملیات‌ها تاثیر فراوان داشت.

### ❖ نحوه آشنایی شما با شهید حسین خرازی چگونه شکل گرفت؟

حضور من در کنار سردار زاهدی و نیز در جلسات فرماندهی به عنوان مسئول اطلاعات - عملیات در لشکر، سبب آشنایی با شهید خرازی بود اما سردار زاهدی در یکی از عملیات‌ها در حالی که سوار بر موتورسیکلت بودم مرا به شهید خرازی معرفی کرد و گفت: «سید احمد موسوی هستند، بچه محل‌مان!»

### ❖ پس با توجه به شناختی که از قبل با شهید زاهدی داشته‌اید از افراد مورد اعتماد ایشان در جبهه نیز بوده‌اید؟

ارتباط من با سردار زاهدی هر روز بیشتر و صمیمی‌تر می‌شد. خاطر من است در عملیات «بیت المقدس» علاوه

حضور من در کنار سردار زاهدی و نیز در جلسات فرماندهی به عنوان مسئول اطلاعات - عملیات در لشکر، سبب آشنایی با شهید خرازی بود اما سردار زاهدی در حالی که سوار بر موتورسیکلت بودم مرا به شهید خرازی معرفی کرد و گفت: «سید احمد موسوی هستند، بچه محل‌مان!»



بر اینکه در زمینه اطلاعات - عملیات و شناسایی منطقه فعالیت داشتم به عنوان پیک ایشان نیز مشغول به فعالیت بودم. سوار بر یک دستگاه موتورسیکلت به همراه سردار زاهدی از میان گلوله‌های آتش دشمن عبور کرده و هر لحظه احتمال می‌دادیم که مجروح شویم. عبور از

نظامی و دارا بود شجاعت، از ویژگی‌های اخلاقی بارزی برخوردار بود که دارا بودن این خصوصیات موجب شد تا پس از شهادت حاج حسین خرازی، همه رزمندگان مشتاق باشند تا آقای زاهدی به عنوان فرمانده در لشکر امام حسین<sup>(ع)</sup> انتخاب شوند. رشادت و زحمات شهید زاهدی در اذهان رزمندگان باقی بود و این عامل باعث شد تا وی یکی از بهترین گزینه‌ها برای فرماندهی در لشکر امام حسین<sup>(ع)</sup> باشد.

### آیا در ایامی که شهید زاهدی به عنوان

در مقطعی که وی به عنوان فرمانده نیروی زمینی سپاه انتخاب شد، من در تهران حضور داشتم و در قرارگاه صاحب‌الزمان<sup>(عج)</sup> که به فرماندهی شهید مهدی ربانی بود مسئولیت اطلاعات این قرارگاه را بر عهده داشتیم. شهید مهدی ربانی که در حوادث اخیر توسط رژیم منحوس صهیونیستی به شهادت رسید از افراد توانمند و مخلص بود.

### فرمانده نیروی زمینی سپاه انتخاب شد با ایشان همراه شدید؟

در مقطعی که وی به عنوان فرمانده نیروی زمینی سپاه انتخاب شد، من در تهران حضور داشتم و در قرارگاه صاحب‌الزمان<sup>(عج)</sup> که به فرماندهی شهید مهدی ربانی بود مسئولیت اطلاعات این قرارگاه را بر عهده داشتیم. شهید مهدی ربانی که در حوادث اخیر توسط رژیم منحوس صهیونیستی به شهادت رسید از افراد توانمند و مخلص بود. شهید ربانی نیز خدمات گسترده‌ای برای کشور انجام داده بود که خداوند مزد زحمات وی را با شهادت پاسخ داد. اما در جلساتی که با نیروی زمینی سپاه و با حضور شهید زاهدی برگزار می‌شد، با ایشان ملاقات می‌کردیم. روحیه اخلاقی و رفتاری شهید زاهدی در آن روزها نیز تغییر نکرده و گویا شهید زاهدی کماکان در حال مبارزه و جهاد بود.

### از اینکه به عنوان فرمانده مستشاری در لبنان انتخاب شده بود چه دیدگاهی داشت؟

پس از اینکه به عنوان فرمانده مستشاری در لبنان انتخاب شد و قصد اعزام به لبنان را داشت از من درخواست کرد که او را در این مسیر همراهی کنم. در ابتدا این پیشنهاد را پذیرفتم اما زمانی که متوجه شدم حضور خانواده نیز به همراه من در لبنان ضروری است به دلیل برخی از مشکلات از همراهی با ایشان بازماندم. در ایامی که در لبنان حضور داشت و با توجه به محدودیت‌های موجود، احوال ایشان را از طریق بستگان وی جویا بودیم

و هر زمان که به ایران می‌آمد، سعی داشتیم تا با ایشان ملاقات کنیم.

### به نظر شما چه عواملی باعث شد تا سردار زاهدی به شهادت نائل شوند؟

در ایام دفاع مقدس در کنار حاج علی زاهدی حضور داشته و نسبت به روحیه معنوی و شهادت‌طلبی ایشان آگاه بودم. پس از پایان جنگ تحمیلی نیز این روحیه شهادت‌طلبی و خدمت صادقانه وی متوقف نشد و حاج‌علی زاهدی شهادت را در مسیر خدمت به مردم و اسلام می‌دانست لذا تصمیم گرفت فعالیت‌های دشوار در این مسیر را دنبال کند. هر کجا که حاضر می‌شد با اخلاص و رشادت ظاهر شده و با مشاهده ایشان به این نتیجه می‌رسیدیم که او هر روز بیش از گذشته در طلب شهادت بوده و به آن نزدیک‌تر می‌شود. شهید زاهدی از نظر معنوی پر بار بوده و اطمینان داشت که پایان این مجاهدت شهادت است لذا هیچ‌گاه از مسیر شهادت فاصله نگرفت و خداوند مزد زحمات وی را با شهادت پاسخ داد.

### آیا در ایامی که به عنوان مدیر کل حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس در استان اصفهان مشغول فعالیت بوده‌اید با شهید زاهدی فعالیتی مرتبط با مسئولیت خویش انجام داده‌اید؟

افراد و رزمندگانی که با ایشان در دفاع مقدس حضور داشتند مطلع بودند که شهید زاهدی از دوربین و مطرح شدن، گریزان است؛ شاید تصور می‌کرد که با گفتگو و مصاحبه و نیز با بیان خاطرات خویش در ایام دفاع مقدس، اجر و پاداش مجاهدت خویش کمتر خواهد بود لذا با توجه به فعالیت و مسئولیت‌های ایشان در لشکر امام حسین<sup>(ع)</sup> به دفعات از ایشان دعوت کردیم تا خاطرات خود در ایام دفاع مقدس را در این مجموعه روایت کند نپذیرفت و هر کجا که دعوت می‌شد و سخنرانی کوتاهی داشت از شهدا سخن می‌گفت.

### اگر سخن پایانی است بیان کنید؟

فرهنگ ایثار و شهادت سرمایه‌ای غنی است که باید آن را به عنوان فرهنگ معنوی در همه امور سرلوحه کارهایمان قرار دهیم. ترویج فرهنگ ایثار و شهادت به منظور الگوگیری نسل جوان جامعه از ایثارگری‌های شهدای انقلاب و جنگ تحمیلی برای مقابله با جنگ نرم دشمنان ضروری است. ترویج و نهادینه کردن فرهنگ ایثار و شهادت، گام موثری در توسعه معنویت جامعه و عامل اصلی پیشرفت عدالت در سطح جامعه است.



« شهید زاهدی در کنار شهیدان: احمد کاظمی و قاسم سلیمانی



## گفتگو با سردار اصغر صبوری یاور حاج قاسم سلیمانی

### درآمد

شهید محمد رضا زاهدی از فرماندهان مقتدر در دوران دفاع مقدس بود. او در لحظات حساس عملیات، در خط مقدم عملیات حضور داشت و شخصاً تصمیمات مهم را در میدان اتخاذ می کرد. این نوع فرماندهی که حاج قاسم سلیمانی نیز به آن اشاره کرده است، نشان دهنده روحیه پیش رو و حمایتگر او بود، به جای اینکه نیروها را تنها به جلو هدایت کند، خود در صف مقدم حضور داشت و انگیزه و اعتماد به نفس را در میان رزمندگان تقویت می کرد. سردار اصغر صبوری، معاون هماهنگ کننده سابق نیروی قدس که سال ها از نزدیک با سردار زاهدی همکار بوده، به بیان دلآوری های شهید زاهدی می پردازد. در ادامه؛ متن گفتگو با ایشان را می خوانید.

به شهید خرازی قائل بود. سردار زاهدی مسائل اخلاقی را رعایت می کرد و مقید به ذکر گفتن بود.

#### یاور حاج قاسم سلیمانی

در ایامی که در سپاه قدس با حاج قاسم همکاری داشت، مشکلی بین آنها وجود نداشت چون از همان ابتدا، حریم و شرایط همکاری را بین خود مشخص کرده بودند. در ایامی که من نیز با حاج قاسم همکاری را آغاز کردم، شرایط همکاری با وی را مشخص کرده و تا ایشان دستوری نمی دادند، فعالیتی انجام نمی دادم. شهید سلیمانی ارادت ویژه ای به رزمندگان لشکر «امام

#### مطیع فرمانده

آقای زاهدی در عملیات «طریق القدس»، فرمانده گردان شد و پس از گذشت مدتی، به جانشینی تیپ منصوب شد. نگاه من به ایشان، نگاه به جانشین تیپ بود، با این حال هیچ وقت وارد کار نمی شد و دخالتی نمی کرد. او در زمان عملیات ها برای آموزش می آمد یا وقتی که از او درباره کاری نظر می پرسیدند، پاسخگو و پای کار بود و بیشتر در فعالیت های نظامی ورود می کرد. می گفت تا خود فرمانده است، نیازی به ورود من نیست. البته اگر نیاز بود، حرفش را راحت می زد؛ اما در مقام عمل، از فرماندهی به صورت کامل اطاعت می کرد. احترام ویژه ای

#### لحظه آشنایی

آقای زاهدی عضو گروه ضربت در کردستان بود. وقتی جنگ شروع شد، آنها به آقا رحیم صفوی اعتراض کرده بودند که ما هم باید راهی جبهه جنوب شویم. در ابتدا؛ آقا رحیم به جنوب آمد و حدود بیست روز بعد نیز اعضای گروه به او ملحق شدند. فرمانده آنها، شهید خرازی بود. بقیه نفرات؛ نیروهای کالیبر ۵۰، آرپی جی زن، تیربارچی، فرمانده دسته بودند. در آن ایام، من به عنوان مسئول پاسگاه «دارخوین» بودم. پل ابودر جزو حوزه ما به حساب می آمد. در لحظات تحویل سلاح در این منطقه بود که با سردار زاهدی آشنا شدم.

حسین<sup>(ع)</sup>» داشت و این علاقه به دلیل حضور افرادی هم‌چون شهید خرازی و یا احمد کاظمی بود. سردار سلیمانی تاکید داشت که رزمندگانی که در لشکر «امام حسین<sup>(ع)</sup>» حضور داشته و در کنار افرادی هم‌چون احمد کاظمی و حاج حسین خرازی آموزش دیده‌اند، از همه نظر در حد اعلا قرار دارند.

#### ❖ فرمانده نیروی زمینی سپاه

نقطه اوج فعالیت های سردار زاهدی، در نیروی زمینی بود. ایامی که وی به عنوان فرمانده نیروی زمینی انتخاب شد، مصادف بود با حضور امریکایی‌ها در منطقه با دارا بودن حدود پانصد هزار نیروی نظامی. این تعداد حضور

به معنای آمادگی برای حمله بود. در آن ایام، ایران از نظر قدرت موشکی به توانمندی کنونی دست نیافته بود و نگاه‌ها به نیروی زمینی معطوف شده بود. در نیروی زمینی، محورهای عملیاتی پیش‌بینی و آماده‌باش کامل، اعلام شد. به گونه‌ای برنامه‌ریزی در نیروی زمینی صورت گرفته بود که اگر امریکایی‌ها از محورهای مختلف قصد حمله به کشور را داشتند، برای هر کدام از آن تحرکات، برنامه مشخص و جداگانه‌ای طراحی کرده بودیم. در آن ایام، تونل‌های متعدد حفر گردید و این تونل‌ها، ابتکار سردار زاهدی بود. طرح دفاع موزائیکی نیز در نیروی زمینی در دستور کار قرار گرفت.

#### ❖ فعالیت در محور مقاومت

سردار زاهدی؛ انتخاب مشترک حاج قاسم و آقارحیم (صفوی) برای لبنان بود. آنها به دنبال فرماندهی بودند که از نظر عملیاتی، تبحر ویژه‌ای داشته باشد. در آن مقطع، هدف این بود تا بازسازی حزب‌الله صورت گیرد لذا بهترین گزینه برای رسیدن به این هدف، سردار زاهدی بود. فعالیت وی در لبنان بسیار راهگشا و تاثیرگذار بود و فرماندهان مقاومت از سردار زاهدی نکات فراوانی آموخته‌اند.

#### ❖ مطیع امر رهبر

سردار زاهدی، مطیع کامل حضرت آقا بود. سه نفر را می‌شناختم که مطیع محض بودند.

نفر اول؛ حاج احمد کاظمی که ذوب در ولایت بود. ولایت‌مداری‌اش، با وجود فشارهای سنگین آن ایام، زبانزد بود.

نفر دوم؛ حاج قاسم بود. ایشان به من روایت می‌کردند که: «موضوعاتی که شش ماه بعد من بهش می‌رسم، آقا بهش رسیده. من در میدان هستم؛ اما آقا زودتر به آن رسیده است. آقا یک چیزی را به من می‌گویند و شش ماه بعد، من تازه میفهمم که عجب! این حرفی که زدند، این‌طور بود.»

نفر سوم؛ سردار زاهدی بود. عاقبت بخیری این سه عزیز نیز به دلیل همان ولایت‌پذیری آنها بوده است.

#### ❖ شهادت

تحلیل من این است که رژیم صهیونیستی؛ از روی استیصال، عصبانیت و ضعف فعلی خود، تصمیم به ترور وحشیانه ایشان گرفت. رژیم صهیونیستی جهت بازگرداندن وجهه خود قصد داشت تا اعلام کند که فرمانده بزرگ شمارا مورد هدف قرار داده و اینگونه قصد قدرت‌نمایی داشت اما اشتباه محاسباتی کرد. سردار زاهدی به دنبال شهادت بود، قرار ماندن نداشت و کاسه صبر وی لبریز شده بود. حاج قاسم نیز قبل از شهادت؛ حالت‌های سردار زاهدی را داشت و به دنبال شهادت بود. منبع: نشریه فکه

”  
سردار زاهدی؛ انتخاب مشترک حاج قاسم و آقارحیم (صفوی) برای لبنان بود. آنها به دنبال فرماندهی بودند که از نظر عملیاتی، تبحر ویژه‌ای داشته باشد. در آن مقطع، هدف این بود تا بازسازی حزب‌الله صورت گیرد لذا بهترین گزینه برای رسیدن به این هدف، سردار زاهدی بود.



« سردار صبوری (نفر سوم از سمت راست) در کنار شهید زاهدی (نفر دوم از سمت چپ) و شهید احمد کاظمی (نفر دوم از سمت راست)

### ❖ لطفا خود را معرفی کرده و اگر مطلبی

در ابتدای گفتگو است بیان کنید؟

اکبر نصر هستم، توفیق این را داشتم تا در ایام جنگ تحمیلی در دفاع از میهن اسلامی به میدان‌های نبرد شتافته و رزمندگان را در این مسیر یاری کنم. قبل از پیروزی انقلاب اسلامی نیز همراه با مردم اصفهان در مبارزه بر علیه طاغوت، حضور داشتم.

### ❖ چه شد که روحیه مبارزه و ایثار در شما

شکل گرفت؟

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در مدرسه‌ای که معلمان و اساتید آن از مبارزین انقلاب بودند، مشغول به تحصیل شدم. افرادی هم‌چون؛ شهید نیلفروشان و شهید خرازی نیز در این مدرسه مشغول به تحصیل بودند. در این مدرسه، مبارزات علیه رژیم ستم‌شاهی را برنامه‌ریزی کرده و در محلات انجام می‌شد. حضور من در چنین فضایی باعث شد تا در کنار مبارزین حضور داشته و روحیه ایثار در من شکل گیرد.

### ❖ چه فعالیت‌های مبارزاتی دیگر در مسیر

مبارزه با رژیم طاغوت داشته‌اید؟

علاوه بر حضور در تظاهرات و پخش اطلاعیه‌های حضرت امام، در مساجد حاضر شده و در جلسات مذهبی حضور داشتم. توزیع اطلاعیه‌های حضرت امام در سطح گسترده در داخل شهر اصفهان یکی از فعالیت‌های مهم ما بود.

### ❖ این اقدامات پس از پیروزی انقلاب اسلامی

چگونه ادامه یافت؟

پس از پیروزی انقلاب اسلامی نسبت به برقراری امنیت در شهر و محلات فعال بودم. در اوایل انقلاب، اقدام به ایجاد غرفه‌هایی جهت فروش کتاب‌های فرهنگی و رساله‌های حضرت امام داشتم و در جلسات مذهبی و آگاهی‌بخشی به مردم مشارکت داشتم. مدتی نیز در جهادسازندگی وارد شده و به صورت داوطلبانه در زمینه محرومیت‌زدایی فعالیت داشتم. یکی از مناطقی که در راستای محرومیت‌زدایی مشغول به فعالیت بودم، شهر گلپایگان است.

### ❖ حضور شما در جنگ تحمیلی چگونه بود؟

پس از آغاز جنگ تحمیلی و با توجه به فرمایش حضرت امام خمینی<sup>(ع)</sup> که فرمودند: «جنگ در راس امور است» وارد سپاه شده و در آبان سال ۱۳۵۹ عازم جبهه شدم. البته پس از پایان دوره‌های آموزش نظامی مرتبط،



## گفتگوی شاهدیاران با حاج اکبر نصر فرماندهی شجاع و زاهد

درآمد

دفاع مقدس؛ بخشی جدایی‌ناپذیر از انقلاب اسلامی است. جنگ هشت ساله تحمیلی در شرایطی آغاز شد که ارتش از آمادگی کامل برخوردار نبود اما با همت و فداکاری ملت ایران، حماسه‌ای بی‌نظیر خلق شد و در نتیجه آن، یک وجب از خاک کشور به دشمن واگذار نشد. جوانان آن دوران، نسل خودباوری بودند که متکی به خدا و ایستاده بر قلعه‌های عزت بودند. فرزندان و جوانان عزیز ایران اسلامی، هشت سال دفاع مقدس را با دستان خالی اما با کوهی از غیرت و شجاعت به مصاف دشمنی رفتند که حمایت چندین قدرت نظامی دنیا را به همراه داشت اما رهبری حضرت امام خمینی<sup>(ع)</sup> و قدرت ایمان رزمندگان باعث شد تا دشمن در رسیدن به اهداف شوم خود جهت اشغال میهن، ناکام باشد. یکی از جوانانی که در ایام دفاع مقدس به مبارزه علیه رژیم بعثی پرداخت، حاج اکبر نصر است. ایشان در ۱۸ سالگی وارد سپاه شد و در جبهه جنوب به رشادت پرداخت. حاج اکبر نصر از دوستان و هم‌زمان شهید زاهدی بوده و خاطراتی از وی روایت می‌کند. در ادامه؛ متن گفت‌وگو با ایشان را می‌خوانید.

تحمیلی ادامه داشت.

شهید ردانی‌پور حاضر شده و به قرائت دعای کمیل مشغول می‌شدیم، سردار زاهدی نیز در این جلسات مذهبی حضور داشت. پس از گذشت مدتی و در زمان عملیات‌ها، ارتباط من با ایشان بیشتر شد و در ادامه با ایشان مانوس شدم.

### ❖ شجاعت سردار زاهدی در ایام دفاع مقدس را چگونه می‌توانید توصیف کنید؟

حاج‌علی زاهدی فرمانده شجاعی بود که در بحران‌ها حضور داشت. در عملیات‌هایی که قرار بود انجام شود، شخصا جهت شناسایی منطقه حاضر شده و در روند اجرای عملیات نظارت داشت. سردار زاهدی در خط اول یورش به دشمن بعثی قرار داشت و هیچ‌گاه از فاصله دور نیروها را هدایت نمی‌کرد. یکی از ویژگی‌های بارز ایشان در فرماندهی، مدیریت و فرماندهی در لحظات بحرانی بود که این ویژگی وی باعث شده بود تا جان بسیاری از رزمندگان نجات یابد.

### ❖ در کدامیک از عملیات‌ها در کنار ایشان حضور داشته و توانمندی وی در فرماندهی و مدیریت نیروها در کنار شهید خرازی چگونه بود؟

در ایامی که ایشان به‌عنوان فرمانده تیپ «قمرینی‌هاشم» حضور داشت، در چندین عملیات در کنار وی حضور داشته و رشادت وی را شاهد بودم. پس از حضور ایشان به‌عنوان فرمانده لشکر امام حسین<sup>(ع)</sup>، عملیات‌های مختلف را در کنار سردار زاهدی حضور داشته و به تدابیر فرماندهی وی آشنا شدم. سردار زاهدی فرماندهی بود که علاوه بر تدبیر و شجاعت، مدیریت در وظایف را انجام می‌داد. سردار زاهدی و شهید خرازی فرماندهانی بودند که بر قلب‌ها حکمرانی می‌کردند. ارتباط این عزیزان با رزمندگان، عاطفی و دوستانه بود. حضور سردار زاهدی در کنار شهید خرازی موجب شد تا رزمندگان تیپ امام حسین<sup>(ع)</sup>، موفقیت‌های فراوانی را کسب نمایند. انسجام و هماهنگی فوق‌العاده بین سردار زاهدی و شهید خرازی شکل گرفته بود.

### ❖ پس از پایان جنگ تحمیلی، ارتباط شما با ایشان چگونه ادامه داشت؟

پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و اعلام پایان جنگ برای بسیاری از رزمندگان تلخ بود اما ولایت‌پذیری رزمندگان باعث شد تا فرمایش و دستور حضرت امام را اطاعت کنند. سردار زاهدی در برهه‌های مختلف زندگی، سخن حکیمانه‌ای داشته و می‌فرمودند: «ما مطیع ولایت و رهبری هستیم.» ایشان تا پایان عمر خویش،

### ❖ چه مسئولیت‌هایی در دفاع مقدس بر عهده داشته‌اید؟

مسئولیت در دفاع مقدس برای رزمندگانی که برای مبارزه با دشمن بعثی حضور یافته بودند معنی نداشت و هدف همه افراد حاضر در جبهه، خدمت به جبهه‌ها بود اما افرادی برای مدیریت و فرماندهی انتخاب می‌شدند تا رزمندگان را در عملیات‌ها یاری نمایند. پس از مدتی به‌عنوان فرمانده گردان منصوب شدم، معاونت آموزش لشکر امام حسین<sup>(ع)</sup> نیز یکی دیگر از افتخارات بنده است که در خدمات‌رسانی به رزمندگان انجام داده‌ام.

### ❖ نحوه آشنایی شما با سردار زاهدی چگونه شکل گرفت؟

آشنایی من با سردار زاهدی در سال ۱۳۶۰ شکل گرفت. در بدو ورود به تیپ امام حسین<sup>(ع)</sup> در سنگر

آشنایی من با سردار زاهدی در سال ۱۳۶۰ شکل گرفت. در بدو ورود به تیپ امام حسین<sup>(ع)</sup> در سنگر شهید ردانی‌پور حاضر شده و به قرائت دعای کمیل مشغول می‌شدیم، سردار زاهدی نیز در این جلسات مذهبی حضور داشت. پس از گذشت مدتی و در زمان عملیات‌ها، ارتباط من با ایشان بیشتر شد و در ادامه با ایشان مانوس شدم.



به منطقه کردستان اعزام شده و حضور من در جبهه جنوب در تیرماه ۱۳۶۱ بود و این حضور تا پایان جنگ





« به ترتیب از سمت راست: شهید زاهدی، سرلشکر رحیم صفوی، سردار سیدعلی بنی لوحی، سردار صبوری

### آیا از شهادت سخن می‌گفت؟

سردار زاهدی در کلام از شهادت سخن نمی‌گفت اما از عملکرد وی مشخص بود که طالب شهادت است. حضور وی در فعالیت‌های دشوار و مناطق مملو از آتش دشمن، نشان از اشتیاق وی به شهادت بود. هدف سردار زاهدی کسب پیروزی‌های متعدد و غلبه بر دشمن و سپس نیل به شهادت بود. سردار زاهدی در صدد بود تا شهادت را پس از ضربات سهمگین به دشمن کسب کند. شهید زاهدی با شهادت خویش، سرنگونی رژیم صهیونیستی را تسریع کرد.

### لطفاً از خصوصیات بارز شهید بگویید؟

یکی از خصوصیات بارز شهید زاهدی این بود که به محض ورود به کشور برای زیارت مزار شهدا، عازم گلزار شهدا می‌شد. زیارت مزار شهدا را با تمام وجود انجام می‌داد و در آن لحظات، گویی ارتباط دنیوی وی قطع می‌شد. عیادت از رزمندگان و سرکشی از خانواده‌های شهدا یکی از برنامه‌های همیشگی شهید زاهدی بود که در سفر به میهن انجام می‌داد. یکی دیگر از خصوصیات ایشان که باعث شد تا به مجاهدی فی سبیل‌الله تبدیل شود، دینداری خانواده ایشان بود. پدر شهید زاهدی روحانی بود و با کسب لقمه حلال فرزندان را تربیت و رشد داده بود. یکی دیگر از خصوصیات وی این بود که در زندگی خویش، برای رضای خداوند گام برمی‌داشت و به خداوند توکل می‌کرد.

زاهدی بود که به بهترین نحو ممکن انجام شد که من نیز در آن لحظات به همراه ایشان بودم.

### چه شد که تصمیم گرفت راهی گیلان شود؟

پس از گذشت مدتی از حضور وی در لشکر امام حسین<sup>(ع)</sup>، به ایشان مأموریت داده شد تا فرماندهی لشکر ۱۶ گیلان را بر عهده گیرند. من به همراه سردار زاهدی راهی استان گیلان شده و در جلسه معارفه وی شرکت داشتم. حدود چند روز در کنار سردار زاهدی در استان گیلان حضور داشته و پس از آن به اصفهان بازگشتم.

### چه شد که تصمیم گرفت جهت مبارزه با رژیم صهیونیستی عازم لبنان شود؟

با شناختی که فرماندهان نسبت به سردار زاهدی داشتند، تصمیم گرفته شد تا وی به عنوان فرمانده مستشاری در لبنان معرفی و اعزام شوند. حضور وی در لبنان و موفقیت‌هایی که با درایت وی کسب شد، باعث گردید تا سید حسن نصرالله درخواست کند تا وی مجدداً راهی لبنان شود. شهادت عماد مغنیه در این درخواست نقش داشت. در ایامی که مأموریت حضور در لبنان برای مرتبه سوم به ایشان پیشنهاد شده بود به من گفت که برای حضور در لبنان استخاره کرده و آیه ۲۴ سوره حج آمده است که خیر و صلاح به همراه دارد.

حضور وی در فعالیت‌های دشوار و مناطق مملو از آتش دشمن، نشان از اشتیاق وی به شهادت بود. هدف سردار زاهدی کسب پیروزی‌های متعدد و غلبه بر دشمن و سپس نیل به شهادت بود. سردار زاهدی در صدد بود تا شهادت را پس از ضربات سهمگین به دشمن کسب کند. شهید زاهدی با شهادت خویش، سرنگونی رژیم صهیونیستی را تسریع کرد.

مطیع ولایت‌فقیه بود و نه تنها در زبان بلکه این اطاعت در عملکرد و فعالیت‌های وی قابل مشاهده بود. پس از پذیرش قطعنامه و پایان جنگ تحمیلی، تعدادی از لشکرها برای دفاع از مرز و حمله احتمالی دشمن بعثی در منطقه ماندند و لشکر امام حسین<sup>(ع)</sup> جزو لشکرهایی بود که به اصفهان منتقل شد. انتقال لشکر امام حسین<sup>(ع)</sup> با دارا بودن تجهیزات و نفرات، فعالیت طاقت‌فرسایی بود که صورت گرفت. استقرار لشکر در اصفهان و ترمیم و تجهیز یگان‌ها، یکی از فعالیت‌های درخشان سردار

# واکنش‌های بین‌المللی به حمله تروریستی رژیم صهیونیستی به ساختمان کنسولگری ایران در سوریه

## درآمد

بسیاری از کشورها، مقامات و مسئولان سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی، حمله رژیم صهیونیستی به ساختمان کنسولگری ایران در دمشق را که منجر به شهادت تعدادی از سرداران جمهوری اسلامی ایران شد، محکوم و تاکید کردند که این جنایت رژیم اسرائیل نقض آشکار قوانین بین‌المللی است.

### روسیه

حمله اسرائیل به کنسولگری ایران در دمشق، اقدامی تجاوزکارانه و ناقض قوانین بین‌المللی است. حمله اسرائیل به محله دیپلماتیک در دمشق، جایی که مجموعه سفارت ایران در آن قرار دارد، یک اقدام تجاوزکارانه است که قوانین بین‌المللی را نقض می‌کند.

### اندونزی

اندونزی حمله اسرائیل علیه اماکن دیپلماتیک ایران را قویا محکوم می‌کند. این حمله، نقض صریح مقررات بین‌المللی و منشور سازمان ملل است. این حمله، اقدام خطرناک دیگری از سوی اسرائیل است که منجر به تشدید تنش در منطقه خاورمیانه و از بین رفتن امیدها برای صلح پایدار می‌شود.

### چین

امنیت اماکن دیپلماتیک نباید نقض شود و همچنین حق حاکمیت سوریه، تمامیت ارضی و استقلال این کشور باید محترم شمرده شود.

### مصر

تجاوز به مقرهای دیپلماتیک با هر توجیهی را نمی‌پذیریم. لزوم احترام به حاکمیت و استقلال سوریه و مردم این کشور باید رعایت شود.

### افغانستان

سخنگوی وزارت خارجه طالبان نیز این حمله را محکوم

و آن را نقض موازین دیپلماتیک و اقدامی تحریک‌آمیز توصیف و ادامه جنایات صهیونیست‌ها را تهدیدی جدی برای امنیت منطقه و جهان عنوان کرد.

### لبنان

هدف قرار دادن مقرها و هیات‌های دیپلماتیک نقض آشکار قوانین بین‌المللی و این تجاوز، نقض خطرناک توافق وین برای روابط دیپلماتیک و کنسولگری است که مصونیت مقرهای دیپلماتیک را تضمین می‌کند.

### حزب الله

جنبش حزب‌الله لبنان نیز در بیانیه‌ای ضمن محکوم کردن حمله رژیم صهیونیستی به ساختمان کنسولگری ایران در سوریه اعلام کرد که این حمله بدون مجازات نخواهد ماند.

### جبهه مردمی برای آزادی فلسطین

جبهه مردمی برای آزادی فلسطین هم اعلام کرد که این جنایات باعث نمی‌شود که ایران در حمایت از مقاومت فلسطین دست بردارد. جبهه مردمی برای آزادی فلسطین هشدار دارد که رژیم صهیونیستی تصمیم دارد تا منطقه را به سمت تنش بزرگ سوق دهد و به خوبی می‌داند که به خاطر این جنایات، هزینه سنگینی پرداخت خواهد کرد.

### عراق

هدف قرار دادن کنسولگری ایران در دمشق را محکوم

و تاکید می‌کنیم که این حمله نقض آشکار قوانین بین‌المللی است. گسترش چرخه خشونت در منطقه منجر به هرج و مرج و بی‌ثباتی بیشتر خواهد شد، از جامعه جهانی می‌خواهیم تا برای توقف کشتار و ویرانی در نوار غزه و ادامه هدف قرار دادن خاک سوریه، اقدام فوری انجام دهند.

### عربستان سعودی

وزارت خارجه عربستان سعودی نیز در بیانیه‌ای با محکوم کردن این حمله اعلام کرد که حمله به مراکز دیپلماتیک به هر بهانه‌ای و تحت هر توجیهی مردود است.

### یمن

سخنگوی جنبش انصارالله یمن، حمله تروریستی رژیم صهیونیستی به کنسولگری جمهوری اسلامی ایران در سوریه را محکوم و اعلام کرد، این حمله، نقض حاکمیت سوریه و تجاوز آشکار به دو کشور برادر است و هدف از این حمله، تلاش مذبوحانه‌ای از سوی اسرائیل است تا تصویری از پیروزی ارائه کند.

### قطر

وزارت خارجه قطر نیز در بیانیه‌ای این حمله را به شدت محکوم و آن را نقض آشکار پیمان‌های بین‌المللی و عرف دیپلماتیک توصیف کرد که حمله به سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌ها را جرم تلقی می‌کند.





« تصویری از شهدای ناشی از حمله تروریستی رژیم صهیونیستی به سفارت ایران در سوریه

### عمان

وزارت خارجه عمان در بیانیه‌ای حمله تروریستی رژیم صهیونیستی به کنسولگری جمهوری اسلامی ایران در دمشق را محکوم و آن را نقض حاکمیت سوریه و تمامی قوانین حمایت از هیات‌های دیپلماتیک دانست.

### کویت

وزارت خارجه کویت نیز در بیانیه‌ای ضمن محکوم کردن حمله رژیم صهیونیستی به ساختمان کنسولگری ایران در سوریه از شورای امنیت خواست تا به مسئولیت خود برای حفظ امنیت منطقه عمل کند. وزارت خارجه کویت همچنین از شورای امنیت خواست تا به مسئولیت خود برای حفظ امنیت منطقه عمل کند.

### پاکستان

سخنگوی وزارت خارجه پاکستان حمله تروریستی

رژیم صهیونیستی به بخش کنسولی سفارت جمهوری اسلامی ایران در دمشق را به شدت محکوم و اعلام کرد، این اقدام غیرمسئولانه نیروهای اسرائیلی منجر به ایجاد تنش بزرگ در منطقه می‌شود.

### امارات

وزارت خارجه امارات متحده عربی نیز در بیانیه‌ای حمله به نمایندگی دیپلماتیک ایران در دمشق پایتخت سوریه را محکوم کرد.

### جنبش جهاد اسلامی فلسطین

جنبش جهاد اسلامی فلسطین هم در بیانیه‌ای ضمن محکوم کردن حمله رژیم صهیونیستی به ساختمان کنسولگری ایران در سوریه اعلام کرد که این اقدام صهیونیست‌ها برای فرار از شکست غزه است. در بیانیه جنبش جهاد اسلامی فلسطین، آمده است: ما

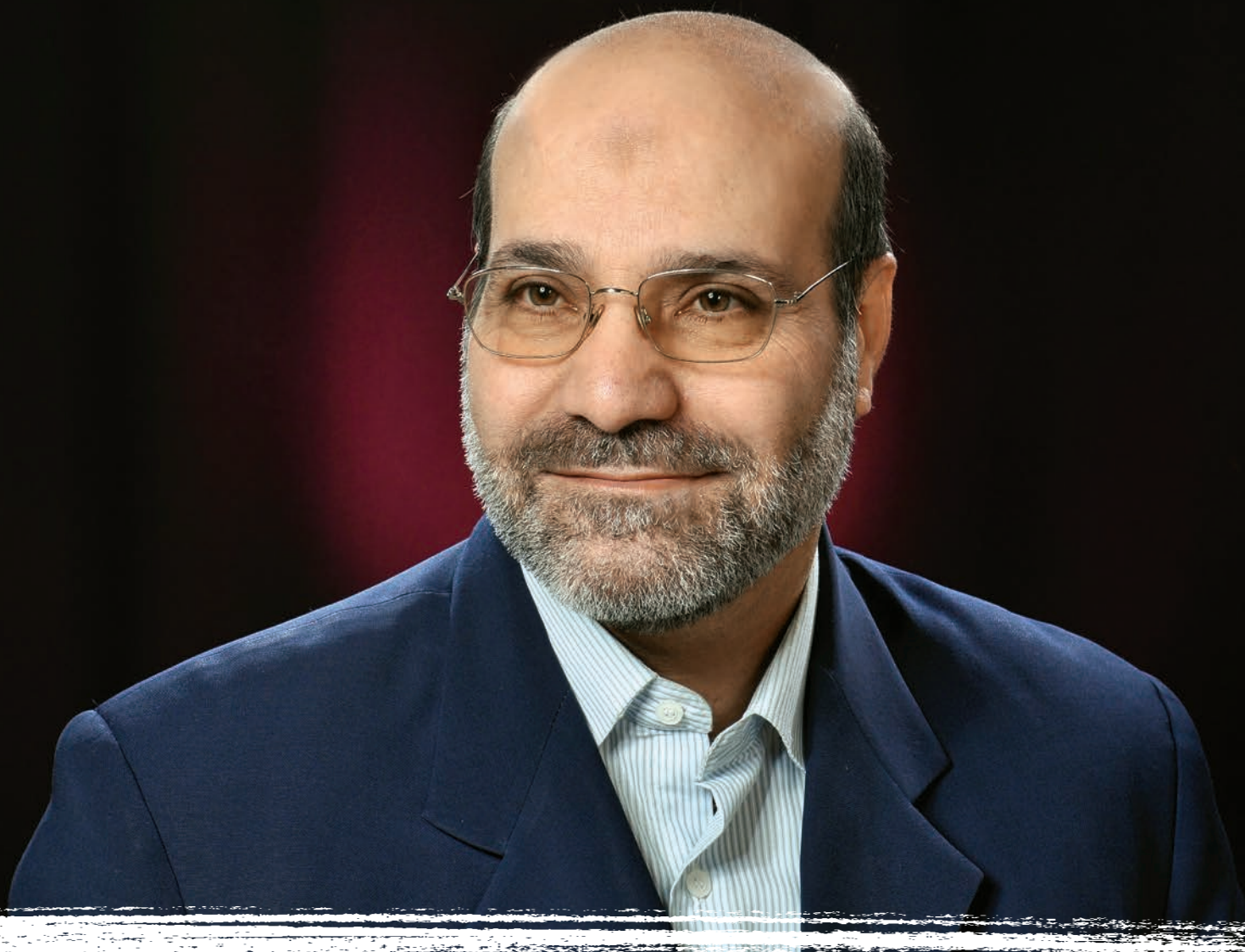
حمله خائنانه صهیونیست‌ها به ساختمان کنسولگری ایران در دمشق را با شدیدترین کلمات محکوم می‌کنیم.

### کوبا

این اقدامات؛ غیرقابل قبول بوده و خطر تشدید و منطقه‌ای شدن درگیری را با پیامدهای غیرقابل پیش‌بینی افزایش می‌دهد. حمله اسرائیل به کنسولگری ایران در دمشق، نقض آشکار حاکمیت سوریه و قوانین بین‌المللی است.

### ونزوئلا

وزیر خارجه ونزوئلا، تجاوز رژیم صهیونیستی را محکوم و بر همبستگی کشورش با مردم و دولت‌های ایران و سوریه تأکید کرد.



## مروری بر آخرین سخنان شهید محمدرضا زاهدی در جمع تعدادی از بستگان

### در آمد

رشادت و دلاوری شهید محمدرضا زاهدی بر هیچ کس پوشیده نیست، وی در ایام نوجوانی وارد دفاع مقدس شد و در سن ۲۱ سالگی به فرماندهی یکی از تیپ‌های لشکر امام حسین<sup>(ع)</sup> منصوب شد. بسیاری از دلاوری‌ها و رشادت این قهرمان وطن، ناگفته باقی مانده و دلیل آن می‌تواند گریزان بودن وی از دوربین خبرنگاران باشد. گویا سردار زاهدی با خداوند بسته بود که دلاوری و ایثار وی تنها برای رضای خداوند باشد و بیان آن ایثارها، شاید اجر و پاداش را نزد پرودگار کاهش دهد. انتصاب وی به عنوان فرمانده ارشد سپاه در لبنان باعث شد تا به دلیل رعایت مسائل امنیتی، ضبط صدا و تصویر از حضور ایشان در مهمانی و جمع دوستان و یا بستگان منع شود اما در کمال تعجب، در مراسم افطاری که ایشان در آن حضور داشتند و با رضایت وی، از سخنان مطرح شده در آن مراسم، فیلمبرداری صورت گرفته که حاوی مطالب بسیار زیبایی است. سردار زاهدی شاید از شهادت خویش مطلع بوده و اینگونه سعی داشته تا برخی از وصایای خویش را به بستگان عنوان کند. در ادامه؛ مشروح سخنان وی که چند روز قبل از شهادت بوده است را به صورت اختصار اشاره می‌کنیم.

معصوم، همه مظلوم بودند. برای اولین بار؛ توسط جمع کثیری که اسمش را می‌شود شیعه خالص نامگذاری کرد، پرچم دفاع از مظلومین در دنیا به اهتزاز درآمد. ...تعداد کثیری از زنان و کودکان مظلوم در غزه کشته شدند اما دنیا توجهی به این کشتار ندارد و همه در

به برکت خون شهادتی که در این مسیرِ چهل و چندساله داشتیم، این پرچم همواره در اهتزاز بوده است. در طول تاریخ، شیعه همیشه مظلوم بوده و در رأس مظلومین نیز خود پیامبر بودند، ولی از دامادشان، از فرزندشان صدیقه طاهره (سلام الله علیها) تا امام زمان (عج)، کلّ چهارده

...الان در شرایطی که شش ماه از «طوفان الاقصی» گذشته است، خداوند به شیعه علی بن ابی طالب با اقلیتی که در جمع مسلمان‌ها داشتند، لطف «من حیث لا یحتسب» عنایت فرمود. به خاطر دفاع از مظلومین که شعار انقلاب اسلامی بود، حضرت امام این پرچم را برافراشته کرد و

شیطان منحرفشان کرد. شیطان، شبانه‌روز به دنبال همه ما است. کسی اذعا نکند که نه، چون شیطان قسم خورده است به عزت و جلال خداوند، که همه را گمراه می‌کند. به خدا توسل کنیم تا از طریق ائمه، خداوند ان‌شاءالله کمکمان کند.

... از همه شما؛ دوستان، برادران، آشنایان و خانواده می‌خواهم که همدیگر را حلال کنید و اگر می‌خواهید خدا کمکمان کند، همدیگر را دعا کنیم. وقتی در حق دیگران دعا کنید، مستجاب می‌شود. ممکن است چون ما گناهکاریم، وقتی دعا می‌کنیم شاید اثری نداشته باشد؛ ولی خود گناهکار که برای فرد دیگری دعا کند، او را می‌بخشد و ان‌شاءالله ما را هم می‌بخشد. دعا کنید من هم شهید شوم.

... چند سال قبل، یک کاری به ذهنم رسید، به محمد مهدی سفارش کردم که بخشی از حقوق من را به امام زمان (عج) اختصاص دهند البته نه به عنوان خمس؛ بلکه شریک قرار دادن حضرت. این کار باعث می‌شود تا در ب‌های روزی در زندگی به‌شدت باز شود و هرچه کمک کرده‌ای، خدا چند برابر آن را باز می‌گرداند. این را در زندگی خود به شدت لمس کرده‌ام. هرچه می‌توانید به مستضعفین کمک کنید و اگر در اطراف ما فرد فقیری است، مواظب او باشیم.

منبع: سخنان شهید زاهدی در کنار خانواده و بستگان

که این‌ها سستی‌اند و حرف‌هایی از این قبیل! این حرف‌ها به ضرر اسلام است؛ این حرف‌ها را نه ائمه قبول دارند، نه ولی فقیه قبول دارد، نه مراجع قبول دارند.

... الان شرایط ما به گونه‌ای است که ضرورت مسئله وحدت بین مسلمین بیشتر احساس می‌شود. اگر این کار را نکنیم، ضربه‌اش را می‌خوریم؛ اگر خدای ناکرده به جمهوری اسلامی خدشه‌ای وارد شود، ضربه می‌خوریم. ... باید برای ظهور آماده شویم. اینکه می‌گوییم «اللهم عجل لولیک الفرج» فقط به شعار نیست بلکه با عمل‌مان است. من این حرف‌ها را اول به خودم می‌گویم. تجربه‌ای که من الان دارم، با ده سال یا بیست سال پیش، تفاوت زیادی داشته است. باید با صبر و تحمل پیش برویم، اگر می‌خواهیم که سرباز واقعی شویم و این انقلاب را به دست امام زمان (عج) برسانیم، نیاز است تا در کنار ولی فقیه باشیم.

... اگر خاطرتان باشد، آن اوایل انقلاب می‌گفتند که عمر بسیجی و پاسدار سه ماه تا شش ماه است؛ ولی حالا متأسفانه عمر ما این قدر طول کشید. ما غصه می‌خوریم که از قافله شهدا عقب افتاده و دائماً خداوند درخواست می‌کنیم که توفیق شهدا نصیب ما نماید. در این روزگار، فردی پیدا می‌شود مثل حاج قاسم که همه زندگی‌اش را در مسیر انقلاب قرار می‌دهد، خدا هم آنگونه جبران می‌کند و عزیزش می‌کند. افرادی هم یافت می‌شوند که خیلی مجاهدت کردند، ولی ناگهان

سکوت، همچنان فعالیت خود را ادامه می‌دهند. اما نتیجه شش‌ماه مقاومت این مظلومان که در محاصره قرار داشته و با ابتدایی‌ترین سلاحی که در اختیار داشتند مقاومت کردند، این شد که خدا عزیزشان کرد.

... این اتفاقات؛ تکلیف ما را سنگین‌تر می‌کند. با این قرائن و شواهدی که مشاهده می‌شود، ظاهراً مسیر به سمت زمینه‌سازی ظهور در حال نزدیک شدن است. اگر این‌طور باشد، همه افراد باید شخصاً در خود، بازنگری نمایند که آیا خود را آماده ظهور کرده است یا خیر. همه ما تکلیف داریم تا خودمان را آماده ظهور کرده و آن چیزی که تکلیفمان است را انجام دهیم. تمام شکست‌هایی که در تاریخ اسلام پس از پیامبر به وجود آمده، به دلیل دوری و جدایی از ولایت بوده است. تا ابتدای انقلاب اسلامی، چقدر علمای بزرگ داشتیم که شاید از نظر علمی، یا با حضرت امام برابر بودند یا بالاتر هم بودند، اما شجاعت و اخلاص ایشان را نداشتند. همه این چیزها یک دفعه در امام جمع شد و بعد از ائمه این پرچم را در دست گرفت که اکنون بعد از ۴۵ سال، خود را نشان می‌دهد. انقلاب صادر شده است، حتی در آمریکا؛ اکنون بالای ۵۰ درصد از مردم آمریکا نظرشان این است که اسرائیل باید نابود شود و این سرزمین بازگردد به صاحبان اصلی‌اش که فلسطینی‌ها هستند. چه کسی می‌توانست این کار را انجام دهد؟ این به برکت خون شهدای مظلوم غزه بود. حالا کسی که عقلش به ظاهر کار است، وارد موضوعات دینی و مذهبی می‌شود



«تصویری از مزار سرلشکر شهید محمدرضا زاهدی در گلزار شهدای اصفهان»

# اهداف و دستاوردهای عملیات «وعده صادق» علیه جنایات رژیم صهیونیستی

## درآمد

جنایت رژیم صهیونیستی در هدف قرار دادن کنسولگری ایران در دمشق که باعث به شهادت رسیدن سرداران رشید مدافع حرم؛ سرتیپ پاسدار «محمد رضا زاهدی» و سرتیپ پاسدار «محمد هادی حاجی رحیمی» از فرماندهان و مستشاران نظامی ارشد ایران در سوریه و پنج نفر از افسران همراه آنان صورت گرفت باعث شد تا عملیات قاطع جمهوری اسلامی ایران تحت عنوان «وعده صادق ۱» علیه رژیم صهیونیستی اجرا گردد و انجام این عملیات موجب شد تا دومین شکست غیرقابل ترمیم رژیم صهیونیستی بعد از عملیات «طوفان الأقصى» به وقوع بپیوندد. اجرای عملیات‌های «وعده صادق» باعث شد تا یکی از مهم‌ترین ضربات به این رژیم پس از هفت دهه از تأسیس آن، تحمیل گردد. عملیات «وعده صادق ۱»، عملیاتی برای تنبیه رژیم صهیونیستی بود. در گزارش پیش رو؛ به بررسی کامل عملیات «وعده صادق» و نوع کنش و واکنش‌های جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی پرداخته خواهد شد.





### ❖ عملیات «وعده صادق» در بعد میدانی

عملیات «وعده صادق» در بامداد ۲۶ فروردین ماه ۱۴۰۳ در پاسخ به جنایت رژیم صهیونیستی در حمله به کنسولگری ایران توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اجرا گردید. تسلیحات مورد استفاده ایران در این عملیات، پهپاد و موشک بود. پهپادهای ایرانی به مدت شش ساعت، مناطق دفاعی هشت‌گانه (اربیل عراق، مرز عراق و اردن، زاگرس، قفقاز، ترکیه، دریای مدیترانه، دریای سرخ و دور تا دور رژیم صهیونیستی) را درگیر کرد. لذا پهپادهایی که وارد عملیات شدند، ۱۰۰ درصد به اهداف خود دست یافتند چراکه هیچ‌کدام برای انهدام نبوده و صرفاً برای درگیر کردن سامانه‌های پدافندی دشمن، شلیک شده بود که عملکرد بسیار موافی داشت. بعد از پهپادها، موشک‌های بارشی و خوشه‌ای که در آسمان منفجر و به صدها موشک تبدیل شدند، به عنوان سپر دوم برای درگیر کردن سامانه‌های پدافندی رژیم صهیونیستی وارد عمل شدند که عملکرد چشمگیری داشته و در نهایت نیز سایر موشک‌های قدرتمند ایران به اهداف خود اصابت کرد. دشمن در این عملیات، امکانات زیادی را به کار برد و هیچ دستاوردی کسب نکرد اما در مقابل، شکست سپر موشکی رژیم صهیونیستی از جمله دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران در این عملیات بود.

### ❖ دلایل و اهداف عملیات وعده صادق

درخصوص دلایل عملیات «وعده صادق» علیه رژیم صهیونیستی باید گفت که:

**الف)** در چندسال اخیر، رژیم صهیونیستی راهبرد جنگ بین جنگ‌ها یا جنگ در منطقه خاکستری را علیه جمهوری اسلامی ایران در پیش گرفته بود. عملیات‌های تروریستی در داخل، شهادت برخی مستشاران نظامی و حمله به کنسولگری ایران در دمشق، ذیل همین دکترین با هدف امنیت‌زدایی از ایران پیگیری می‌شد. تصور صهیونیست‌ها این بود که با تکرار چنین اقداماتی می‌تواند ضمن ترمیم بازدارندگی مخدوش شده خود و سر و سامان دادن به اختلافات داخلی، در سایه تصاعد بحران، به بحران غزه نیز پایان دهد. لذا تداوم این امر با سیاست صبر استراتژیک، موجب جری‌تر شدن رژیم کودک کش صهیونیستی و به خطر افتادن امنیت ملی ایران می‌شد.

از طرفی؛ عملیات «وعده صادق» در شرایطی برنامه‌ریزی، طراحی و اجرا شد که آمریکا، انگلستان، فرانسه و دیگر حامیان جنایت‌های رژیم صهیونیستی، با حمایت تمام‌از این رژیم، از صدور قطعنامه و حتی بیانیه شورای امنیت

**بعد از پهپادها، موشک‌های بارشی و خوشه‌ای که در آسمان منفجر و به صدها موشک تبدیل شدند، به عنوان سپر دوم برای درگیر کردن سامانه‌های پدافندی رژیم صهیونیستی وارد عمل شدند که عملکرد چشمگیری داشته و در نهایت نیز سایر موشک‌های قدرتمند ایران به اهداف خود اصابت کرد.**

اشغالی؛ این پایگاه هوایی علاوه بر استقرار اسکادران‌های «اف ۳۵» رژیم صهیونیستی، آشیانه هواپیماهای جاسوسی رژیم صهیونیستی نیز بود و همچنین تعداد زیادی از افسران اطلاعاتی و عناصر ارشد موساد نیز به‌طور دائم در این پایگاه حضور داشتند. لازم به ذکر است؛ بررسی تصاویر ماهواره‌ای تأیید می‌کند که باند فرودگاه، اقامتگاه‌ها و انبارهای پایگاه هوایی «نوتایم» مورد اصابت موشک‌های ایرانی قرار گرفته است. دلیل مورد هدف قرار گرفتن این پایگاه از سوی جمهوری اسلامی ایران نیز این بود که رژیم صهیونیستی در ترورهای یک سال اخیر علیه مستشاران ایرانی؛ از جنگنده، پهپادها و موشک‌های این پایگاه استفاده کرده بود و این پایگاه، نقش حیاتی برای رژیم صهیونیستی داشت.

**ب)** پایگاه اطلاعاتی سری رژیم صهیونیستی در شمال بلندی‌های جولان اشغالی واقع در «جبل‌الشیخ»؛ میزان اهمیت و حساسیت این پایگاه اطلاعاتی به اندازه‌ای است که ارتش رژیم صهیونیستی، سانسور و ممنوعیت کامل رسانه‌ای برای این منطقه ایجاد کرده است و اجازه هرگونه ارزیابی خسارت و اعلام عمومی آن داده نمی‌شود. لازم به ذکر است، این پایگاه اطلاعاتی جاسوسی در حمله وحشیانه رژیم اسرائیل به سفارت ایران در دمشق، نقش داشت و به‌صورت کلی در طول سال‌های اخیر نیز نقش بسیار مهم و پررنگ در عملیات‌های اطلاعاتی علیه سوریه و ایران ایفا کرده است.

### ❖ ویژگی‌های ممتاز عملیات وعده صادق

در برابر جرم علنی و حمله رژیم صهیونیستی به سفارت ایران در دمشق جلوگیری کردند. در این راستا؛ جمهوری اسلامی ایران در قالب دفاع مشروع مبتنی بر اصل ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد، در عملیات افتخارآفرین «وعده صادق»، این رژیم را تنبیه کرد. این عملیات؛ با تدبیر، مدیریت، اجرای دقیق و به‌صورت محدود اجرا گردید لذا جمهوری اسلامی ایران در این عملیات به دنبال حمله گسترده به رژیم صهیونیستی نبود. در این راستا؛ جمهوری اسلامی ایران صرفاً اهداف نظامی را هدف گرفته و برخلاف رژیم صهیونیستی، هیچ منزل مسکونی غیرنظامی، بیمارستان، مدرسه و... را مورد هدف قرار نداد و حتی غیرنظامیان را به عنوان «تلفات جانبی» قربانی نکرد. لذا اهداف تعیین شده ایران در عملیات «وعده صادق» علیه جنایات رژیم صهیونیستی شامل پایگاه‌های ذیل بوده است:

**الف)** پایگاه هوایی «نوتایم»؛ در جنوب سرزمین‌های

۱. نخستین حمله نظامی از داخل خاک جمهوری اسلامی ایران علیه رژیم صهیونیستی؛
۲. بزرگترین عملیات ترکیبی شامل صدها موشک و پهپاد؛
۳. بزرگترین حمله پهپادی جهان علیه یک هدف؛
۴. بزرگترین حمله موشکی علیه رژیم صهیونیستی؛
۵. عدم استفاده از عامل انسانی در میدان عملیات.

### پیامدها و دستاوردهای عملیات «وعده صادق»

عملیات «وعده صادق» از سوی جمهوری اسلامی ایران علیه جنایات رژیم صهیونیستی را نباید به آمار و ارقام موشکی و پهپادی محدود کرد چراکه این عملیات حاوی پیامدها و اثرات بزرگی است که در ذیل به آنها می‌پردازیم:

#### ۱. توانایی در طراحی و مدیریت جنگ

هیچکدام از جنگ‌ها علیه رژیم صهیونیستی از نظر حجم و هزینه تهاجم به اندازه اقدام جمهوری اسلامی ایران در عملیات «وعده صادق» گسترده نبوده است. از طرفی، در عملیات «وعده صادق»، ایران با اعلام قبلی و پذیرش مسئولیت این اقدام را علیه رژیم صهیونیستی انجام داده است که این اقدام در نوع خود یک اتفاق جدید و بی سابقه در آن مقطع محسوب می‌گردد که نمایانگر اوج آمادگی و قدرت نیروهای مسلح ایران در طراحی و مدیریت جنگ در راستای مقابله با دشمنان نظام است. جمهوری اسلامی ایران در این عملیات، توانایی خود در قدرت فرماندهی، مدیریت، طراحی، دقت، برنامه‌ریزی،

اشراف و آمادگی خود را در این صحنه نشان داد. لذا این عملیات ثابت کرد که جمهوری اسلامی ایران از حیث طراحی و مقابله با دشمن، به تنهایی می‌تواند اقدام کند. این درحالی است که حداقل ۲۰ کشور به رژیم صهیونیستی در این عملیات کمک کردند ولی اهداف ایران محقق شد و در سطح راهبردی، دشمن نتوانست مانع اقدام ایران شود که دستاورد بسیار بزرگی است.

#### ۲. تحمیل اراده به دشمن

جمهوری اسلامی ایران پس از جنایت رژیم صهیونیستی در به شهادت رساندن مستشاران ایرانی در کنسولگری دمشق، به صورت رسمی اعلام کرد که پاسخ این جنایت را خواهد داد. در این راستا؛ رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی به مناسبت شهادت سردار رشید اسلام، سرلشکر پاسدار محمدرضا زاهدی و جمعی از هم‌زمان وی به دست رژیم غاصب صهیونیستی، تأکید کردند: «آن‌ها را از این جنایت و امثال آن پشیمان خواهیم کرد،

به حول و قوه‌ی الهی.» همچنین رهبر معظم انقلاب اسلامی در نماز عید سعید فطر نیز بار دیگر فرمودند: رژیم صهیونیستی اشتباه کرد و باید تنبیه شود و تنبیه می‌شود. لذا موضع جمهوری اسلامی ایران در خصوص پاسخ قاطعانه به جنایات رژیم صهیونیستی از همان ابتدا روشن و مشخص بود و در این مدت، پیام‌های متعدد از سوی کشورهای خارجی مبنی بر صرف‌نظر کردن ایران از پاسخ به جنایت رژیم صهیونیستی ارسال گردید اما جمهوری اسلامی ایران مصمم بر تنبیه رژیم کودک‌کش صهیونیستی بود و عملیات غرورآفرین «وعده صادق» را رقم زد. تصور دشمنان بر این بود که احتمالاً پاسخ جمهوری اسلامی ایران به صورت نیابتی خواهد بود و ایران ورود مستقیمی به درگیری با رژیم صهیونیستی نخواهد داشت اما این اراده بر دشمنان تحمیل شد و برای اولین بار، جمهوری اسلامی ایران، سرزمین‌های اشغالی را از خاک خود مورد هدف قرار داد. بنابراین جمهوری اسلامی ایران در این عملیات ثابت کرد که هر کشور و یا گروهی به دنبال ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران باشد، در هر کجای دنیا مورد هدف قرار خواهد گرفت.

#### ۳. معادله جدید در قالب قدرت بازدارندگی

عملیات غرورآفرین «وعده صادق» در پاسخ به حمله تروریستی رژیم صهیونیستی به کنسولگری جمهوری اسلامی در دمشق آن هم به صورت مستقیم و از خاک ایران، به مثابه نقطه عطفی در تاریخ قلمداد می‌شود که تحکیم بخش قدرت ملی و بازدارندگی نظام جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌المللی است. این عملیات به

حداقل ۲۰ کشور به رژیم صهیونیستی در این عملیات کمک کردند ولی اهداف ایران محقق شد و در سطح راهبردی، دشمن نتوانست مانع اقدام ایران شود که دستاورد بسیار بزرگی است.



«تصویری از ویرانه‌های صورت گرفته در مراکز نظامی رژیم صهیونیستی توسط موشک‌های ایران»



«تصویری از اصابت موشک‌های شلیک شده از کشورمان در سرزمین‌های اشغالی»

منظور تنبیه رژیم متجاوز و با اقتدار حداکثری در مقابل تجاوز مسلحانه خارجی صورت گرفت.

#### ۴. ارتقای جایگاه جمهوری اسلامی ایران در نظام

##### بین‌الملل

رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با فرماندهان و مسئولان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی فرمودند: «ما از بخش زیادی از مسیر با وجود شیب تند عبور کرده و به قله‌ها نزدیک شده‌ایم بنابراین امروز روز خسته شدن و ناامیدی نیست بلکه روز شوق و امید و حرکت است و مسئولان کشور باید با این روحیه حرکت کنند.» (بیانات در دیدار با فرماندهان سپاه پاسداران ۱۴۰۲/۰۵/۲۶) در این راستا؛ ضمن آینده‌بینی رهبر معظم انقلاب اسلامی باید گفت که از جمله دستاوردهای عملیات «وعده صادق» در سرزمین‌های اشغالی را باید ارتقای جایگاه جمهوری اسلامی ایران در نظام بین‌الملل و نشان دادن قدرت ایران در سطح جهانی دانست. در این راستا؛ جمهوری اسلامی ایران به قله‌هایی دست یافته که بسیاری از قدرتهای جهانی را حیرت‌زده کرده است.

##### ۵. هماهنگی میدان و دیپلماسی

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای حماسه «وعده صادق»، هماهنگی کامل میان دیپلماسی و میدان و هم‌افزایی وزارت امور خارجه و نیروهای مسلح ایران بوده است. فعالیت‌سازنده، هوشمندانه و همچنین حداکثری وزارت امور خارجه در حوزه روشنگری و تبیین جنایت اخیر رژیم صهیونیستی و همچنین اشاره به حق قانونی ایران در دفاع مشروع و پاسخ به رژیم اشغالگر قدس در کنار همراه‌سازی دیگر کشورها و بالأخص قدرتهای جهانی همچون روسیه و چین، منجر به این شد که شورای امنیت سازمان ملل به رغم فشار و قبحانه طرفین غربی، به صحنه پیروزی دیپلماتیک ایران و مفتضح شدن رژیم صهیونیستی تبدیل گردد. لذا ثمره این اتحاد را می‌توان پیروزی توأمان جمهوری اسلامی ایران چه در حوزه نظامی و بازدارندگی و چه در صحنه دیپلماسی و حقوق بین‌الملل در برابر دشمنان دانست.

#### ۶. انسجام درونی در کنار همراهی افکار عمومی

##### منطقه با ایران

عملیات گسترده ایران علیه رژیم صهیونیستی فراتر از تصور تمامی طرف‌های داخلی و خارجی بود. این عملیات از سطح بسیار بالایی از کامیابی در همراه‌سازی افکار عمومی و موفقیت در عملیات روانی برخوردار بود. در این راستا؛ در همان ابتدای عملیات، بسیاری از مردم سراسر کشور به جشن و شادی پرداختند. رضایت عمومی مردم از عملیات «وعده صادق» و حمایت تمام قد مردم از آن بیانگر آن است که عملیات مذکور در

سیاسی و نظامی جهانی را به نمایش گذاشت. لذا شاهد افول هژمونی آمریکا و هم‌پیمانان منطقه‌ای او در برابر جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت در منطقه و جهان بودیم.

۵. بی‌توجهی و سیاست دوگانه غرب در قبال حمله رژیم صهیونیستی به سرکنسولگری ایران در دمشق باعث شد تهران تصمیم قاطع برای پاسخ به این تهاجم بگیرد. لذا این عملیات باعث شکل‌گیری آرایش جدید در شورای امنیت بر پایه اقدام متقابل قدرتمندانه جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر اصول منشور سازمان ملل (بند ۵۱) و حقوق بین‌الملل برای اولین بار در شورای امنیت شد.

۶. این عملیات سبب ارتقای محبوبیت جمهوری اسلامی ایران در بین کشورهای آزاده و ملت‌های بیدار جهان و معرفی رژیم کودک‌کش صهیونیستی و حامیان او به عنوان منفورترین رژیم‌ها و کشورهای جهان شد. ۷. با این عملیات، معادلات غرب آسیا تغییر یافت

و ایران نشان داد که می‌تواند پایه و کانون سازه‌های امنیتی و دفاعی در منطقه باشد، امروز نیازی به حضور بیگانگان در منطقه غرب آسیا نیست و کشورهای منطقه می‌توانند یک ترکیب امنیتی ایجاد کنند و ایران می‌تواند از کشورهای مسلمان در برابر تهدیدات و شرارت‌های دشمنان، حفاظت و پاسداری کند.

منبع: خبرگزاری طنین

تقویت انسجام ملی، اعتماد به نفس عمومی و افزایش غرور ملی، نقش مهمی را ایفا کرده است. بسیاری از مسلمانان منطقه و حتی مردم جهان از تنبیه رژیم متجاوز صهیونیستی به دلیل جنایات آن در غزه بسیار خرسند شدند.

#### پیام‌های منطقه‌ای و بین‌المللی عملیات «وعده صادق»

۱. عملیات «وعده صادق» این پیام را رساند که جمهوری اسلامی بر سر مسئله امنیت هیچ ملاحظه‌ای ندارد و برخورد خواهد کرد و این برخورد را در عمل نشان خواهد داد.

۲. عملیات «وعده صادق»، هیمنه رژیم صهیونیستی را فرو ریخت و ثابت کرد این رژیم توانایی دفاع از خود را به‌رغم تمام کمک‌های حامیان غربی خود از جمله آمریکا نخواهد داشت.

۳. این عملیات، جایگاه قدرتی و نقش محوری جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری توانمند و تأثیرگذار در معادلات نظم نوین جهانی همگام با توسعه روابط سیاسی، نظامی و اقتصادی عزتمندانه در عرصه روابط بین‌المللی ارتقاء و نشان داد.

۴. این عملیات در واقع صف‌آرایی جدید کشورهای جهان در قالب دو جبهه حق و باطل در مقابله با رژیم کودک‌کش و خون‌ریز صهیونیستی در عرصه معادلات

شعری از محمد مهدی عبداللہی در وصف

## شہید محمدرضا زاهدی

بخوان ای عاشق مولا ہمین امشب روایت را  
بخوان از ابتدا تا انتہای آن زیارت را

نمی دانم چه گفتمی با خدایت در شب تقدیر  
گرفتمی سخت در آغوش خود رزق محبت را

چه قرآنی گشودی عاشقانه در دل میدان  
به صوت عشق خواندی آیہهای استقامت را

به رسم قدردانی از خیام عمہ سادات  
به روز قدر پیمودی چنین راه سعادت را

شہادت قسمت اہل ولایت می شود بی شک  
چه زیبا نوش کردی بادہ سرخ شہادت را

شہیدالقدس ای احیاگر راه سلیمانی!  
به خط خون نوشتی با دل خون این بشارت را

طریق القدس ہم آزاد خواهد شد، به این زودی!  
واز صہیون، فلسطین می رباید خواب راحت را

کنار مسجد الأقصی نماز شکر می خوانیم  
و غزہ می کند تکرار با خود این عبارت را

منبع: خبرگزاری ایمننا

